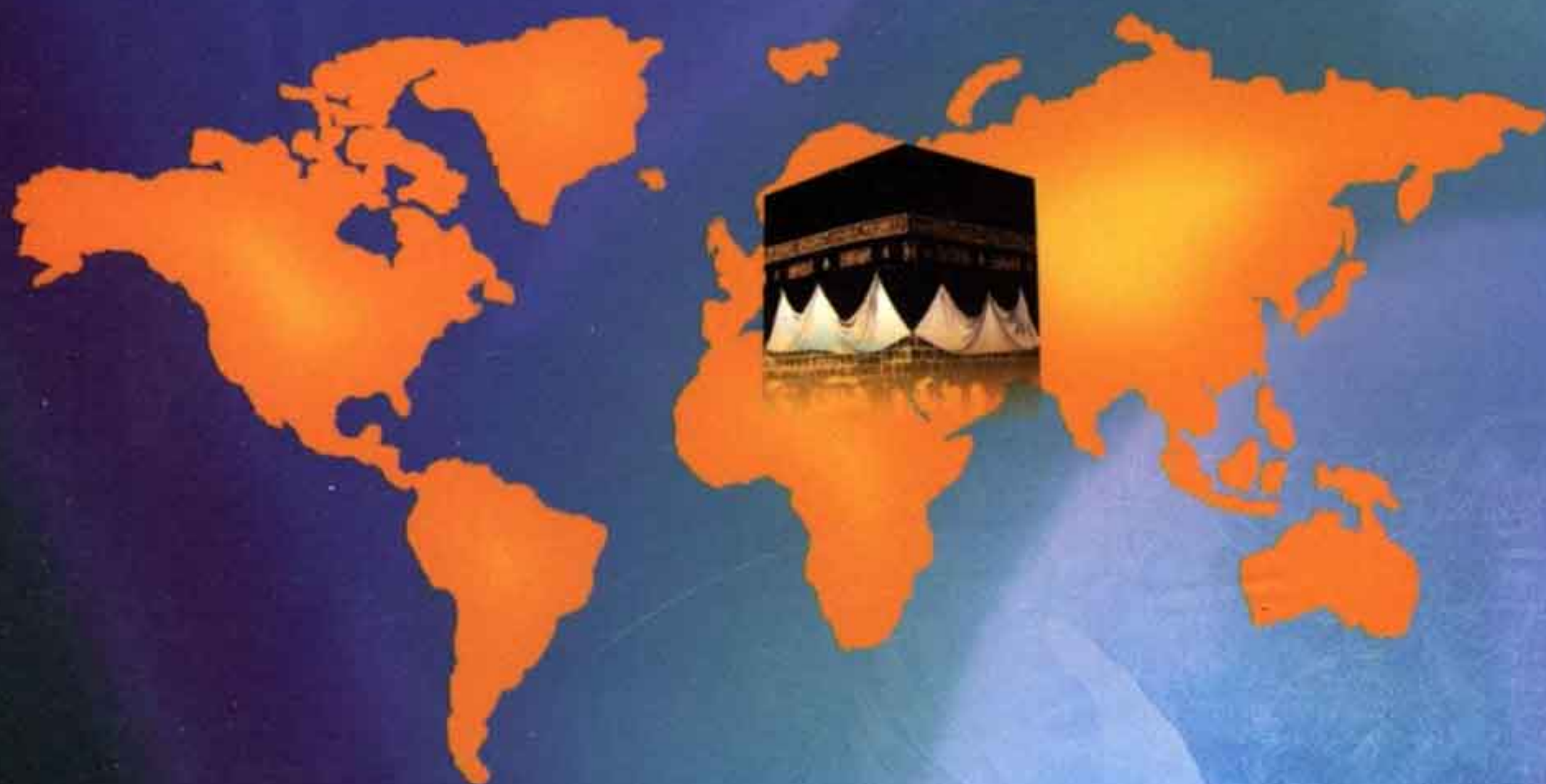


(عج)

انقلاب مهدی

از آغاز تا پایان



حوادث و رویداد های قبل و بعد از ظهور

مهدی همتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به:

آستان مقدس بقية الله الاعظم،

حضرت صاحب الزمان

عجل الله تعالى فرجه الشريف

انقلاب مهدی (عج)

از آغاز تا پایان

مهدی همتی

همتی، مهدی، ۱۳۵۸ -

انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان: حوادث و رویدادهای قبل و بعد از ظهور / مهدی همتی -

قم: جام جوان، ۱۳۸۵

۳۶۰ ص.

ISBN: ۹۶۴-۷۸۱۱-۳۱-۴ ریال: ۲۵۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۳۵۱] - ۳۶۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. ۳. آخرالزمان. ۴. فتن و ملاحم.

۵. سفیانی. الف. عنوان. ب. عنوان: حوادث و رویدادهای قبل و بعد از ظهور.

۸ الف ۸ هـ / ۴ / ۲۲۴ Bp ۴۶۲-۲۹۷



انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

نویسنده: مهدی همتی

خدمات رایانه ای: آثار دانشوران

ناشر: مؤسسه انتشارات جام جوان

نوبت چاپ: اول / اسفند ۱۳۸۵

چاپ: چاپخانه دژ

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۸۱۱-۳۱-۴

نشانی: قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، پ ۱۶۲

مؤسسه انتشارات ائمه (ع) و جام جوان

صندوق پستی: ۳۷۱۶ - ۳۷۱۸۵

تلفن: ۷۷۳۷۹۱۸ - تمایز: ۷۷۴۷۲۳۴

همراه: ۰۹۱۲۳۵۳۰۲۶۴ - ۰۹۱۲۱۵۲۰۲۸۹

فهرست مطالب

پیشگفتار ۲۱

فصل اول: آینده بشریت

بخش اول: نگاهی به گذشته بشریت ۲۵

امامان، حافظان دین ۲۶

بخش دوم: آیین های مختلف جهان و آینده بشریت ۳۱

آیین زرتشت ۳۱

آیین هندوها ۳۲

در عهد قدیم (از آیین یهود) ۳۳

در عهد جدید (از آیین مسیحیت) ۳۴

آیین اسلام ۳۵

قرآن و آینده بشریت ۳۵

حکومت اسلام ناب محمدی (ص) ۳۵

حکومت مستضعفان ۵۱

- ۵۴.....حکومت مؤمنان صالح
- ۵۶.....حکومت بندگان صالح
- ۵۸.....شیعه و مصلح آخر الزمان
- ۵۹.....مهدی (ع) از نگاه امامان
- ۵۹.....مهدی (ع) از زبان علی (ع)
- ۶۰.....مهدی (ع) از زبان امام صادق (ع)
- ۶۵.....اهل سنت و مصلح آخر الزمان
- ۶۶.....بیانیه ی علمای حجاز
- ۷۱.....سخن ابن خلدون

فصل دوم: نشانه های ظهور

- ۷۵.....بخش اول: نشانه های خاصه و عامه ظهور
- ۷۵.....نشانه های خاصه ظهور
- ۷۶.....نشانه های عامه ظهور
- ۸۱.....بخش دوم: نشانه های نزدیکی ظهور
- ۸۱.....نشانه شش سال قبل از ظهور (خروج شعیب از ایران)
- ۸۲.....نشانه های مخصوص سال قبل از ظهور
- ۸۲.....باران شدید و فراوان
- ۸۳.....شورش سفیانی و قیام سید خراسانی و یمانی
- ۸۴.....صیحه ی آسمانی در ماه رمضان

- مرگ ملک عبدالله (پادشاه عربستان) ۹۰
- نشانه های مخصوص سال ظهور ۹۲
۱. فرد بودن رقم سال ظهور ۹۲
۲. قرار گرفتن عاشورا در روز شنبه ۹۳

فصل سوم: سفیانی دشمن سرسخت مهدی (عج)

- بخش اول: شناخت سفیانی ۹۷
- اسم و نسب سفیانی ۹۹
- دین سفیانی ۱۰۱
۱. سفیانی ظاهراً مسلمان است. ۱۰۱
۲. سفیانی مسلمان شناسنامه ای است. ۱۰۲
۳. سفیانی دشمن شیعیان است. ۱۰۲
۴. سفیانی نصرانی میگردد. ۱۰۴
- بخش دوم: سیر شورش سفیانی ۱۰۵
- تدارک نیرو ۱۰۶
- نبرد سفیانی با اصهب و ابقع ۱۰۷
- نبرد قرقیسیا ۱۰۸
- یورش سپاه سفیانی به عراق ۱۱۰
- گشتارگاه اول سفیانی (بغداد) ۱۱۰
- گشتارگاه دوم سفیانی (کوفه و نجف) ۱۱۱

- ۱۱۲ یورش سپاه سفیانی به حجاز
- ۱۱۳ خروج امام از مدینه
- ۱۱۴ ورود سپاه سفیانی به مدینه و تاراج آن
- ۱۱۵ فرو رفتن سپاه سفیانی در بیابان بیداء
- ۱۱۹ بخش سوم: قیام سید خراسانی علیه سفیانی
- ۱۱۹ روایات مربوط به قیام سید خراسانی
- ۱۲۰ دو موعود ایرانیان قبل از قیام مهدی (ع)
- ۱۲۰ هاشمی خراسانی
- ۱۲۱ شعیب بن صالح
- ۱۲۲ روایت گنجهای طالقان
- ۱۲۳ روایات پرچمهای سپاه
- ۱۲۷ بخش چهارم: قیام سید یمانی علیه سفیانی

فصل چهارم: سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع)

- ۱۳۱ بخش اول: مهدی (ع)، امید مستضعفان جهان
- ۱۳۱ ویژگیهای مهدی (ع)
- ۱۳۲ خوف و خشیت از خدا
- ۱۳۳ کمالات معنوی و علمی
- ۱۳۸ کمالات اخلاقی
- ۱۳۸ اوج رحمت

- ۱۳۸ روش زندگی
- ۱۳۹ خصوصیات ظاهری
- ۱۴۳ بخش دوم: یاران مهدی (ع)
- ۱۴۳ لیست یاران
- ۱۴۳ پیامبران
- ۱۴۴ گروه ۳۱۳ نفری
- ۱۴۷ حضور زنان برگزیده در گروه ۳۱۳ نفری
- ۱۴۸ لشکر ده هزار نفری
- ۱۴۹ اصحاب رجعت
- ۱۵۰ زنده شدن مؤمنان با چهل روز باران
- ۱۵۱ رجعت پیامبر گرامی اسلام (ص) و امیر المؤمنین (ع)
- ۱۵۲ یاران رجعت کننده مهدی (ع)
- ۱۵۲ گروه بیست و هفت نفری
- ۱۵۳ جناب سلمان (ره)
- ۱۵۳ ستایش از سلمان در روایات
- ۱۵۴ سلمان از یاران مهدی (ع)
- ۱۵۶ سپاه هفتاد هزار نفری
- ۱۵۶ مفضل بن عمر با چهل و چهار نفر
- ۱۵۶ عبدالله بن شریک عامری با چهار هزار نفر
- ۱۵۷ جبیر بن حبابور با چهار هزار نفر

- ۱۵۷ قبیله ی همدان
- ۱۵۸ جناب اسماعیل (ره) به همراه ده نفر
- ۱۵۸ داود رقی
- ۱۵۹ فرشتگان برگزیده
- ۱۶۱ جنیان مؤمن
- ۱۶۲ رعب و وحشت
- ۱۶۳ ویژگیهای یاران مهدی (ع)
- ۱۶۳ شناخت عمیق نسبت به خدا
- ۱۶۳ اخلاص
- ۱۶۴ یقین
- ۱۶۴ شیران روز و زاهدان شب
- ۱۶۵ عشق به امام و اطاعت کامل از او
- ۱۶۶ صبر و بردباری
- ۱۶۷ عشق به شهادت
- ۱۶۷ شجاعت
- ۱۶۸ اتحاد و یکدلی
- ۱۶۸ زهد و پارسایی
- ۱۶۸ ناشناخته بودن در زمین
- ۱۷۲ بخش سوم: ظهور مهدی (ع)
- ۱۷۳ ظهور صغری

- اشتیاق فراوان مردم به ظهور مهدی (ع) ۱۷۵
- نهایت تلاش مدعیان دروغین مهدویت ۱۷۵
- ظهور کبری ۱۷۷
- شهادت نفس زکیه، مقدمه ی ظهور کبری ۱۷۷
- پانزده شب تا ظهور کبری ۱۷۹
- جمع شدن یاران مهدی (ع) در مدتی کوتاه ۱۸۰
- ندا به نام حضرت ۱۸۹
- اولین خطبه مهدی (ع) خطاب به جهانیان ۱۸۹
- بیعت جبرئیل و یاران با حضرت ۱۹۳
- بیعت بشیر با حضرت ۱۹۵
- ندا و فریاد به نام حضرت ۱۹۶
- پیمان دو طرفه ۱۹۸
- بخش چهارم: قیام مهدی (ع) ۲۰۱**
- مدت قیام ۲۰۱
- پرچم قیام ۲۰۲
- رنگ و جنس پرچم ۲۰۵
- روش برخورد حضرت با دشمنان ۲۰۶
- اولین اقدام حضرت ۲۰۹
- روش برخورد مکیان با حضرت ۲۰۹
- روش برخورد حضرت با مکیان ۲۱۰

- ۲۱۱ روش برخورد حضرت با قریش
- ۲۱۲ روش برخورد حضرت با اعراب منحرف
- ۲۱۴ روش برخورد حضرت با ناصبی ها
- ۲۱۵ دستور حضرت قبل از حرکت به سوی مدینه و کوفه
- ۲۱۷ حرکت به سوی مدینه ی منوره
- ۲۱۸ ورود به مدینه منوره
- ۲۱۹ درد دل با جد بزرگوار
- ۲۲۰ سوزاندن ازرق و زریق
- ۲۲۱ حرکت به سوی عراق
- ۲۲۲ ورود به سرزمین نجف
- ۲۲۳ حرکت به سوی پایتخت (کوفه)
- ۲۲۳ تبرد با گروه مسلح « بُتْرِيَه »
- ۲۲۶ اوضاع کوفه در هنگام ورود حضرت
- ۲۲۸ روش برخورد با کفار و منافقین
- ۲۳۰ اعتراض به سخنان حضرت در رميله
- ۲۳۲ اعتراض به روش حضرت
- ۲۳۴ پوشیدن زره جلدش پیامبر (ص)
- ۲۳۴ تبرد با ترکها
- ۲۳۵ حرکت حضرت به سوی قدس شریف
- ۲۳۶ تبرد با سفیانی

- سقوط و هلاکت سفیانی ۲۳۸
- روش برخورد حضرت با یهود و نصارا ۲۴۰
- جمع بین روایات ۲۴۳
- استدلال حضرت با یهودیان بر اساس تورات ۲۴۳
- نبرد مسلمانان با یهودیان در آخر الزمان از دیدگاه قرآن ... ۲۴۵
- فرود حضرت عیسی (ع) از آسمان ۲۴۸
- شمعون بن حمون الصفا از یاران مهدی (ع) ۲۵۰
- حواریون عیسی (ع) از یاران مهدی (ع) ۲۵۱
- قرار داد صلح بین مسلمانان و رومیان ۲۵۲
- نبرد رومیان با مسلمانان با نقض قرار داد صلح ۲۵۳
- فتح جهان به دست مهدی (ع) برای نجات بشر ۲۵۵
- دستور ساخت کشتی های جنگی ۲۵۶
- فتح قسطنطنیه، چین و دیلم ۲۵۶
- فتح روم ۲۵۷
- قدرت تکبیر ۲۵۹
- به هلاکت رسیدن فراریان بنی امیه ۲۶۰
- فتح مصر و بصره ۲۶۲
- فتح سند، هند، کابل و خزر ۲۶۲
- فتح زنگبار و شمال آفریقا ۲۶۳
- خروج و سقوط دجال ملعون ۲۶۳

فصل پنجم: سیمایی از حکومت مهدی (ع)

بخش اول: حکومت اسلامی مهدی (ع) ۲۶۹

فرمانروایان حکومت ۲۷۱

انتخاب «کوفه» به عنوان پایتخت حکومت جهانی ۲۷۲

ارزش زمین کوفه ۲۷۳

گستره حکومت مهدی (ع) ۲۷۴

مدت حکومت جهانی ۲۷۵

محل سکونت مهدی (ع) و خانواده اش ۲۷۷

بخش دوم: اقدامات حکومتی و برکات الهی ۲۷۹

۱. احیای دینداری ۲۷۹

دینداری قبل از ظهور ۲۸۰

دعا برای استواری قلب بر دین ۲۸۲

دینداری بعد از ظهور ۲۸۲

۲. محو بدعت ها و احیای سنت ها ۲۸۳

برگرداندن مساجد به حالت اصلی ۲۸۷

تخریب مناره ها و بلندیها ۲۸۷

روشن بر خوردن با مساجد سقف و نقش دار ۲۸۸

تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن ۲۸۹

- باز سازی کعبه، مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) .. ۲۹۰
- تغییر مقام ابراهیم ۲۹۱
۳. گسترش فرهنگ اسلامی ۲۹۱
- تعلیم قرآن کریم به ترتیب نزول ۲۹۳
- گسترش فرهنگ نماز و ساخت مساجد ۲۹۴
- مسجد جامع جهانی (مسجد هزار در) ۲۹۶
- مسجد پانصد در ۲۹۷
- مسجد دوازده هزار در ۲۹۸
- رشد علم و ایمان ۲۹۸
- گسترش اخلاق اسلامی ۳۰۲
- ریشه کنی فساد و گسترش پاکی ۳۰۵
۴. شکوفایی اقتصادی همراه با عدالت اقتصادی ۳۰۶
- عدالت اقتصادی ۳۰۸
- ریشه کنی فقر و غنای همگانی ۳۱۳
- فقر مذموم ۳۱۳
- فقر پسندیده ۳۱۵
- نوعی دیگر از فقر پسندیده ۳۱۶
- جمع بین روایات ۳۱۷
- فقر و گرسنگی قبل از ظهور ۳۱۸

- ۳۲۰ غنای بعد از ظهور
- ۳۲۲ نزول برکات آسمانی
- ۳۲۴ بارش باران در غیر موسمش
- ۳۲۵ کمبود باران و خشکسالی
- ۳۲۵ خشک شدن دریاچه ها و رودها
- ۳۲۶ ترسالی و صف ناشدنی بعد از ظهور
- ۳۲۷ چهار چشمه در مسجد کوفه
- ۳۲۸ افزایش محصولات کشاورزی و نباتات
- ۳۳۰ ظاهر شدن گنجها و معادن زمین
- ۳۳۱ ۵. برقراری امنیت فراگیر
- ۳۳۱ تا امنی قبل از ظهور
- ۳۳۳ تا امنی راهها
- ۳۳۳ امنیت و صف ناشدنی بعد از ظهور
- ۳۳۵ امنیت راهها
- ۳۳۶ امنیت حیوانات
- ۳۳۸ ۶. احیای سلامتی، افزایش توان بدنی و بالا رفتن طول عمر
- ۳۳۸ افزایش بیماریها و امراض قبل از ظهور
- ۳۳۹ تابودی امراض و گسترش سلامتی بعد از ظهور
- ۳۴۳/ بخش سوم: تداوم حکومت اهل بیت علیهم السلام
- ۳۴۴ رحلت حضرت عیسی (ع)

- شهادت حضرت مهدی (ع) ۳۴۴
- رجعت امام حسین (ع) و یارانش ۳۴۶
- مراسم تدفین امام مهدی (ع) ۳۴۷
- حکومت حسین بن علی (ع) ۳۴۹
- حکومت رسول خدا (ص) و امیر المؤمنین علی (ع) ۳۴۹
- فهرست منابع ۳۵۱

پیشگفتار

در زمانی که جهان را سراسر ظلم، فساد و ناامنی فرا گرفته باشد و عرصه بر حق طلبان و عدالت خواهان تنگ گردد؛ خداوند به آخرین وصیش اذن ظهور می دهد تا با قیام و انقلاب جهانی به ظلم، فساد و ناامنی پایان دهد، عدالت واقعی را محقق سازد و بشریت تشنه‌ی حقیقت و عدالت را سیراب نماید. قیام مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه الشریف» آخرین قیامی است که علیه ظالمان و مستکبران صورت می گیرد و با این قیام، طومار آنان برای همیشه پیچیده خواهد شد. بیان نشانه‌های ظهور، چگونگی قیام، ویژگیها و دستاوردهای حکومت جهانی حضرت مهدی (ارواحنا فداه)، از دیرباز مورد توجه علما و نویسندگان بوده و تاکنون کتابهای زیادی در این زمینه‌ها منتشر شده است. ما در این کتاب تلاش نمودیم با استفاده از آیات و روایات، سیری در آن دوران طلایی داشته باشیم و دورتمایی از آن زمان نزدیک را تقدیم منتظران راستین نماییم.

به امید آنکه توانسته باشیم گامی هرچند کوچک در جهت زمینه‌سازی

۲۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

ظهور و قیام مولایمان برداشته باشیم.

هم اینک که در یک قدمی ظهور قرار داریم بر همه منتظران واقعی و به خصوص ما شیعیان لازم است تا بیش از پیش بر آمادگی خود بیفزاییم و خود را برای آن واقعه بزرگ تاریخی آماده نماییم.

در پایان از همسرم که در تنظیم مطالب مرا یاری نمودند و همچنین از آقایان تقدسی نیا و جینور، مسوولین محترم انتشارات ائمه و جام جوان که زحمت انتشار کتاب را بر عهده گرفتند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

پروردگارا! بر ما امت آخرالزمان که در طوفان فتنه‌ها گرفتار شده‌ایم، منتی بگذار و در ظهور آخرین وصیت تعجیل بفرما! آمین یا رب العالمین

ذی الحجه الحرام ۱۴۲۷ هجری قمری

مطابق دیماه ۱۳۸۵ هجری شمسی

مهدی همتی

فصل اول

آینده بشریت

بخش اول: نگاهی به گذشته بشریت

برای بررسی آینده بشریت باید نگاهی هر چند گذرا به گذشته بشر و تاریخ زندگیش بیندازیم. تاریخ زندگی بشر با خلقت آدم و حوا و فرود آمدنشان به زمین آغاز گردید و نسل انسانها یکی بعد از دیگری به وجود آمد. از آنجا که آفرینندهی جهان و انسان خداست و او پروردگار و مربی انسانهاست، از همان ابتدا برای راهنمایی اش به سوی خود و خوبیها، پیامبران را با برنامه‌ی زندگی (دین) فرستاد تا زمینه‌ی رشد و تعالی بشر را فراهم نمایند و با عوامل ضد پیشرفت مادی و معنوی او مانند طاغوتها مبارزه نمایند. پیامبران از آدم تا خاتم در راه هدایت بشر و مبارزه‌ی با طاغوتیان زمان، سختیهای زیادی را تحمل کردند و هر کدام با طاغوتی سرسخت مواجه شدند و با او به نبرد و مبارزه برخاستند. ابراهیم با ثمود جنگید، موسی با فرعون نبرد کرد و محمد با ابوسفیان مبارزه نمود. این دشمنان با آیین پیامبران که آیین توحید و یکتا پرستی و دعوت مردم به عدالت و برادری بود به شدت مخالف بودند و مانع از دعوت آنها می شدند. زمان گذشت تا اینکه در جزیره العرب و در

۲۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

زمان جاهلیت، پیامبری مبعوث شد که خدا او را آخرین پیامبری دانست.^۱ او محمد «صلی الله علیه وآله وسلم» بود و دینش؛ یعنی اسلام، آخرین و کاملترین دین الهی محسوب شد و بدین ترتیب سلسله‌ی پیامبران الهی و ادیان یا نبوت محمد (ص) و دین اسلام به پایان رسید و این دین به عنوان برنامه‌ی زندگی انسانها تا پایان تاریخ انتخاب گردید.

امامان، حافظان دین

بعد از رحلت پیامبر اعظم «صلی الله علیه وآله وسلم»، سلسله‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم السلام شروع شد و بدین ترتیب، دور تازه‌ای از زندگی بشر آغاز گردید. امامان با تبعید، اسارت و بالاخره شهادت، دین نوپای اسلام را از خطر کجرویها و انحرافات حفظ کردند.

علی (ع) در راه حفظ دین و دفاع از حقوق مظلومین با ناکثین، قاسطین و مارقین جنگید و بالاخره به شهادت رسید. حسین (ع) با یاران باوفایش در صحرای کربلا قربانی راه دین و مبارزه‌ی با زشتیها و منکرات گردید. دیگر امامان نیز هر کدام با شیوه‌ای به شهادت رسیدند.

زمان گذشت تا سلسله‌ی امامت به امام حسن عسکری علیه السلام رسید. در دوران او گرچه حکام مستبد بنی امیه نبودند؛ اما حکام بنی

^۱ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ. (احزاب/۴۰)

^۲ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ. (آل عمران/۱۹)

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. (آل عمران/۸۵)

آینده بشریت / ۲۷

عباس دست کمی از آنان نداشتند. این حکام با شیوه های متناقضانه و مرموزانه با امام می جنگیدند تا جایی که امام یازدهم بیشتر عمرش تحت تعقیب این حکام بود. حکام بنی عباس می دانستند که از امام یازدهم فرزندی متولد خواهد شد که جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود و به همین علت، منزل امام حسن عسکری، تحت مراقبت شدید جاسوسان بنی عباس قرار داشت؛ اما به خواست خدا، آخرین امام و آخرین وصی خدا در زمین، در نیمه ی شعبان سال ۲۵۵ هـ ق متولد شد و از همان ابتدا از نظرها غایب گردید؛ زیرا جامعه ی آن روز پذیرای امام نبود و در صورت حضور، آخرین وصی خدا نیز شهید می شد و زمین خالی از حجت باقی می ماند در حالی که خدا زمین و اهلش را خالی از حجت نمی گذارد.

با پایان غیبت صغری، غیبت کبری امام آغاز گردید و تاکنون ۱۰۹۸ سال از غیبتش می گذرد.^۱ در این مدت انواع حکومت های بشری با شیوه های گوناگون روی کار آمده اند و تقریباً همه امتحان خود را پس داده اند. هیچکدام از این حکومتها نتوانسته اند مردم را قانع و راضی نمایند و با گذشت زمان بر نا امنی، بی عدالتی و ظلم و جور و فساد افزوده شده است. پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود:

پس از من خلفایی بر سر کار خواهند آمد؛ بعد از خلفا،

^۱ از سال ۳۲۹ تا ۱۴۲۷ هجری قمری.

۲۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

امرای و پس از امرا، پادشاهان و پس از آنان جباران و

ستمگران؛ سپس مهدی علیه السلام ظهور می کند.^۱

ما اعتقاد داریم که ایده آل زندگی بشر، در حکومت مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه الشریف» صورت خواهد گرفت و هیچ حکومتی نمی تواند مانند آن باشد. تا قبل از تشکیل حکومت مهدی علیه السلام کسانی که ادعای حکومت و توان آن را دارند به حکومت می زنند تا مشخص گردد که هیچ حاکمیتی، حاکمیت امام معصوم نمی گردد. امام باقر علیه السلام فرمود:

حکومت و دولت ما، آخرین دولت است و هیچ حزب، گروه و خاندانی نمی ماند که دارای حکومت باشد مگر اینکه پیش از ما، حکومتشان بر روی کار می آید و این برای آن است که اگر روش و سیاست حکومت ما را دیدند، نگویند اگر ما هم زمامدار می شدیم، این چنین رفتار می کردیم و این معنای سخن خداوند است که فرمود:

والعاقبه للمتقين؛^۲ و عاقبت کاراژ آن پرهیزکاران است.^۳

اینک و در دوره ی آخر الزمان، همه ی انسانها با هر آیین و مکتبی و از هر نژاد و قبیله ای، منتظر یک منجی الهی هستند تا جهان را از

^۱ فردوس الأخبار، ج ۵، ص ۴۵۶؛ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۷۵.

^۲ آعراف / ۱۲۷.

^۳ الارشاد، ص ۳۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

آینده بشریت / ۲۹

این وضعیت نابسامان نجات دهد. البته زورگویان و مستکبران جهان که حیاتشان در حفظ وضعیت موجود است، با آمدن این منجی الهی مخالف هستند و در حال حاضر که زمزمه‌های ظهور آن ذخیره‌ی الهی در سراسر دنیا به گوش می‌رسد، بر ترس و وحشتشان افزوده شده است و خود را برای رویارویی با آن منجی بزرگ آماده می‌کنند؛ اما بدانند که آینده بشریت و پایان تاریخ متعلق به خداپرستان و مؤمنان صالح است که با آمدن موعود عصر و خاتمه یافتن ظلم ظالمان و مستکبران، حکومتشان بر اساس دین اسلام و قوانین مترقی آن و فرمانروایی مهدی علیه السلام شکل خواهد گرفت و آنگاه بشریت طعم خوش زندگانی با حضور امام و صالحان دولتش را خواهد چشید.

بخش دوم: آیین های مختلف جهان و آینده بشریت

آیین های مختلف جهان، آینده بشریت را دوران صلح، عدالت و آبادانی می دانند و اعتقاد دارند که در آخر الزمان مصلحی الهی، زمین را پر از عدل و داد می کند.

آیین زرتشت

۱. در کتاب معروف «زند» آمده است:

... آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و
اهریمنان را منقرض می سازند... پس از پیروزی ایزدان و
برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصل خود
رسیده بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.^۱

۲. جاماسب در کتاب «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می کند:

از زمین تازیان (عرب) از فرزندان هاشم، مردی بزرگ
سر و بزرگ تن و بزرگ ساق بیرون آید و بر آیین جد

^۱ محمد صادقی، اشارات عهدین، ص ۲۳۸.

خویش و با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و
زمین را پر از عدل و داد کند.^۱

اوصافی که در نقل جاماسب بیان شده، گویای بعضی از صفات
حضرت مهدی علیه السلام است؛ چرا که آن حضرت از سرزمین
عربستان ظهور خواهد کرد، از اولاد هاشم و بر دین جد خویش است
و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همانطور که از جور و ستم پر شده است.

آیین هندوها

۱. در کتاب «وشن جوک» آمده است:

سرانجام دنیا به کسی بر می‌گردد که خدا را دوست دارد
و از بندگان خاص او باشد و نام او «فرخنده» و «خجسته»
باشد.^۲

۲. در کتاب «دید» آمده است:

پس از خرابی دنیا، در آخر زمان پادشاهی پیدا شود که
نامش منصور است و پیشوای خلائق تمام عالم را می‌گیرد
و به دین خود آورد و همه کس را، از مؤمن و کافر،
بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.^۳

^۱ همان، ص ۲۴۳ - ۲۴۴.

^۲ رسول رضوی، امام مهدی، ص ۸؛ ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۵۴.

^۳ بشارات عهدین، ص ۲۴۵.

۳. در کتاب «یاسک» نیز چنین آمده است:

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که
پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد و راستی حق با او
باشد و آن چه در دریا و زمین و کوه‌ها پنهان باشد همه را
به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین آن چه باشد خیر می‌دهد
و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.^۱

در عهد قدیم^۲ (از آیین یهود)

۱. در کتاب «مزامیر داود» آمده است:

... زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما متوکلان به
خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک مدتی
شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد
بود، اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد...؛ زیرا
متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی
منقطع خواهند شد.^۳

۲. در کتاب «اشعیا» - در بخشی که سراسر تشبیه است - می‌خوانیم:

و نهالی از تنه‌ی یسی بر آمده، شاخه‌ای از شاخه‌هایش
قد خواهد کشید... ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان

^۱ همان، ص ۲۴۶.

^۲ آثار دینی یهود به عهد قدیم معروف است.

^۳ کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر، ش ۳۷.

۳۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

زمینی به راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد بود. کمربند
کمرش عدالت و وفا نطق میانش خواهد بود. گرگ با بره
سکونت داشته ... و طفل کوچک راعی (شبان) ایشان خواهد
بود... و در تمامی کوه مقدس من، هیچ ضرر و فساد نخواهد
کرد، زیرا که زمین از دانش خداوند مثل آب هایی که دریا
را فرو می گیرند پر خواهد شد.^۱

در عهد جدید^۲ (از آیین مسیحیت)

۱. در انجیل متی چنین آمده است:

چون که برق از مشرق بیرون می آید و تا به مغرب ظاهر
می گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند
دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می آید با قدرت
و جلال عظیم، و فرشته های خود را (یاران خود را) خواهد
فرستاد با صور بلند آواز و آنان برگزیدگان را جمع
خواهند نمود.^۳

۲. در انجیل لوقا نیز آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را افروخته دارید
و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشد تا هر

^۱ کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب اشعیا، فصل ۱۱، ش ۱ - ۱۰.

^۲ آثار دینی مسیحیت به عهد جدید معروف است.

^۳ کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، فصل ۲۴، ش ۳۰ - ۳۴.

وقت بیاید و در را یکوبد، بی درنگ آن را برای او باز کنید.^۱
این بود شمه‌ای از نظریات اقوام غیر از اسلام. اکنون مسأله‌ی آینده‌ی بشریت و پایان تاریخ را از دیدگاه اسلام بررسی می‌کنیم.

آیین اسلام

از نظر آیین اسلام، آینده بشریت بسیار روشن است. ما ابتدا این مسأله را از دیدگاه قرآن، مورد بررسی قرار می‌دهیم و آنگاه نظر شیعه و اهل سنت را در مورد موعود و مصلح آخر الزمان بیان می‌کنیم.

قرآن و آینده بشریت

از دیدگاه قرآن، آینده بشریت بسیار روشن و امید بخش است. در آن زمان نزدیک، حکومت و فرمانروایی جهان به مؤمنان صالح که به استضعاف کشیده شده‌اند، سپرده می‌شود. حاکم این حکومت صالح، مهدی موعود علیه السلام است که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. اینک بیان و شرح روایی آیات مربوط به این حکومت:

حکومت اسلام ناب محمدی (ص)

الف. خداوند متعال در قرآن، ابتدا در مورد تلاش دشمنان برای از میان برداشتن دین اسلام می‌فرماید:

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن

^۱ همان، انجیل لوقا، فصل ۱۲، ش ۳۵ - ۳۷.

يُتِمُّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^۱

می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند.

کسانی که دشمن خدا و دین هستند، همواره در طول تاریخ با پیامبران و برنامه های حیات بخششان (دین) مخالفت و دشمنی داشته اند و برای شکست دین الهی از هیچ کوششی دریغ نکرده اند. در دوران اسلام نیز از زمان پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله وسلم» تاکنون، با شیوه های گوناگون تلاش کرده اند تا بلکه بتوانند دین اسلام را که آخرین، برترین و کاملترین دین الهی است، شکست داده و از میان بردارند و در این دوران که آخر الزمان است؛ بر شدت تلاش و فعالیتشان افزوده اند.

زمانی به پیامبر این دین الهی توهین و جسارت می کنند^۲ و زمانی دیگر دین اسلام را به خشونت و عقل ستیزی متهم می کنند.^۳ تجاوز به کشورهای مسلمان و به خصوص کشورهای شیعی و اشغال آنها نیز از دیگر برنامه هایشان برای ضدیت با اسلام است که

^۱ توبه / ۲۲.

^۲ توهین به پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» از طریق طراحی کاریکاتور و بخش توهین به پیامبر گرامی اسلام در شبکه تلویزیونی دافنارک.

^۳ اظهار نظر پاپ بندیکت شانزدهم در تاریخ دوازدهم سپتامبر ۲۰۰۶.

نمونه‌ی آن را در تجاوز به افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین می‌بینیم. این آیه به مسلمانان بشارت می‌دهد که نور خدا خاموش شدنی نیست^۱ و تلاش دشمنان برای خاموشی دین اسلام مانند آن است که کسی بخواهد با فوت کردن نور خورشید را خاموش کند. و این چقدر مضحک است!

چراغی را که ایزد بفرورد

هر آن کس پف کند ریشش بسوزد

دشمنان اسلام و مسلمین باید بدانند که اراده‌ی الهی بر این تعلق گرفته است که نور خود را کامل کند^۲ و بر تمام جهان بتاباند، هر چند کافران ناخشنود باشند.

آیه‌ی بعد به گسترش دین اسلام در اقصی نقاط جهان اشاره می‌کند و بشارت عالمگیر شده اسلام را به مسلمانان می‌دهد و اینکه

^۱ مسأله خاموش کردن نور خدا در آیه‌ی دیگری از قرآن نیز آمده است با این تفاوت که در این آیه «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا» ذکر شده در حالی که در سوره‌ی صف «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا» آمده است. راغب در مفردات در توضیح تفاوت این دو تعبیر می‌گوید: آیه‌ی نخست اشاره به خاموش کردن بدون مقدمه است ولی در آیه‌ی دوم اشاره به خاموش کردن توأم با توسل به اسباب است. یعنی خواه آنها بدون استفاده از مقدمات و خواه با توسل به اسباب مختلف برای خاموش کردن نور حق به پا خیزند، با شکست روبرو خواهند شد. (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۶۹).

^۲ کلمه «یایی» از ماده «اباء» به معنی شدت امتناع و جلوگیری کردن از چیزی است و این تعبیر، اراده و مشیت حتمی پروردگار را برای تکمیل و پیشرفت آیین اسلام به ثبوت می‌رساند، و نمایه‌ی دلگرمی امیدواری همه‌ی مسلمانان نسبت به آینده‌ی این آیین است. اگر مسلمانان، مسلمان واقعی باشند. (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۶۹).

۳۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

تلاشهای فراوان دشمنان اسلام به جایی نمی‌رسد.

خدای متعال با صراحت می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۱

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد،
تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان
خوش نداشته باشند.

خداوند سه بار وعده پیروزی اسلام بر تمام ادیان را داده است؛ آیه
مذکور، آیه ۲۸ از سوره فتح^۲ و آیه ۹ از سوره صف^۳.

آیات فوق‌خبر از واقعه‌ی مهمی می‌دهند که اهمیتش موجب این
تکرار شده است. خبر از جهانی شدن دین اسلام می‌دهد و هم اینک
سرعت پیشرفت اسلام در جهان، نشان از عالمگیر شدن این آیین الهی
است.

غلبه‌ی دین اسلام بر همه‌ی ادیان، به خاطر حق بودن آن همراه با
دلائل روشن و براهین آشکار آن است به طوری که دیگران در برابر
منطق و استدلال قوی آن تسلیم می‌شوند و دین اسلام را می‌پذیرند،
البته مشرکان از پیروزی و غلبه‌ی همه‌جانبه‌ی اسلام (چه غلبه از راه

^۱ توبه / ۳۳.

^۲ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا.

^۳ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

منطق و استدلال و چه غلبه‌ی ظاهری و حکومتی) ناخشنودند که در برابر اراده‌ی الهی بی تأثیر است.

عمران بن میثم، از عبایه بن ربیع روایت می‌کند که امیر المؤمنین علیه السلام، این آیه‌ی شریفه را تلاوت و سپس فرمود: آیا این غلبه و پیروزی تحقق یافته است؟

گفتند: آری فرمود:

نه هرگز، سوگند به خدایی که جان علی در قبضه‌ی قدرت اوست، این غلبه و پیروزی محقق نمی‌شود مگر هنگامی که هیچ آبادی در روز زمین باقی نماند جز اینکه هر صبح و شام در آن بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول الله» بلند شود.^۱

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

ای مفضل! اگر پیغمبر «صلی الله علیه و آله وسلم» بر همه‌ی ادیان ظاهر و غالب شده بود، دیگر نه مجوس مانده بود و نه یهود و نه نصارا، و نه صائبی... و نه آفتاب پرست، ماه پرست، آتش پرست و سنگ پرست و جز این نیست که خداوند فرموده: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ تَحَقُّقًا آن، روزی خواهد بود که مهدی علیه السلام ظهور کند و رجعت پیش

۴۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

آید و این است معنای سخن خداوند: و قاتلوهم حتی لا

تکون فتنه و یکون الدین کله لله.^۱

پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله وسلم» فرمود:

خداوند (در حدیث معراج) فرمود: قسم به عزت و جلالم!

به وسیله آنها دینم را ظاهر می‌سازم و کلمه‌ی خود را

بلند می‌نمایم و زمین را با آخرین آنها از دشمنانم پاک

می‌گردانم و او را مالک مشارق و مغارب زمین می‌کنم و

بادها را مسخر می‌نمایم و ابرهای سرکش را ذلیل او می‌گردانم

و او را به آسمان‌ها بالا می‌برم و او را با لشکر خودم

یاری می‌نمایم و با قرشته‌هایم مدد می‌رسانم، تا دعوت

مرا اعلان و مردم را به یگانگی من گرد آورد.^۲

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مذکور (توبه/۳۳) فرمود:

این آیه مبارکه به هنگام خروج مهدی آل محمد علیه

السلام تحقق می‌یابد. دیگر احدی در زمین باقی نمی‌ماند

جز این که به رسالت محمد «صلی الله علیه و آله وسلم»

اعتراف می‌کند.^۳

^۱ معجم احادیث امام مهدی (ع)، ج ۵، ص ۱۴۳، ح ۱۵۶۲؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۷۹ -

۲۷۸، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳.

^۲ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۶۶.

^۳ تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸، المحججه، ص ۸۷.

آینده بشریت / ۴۱

ابویصیر می گوید: از امام صادق درباره‌ی این آیه‌ی شریفه (هو الذی ارسل رسوله بالهدی و...) پرسید؟

امام در جواب فرمود: به خدا قسم! هنوز موقع تأویل این آیه نرسیده است.

گفتم: قربانت کردم! چه وقت موقع آن فرا می رسد؟ فرمود:

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، موقع تأویل این آیه فرا می رسد، و چون قائم قیام کند هر کافر و مشرکی، ظهور او را ناخوش دارد؛ زیرا اگر کافر یا مشرک در دل سنگی پنهان شود آن سنگ صدا می زند: ای مؤمن! کافر یا مشرکی در دل من پنهان شده است بیا و او را به قتل برسان! و خداوند او را بیرون می آورد و یاران حضرت قائم علیه السلام او را به قتل می رسانند.^۱

مجاهد در تفسیر این آیه‌ی شریفه از قول ابن عباس نقل می کند که گفت: این وعده محقق نمی شود مگر هنگامی که تمام یهود و نصاری و پیروان هر کیش به دین اسلام بگروند، و گرگ و میش و گاو و شیر و مار، بر جان خود ایمن باشند. و دیگر هیچ موشی انبانی را پاره نکند، و جزیه گرفتن از اهل کتاب ساقط شود، و صلیب شکسته شود، و خوکیها معدوم گردند، و این معنای قول خدای تعالی (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

^۱ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰، ح ۵۸؛ منابع الموده، ج ۳، باب ۷۱، ص ۲۹۳.

۴۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) است و تحقق این وعده به هنگام قیام قائم آل محمد، خواهد بود.^۱

ب. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ

فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۲

و با آنان (دشمنان) بجنگید تا فتنه ای^۳ (از کفر و شرک)

بر جای نماند و دین، یکسره برای خدا باشد، پس اگر (از

کفر خود) دست کشیدند، همانا خداوند به آنچه انجام می دهند

آگاه است.

در این آیه، دو هدف از اهداف جهاد اسلامی بیان شده است که

عبارتند از:

۱. نابودی شرک و بت پرستی

شرک و بت پرستی نه دین و نه مکتب، بلکه خرافه ای بیش نیست

و باید بساط آن برچیده شود و بتکده ها از بین برود. حکومت اسلامی

^۱ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۱.

^۲ انفال / ۳۹.

^۳ فتنه مفهوم وسیعی دارد که هرگونه اعمال فشار را شامل می شود، بدین رو گاهی در قرآن کلمه‌ی فتنه به معنی شرک و بت پرستی که انواع محدودیت ها و فشارها را برای جامعه در بر دارد گفته شده، همچنین به فشارهایی که از ناحیه‌ی دشمنان برای جلوگیری از گسترش دعوت اسلام و به منظور خفه کردن ندای حق طلبان و حتی بازگرداندن مؤمنان به سوی کفر به عمل می آید «فتنه» اطلاق شده است.

(تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۶۵).

ابتدا از طریق تبلیغ و اگر میسر نشد از طریق توسل به زور، بساط بت پرستی را از همه جا بر می‌چیند و بتخانه‌ها را ویران می‌کند. مبارزه‌ی با شرک و بت پرستی از اصلی‌ترین اهداف ادیان الهی بوده و مختص به اسلام نیست. همه‌ی پیامبران با شرک و بت پرستی و مظاهر آن مبارزه می‌کردند. ابراهیم علیه السلام تبر به دست می‌گیرد و بتها را شکسته و بتخانه را ویران می‌کند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز پس از سالها تبلیغ بر ضد شرک و بت پرستی در روز فتح مکه فرمان سرنگونی بتخانه‌ها را می‌دهد. در زمان انقلاب مهدی علیه السلام نیز بساط شرک و بت پرستی از همه جهان برچیده خواهد شد و ندای توحید و یکتا پرستی، سراسر عالم را فرا خواهد گرفت. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

تأویل و تفسیر نهایی این آیه (انفال/۳۹) هنوز فرا نرسیده

است، و هنگامی که قائم ما قیام کند کسانی که زمان او را درک کنند تأویل این آیه را خواهند دید، به خدا سوگند که در آن موقع دین محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» به تمام نقاطی که شب پوشش آرام بخش خود را بر آن می‌افکند خواهد رسید تا در سراسر زمین مشرک و بت پرستی باقی نماند.^۱

^۱ تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۳؛ تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۶۶.

۲. گسترش مکتب اسلام

اگر کسانی بخواهند با روشهای گوناگون خود جلوی گسترش مکتب اسلام را بگیرند اسلام اجازه می‌دهد که مسلمانان دست به جهاد آزادی بخش بزنند و راه را برای تبلیغ منطقی این دین الهی باز کنند. البته این به معنای تحمیل اسلام نیست. خدا در قرآن می‌فرماید:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛^۱

در (پذیرش) دین، اکراهی نیست. همانا راه رشد از گمراهی روشن شده است.

در پذیرش دین اجباری نیست و نمی‌توان کسی را با زور و سلاح متدین و معتقد به چیزی کرد. در شأن نزول این آیه نوشته اند که:

مردی از اهل مدینه به نام «حصین» دو پسر داشت. برخی از بازرگانان که به مدینه کالا وارد می‌کردند هنگام برخورد با این دو پسر، آنان را به عقیده و آیین «مسیحیت» دعوت کردند، آنان هم سخت تحت تأثیر قرار گرفته و به آیین آیین وارد شدند و هنگام مراجعت نیز به اتفاق بازرگانان به شام رهسپار گردیدند.

«حصین» از این جریان سخت ناراحت شد و جریان را به پیغمبر اطلاع داد و از حضرت خواست که آنان را به

مذهب خود برگرداند و سؤال کرد: آیا می توانم آنان را به اجبار به مذهب خویش بازگردانم؟ آیه فوق نازل گردید که:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ^۱

و باز در شأن نزول آیه نوشته اند که در مدینه - چنانکه می دانید - دو قبیله ی اوس و خزرج ساکن بودند و مدنیهای اصلی همینها بودند. اینها همه با چند قبیله بزرگ یهود همسایه بودند که این قبیله ها یکی قبیله بنی النضیر بود، یکی هم قبیله بنی قریظه؛ یک قبیله دیگر هم از یهودیها بود که در اطراف مدینه بودند.

یهودیها به اعتبار اینکه مذهبشان مذهب یهود بود و کتاب آسمانی داشتند کم و بیش در میان اینها افراد با سواد پیدا می شد، برعکس خود آن، مدنیهای اصلی که بت پرست بودند و با سواد نداشتند و این اواخر چند نفر با سواد در میانشان پیدا شده بود. یهودیها چون به اصطلاح فرهنگ و سطح فکرشان بالاتر بود در اینها نفوذ داشتند با اینکه مذهب اوس و خزرجی ها با مذهب یهود دو تا بود معذک تحت تأثیر عقاید یهود قرار می گرفتند و گاهی بچه هایشان را نزد یهودیها می فرستادند که درس بیاموزند و احیاناً بچه های اینها که نزد یهودیها می رفتند از مذهب بت پرستی

^۱ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۰۴.

دست برمی داشتند و یهودی می شدند. وقتی که پیغمبر اکرم وارد مدینه شدند یک عده از این بچه های اهل مدینه تحت تربیت این یهودیها بودند و دین یهود را انتخاب کرده بودند و برخی از اینها از دین یهود برنگشتند، پدر و مادرهایشان مسلمان شدند ولی بچه ها از دین یهود برنگشتند. وقتی قرار شد یهودیها از اطراف مدینه خارج شوند و مهاجرت کنند، آن بچه ها با همکیشان خود راه افتادند. باز پدرها آمدند خدمت رسول اکرم اجازه خواستند بچه هایشان را از این یهودیها جدا کنند و مجبور نمایند که دست از دین یهود بردارند و مسلمان بشوند. پیغمبر اکرم اجازه نداد. گفتند: یا رسول الله! اجازه بدهید اینها را به زور برگردانیم. مسلمانشان کنیم. فرمود: نه، حالا که خودشان انتخاب کرده اند با آنها بروند بگذارید با آنها بروند؛ و می گویند این آیه همین جا نازل شد که: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۱.

اسلام از طریق دعوت، تعلیم و تربیت و هدایت و ابزار حکمت، منطق و برهان، موعظه بی نیک و جدال احسن راه روشن خود را بیان می کند تا انسانها آزادانه راه حق را انتخاب کنند. خدا در قرآن می فرماید:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ

^۱ مرتضی مطهری، جهاد، ص ۵۵.

بِأَتِي هِيَ أَحْسَنُ^۱

(ای پیامبر! مردم را) با حکمت (و گفتار استوار و منطقی)
و پند نیکو، به راه پروردگارت بخوان و (با مخالفان) با
شیوه ای که نیکوتر است جدال و گفتگو کن.^۲

کسانی که می گویند اسلام با زور و خشونت گسترش پیدا کرده
است، شناخت صحیحی از این دین و راه گسترش آن ندارند.^۳
همانطور که بیان شد اسلام با آزادی فکر بر مبنای صحیح و منطقی
موافق است. آزادی فکر بدین معنی است که نباید عواملی، مزاحم فکر
آزاد بشر شود و این عوامل باید از بین برود. یکی از عوامل مانع آزادی
فکر، جلوگیری از تبلیغ و بیان تفکر است. در این زمان در بعضی از
کشورهای دنیا، از تبلیغ تفکر اسلام جلوگیری می کنند و نمی گذارند پیام
اسلام به گوش جهانیان برسد که البته همه ی مردم دنیا با شیوه های

۱ نحل / ۱۲۵

^۲ موعظه ی نیکو آن است که واعظ به آنچه می گوید عمل کند و جدال نیکو آن است که در آن
توهین و تحریک غلط احساسات نباشد. (تفسیر توجیح، ج ۶، ص ۴۷۴)

^۳ آقای ژوزف راتزینگر که به تازگی رهبری کاتولیک ها را بر عهده گرفته و پاپ بندیکت شانزدهم
نامیده می شود، در تاریخ دوازدهم سپتامبر ۲۰۰۶ در دانشگاه گنزیبورگ آلمان و در حضور اساتید علوم
مختلف، با تعرض به دین اسلام، چنین وانمود کرد که گسترش سریع و اقبال روز افزون مردم و اندیشمندان
جهان به دین اسلام، نتیجه ی توسل اسلام به زور و خشونت بوده است و این اظهار نظر آنقدر غیر
منطقی است که هر انسان منصفی که اندکی با اسلام آشنایی داشته باشد، آنرا مضحك و ناشی از عدم
آگاهی یا غرض ورزی می داند. (برای آگاهی از علل گسترش سریع اسلام به کتاب «سیری در سیره
نبوی»، ص ۲۳۳ - ۲۶۰ مراجعه کنید.)

گوناگون، صدای اسلام را دریافت خواهند کرد.

از دیگر عوامل مانع آزادی فکر، عقاید باطلی است که در ذهن بعضی انسانها رسوخ و رسوب کرده است. برای آزادی فکر باید این عقاید باطل کنار گذاشته شود و گرنه در آینه ی کثیف نمی توان تصویر روشنی از واقعیت را دید.

امروزه بعضی افراد شعار آزادی عقیده را فریاد می زنند، در صورتی که آزادی هر عقیده ای به صلاح انسانها نیست. شهید استاد مطهری در باره ی تفاوت آزادی عقیده با آزادی فکر چنین می فرماید:

من مکرر این مطلب را گفته ام: آنهایی که به بهانه ی آزادی عقیده وارد بتخانه ها می شوند و یک کلمه حرف نمی زنند [در واقع احترام به اسارت می گذارند] ملکه ی انگلستان به هندوستان رفت؛ به خاطر احترام به عقاید هندوها اگر خود هندوها از در بتخانه کفشها را می کنند او از سر کوچه کفشها را با احترام بتها کند [که بگویند] عجب مردمی هستند! چقدر برای عقاید مردم احترام قائلند!

آخر این عقیده را که فکر به انسان نمی دهد! آن عقیده انعقاد است، تقلید است، تلقین است یعنی زنجیری است که وهم به دست و پای بشر بسته است. بشر را در این طور عقاید آزاد گذاشتن یعنی زنجیرهای او همامی را که خود بشر به دست و پای خودش بسته است به همان حال باقی

گذاشتن - ولی این، احترام به اسارت است نه احترام به آزادی - احترام به آزادی این است که با این عقاید - که فکر نیست بلکه عقیده است یعنی صرفاً انعقاد است - مبارزه شود. عقیده ممکن است ناشی از تفکر باشد و ممکن است ناشی از تقلید یا وهم یا تلقین و یا هزاران چیز دیگر باشد. عقایدی که ناشی از عقل و فکر نیست، صرفاً انعقاد روحی است یعنی بستگی و زنجیر روحی است. اسلام هرگز اجازه نمی دهد یک زنجیر به دست و پای کسی باشد و لو آن زنجیر را خودش با دست مبارک خودش بسته باشد.

پس مسأله آزادی عقیده به معنی اعم یک مطلب است، مسأله ی آزادی فکر و آزادی بیان به معنی اینکه هر کس باید ایمان خودش را از روی تحقیق و فکر به دست بیاورد مطلب دیگر، قرآن می جنگد برای اینکه موانع آزادیهای اجتماعی و فکری را از بین ببرد. می پرسند چرا مسلمین به فلان مملکت هجوم بردند؟ حتی در زمان خلفا - من کاری ندارم که کارشان فی حد ذاته صحیح بوده یا صحیح نبوده است - مسلمین که هجوم بردند، نرفتند به مردم بگویند باید مسلمان بشوید. حکومتهای جباری دست و پای مردم را به زنجیر بسته بودند؛ مسلمین با حکومتها جنگیدند، ملتها را آزاد کردند. ایندو را با همدیگر اشتباه می کنند. مسلمین

اگر با ایران یا روم جنگیدند با دولتهای جبار می جنگیدند که ملت‌هایی را آزاد کردند، و به همین دلیل ملت‌ها با شوق و شغف مسلمین را پذیرفتند. چرا تاریخ می گوید وقتی که سپاه مسلمین وارد می شد مردم با دسته های گل به استقبالشان می رفتند؟ چون آنها را فرشته‌ی نجات می دانستند. برخی اینها را با یکدیگر اشتباه می کنند که «عجب! مسلمین به ایران حمله کردند. لابد وقتی به ایران حمله کردند به سراغ مردم رفتند و به آنها گفتند حتماً باید اسلام اختیار کنید». آنها به مردم کاری نداشتند، با دولتهای جبار کار داشتند. دولتها را خرد کردند، بعد مردمی را که همین قدر شائبه‌ی توحید در آنها بود در ایمانشان آزاد گذاشتند که اگر مسلمان بشوید عیناً مثل ما هستید و اگر مسلمان نشوید در شرایط دیگری با شما قرارداد می بندیم که آن شرایط «شرایط ذمه» می گویند، و شرایط ذمه‌ی مسلمین فوق العاده سهل و آسان بوده است.^۱

در ذیل آیه آمده است:

... فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛

پس اگر (از کفر خود) دست کشیدند، همانا خداوند به

^۱ سیری در سیره نبوی، ص ۲۵۲ - ۲۵۴.

آنچه انجام می دهند بیناست.

در اینجا در برابر شدت عمل دست دوستی و محبت به سوی آن دراز می شود و در صورت دست برداشتن از راه و روش خود، لطف و محبت خدا شامل حالشان می شود. در آیه بعد می خوانیم:

وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ مُوَلَّاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَ نِعْمَ النَّصِيْرُ^۱؛

و اگر (باز هم) سرپیچی کرده و روی بگردانند، بدانید که خداوند، مولی و سرپرست شماست، چه خوش مولایی و چه نیکو یآوری است.

آری! خدا یار و یاور مؤمنان و مسلمانان است و پیروزی در انتظار آنان و شکست در انتظار دشمنان است.

حکومت مستضعفان^۲

و تُرِيْدُ اَنْ تُمْنَّ عَلٰى الَّذِيْنَ اسْتَضَعُّوْا فِى الْاَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ اٰثِمَةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِيْنَ^۳؛

و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف

^۱ انفال / ۴۰.

^۲ مسأله ی حاکمیت مستضعفان بر زمین، با عبارات و بیان های مختلفی در سوره های نور آیه ۵۵، یونس آیات ۲۱ و ۱۲، انبیاء آیه ۱۰۵، اعراف آیه ۱۳۷، ابراهیم آیات ۱۳ و ۱۴ و قصص آیه ۵ آمده است.

^۳ قصص / ۵.

و زبونی کشیده شدند، منت^۱ گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثین (روی زمین) قرار دهیم.

خدا اراده کرده است که مستضعفان^۲ را حاکمان زمین قرار دهد و اراده می خدا حتمی و تخلف ناپذیر است. این حاکمیت، نعمت بزرگ و با ارزشی است که نصیب مؤمنان مستضعف (به ضعف کشیده شده) می گردد. امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

دنیا پس از چموشی و سرکشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش

^۱ کلمه «منت» در اینجا به گفته راغب به معنای نعمت بزرگ و با ارزش است. نه منت زبانی که به قصد تحقیر دیگران باشد. منظور از نعمت بزرگ در این آیه نعمتی است که خداوند به مستضعفین می بخشد و آنها را پیشوا و الگو و وارثان صالح زمین قرار می دهد و فرقی منت با نعمت معمولی این است که منت، نعمت زیاد و گرانقدر و عظیم است مثل نعمت هدایت، نعمت رسالت، نعمت ایمان، نعمت شنوایی و نعمت وارث شدن در حکومت بر زمین. (مفردات راغب یا تفسیر لغوی و ادبی قرآن از سید غلامرضا حسینی، ج ۳، ص ۲۵۴).

^۲ واژه «مستضعف» از مناده «ضعف» است، اما چون به باب استفعال برده شده به معنی کسی است که او را به ضعف کشانده اند و در بند و زنجیر کرده اند. به تعبیر دیگر «مستضعف» کسی نیست که ضعیف، ناتوان و فاقد قدرت و نیرو باشد، مستضعف کسی است که نیروهای بالفعل و بالقوه دارد، اما از تاحیه ی ظالمان و جباران تحت فشار قرار گرفته، ولی بنا این حال در برابر بند و زنجیر که بر دست و پای او نهاده اند ساکت و تسلیم نیست، پیوسته تلاش می کند تا زنجیرها را بشکند و آزاد شود، دست جباران و ستمگران را کوتاه سازد و آیین حق و عدالت را برپا کند.

خداوند به چنین گروهی وعده ی یاری و حکومت در زمین داده است، نه افرادی بی دست و پا و خبیان و ترسو که حتی حاضر نیستند فریادی بکشند، تا چه رسد به اینکه یا در میدان مبارزه بگذارند و قربانی دهند. (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۹).

نگه می دارد - به ما روی می آورد - پس آیه «وَتُرِيدُ أَنْ
تَمُنَّ» را تلاوت فرمود.^۱

همچنین می فرماید:

این گروه آل محمد «صلی الله علیه و آله وسلم» هستند،
خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان
وارد می شود برمی انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانشان
را ذلیل و خوار می کند.^۲

از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که فرمود:

سوگند به کسی که محمد «صلی الله علیه و آله وسلم»
را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد که نیکان از ما
اهل بیت و پیروان آنها به منزله ی موسی و پیروان او
هستند، و دشمنان ما و پیروان آنها به منزله ی فرعون و
پیروان او می باشند.^۳ (سرانجام ما پیروز می شویم و آنها
نابود می شوند و حکومت حق و عدالت از آن ما خواهد بود.)

شیبانی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

آیه «وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ» مخصوص حضرت حجت علیه السلام
است که در آخر الزمان ظاهر شده و کفار و ستمکاران را

^۱ کلمات قصار، شماره ۲۰۹.

^۲ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰؛ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۸.

^۳ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۸.

که مانند فرعون و هامان هستند، هلاک و به قتل رسانیده و از بین می برند و مالک شرق و غرب جهان شده و پس از آنکه جور و ظلم عالم را پر کرده باشد، عدالت مطلقه را اجرا می فرماید.^۱

مؤلف تفسیر گازر در ذیل این آیه چنین می نویسد:

اصحاب ما روایت کرده اند که این آیه در شأن امام مهدی علیه السلام است که خدای تعالی وی و اصحابش را پس از آنکه ایشان را تضعیف کرده باشند، بر ایشان منت نهد، و مراد از زمین، جمله روی زمین است و ایشان را وارثان گرداند.^۲

حکومت مؤمنان صالح

وَعَدَاللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَ لَهُمْ دِيْنَهُمُ
الَّذِيْ اَرْضٰى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَعْبُدُوْنَنِيْ لَا
يُشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ^۳

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در

^۱ سید ابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، ج ۵، ص ۱۵۴.

^۲ جرجانی، تفسیر گازر، ج ۷، ص ۱۵۴.

^۳ تور / ۵۵.

زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقاند.

از این آیه نکات زیر فهمیده می شود:

۱. شرط جانشینی در زمین و به دست گرفتن حکومت از طرف خدا، ایمان و عمل صالح است و مؤمنان صالح لیاقت جانشینی در زمین را دارند و این وعده می قطعاً خداوند، بشارتی برای آنان است.
۲. هر زمان این دو شرط (ایمان و عمل صالح) محقق شود و مؤمنان صالح قیام کنند با یاری خدا حکومت را به دست می گیرند که در طول تاریخ نمونه‌هایی از این حکومتها، محقق شده است که آخرین آنها در اواخر حیات پیامبر شکل گرفت.
۳. گسترش دین الهی، امنیت کامل و رسیدن به توحید از ثمرات حکومت مؤمنان صالح است.
۴. دینی در زمین گسترش خواهد یافت که مورد رضایت و پسندیده خدا باشد و می دانیم این دین، اسلام است. چنانکه در سوره مائده، آیه ۳ می فرماید:

... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي

وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛

امروز (روز هجده ذی الحجة سال دهم هجری که حضرت
علی علیه السلام به فرمان خدا به جانشینی پیامبر اکرم (ص)
منتصوب شد) کافران از (زوال) دین شما مأیوس شدند، پس،
از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دیتان را برای شما
کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به
عنوان «دین» برایتان برگزیدم.

در روایات از امام باقر و امام صادق علیه السلام می خوانیم که
مصدق کامل این آیه روز حکومت مهدی است.^۱

حکومت بندگان صالح

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصَّالِحُونَ^۲؛

و همانا در (کتاب آسمانی) زبور (که) بعد از ذکر^۳، (تورات،
نازل شده) نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین

^۱ تفسیر نور، ج ۸، ص ۲۰۴.

^۲ انبیاء / ۱۰۵.

^۳ ظاهر این است که منظور از «زبور»، کتاب داوود علیه السلام و «ذکر» به معنی «تورات» است. در اینجا این سؤال پیش می آید: چرا در میان کتب آسمانی، تنها از این دو کتاب نام برده شده است؟ پاسخ این است که این تعبیر، ممکن است به خاطر آن باشد که داود، یکی از بزرگترین پیامبرانی بود که تشکیل حکومت حق و عدالت داد، و بنی اسرائیل نیز مصداق روشن قوم مستضعفی بودند که بر ضد مستکبران قیام کردند، و دستگاه آنها را در هم پیچیدند و وارث حکومت و سرزمین آنها شدند.

(تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۶۲ و ۵۶۳.)

خواهند شد.^۱

از این آیه فهمیده می شود که شرط وارث زمین شدن^۲، بندگی خدا و عمل صالح است. در بعضی از روایات صریحاً این آیه به یاران مهدی علیه السلام تعبیر شده است، در «مجمع البیان» ذیل همین آیه از امام باقر (علیه السلام) چنین می خوانیم:

هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ؛

بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان

وارثان زمین یاد می کند، یاران مهدی در آخر الزمان هستند.

در تفسیر این آیه، محمد بن عبدالله از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

مراد از آیه، قائم علیه السلام و یاران او هستند.^۳

حدیث معروف زیر که در اکثر منابع اسلامی از پیامبر اسلام نقل شده است، دلالت بر این دارد که سرانجام حکومت جهان به دست

^۱ بعضی گفته اند که منظور از «ذکر» در آیه مورد بحث، قرآن است، و «زبور» تمام کتب انبیاء پیشین، و کلمه «من بعد» تقریباً معادل کلمه «علاوه بر» در فارسی خواهد بود و به این ترتیب معنی آیه چنین می شود: «ما علاوه بر قرآن در تمام کتب انبیاء پیشین نوشتیم که سرانجام سراسر روی زمین در اختیار بندگان صالح خدا قرار خواهد گرفت. (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۶۲.)

^۲ «ارض» به مجموع کره زمین گفته می شود، و سراسر جهان را شامل می گردد مگر اینکه قرینه خاصی در کار باشد. گرچه بعضی احتمال داده اند مراد وارث شدن سراسر زمین در قیامت است ولی ظاهر کلمه «ارض» هنگامی که به طور مطلق گفته می شود، زمین این جهان است. (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۶۰.)

^۳ تأویل الآيات، ج ۱، ص ۳۳۳؛ معجم احادیث امام مهدی (ع)، ج ۵، ص ۲۶۲.

مردی از خاندان پیامبر خواهد افتاد که با قیام خود زمین را پر از عدل و داد می سازد. آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى
يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا
مُلِّتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^۱

اگر از عمر جهان جز یک روز نماند، خداوند آن روز را
آن قدر طولانی می کند تا مرد صالحی را از خاندان من
برانگیزد، که صفحه زمین را پر از عدل و داد کند. همان
گونه که از ظلم و جور پر شده است.

شیعه و مصلح آخر الزمان

مشخص گردید که از دیدگاه قرآن، آینده تاریخ متعلق به مؤمنان
صالح است و اینان حکومت بر جهان را به دست خواهند گرفت. از
نظر شیعیان دوازده امامی این حکومت پس از ظهور و قیام مردی
بزرگ و انقلابی از خاندان پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» که نهمین
فرزند از نسل امام حسین علیه السلام است و نامش نام پیامبر و کنیه اش،
کنیه ای اوست، تشکیل می گردد. او مهدی موعود است که هم اکنون در
ظاهر غایب است و به زودی ظهور و قیام خواهد کرد و بشریت
سرگردان در جهان پر از ظلم و ستم را نجات خواهد داد.

^۱ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۶۵.

مهدی (ع) از نگاه امامان

امامان معصوم علیه السلام با ایمان به وعده ی پیامبر و قبل از ولادت حضرت مهدی، نسبت به فرزند موعود خود و آنچه در آینده به دست او انجام خواهد گرفت؛ آگاهی داشتند. در روایات فراوانی که از آنان به دست ما رسیده، ویژگیها، نشانه ها و چگونگی ظهور، نحوه ی قیام و سیمای حکومتش بیان گردیده است.

مهدی (ع) از زبان علی (ع)

حضرت علی علیه السلام فرمود:

هان آگاه باشید که مثل اهل بیت محمد «ص» بسان ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره ای غروب کند ستاره ای دیگر طلوع نماید. گویا می بینیم نعمت های الهی بر شما تمام شده و شما به آرزوهای خود دست یافته اید.^۱

به اهل بیت پیامبر خود بنگرید، اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر از شما یاری خواستند یاریشان کنید تا خداوند تاگاه به واسطه ی مردی از ما اهل بیت گشایش به وجود آورد، پدرم فدای آن فرزند بهترین کنیزان که جز شمشیر به آنها (دشمنان) چیزی عطا نکند و به کشتار و نابودی آنها پردازد و هشت ماه سلاح بر دوش (مبارزه کند)

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰.

تا جایی که قریش گویند اگر این شخص از فرزندان فاطمه می بود به ما رحم می کرد.

او هدایت الهی را بر خواسته های خود حاکم گرداند، آنگاه که دیگران هوای نفس خود را بر هدایت الهی ترجیح دهند و قرآن را ملاک و معیار اندیشه و عمل قرار دهد، آنجا که دیگران قرآن را به رأی و نظر خویش تفسیر کنند. زمین پاره های دل خود (معادن و ذخائر) را برای او خارج سازد و کلیدهایش را تسلیم او نماید. آنگاه وی شیوهی عدالت و راه و رسم پیامبر را به شما نشان دهد و کتاب و سنت را که پیش از او مشرک و فراموش گردید، زنده نماید.^۱ ردای حکمت بر تن کند زیرا حکمت را با همه آداب و با توجه و عنایت قلبی فرا گرفته. حکمت گمشدهی اوست و او در طلب حکمت و جویای آن. هنگامی که اسلام غریب شود و همچون شتری خسته، گردن خود را بر زمین بگذارد، امام احساس غریب و دلشنگی کند. او حجت باقی ماندهی خداوند و جانشینی از جانشینان اوست.^۲

مهدی (ع) از زبان امام صادق (ع)

از سدید صیرفی نقل شده که گفت: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر

^۱ همان، خطبه ۱۳۸.

^۲ همان، خطبه ۱۸۲.

و ابان بن تغلب حضور امام صادق علیه السلام رسیدیم، حضرت با ردای خیبری طوق داری یقه و آستین روی خاک نشسته بود و با حالتی پریشان و دلی سوزان می گریست، غم و اندوه در چهره اش نمایان و دگرگونی در سیمایش هویدا و اشک در دیدگان مبارکش حلقه زده و می گوید:

ای سرور من، غیبت تو، خواب را از من ربوده و بستر
زمین را بر من تنگ کرده و آرامش قلبم را از دستم گرفته،
سرور من، غیبت تو مصیبت‌هایم را جاودان ساخته و از دست
دادن یک یک (امامان) جمع ما را از بین برده. گمان نمی کنم
اشکهای چشم خشک و ناله ی سینه ام آرام گیرد.

سندیر گفت: با مشاهده ی این سخنان هولناک و صحنه ناگوار حیران
و مبهور شدیم و قلبمان بی قرار و پریشان گشت و گمان بردیم که
به آن حضرت بلایی خطرناک یا آفتی ناگوار رسیده، عرض کردیم: ای
فرزند بهترین خلق خدا، دیدگان شما هرگز اشکبار نگردد، کدام حادثه
اینگونه دیدگانتان را گریان ساخته و چه پیشامدی شما را بدین ماتم
نشانده؟ امام آهی دردناک همراه با نگرانی از سینه برآورد و فرمود:

وای بر شما، صبح امروز به کتاب جفر نظر کردم و آن
کتابی است در بردارنده مرگها، بلاها و مصیبت ها و علم بر
گذشته و آینده تا روز قیامت، که خداوند این علم را به
محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و امامان علیهم السلام

بعد از او اختصاص داده است، در این کتاب ولادت قائم ما اهل بیت و غیبت او و طولانی شدن آن و طول عمر وی و گرفتاری مؤمنان در آن زمان و پیدایش شک و تردید از طولانی شدن غیبت قائم و برگشتن بیشتر آنان از دین و دست کشیدن از دیانت اسلام را مشاهده کردم، در حالی که خداوند سبحان می فرماید: «ما مقدرات و نتیجه ی نیک و بد هر انسانی را به گردش افکندیم» ناگاه دلم شکست و غم و اندوه بر من چیره گشت.

عرض کردیم: ای فرزند رسول خدا! تقاضا داریم شمه ای از آنچه می دانید بر ما بازگویید، فرمود:

خداوند در قائم ما سه ویژگی قرار داده که قبلاً در سه پیامبر قرار داده بود. ولادت او را همچون ولادت موسی مخفی کرده و غیبت او را چون غیبت عیسی مقدر ساخته و پیروزی او بر مخالفان را همچون پیروزی نوح به تأخیر انداخته و پس از آن عمر بنده ی شایسته ی خود یعنی خضر را دلیلی بر امکان طول عمر او قرار داده است.

عرض کرد: ای فرزند رسول خدا این مطالب را برای ما بیشتر باز کنید، فرمود:

اما ولادت موسی، وقتی فرعون پی برد که فرمانروایی او به دست موسی علیه السلام نابود خواهد شد، کاهنان را

احضار کرد. آنها نسب و نژاد حضرت را برای فرعون مشخص کرده و گفتند: او از بنی اسرائیل است. فرعون دستور داد شکم زنان یار دار بنی اسرائیل را بشکافند (تا مانع تولد او گردند) تا آنکه بیش از بیست هزار نوزاد را بدین سان سر بریدند ولی هرگز به او دست نیافتند، چرا که خداوند حفاظت او را اراده کرده بود. همچنین بنی امیه و بنی عباس وقتی فهمیدند زوال حکومت و نابودی فرمانروایان و جباران آنها به دست قائم ما است به دشمنی با ما برخاستند و به روی اهل بیت رسول الله شمشیر کشیدند و به امید دستیابی بر قائم کمر به نابودی ذریه ی پیامبر بستند. ولی خداوند اجازه نداد که ماجرای او بر ظالمی آشکار شود تا آنکه نور خود را کامل گرداند هر چند بر مشرکان ناگوار آید.

اما در ماجرای غیبت عیسی علیه السلام، یهود و نصاری برآنند که وی کشته شده ولی خداوند آنان را در قرآن تکذیب نمود آنجا که می فرماید: «آنها نه او را کشتند و نه بر دار زدند بلکه در این امر به اشتباه افتادند.»^۱ غیبت قائم نیز بدینگونه است زیرا امت به سبب طولانی شدن غیبت، آن را انکار نمایند...

و اما داستان طولانی شدن عمر نوح علیه السلام، وقتی آن حضرت درخواست عذاب از آسمان برای قوم خود کرد، خداوند جبرئیل را با هفت هسته‌ی خرما نزد وی فرستاد و گفت: ای پیامبر، خداوند می‌فرماید: این مردم آفریده‌ها و بندگان من هستند و من آنها را به وسیله‌ی صاعقه آسمانی از بین نمی‌برم مگر بعد از ابلاغ دعوت و اتمام حجت، بنابراین دوباره برای دعوت آنها تلاش کن که من به خاطر آن به تو پاداش دهم. این هسته‌های خرما را بکار که برای تو در رویدن، رشد کردن و بارور شدن آنها، گشایش و نجات است. پیروان با ایمان خود را نیز به این امر بشارت ده.

درختان خرما رویدند و مراحل مختلف رشد را سپری کردند و پس از مدتی طولانی به میوه نشستند، نوح از خدا درخواست نمود که به وعده‌ی خود وفا کند، اما خداوند (بار دیگر) او را مأمور کرد از هسته‌های همان نخل‌ها بکارد و باز صبر و تلاش پیشه سازد و دلیل و حجت را بر قوم خود تمام گرداند. در این هنگام پیروان نوح که به او ایمان آورده بودند از جریان باخبر شدند و سیصد نفر از آنان دست از نوح کشیدند و گفتند: اگر ادعا و دعوت نوح حق بود نباید پروردگارش از وعده‌ی خود تخلف می‌کرد.

اما خداوند هفت بار پی‌در پی او را مأمور کاشتن و

بارور ساختن نخل ها نمود و هر بار گروهی از پیروان نوح از دین برگشتند تا آنکه طرفداران او به هفتاد و چند تن رسیدند، در آن هنگام خداوند به او وحی کرد که: ای نوح اینک ظلمت شب با صبح روشن تبدیل گردید و حق و حقیقت آشکار شد و با ارتداد ناپاکان زلال ایمان از کدورت کفر، باز شناخته شد...

سپس امام صادق علیه السلام فرمود:

دوران غیبت قائم بدین گونه طولانی شود تا حق کاملاً روشن و صفای ایمان از تیرگی و ناخالصی پاک و جدا گردد.^۱

از خدای مهربان عاجزانه درخواست می نمایم که ما را تا زمان ظهور حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» در راه حفظ دینمان یاری نماید و از منتظران واقعی و راستین اماممان قرار دهد.

اهل سنت و مصلح آخر الزمان

تمام فرقه های اسلامی در انتظار ظهور و قیام مردی از خاندان پیامبر هستند و کتابهای زیادی توسط دانشمندان و نویسندگان شیعه و اهل سنت در این مورد منتشر شده است، ما در این بخش ترجمه ای بیانیه ای که از طرف «رابطه العالم الاسلامی» (از بزرگترین مراکز دینی

^۱ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹ - ۲۲۲.

وهابی‌ها در مکه) صادر شده است را می‌آوریم تا مشخص شود که حتی وهابیان که از تندروترین گروه‌های اسلامی هستند، نیز ظهور و قیام مهدی موعود را پذیرفته‌اند و آنرا از عقاید قطعی خود می‌دانند.

بیانیه‌ی علمای حجاز

شخصی به نام «ابو محمد» از کنیا سوالی درباره‌ی ظهور مهدی منتظر از «رابطه العالم الاسلامی» که از مهمترین مراکز مذهبی حجاز و مکه می‌باشد، نموده است. دبیر کل این مرکز، محمد صالح القزازی، در پاسخی که برای او فرستاده است ضمن تصریح به این که «ابن تیمیّه» مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته، متن رساله‌ی کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند برای او ارسال داشته است. در این رساله، پس از ذکر نام و محل ظهور مهدی علیه السلام چنین آمده است:

... هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فرا گرفته باشد، او ظهور می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد، بر همه‌ی جهان حکومت خواهد کرد و همه‌ی جهانیان در برابر او سر تعظیم فرود خواهند آورد و همگی تسلیم وی خواهند شد، یا به میل و دلخواه یا با نبرد.

او تمام روی زمین را مالک خواهد شد و حضرت

عیسی علیه السلام بعد از ظهور او، از آسمان فرود می آید و «دجال» را می کشد و یا همراه با ظهورش از آسمان فرود می آید و حضرت مهدی را بر کشتن «دجال» بر در دروازه‌ی «لد» در سرزمین فلسطین، یاری می دهد.

مهدی علیه السلام آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آنها خبر داده است و در صحاح اهل سنت آمده است.

احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را بسیاری از «صحابه» از شخص پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» نقل کرده اند که از جمله ی آنهاست: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحه بن عبیدالله، عبدالرحمان بن عوف، عبدالله بن عباس، عمّار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابوامامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و ام سلمه.

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات راجع به مهدی علیه السلام را نقل کرده اند و غیر از اینها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود «صحابه» نقل شده است که در آنها به ظهور حضرت مهدی تصریح

گردیده است و آنها را نیز می توان در ردیف روایات پیامبر قرار داد؛ زیرا مسأله ی ظهور مهدی از مسایلی نیست که بتوان در آن اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ی ظهور مهدی منتظر علیه السلام از شخص رسول اکرم نقل شده و آنچه را که صحابه ی پیامبر با اعتماد به گفته ی رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» بیان کرده اند و شهادت و گواهی آنان نیز در حکم حدیث است، در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است که از آن جمله است: سنن ابوداود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابی عمر والدانی، مسند احمد و ابن یعلی، و بزار، صحیح حاکم، معاجم طبرانی و رویانی، و دار قطنی و ابوتعمیر در کتاب «اخبار المهدی» و خطیب در «تاریخ بغداد» و ابن عساکر در «تاریخ دمشق» و غیر اینها.

و بعضی از دانشمندان اسلامی درباره مهدی علیه السلام کتاب های ویژه ای نوشته اند که از آن جمله است:

ابوتعمیر در کتاب «اخبار المهدی»، ابن حجر هیثمی در کتاب «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواریخ ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، ادریس راقی مغربی در کتاب «المهدی»، ابوالعباس

بن عبدالؤمن المغربی در کتاب «الوهم المکتون فی الرد علی ابن خلدون» و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره‌ی مجله‌ی دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده‌ای از بزرگان و دانشمندان متقدم و متأخر نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام متواتر است. (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از آن جمله است:

سخاوی در کتاب «فتح المغیث»، محمدبن احمد سفارینی در کتاب «شرح العقیده»، ابوالحسن آبری در کتاب «مناقب الشافعی»، ابن تیمیه در کتاب فتاوایش، سیوطی در کتاب «الحاوی»، ادریس عراقی در تألیفی که درباره‌ی «مهدی» دارد، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، محمد بن جعفر کنانی در «نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر» و ابوالعباس بن عبدالؤمن در کتاب «الوهم المکتون من کلام ابن خلدون».

و این تنها ابن خلدون است که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را با حدیثی مجعول و ساختگی و بی‌اساس که می‌گوید: «لامهدی الا عیسی؛ مهدی جز عیسی نیست» مورد ایراد قرار داده است، ولیکن بزرگان، پیشوایان و

۷۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده اند و به خصوص، ابن عبدالؤمن که در ردّ گفتار او کتاب ویژه‌ای به نام «الوهیم المکتون من کلام ابن خلدون» نوشته است که از ۳۰ سال قبل، در شرق و غرب منتشر شده است.

حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده‌اند که احادیث مربوط به مهدی شامل احادیث «صحیح» و «حسن» است و مجموع آنها متواتر و صحت آنها قطعی است، بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است و جزء عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعتگزار، منکر آن نخواهند بود.^۱

دانشمند معروف، شیخ علی ناصف نویسنده‌ی کتاب «التاج» و از علمای معروف اهل سنت در کتاب خود چنین می‌نویسد:

در میان همه‌ی دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که سرانجام مردی از اهل بیت پیامبر ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد، و مسلمانان از او پیروی می‌کنند؛ و در میان آنها عدالت را اجرا می‌نماید، و دین را تقویت می‌کند... احادیث مهدی را بسیاری از بزرگان صحابه و محدثین نقل کرده اند... و کسی که

^۱ ظهور حضرت مهدی (عج)، ص ۲۲۶ - ۲۲۸.

همچون ابن خلدون آنها را ضعیف شمرده خطا کرده است.

سخن ابن خلدون

ابن خلدون که معروف به مخالفت با احادیث مهدی است نیز شهرت این احادیث را پذیرفته است. او چنین می گوید:

بدان که بین همه‌ی مسلمانان در طول دوران گذشته چنین معروف بوده و هست که باید در آخر زمان مردی از اهل بیت ظهور کند و دین را یاری و عدالت را آشکار سازد و مسلمانان از او پیروی کنند. وی بر ممالک اسلامی استیلا یابد و مهدی نامیده شود و خروج دجال و حوادث پس از آن که از نشانه‌های مسلم قیامت در روایات است بعد از ظهور وی اتفاق افتد و عیسی بعد از او فرود آید و دجال را از بین برد. یا همزمان با ظهور مهدی فرود آید و او را در کشتن دجال یاری نماید و در نماز به مهدی اقتدا کند.^۱

^۱ عصر ظهور، ص ۳۷۹.

فصل دوم

نشانه های ظهور

بخش اول: نشانه های خاصه و عامه ظهور

نشانه های ظهور به دو دسته ی نشانه های خاصه و عامه تقسیم میشوند. نشانه های خاصه، مختص به حضرت است و ایشان با وقوع این نشانه ها می دانند که خداوند او را اذن و اجازه ی ظهور داده است. نشانه های عامه، نشانه هایی است که در طول مدت غیبت به وقوع می پیوندد و تعدادی از این نشانه ها، نشانه های نزدیکی ظهورند که با وقوع این نشانه ها، زمان ظهور بسیار نزدیک خواهد بود و اینک بیان نشانه ها:

نشانه های خاصه ظهور

در روایتی طولانی، ابی بن کعب از پیامبر اکرم دربارہ ی علامت های ظهور امام مهدی علیه السلام سؤال می کند، آن حضرت می فرماید:

او(قائم علیه السلام) پرچمی دارد که چون وقت ظهورش فرا رسد، خود به خود باز می شود و خدای تعالی آن را به سخن می آورد و عرض می کند: «یا ولیّ اللّٰه فاقتل اعداء اللّٰه؛ ای ولیّ خدا! دشمنان خدا را بکش!» و این دو علامت است؛ اولی باز شدن پرچم، و دومی صدایی است که از

پرچم بر می آید.

و نیز او شمشیری دارد که در غلاف است و چون هنگام ظهور حضرتش فرا رسد از غلاف بیرون می آید و خداوند آن را به سخن می آورد و صدا می زند: «اخرج یا ولیّ الله! فلا یحلّ لک أن تقعد فی أعداء الله، ای ولیّ خدا! قیام کن که دیگر جای درنگ نیست و نشستن برای تو روا نیست که از دشمنان خدا دست برداری». پس حضرت خروج و قیام می کند و دشمنان خدا را هر کجا که بیابدیه قتل می رساند...!

نشانه های عامه ظهور

نشانه های عامه ظهور و به خصوص نشانه های حتمیه و پایانی، دارای اهمیت فراوانی است. این نشانه ها از یک سو باعث آمادگی بیشتر مسلمانان و به خصوص شیعیان می شود و از سوی دیگر باعث شناخته شدن مدعیان دروغین مهدویت می گردد.

مرحوم شیخ مفید «رحمه الله علیه» در ذکر نشانه های پیش از ظهور، در کتاب ارشاد خویش چنین فرموده است:

بدان که؛ روایاتی که در ذکر نشانه های زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام رسیده، و آن نشانه ها و علامات و حوادث باید پیش از ظهور مبارک آن بزرگوار واقع شود

نشانه های ظهور / ۷۷

فراوان است که از جمله ی آنها این چند علامت است:

۱. خروج سفیانی.
۲. کشته شدن سید حسنی.
۳. اختلاف بنی عباس بر سر سلطنت دنیوی.
۴. گرفتن خورشید در نیمه ی ماه مبارک رمضان.
۵. گرفتن قرص ماه در آخر ماه مبارک برخلاف عادت.
۶. فرو رفتن زمین «بیداء» که سرزمینی است میان مکه و مدینه.
۷. فرو رفتن زمین یا جمعیتی در مشرق.
۸. فرو رفتن زمین یا جمعیتی در مغرب.
۹. توقف خورشید از اوّل ظهر تا وسط عصر.
۱۰. طلوع خورشید از مغرب.
۱۱. کشته شدن نفس زکیّه که سیدی است هاشمی در پشت کوفه؛ یعنی نجف، با هفتاد نفر از صلحاء.
۱۲. بریدن سر مردی هاشمی؛ یعنی سید در میان رکن و مقام.
۱۳. خراب شدن دیوار مسجد کوفه.
۱۴. نمایان شدن پرچم های سیاه از طرف خراسان.
۱۵. خروج یمانی از طرف یمن.
۱۶. ظهور مغربی در مصر و حکومت بر شامات.

۷۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

۱۷. فرود آمدن ترکان در جزیره (شمال عراق) که ظاهراً شرقی‌ها و غربی‌ها هستند.

۱۸. ورود رومیان در رمله (منطقه ای در اردن).

۱۹. طلوع ستاره ی درخشانی در مشرق که مانند ماه بدرخشد و سپس دو طرف آن خم گردد به طوری که نزدیک باشد دو طرف آن به هم برسد. و البته این ستاره غیر از ستاره ی دنیاله داری است که در بعضی از روایات به قیام شخصی در آخر الزمان پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد.

۲۰. پیدا شدن سرخی شدیدی در آسمان که در اطراف آن پراکنده شود.

۲۱. پیدایش آتشی در طول مشرق که تا سه روز یا هفت روز در هوا بماند.

۲۲. عرب‌ها استقلال پیدا کنند و کشور گشایی نمایند و از زیر یار و نفوذ دیگران بیرون روند.

۲۳. اهل مصر فرمانروای خود را بکشند.

۲۴. پرچم‌های قیس و عرب به کشور مصر وارد شود.

۲۵. شام خراب شود و سه پرچم مختلف در آنجا پدیدار گردد.

۲۶. پرچم‌های (کنده) در خراسان کوبیده شود.

۲۷. سوارانی از طرف مغرب بیایند تا در کنار حیره (حدود نجف)، منزل

گزینند و پرچمهایی سیاه از طرف مشرق به سوی آنها روی آورند.

۲۸. شط فرات طغیان کند یا شکافته شود به حدی که آب در کوچه های کوفه داخل شود.

۲۹. دوازده نفر از نژاد ابوطالب خروج نمایند که هر کدام از آنها دعوی امامت نمایند.

۳۰. شخصت نقره دروغگو ظاهر شوند که همگی به دروغ ادعای پیغمبری کنند.

۳۱. مرد بزرگ و با شخصیتی از پیروان بنی عباس را میان «جلولا» و «خائقین» بسوزانند.

۳۲. پلی در بغداد در کنار محله «کرخ» ساخته شود.

۳۳. باد سیاهی در اول روز در بغداد بلند شود، و زلزله ای در آنجا روی دهد به حدی که بسیاری از شهر فرو رفته و خراب گردد.

۳۴. ترسی عمومی و مرگی سریع و همگانی همه ی اهل عراق و مردم بغداد را فرا گیرد که فرار و آرام، یا راه فرار نداشته باشند.

۳۵. نقصانی در مال و جان و محصول مردم پیدا شود.

۳۶. ملخی در فصل خود، و ملخی بی موقع پیدا شود که زراعت و غلات را نابود کند، و مردم از آنچه که می کارند نفعی نبرند.

۳۷. اختلاف و دو دستگی در میان دو صنف «عجم» پیدا شود به طوری که خونریزی بسیاری در بین آنان پدیدار گردد.

۳۸. بردگان در برابر اربابان خود سرکشی کنند و از زیر فرمان آنها بیرون روند و آقایان خود را به قتل رسانند.

۳۹. گروهی از بدعت گزاران به شکل میمون و خوک، مسخ گردند.

۴۰. بندگان بر شهرهای اربابان خود غلبه پیدا کنند.

۴۱. ندایی از آسمان بلند شود که همه ی مردم روی زمین هر کس به زبان خود آن را بشنوند.

۴۲. صورت و سینه‌ای در چشمه‌ی خورشید، و در روایت دیگری صورت و کف دستی در برابر خورشید ظاهر شود.

۴۳. مردگانی زنده شوند و از قبرها بیرون بیایند، و به دنیا بازگردند، و با یکدیگر آشنا شوند، و از یکدیگر دید و بازدید نمایند.

۴۴. این جریانات که البته در تحقق وقوع آنها ترتیب شرط نیست، با بیست و چهار باران پی در پی پایان پذیرد، که زمین به وسیله ی آن بارانها زنده گردد، و برکاتش آشکار شود، و پس از آن هر گونه آفت و بیماری از شیعیان حضرت مهدی علیه السلام و معتقدین به حق دور گردد، و آنگاه بدانند که آن جناب در مکه ظهور نموده و برای یاری آن حضرت بدان سو رهسپار شوند، چنانکه اخبار در این زمینه روایت شده است.

۴۵. و این نشانه ها که گفته شد البته قسمتی از آنها حتمی، و قسمتی مشروط به شروطی است که اگر خدا بخواهد واقع نخواهد شد؛ و خداوند بدانچه واقع خواهد شد، دانا و آگاه است و ما این حوادث و علائم را مطابق آنچه در کتب حدیث و روایات یافتیم، نقل نمودیم و از خداوند یاری می جوئیم و از او توفیق می طلبیم.

بخش دوم: نشانه های نزدیکی ظهور

بعضی از نشانه‌ها مربوط به سالهای نزدیک ظهور و سال ظهورند که به لحاظ اهمیت، این نشانه‌ها را با ذکر روایات بیان می‌کنیم.

نشانه شش سال قبل از ظهور (خروج شعیب از ایران)

از محمد بن حنفیه نقل شده که:

پرچم سیاه بنی عباس خروج کند، سپس پرچم سیاه دیگری از خراسان ظاهر شود، حاملان آن درفش‌ها، کلاه سیاه و لباس سفید بر تن دارند، پیشاپیش آنان مردی است که او را صالح بن شعیب و یا شعیب بن صالح (تردید از زاوی) می‌نامند و از قبیله ی بنی تمیم است، آنان نیروهای سفیانی را شکست داده و در بیت المقدس فرود آیند تا مقدمات حکومت مهدی را فراهم آورند، تعداد سیصد تن از

^۱ شعیب یکی از دو موعود ایرانیان در آخر الزمان است که در زمان قیام سید خراسانی، سرپرستی نیروها را بر عهده دارد و در هنگام قیام مهدی موعود علیه السلام، به سمت فرماندهی کل نیروهای صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منصوب می‌گردد.

شام به آنها پیوندند، فاصله خروج او تا تحویل زمام امور به مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه (۶ سال) است.^۱

نشانه های مخصوص سال قبل از ظهور

در سال قبل از ظهور و به خصوص شش ماه قبل از آن، حوادثی واقع خواهد شد که بعضی از این حوادث از علائم حتمی ظهورند. در روایات، زمان و مکان این حوادث بیان شده است که با روی دادن آنها، منتظران ظهور و به خصوص شیعیان و یاران حضرت، بر آمادگی خود می افزایند.

باران شدید و فراوان

یکی از حوادثی که قبل از ظهور واقع می شود، نزول بارانهای شدید و فراوان است که از زمان حضرت آدم علیه السلام تاکنون سابقه نداشته است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

قَدَامَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَسْتُهُ غَيْدَاقُهُ، يَفْسِدُ فِيهَا الثَّمَارُ وَ

الْتَمَرُ فِي النَّخْلِ، فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ؛^۲

در سال پیش از ظهور قائم علیه السلام، باران فراوانی

می بارد که محصولات و خرماهای مختلف نخلستانها از

بین می رود ولی شما درباره این حادثه شک نکنید.

^۱ نسخه خطی ابن حماد، ص ۸۴؛ عصر ظهور، ص ۲۱۷.

^۲ اعلام الوری، ص ۴۲۸؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۷.

همچنین فرمود:

إذا آن قیام القائم علیه السلام أمطر الناس جمادی الآخرة
و عشر أيام من رجب لم تر الخلائق مثله؛^۱
وقتی قیام قائم علیه السلام نزدیک شود در ماه جمادی
الثانی و ده روز از رجب، بر مردم بارانی می بارد که
خلایق همانند آن را ندیده باشند.

شورش سفیانی و قیام سید خراسانی و یمانی (از علائم حتمی ظهور)

سفیانی که از نسل ابوسفیان است در ماه رجب شورش خود را از
دمشق شروع می کند و جنگ شدیدی را در منطقه خاورمیانه به راه می اندازد.
همزمان با او، سید خراسانی از ایران و سید یمانی از یمن نیز قیام خود
را شروع می نمایند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

للقائم خمس علامات: السفیانی و الیمانی و الصیحه من
السماء و قتل نفس الزکیه و الخسف بالبیداء؛^۲

[ظهور] قائم پنج نشانه‌ی [حتمی] دارد: سفیانی، یمانی،

صیحه‌ی آسمانی، شهادت نفس زکیه و فرو رفتن در بیابان.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۲۷، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۹.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۱۶۹، اعلام الوری، ص ۴۲۶، منتخب الأثر، ص ۴۵۸.

همچنین فرمود:

السقیانی من المحتوم و خروجه فی رجب.^۱

سقیانی از نشانه های حتمی است و [آغاز] شورش او

در ماه رجب خواهد بود.

امام باقر علیه السلام در مورد همزمانی خروج سید خراسانی و

یمانی با خروج سقیانی فرمود:

خروج السقیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنة واحدة

فی شهر واحد فی يوم واحد، نظام کنظام الخزر یتبع بعضه

بعضاً؛^۲

خارج شدن سقیانی و سید یمانی و خراسانی در یک

سال و یک ماه و یک روز است. به همان ترتیب که دانه های

تسبیح به دنبال هم می آیند، آنها هم پشت سر هم و بلافاصله

نمایان می شوند.

صیحه ی آسمانی در ماه رمضان (از علائم حتمی ظهور)

از حوادث مهم دیگر، صیحه ی آسمانی است که در شب بیست و سوم

ماه رمضان که شب قدر است، از آسمان شنیده می شود و هر جمعیتی

آن را به زبان خویش می شنود و از آن حیران و سرگردان می گردد.

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۲۰۲.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۱۷۱؛ اعلام الوری، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

امام باقر علیه السلام فرمود:

از امیر المؤمنین علیه السلام درباره‌ی آیه شریفه (فاختلف الأحزاب من بينهم)^۱ با دیدن سه علامت منتظر فرج باشید، عرض شد یا امیر المؤمنین آن سه علامت چیست؟ فرمود: یکی اختلافی است که در میان اهل شام پیدا می‌شود، و دیگری آمدن پرچمهای سیاه از خراسان است، و سومی وحشتی است که در ماه مبارک رمضان پدیدار می‌گردد.

عرض شد یا امیر المؤمنین! وحشت در ماه رمضان چیست؟ فرمود: مگر نشنیده‌اید گفتار خدای تعالی را که در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ^۲

اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان برای آنها می‌فرستیم که گردنهایشان در برابر آن کج شده و خاضع گردند.

نشانه آن صدایی است که از آسمان شنیده می‌شود به طوری که دختران پشت پرده را از خانه بیرون می‌کشد، خفتگان را بیدار می‌کند و اشخاص بیدار را هراسناک می‌گرداند.^۳ این

^۱ مزیم / ۲۷.

^۲ شعراء / ۴.

^۳ الغیبه نعمانی، ص ۲۵۱.

صدا و ندا از جبرئیل امین علیه السلام است که با زبانی
رسا چنین اعلام می کند:

صبح نزدیک شد بدانید که حق بامهدی و شیعیان اوست.^۱

پس از آن در بعد از ظهر (نزدیک مغرب) شیطان رجیم در

میان زمین و آسمان ندا می دهد که:

آگاه باشید که حق با عثمان و پیروان اوست.^۲

ابو حمزه می گویند: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا شورش

سقیانی از علائم حتمی ظهور است؟ حضرت فرمودند که:

آری ندا هم حتمی است ...

از حضرت پرسیدم که این ندا چگونه خواهد بود؟ فرمودند:

ینادی مناد من السماء أول النهار ألا ان الحق مع آل

علی و شیعتہ، ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار ألا ان الحق

مع عثمان و شیعتہ، فعتد ذلک یرتاب المبتلون؛^۳

یک منادی، اول روز ندا می دهد که حق با آل علی

علیه السلام و شیعیان اوست و در انتهای روز شیطان ندا

می دهد که حق با عثمان و شیعیان اوست و در این زمان

یاوه گویان (باطل گرایان) دچار تردید می شوند.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۴.

^۲ ظاهراً مراد از عثمان، «عثمان بن عتبسه» یا همان سقیانی است.

^۳ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۶۶؛ اعلام الوری، ص ۴۲۹.

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام چنین روایت می کند:

الصيحة لا تكون الا في شهر رمضان، لأن شهر رمضان شهر الله و هي صيحة جبرائيل الى هذا الخلق؛

ثم قال يتادى منادى من السماء باسم القائم، فيسمع من المشرق و من المغرب، لا يبقى راقدا الا استيقظ، و لا قائما الا قعد و لا قاعدا الا قام على رجليه، فزعا من ذلك الصوت، فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت، فأجاب:

فان الصوت صوت جبرائيل الروح الأمين، و قال عليه السلام الصوت في شهر رمضان في ليلة جمعة ليلة ثلاث و عشرين، فلا تشكوا في ذلك و أسمعوا و أطيعوا، و في آخر النهار صوت ابليس اللعين يتادى:

ألا ان فلانا قتل مظلوماً ليشكك الناس و يفتنهم، فكم في ذلك اليوم من شك متحير، قد هوى في النار، فاذا سمعتم الصوت في شهر رمضان، فلا تشكوا فيه إنه صوت جبرائيل، و علامة ذلك أنه يتادى باسم القائم و اسم أبيه عليه السلام حتى تسمعه الغدراء في خدرها فتحرص أباهها و أخاها على الخروج.

و قال:

لابد من هذين الصوتين قبل خروج القائم، صوت من السماء و هو صوت جبرائيل باسم صاحب هذا الأمر و اسم

أبيه، و الصوت الذي من الأرض هو صوت ابليس اللعين،
ينادي باسم فلان أنه قتل مظلوماً يريد بذلك الفتنة، فاتبعوا
الصوت الاول و اياكم و الأخير إن تفتنوا به ...
ثم قال عليه السلام بعد حديث طويل ...

إذا اختلف بنو فلان فيما بينهم، فعند ذلك فانتظروا الفرج،
و ليس فرجكم الا في اختلاف بني فلان، فاذا اختلفوا فتوقعوا
الضحية في شهر رمضان و خروج القائم ان الله يفعل ما
يشاء؛^۱

ضحیه تنها در ماه رمضان، خواهد بود؛ چرا که ماه
رمضان ماه خداوند است و آن هم ندای جبرئیل است برای خلق.

سپس فرمودند:

منادی از آسمان به نام قائم علیه السلام ندا سر می دهد
و از مشرق تا مغرب صدایش را می شنوند، از ترس آن
صدا، هیچ خوابیده ای نمی ماند؛ مگر اینکه بیدار می شود و
ایستادگان همگی می نشینند و نشستگان هم بر دو پای
خویش بر می خیزند، خداوند پیامزد هر که از این صدا
عبرت بگیرد. صدا، صدای جبرئیل روح الامین است و صدا

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۱۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱؛ طبره ی توری، میرزا حسین، النجم الثاقب،

ج ۸، ص ۱۲۶؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۲۵.

در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان^۱ خواهد بود. درباره‌ی آن شک نکنید و گوش فرا دهید و اطاعت کنید در انتهای روز صدای ابلیس معلون [شنیده می‌شود] که ندا می‌دهد آگاه باشید که فلانی مظلومانه کشته شد تا مردم را به شک بیندازد و آنها را مبتلا به فتنه کند. چقدر شک کنندگان متحیر، در آن روز زیادند که در آتش افکنده شده‌اند. وقتی صیحه را در ماه رمضان شنیدید، شک نداشته باشید که آن صدای جبرئیل است و نشانه‌ی آن این است که به نام قائم و پدرش علیه السلام ندا می‌دهد. به طوری که حتی دوشیزگان در خلوتگاه هایشان در خانه آن را می‌شنوند و پدر و برادر خویش را برای خروج [و قیام] تشویق می‌کنند.

و در ادامه فرمودند:

به ناچار این دو صدا باید پیش از قیام قائم علیه السلام باشد: صدایی از آسمان که صدای جبرئیل است و به نام صاحب این امر و نام پدرش و صدایی که از زمین شنیده می‌شود و آن صدای ابلیس است که به نام فلانی ندا می‌دهد که مظلومانه کشته شد ولی با آن به دنبال فتنه است. پس شما ندای اول را اجابت و اطاعت کنید و از دومی و این که اگر به فتنه اش افکنده شوید پرهیزید.

^۱ بنابراین باید بیست و سوم ماه رمضان سال قبل از ظهور در روز جمعه قرار گیرد.

۹۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

تسپس پس از بیان بخش زیادی از این حدیث فرمودند:

وقتی که در میان بنی فلان اختلاف افتاد در آن زمان چشم انتظار فرج باشید و فرج شما تنها در اختلاف بنی فلان است. پس، وقتی دچار اختلاف شدند منتظر صیحه در ماه رمضان باشید و [پس از آن قیام] قائم علیه السلام که خداوند هر چه را بخواهد به انجام می‌رساند.

از دیگر حوادث حتمی ظهور، قتل نفس زکیه و فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان بیداء است که در فصلهای بعدی نقل می‌گردد. همانطور که قبلاً بیان شد، از شش ماه قبل از ظهور مهدی موعود علیه السلام، سلسله حوادثی پیاپی واقع خواهد شد که ما به چند حادثه که از علائم قطعی ظهورند، در این کتاب اشاره کرده ایم. برای آگاهی بیشتر به کتاب «شش ماه پایانی»^۱ مراجعه شود.

مرگ ملک عبدالله (پادشاه عربستان)

ملک عبدالله هم اکنون پادشاه عربستان می‌باشد. با مرگ وی، بر سر فرمانروایی حجاز کشمکش و درگیری می‌شود و حوادثی پیاپی در حجاز رخ می‌دهد که تا ظهور مهدی موعود علیه السلام ادامه می‌یابد.

^۱ این اثر ترجمه‌ی کتاب «الفجر المقدس المهدی علیه السلام و إرهابات اليوم الموعود» از محقق مسلمان و ارجمند «مجتبی ساد» است. نامبرده با مطالعه و تحقیق در منابع و تفحص در روایات، موفق به ارائه اثری شده که در آن وقایع و حوادث شش ماه آخرین از سنال ظهور حضرت موعود، امام مهدی علیه السلام قابل بررسی و مطالعه است. (سخن‌ناشر، ص ۶).

نشانه های ظهور / ۹۱

ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:
هرکس مرگ عبدالله را برای من تضمین کند، من ظهور
قائم را برای او تضمین می کنم.

سپس فرمود:

وقتی عبدالله بمیرد، مردم برای حکومت با کسی توافق
نکنند و این اختلاف و درگیری با خواست یا خواست خدا تا
ظهور صاحب الامر ادامه یابد. حکومت های چند ساله پایان
یافته و تبدیل به حکومت چند ماهه و چند روزه شود. سؤال
کردم: آیا این ماجرا به طول می انجامد؟

فرمود: هرگز.^۱

همچنین فرمود:

زمانی که مردم در سرزمین عرفاتند، سواری بر شتر راه
وار وارد شده و مرگ خلیفه را خبر دهد. با مرگ او فرج
آل محمد و گشایش کار تمام مردم فرا رسد.^۲

در مورد علت مرگ او از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

علت مرگ او این است که با یکی از خواجهگان و
خدمتکاران خود ازدواج می کند و بعد دست به قتل او می زند.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۳.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۱۷۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۳.

۹۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

و ۴۰ روز مرگ او را مخفی نگه می‌دارد. وقتی به جستجوی
خواجه می‌پردازند اولین نفری که برای این امر بیرون
می‌آید تا آخرین نفر باز نمی‌گردد(و کشته می‌شود) و به
ترتیب (با این قتلها) حکومت و فرمانروایی آنها منقرض
می‌شود.^۱

علامتهای مخصوص سال ظهور

بعضی علامتها مخصوص سال ظهورند که عبارتند از:

۱. فرد بودن رقم سال ظهور^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

يقوم القائم عليه السلام في وتر من السنين؛ واحدة، ثلاث،

خمس؛^۳

قائم عليه السلام در سال فرد مانند نه، یک، سه، پنج

قیام خواهند کرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

لا يخرج القائم الا في وتر من السنين؛ سنة احدى أو

^۱ عصر ظهور، ص ۲۹۲.

^۲ منظور سال هجری قمری است.

^۳ الغيبة نعمانی، ص ۲۷۵.

ثلاث أو سبع أو تسع^۱؛

حضرت جز در سال فرد مانند یک، سه، هفت یا نه قیام

نمی کند.

۲. قرار گرفتن عاشورا در روز شنبه

قیام مهدی موعود علیه السلام در روز عاشورایی است که در شنبه

قرار می گیرد. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

... و يقوم القائم عليه السلام في يوم عاشوراء و هو اليوم

الذي قتل فيه الحسين بن علي عليه السلام لكانى به في يوم

السبت العاشر من المحرم، قائماً بين الركن و المقام ...^۲

در روز عاشورا که روز به شهادت رسیدن حسین بن

علی علیه السلام است قیام خواهد کرد؛ گویا در روز شنبه‌ای

که عاشورا است یا او هستم در حالی که بین رکن و مقام

ایستاده است ...

^۱ اعلام الوری، ص ۲۳۰؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۹۱؛ منتخب الأثر، ص ۴۶۴.

^۲ الإرشاد، ج ۴، ص ۲۷۹؛ اعلام الوری، ص ۴۳۰.

فصل سوم

سفیانی

دشمن سرسخت

مهدی (ع)

بخش اول: شناخت سفیانی

انقلاب مهدی موعود علیه السلام، آخرین و بزرگترین انقلاب جهان خواهد بود. عموم مردم جهان به استثنای گروه اندکی، طرفدار حضرت و انقلاب جهانش که به نفع اغلب انسانهای دنیاست، می‌باشند. پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود:

مردی از امت من قیام می‌کند که مردم زمین و آسمان
او را دوست می‌دارند.^۱

همچنین فرمود:

امتش به او پناه می‌برند آن گونه که زنبورها به ملکه
خود پناهنده می‌شوند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود:

مهدی علیه السلام محبوب دلهای مردم عالم است.

^۱ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۶۳؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۶.

^۲ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ منتخب الأثر، ص ۵۹۸.

خداوند به وسیله‌ی او آتش فتنه‌ی ناگوار را خاموش گرداند.^۱

ظالمان، زورگویان و زیاده طلبان که با عدالت و برادری جهانی میانه‌ای ندارند، از مخالفان حضرت می‌باشند و در هنگامه‌ی قیام، مقابل حضرت و یارانش می‌ایستند، اما اراده‌ی الهی بر این تعلق گرفته است که ظالمان و مستکبران را نابود سازد و تلاش و ایستادگی آنان فایده‌ای نخواهد داشت.

یکی از سرسخت‌ترین دشمنان حضرت مهدی علیه السلام، سفیانی اموی است. امویان از صدر اسلام با پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» و اهل بیت ظاهرینش دشمنی داشته‌اند و مانع دعوت این بزرگواران می‌شده‌اند.

در هنگام قیام آخرین امام نیز سفیانی ناپاک در مقابل امام می‌ایستد و با او می‌جنگد که البته پیروزی با امام خواهد بود.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أنا و آل ابی سفیان أهل بیتین تعادینا فی الله، قلنا صدق الله و قالوا کذب الله، قاتل ابوسفیان رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم» و قاتل معاویه علی بن ابیطالب علیه السلام و قاتل یزید بن معاویه الحسین بن علی علیه السلام

و السفیانی یقاتل القائم؛^۱

ما و خاندان ابوسفیان دو خانواده ایم که همواره به خاطر خدا در جنگ بوده ایم، ما می گوئیم خدا راست است و راست گفته و آنها می گویند، دروغ است و دروغ گفته؛ ابوسفیان با رسول خدا جنگید، و معاویه با علی بن ابیطالب علیه السلام و یزید با حسین بن علی علیه السلام جنگید و سفیانی نیز با قائم علیه السلام خواهد جنگید.

در هر انقلابی شناخت دوست و دشمن بسیار مهم و ضروری است. قبل از اینکه قیام مهدی علیه السلام را از دیدگاه روایات بررسی نماییم، مطالبی را با استفاده از روایات، در مورد سفیانی؛ شورشها و اقدامات ضد بشری و خرابکارانه او بیان می نماییم.

اسم و نسب سفیانی

روایات بیانگر آنند که سفیانی از نسل ابوسفیان است که ابوسفیان قریشی و اموی می باشد. سفیانی را فرزند زن جگرخوار نیز می خوانند که اشاره به جد مادری او، هند، زن ابوسفیان دارد که در جنگ احد، پس از شهادت حمزه بن سید الشهداء، تلاش کرد تا جگر او را به دندان بکشد. از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

فرزند جگر خوار از وادی یابس (دره بی خشک و بی

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۱؛ یوم الخلاص، ص ۶۹۴.

آب و علف) خروج کند. او مردی است میان قامت، بد
قیافه، دارای سری بزرگ، با صورتی آبله گون، وقتی او را
بینی پنداری که یک چشم دارد، نامش عثمان و پدرش
عنبره و از فرزندان ابوسفیان است. او وارد سرزمینی آرام
با آب گوارا شود و بر منبر آن قرار گیرد.^۱

همچنین فرمود:

... در سرزمین خشک، تعداد اندکی نزد سفیانی می روند
و به او می گویند: سزاوار نیست که تو باعث از میان رفتن اسلام
شوی... او می گوید: من امیر شما نیستم، آنگاه می پرسند: آیا
تو از قریش نیستی... و او به طمع به چنگ آوردن ثروت
خروج می کند.^۲

در یکی از نامه های امیر مؤمنان علیه السلام به معاویه چنین آمده

است:

ای معاویه، مردی از فرزندان تو خواهد آمد که شوم،
ملعون، سبک سر، خشن، بددل، سختگیر و عصبانی است و
خداوند مهر و عطوفت را از قلب او برده، دایی های او
(همچون) سگ خون آشام اند. گویا اورامی بینم و اگر می خواستم
او را نام می بردم و اوصافش را بیان می کردم و سن او را

^۱ کمال الدین، ص ۶۵۱: بشارة الاسلام، ص ۴۶.

^۲ کمال الدین، ص ۵۵۱، باب ۵۷، ص ۱۱.

سفیانی دشمن سرسخت مهدی (ع) / ۱۰۱

می گفتم. او لشکری به سوی مدینه گسیل می دارد. آنها بیش از اندازه دست به کشتار و فحشاء می زنند، در این حال مردی پاک و پرهیزکار از چنگ آنها فرار می کند، همان کسی که زمین را از عدل و داد سرشار خواهد ساخت، همانگونه که از ظلم و ستم لبریز شده است و من نام او را می دانم و می دانم که در آن روز چند ساله است و نشانه اش چیست.^۱

دین سفیانی

با بررسی روایات مربوط به دین سفیانی به این نتیجه می رسیم که شخصیت او معجونی از شخصیت معاویه و یزید است. او اهل حقه بازی و ظاهر سازی و نفاق بوده و پس از به قدرت رسیدن همانند یزید از هیچ جنایت و منکری فروگذار نمی کند. سفیانی دشمن شیعیان است و با نقشه های مرموزانه ی خود بین مسلمانان دشمنی و اختلاف ایجاد می کند. هدف او نابودی شیعیان به طرفداری از اهل سنت است. و اینک بررسی روایات:

۱. سفیانی ظاهراً مسلمان است.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

... و یکون بالوادی الیابس عده غدیده فیقولون له یا هذا

ما يحل لك أن تضيّع الإسلام أما ترى ما الناس فيه من
الهُوان و الفتن فاتق الله و اخرج أما تنصر دينك ...^۱
... در سرزمین خشک تعداد اندکی نزد سفیانی می روند
و به او می گویند: سزاوار نیست که تو باعث از میان رفتن
اسلام شوی، آیا ذلت مردم و فتنه هایی که آنان را فرا
گرفته نمی بینی؟ از خدا بترس و خروج کن، آیا دینت را
یاری نمی کنی...؟

۲. سفیانی مسلمان شناسنامه ای است.

امام یاقر علیه السلام فرموده است:
السُّفْيَانِيُّ أَحْمَرٌ، أَشَقَرٌ، أَرْزَقٌ، لَمْ يَعْبُدِ اللَّهَ قَطُّ، وَ لَمْ
يَرْمَكَةَ وَ لَا الْمَدِينَةَ قَطُّ ...^۲

سفیانی چهره ای گلگون، چشمانی کبود و موهائی زرد
دارد، هرگز خدا را نپرستیده، و هرگز مکه و مدینه را ندیده
است.

۳. سفیانی دشمن شیعیان است.

بنی امیه از دشمنان سرسخت پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» و
اهل بیت علیهم السلام می باشند و کینه ی شیعیان را در دل دارند.

^۱ عقد الدرر، ص ۹۰.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴، ح ۱۱۴۶، الغیبه نعمانی، ص ۳۰۶، باب ۲۸، ح ۱۸.

سفیانی دشمن سرسخت مهدی (ع) / ۱۰۳

سفیانی نیز کینه‌ی سرسختی با شیعیان دارد. امام باقر (ع) برای راهنمایی کردن شیعیان خویش در قسمتی از حدیثی طولانی چنین فرموده‌اند:

سفیانی برای شکنجه کردن دشمنان شما کافیست و او از جمله نشانه‌هایی برای شماست (برای فهم نزدیکی ظهور).
علی رغم اینکه این فاسق شورش کرده، شما یک یا دو ماه پس از خروج او از جای خود تکان نخورید؛ ناراحتی به شما نخواهد رسید تا جمع زیادی از غیر شما (غیر شیعیان) را بکشد (اشاره به معرکه قرقیسیاست).

برخی از اصحاب گفتند: با عیال (زن و فرزند) خود در آن زمان چه کنیم؟ فرمودند: مردان خویش را از سفیانی پنهان کنید؛ چرا که کینه و حرص شیعیان را به دل دارد ولی زنان آن شاء الله ناراحتی به آنها نخواهد رسید.

پرسیدند: پس مردان از دست او به کجا فرار کنند؟ فرمودند:
در مدینه چه می‌توانید بکنید در حالی که سپاهیان آن فاسق بداتجا روی می‌کنند. ولی شما به مکه بروید که محل اجتماع شما آنجاست و فتنه‌ی او به مدت حمل یک زن یعنی نه ماه طول می‌کشد و آن شاء الله پیش از این اجازه نخواهد یافت.^۱

۴. سفیانی نصرانی می‌گردد.

از بشر بن غالب به صورت مرسل (روایتی که سند آن ذکر نشده باشد) روایت شده که گفت:

سفیانی در حالی که نصرانی شده، صلیب برگردن، از

سرزمین رومیان می‌آید، او رئیس گروه است.^۱

«زراره بن اعین» در روایتی از امام صادق روایت کرده است که فرمود:

... وَ يَذْهَبُ إِلَى الرُّومِ لِيُدْفَعَ الْمَلِكِ الْخُرَّاسَانِي وَ يَرْجِعُ
مِنْهَا مُتَنَصِّرًا فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ؛^۲

... و برای شکست نهضت خراسانی به سوی «روم» می‌رود

و از آنجا بر می‌گردد در حالی که نصرانی شده و در گردن

او صلیب است.

سفیانی از عنوان «مسلمانی» برای رسیدن به مقام و ثروت استفاده

می‌کند و اگر در جایی نیاز به کمک دیگران داشته باشد خود را به

کیش و آیین آنان در می‌آورد، در حقیقت او مسلمان منافق است و از

ماسک اسلامی برای فریب مسلمانان و پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند

که متأسفانه عده‌ای از مسلمانان منطقه‌ی شام (به غیر از شیعیان) را

فریب می‌دهد، از شر او و فتنه‌هایش به خدا پناه می‌بریم.

^۱ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۸.

^۲ میر محمد صادق خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۸.

بخش دوم: سیر شورش سفیانی

سفیانی در ماه رجب، شورش خود را از منطقه ای در شهر دمشق شروع می کند. عیسی بن اعین گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:
سفیانی از ختمیات است و خروجش در رجب خواهد بود
و از آغاز خروج تا انجامش پانزده ماه به طول خواهد کشید
که شش ماه آن در جنگ است و چون بر کشورهای پنجگانه
مالک شد، نه ماه حکومت خواهد نمود و یک روز بیش از
نه ماه نمی شود.^۱

امام علی علیه السلام در مورد محل شروع شورش سفیانی می فرماید:
السفیانی ... یخرج من ناحیه مدینه دمشق فی واد یقال له
وادی الیابس؛^۲

سفیانی ... از منطقه ای از شهر دمشق شورش می کند؛
از درّه ای که به آن درّه ی خشک گویند.

^۱ الفیه نعمانی، ص ۱۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۸.

^۲ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۸۸.

تدارک نیرو

اهل شام به جز عده‌ی محدودی که طرفدار حق و شیعه هستند، در اثر زور و زور و تزویر سفیانی به او محلق می‌شوند، «زراره بن اعین» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

... اما سفیانی از وادی یابس که جزء سرزمین شام است، خروج می‌کند و او از نسل عتبه بن ابی سفیان می‌باشد. و این مرد ناپاک پیش از آنکه خروج کند اظهار زهد و بی‌اعتنایی به دنیا می‌نماید. و لباس کهنه و خشن می‌پوشد و با نان جو و نمک نرم تساییده یا نیم کوفته قناعت می‌ورزد و با بدل اموال، دلهای جهال و اراذل و اوباش را به خود متمایل می‌سازد و پس از آن دعوی خلافت، یعنی ادعای حکومت و فرمانروایی می‌نماید و آن دسته از علماء و دانشمندان دین به دنیا فروخته تیز که حق را پنهان و باطل را ترویج می‌کنند، تابع جهال و اشخاص نادان می‌شوند و سر بر خط فرمان سفیانی می‌تهند و می‌گویند: او بهترین مردم روی زمین است ...^۱

پیامبر اعظم «صلی الله علیه وآله و سلم» فرمود:

یخرج السفیانی فی ستین و ثلاثمائة راكب، حتی یأتی

^۱ کشف الحقی، ص ۱۵۳ و ۱۵۴، الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۸.

سفیانی دشمن سوسخت مهدی (ع) / ۱۰۷

دمشق فلا یاتی علیهم شهر رمضان حتی یبایعه من کلب
ثلاثون ألفاً؛^۱

سفیانی با سیصد و شصت سواره شورش می کند تا این
که به دمشق می رسد و در ماه رمضان هم سی هزار نفر از
قبیله ی بنی کلب با او بیعت می کنند.

نبرد سفیانی با اصبه و ابقع

سفیانی در ماه شوال با رقیبان خود، اصبه و ابقع می جنگد و آنان
را شکست می دهد و موقعیت خود را در منطقه ی شام تثبیت می کند.
جابر جعفی از امام باقر علیه السلام چنین روایت کرده است:

از دین برگشتگانی از جانب ترکها حمله کرده و سپاهی
از روم آنها را دنبال می کند. برادران ترکها، پیاده گردن
نیروهایشان را در جزیره ادامه می دهند. رومیان از دین
برگشته هم در زمله نیرو پیاده می کنند، جابر! در آن سال
در تمام مغرب زمین، اختلاف زیادی وجود دارد که اول
مغرب زمین، شام است. در این زمان سه پرچم (سپاه) در
مقابل هم می ایستند. سپاه اصبه، ابقع و سفیانی. در ابتدا
سفیانی با ابقع می جنگد و او و همراهانش را کشته و به

^۱ یوم الخلاص، ص ۶۷۱.

دنیال آن اصبه را هلاک می کند...^۱

نبرد قرقیسیا^۲

سفیانی پس از شکست مخالفان و تثبیت موقعیت، سپاهی را جهت تسخیر عراق و گشتار شیعیان، به آنجا می فرستد که در محلی به قرقیسیا میان سپاه سفیانی و سپاه عراق و همچنین اقوام مختلف دیگری^۳، نبرد سختی در می گیرد. طرفهای درگیری در این نبرد، «اهل باطلند و تعداد صد هزار تن از ستمگران کشته می شوند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

فراز کوهی از طلا و نقره را برملا کند. بر سر آن جنگی در گیرد که از هر نه نفر، هفت نفر کشته شوند. اگر در آن روز بودید، نزدیک ماجرا نشوید.^۴

روایت شده که امام باقر علیه السلام به شخصی به نام میسر فرمود:
چقدر بین شما و قرقیسیا فاصله است؟ عرض کرد: آنجا

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۱۸۷؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۲؛ یوم الخلاص، ص ۶۹۸.

^۲ قرقیسیا شهر کوچکی در مدخل ورودی رودخانه خابور به رودخانه فرات است. محل کنونی آن بلندیهای همجوار با شهر دیر الفزور سوریه نزدیک مرز سوریه و عراق و در فاصله کمی از مرز ترکیه است. (عصر ظهور، ص ۱۲۶).

^۳ ترکها که در جزیره نیرو پیاده کرده اند؛ رومیان (یهودیان و دولتهای غربی) که وارد فلسطین شده اند. (شش ماه پایانی، ص ۱۲۷).

^۴ نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۲؛ عصر ظهور، ص ۱۲۹.

سفیانی دشمن سرسخت مهدی (ع) / ۱۰۹

نزدیک ساحل فرات است، فرمود: آگاه باش که در آنها
واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که از زمان خلقت آسمان و
زمین چنان واقعه‌ای روی نداده و نخواهد داد. آنجا سفره‌ی
رنگینی برای پرندگان آسمان و درندگان زمین گسترده
شود. قیس در آنجا کشته شود و کسی خونخواه او نخواهد بود.^۱

حدیفة بن منصور از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

خداوند، سفره‌ای در قرقیسیا دارد که صاحب خبری از
آسمان ندا می‌دهد و دیگران را آگاه می‌کند که ای
پرندگان آسمان و درندگان زمین برای سیر کردن خود از
گوشت بدن جباران بشتابید.^۲

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده است:

آیا نمی‌بینید که دشمنان شما در معاصی خداوند کشته
می‌شوند، بدون آن که شما حضور داشته باشید. در حالی
که شما با آرامش و امنیت در گوشه‌خانه‌هایتان نشسته‌اید،
برخی از آنها برخی را بر روی زمین می‌کشند...^۳

^۱ عصر ظهور، ص ۱۲۷.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۱۸۶؛ یوم الخلاص، ص ۶۹۹.

^۳ الغیبه نعمانی، ص ۲۰۳.

یورش سپاه سفیانی به عراق

پس از معرکه ی قرقیسیا، سفیانی در اثر عدم ثبات سیاسی در حکومت عراق، تیروهای خویش را وارد عراق می کند و تا قبل از رسیدن تیروهای سید یمانی و سید خراسانی، در شهرهای عراق و به خصوص بغداد و کوفه، دست به کشتارهای وحشیانه، غارت اموال و اعمال خلاف عفت می زند.

کشتارگاه اوّل سفیانی (بغداد)

سفیانی و سپاهیانش در اواخر ماه ذیقعده، در بغداد جنایات هولناکی را مرتکب می شوند. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمود:

تمام عراق را هراسی جدی در بر می گیرد و قرار از این دیار رخت بر می بندد، پس از آن که سپاه سفیانی وارد بغداد می شود، سه روز همه چیز و همه کس را مباح اعلام می کند و به سرعت بسیاری می میرند. شصت هزار نفر (و بنا بر نقلی هفتاد هزار نفر) از اهالی آن شهر را می کشد و اطراف آن را خراب می کند. هیجده شب پس از این فعالیتها در آنجا می ماند و اموال [مردم] آنجا را [در میان خویش] تقسیم می کند. در آن روز سالم ترین نقطه ی بغداد، کرخ است.^۱

^۱ بیوم الخلاص، ص ۷۰۳، اعلام الوری، ص ۴۲۹.

سفیانی دشمن سرسخت مهدی (ع) / ۱۱۱

شہید الشهداء، امام حسین علیہ السلام ہم طی حدیثی طولانی فرمود:

... (سفیانی) سپاہیان صد و سی ہزار نفری خود را بہ بغداد گسیل می دارد و در مدت سه روز روی پل بغداد ہفتاد ہزار نفر را کشتہ و بہ دوازده ہزار دختر جوان تجاوز می کنند، طوری کہ از خون و لاشہی متعفن اجساد، آب دجلہ قرمز رنگ دیدہ می شود.^۱

کشتارگاہ دوم سفیانی (کوفہ و نجف)

لشکریان سفیانی پس از کشتارہای وحشیانہ ای کہ در بغداد در مدت ہیچدہ شب انجام می دهند، در روز عید قربان (دہم ذیحجہ) وارد کوفہ می شوند و آنجا را ہم بہ خاک و خون می کشند. جابر جعفی در حدیثی از امام باقر علیہ السلام نقل می کند کہ فرمود:

سفیانی سپاہی را بہ کوفہ اعزام می کند کہ تعدادشان ہفتاد ہزار نفر است. آنها اہل کوفہ را با کشتار، اعدام و اسیر کردنشان داغدار می کنند...^۲

از امیر المؤمنین علیہ السلام نقل شدہ کہ فرمود:

ہفتاد نفر از صالحان (عالمان دینی) کہ سردستہ شان مرد با منزلتی است کشتہ خواهد شد کہ او را (سفیانی) می کشد

^۱ یوم الخلاص، ص ۶۵۸.

^۲ الغیبہ نعمانی، ص ۱۸۷؛ بشارۃ الاسلام، ص ۱۰۲؛ یوم الخلاص، ص ۶۳۷.

و خاکسترش را در میان جلولاء و خانقین بر باد می دهد و

این پس از آن است که در کوفه چهل هزار نفر را کشته است.^۱

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

گویا سفیانی را می بینم که در میدان کوفه لنگر انداخته

و منادی او فریاد می آورد که هر کس سر شیعه‌ای از شیعیان

علی علیه السلام را بیاورد، هزار درهم جایزه می گیرد.

آنگاه همسایه به همسایه اش حمله می کند و می گوید این

از آنهاست. گردنش را می زند و هزار درهم جایزه می گیرد.

فرمانروایی شما هم در آن زمان، از آن حرامزادگان است.

گویا آن مرد آبله رو را می بینم. پرسیدند: او کیست؟

فرمود: مردی که به عنوان یکی از شما و هم عقیده با شما

(عرب و مسلمان) وارد صحنه می شود. او شما را خوب

می شناسد ولی شما او را نمی شناسید. پس شما را محاصره

کرده و یک یک دستگیر می کند و نابود می سازد و او

زنازاده‌ای بیش نیست.^۲

یورش سپاه سفیانی به حجاز

سران حجاز برای رویارویی با قیام مهدی علیه السلام و یارانش و

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰؛ یوم الخلاص، ص ۶۳۵.

^۲ القیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۳؛ بشارة الاسلام، ص ۱۲۴؛ یوم الخلاص، ص ۷۰۳.

سفیانی دشمن سرسخت مهدی (ع) / ۱۱۳

کنترل اوضاع داخلی حجاز از سوریه درخواست اعزام نیرو می کنند. سفیانی که از ظهور حضرت خیردار شده، سپاهی را به سوی حجاز می فرستد. هدف سفیانی دستیابی به وجود مبارک امام و کشتار شیعیان است. از آنجا که امام مدتی قبل از ظهور علنی در مدینه متوجه به سر می برد، این لشکر ابتدا قصد مدینه می کنند ولی قبل از رسیدن به شهر، حضرت همراه با یاورش منصور از آنجا خارج می شوند.

خروج امام از مدینه

در موقعیت بحرانی حجاز، مهدی موعود مانند خروج حسین بن علی از شریزیدیان و همچنین مانند خروج حضرت موسی از میان فرعونیان، بیمناک و نگران از مدینه خارج می شود و یکی از یارانش او را همراهی می کند. امام باقر علیه السلام در روایت جابر بن یزید جعفی می فرماید:

سفیانی گروهی را به مدینه فرستد. آنها مردی را در آنجا به قتل رسانند و مهدی و منصور از آنجا بگریزند و کوچک و بزرگ خاندان پیامبر «صلی الله علیه وآله و سلم» دستگیر شوند و کسی از آنان نماند مگر آنکه زندانی گردد. لشکر سفیانی به تعقیب آن دو مرد اعزام شود.^۱

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

ورود سپاه سفیانی به مدینه و تاراج آن

طبق روایات، سپاه سفیانی روز دوازدهم محرم به مدینه می‌رسند و سه روز تمام به قتل و غارت و اسارت بنی هاشم می‌پردازند و منبر رسول خدا را خراب کرده و قبر شریفشان را منهدم می‌کنند. همچنین مرکبهای آنها در مسجد مبارک پیامبر سرگین می‌اندازند! اصبع بن ثباته از حضرت علی علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

... و شورش سفیانی با پرچمی قرمز رنگ، به فرماندهی مردی از قبیله ی کلب است و دوازده هزار نفر از سپاهیانش رو به مکه و مدینه می‌کنند که فرمانده آنها مردی از بنی امیه است که به او خزیمه می‌گویند که چشم چپش نابینا است و سفیدی ضخیمی روی مردمک چشمش را پوشانده است. خود را شبیه مردان می‌کند. پرچم خویش را برنمی‌گرداند تا اینکه در مدینه در خانه شخصی به نام ابوالحسن اموی منزل کند.^۱

ابن حماد روایت کرده است که:

سفیانی به سوی مدینه حرکت کرده و قریش را از دم شمشیر بگذرانند و چهار صد تن از مردان آنها و از انصار

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۱۹؛ بشارة الاسلام، ص ۵۸؛ يوم

سفیانی دشمن سرسخت مهدی (ع) / ۱۱۵

را بکشد و شکم زن ها را دریده و کودکان را به قتل
رساند و خواهر و برادری به نام محمد و فاطمه را از قریش
کشته و بر دروازه ی مسجد مدینه آویزد.^۱

مردی که به دست سپاه سفیانی کشته می شود نامش محمد بن حسن
است، زیرا حضرت نزد مردم به این نام مشهور است و آنان به خیال
آنکه مهدی موعود علیه السلام است او را به شهادت می رسانند.

امام صادق علیه السلام در مورد تخریب قبر مطهر پیامبر «صلی الله
علیه و آله و سلم» و توهین به مسجدشان می فرماید:

سفیانی لشکری را به مدینه گسیل می دارد تا آنجا را
خراب و قبر مطهر [پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و
سلم»] را منهدم کنند و استران و چهارپایان آنها در مسجد
النبی، سرگین می اندازند.^۲

فرو رفتن سپاه سفیانی در بیابان بیداء (علامت حتمی ظهور)

سپاه سفیانی از مدینه به قصد نبرد با مهدی موعود علیه السلام و
یارانش و درهم کوبیدن جریان نوظهورش به طرف مکه ی مکرمه
خارج می شوند. در روایات حرکت این سپاه به سیل تشبیه شده

^۱ نسخه ی خطی ابن حماد، ص ۱۸۸؛ عصر ظهور، ص ۲۷۳.

^۲ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۶؛ یوم الخلاص، ص ۷۰۱.

۱۱۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

است.^۱ این سپاه در شب پانزدهم محرم، به بیابان بیداء که بین مکه و مدینه است، می‌رسد.^۲ و شب را در آنجا بیتوته می‌کنند. به امر خدا، زمین آنها را با تمام سلاحهایشان می‌بلعد و تنها دو نفر به نام بشیر و نذیر در حالی که در اثر شدت سیلی جبرئیل چهره هایشان به عقب برگشته، نجات می‌یابند. به دستور جبرئیل، بشیر، بشارت خبر هلاکت سپاه سفیانی را برای حضرت مهدی علیه السلام می‌برد و نذیر برای تحذیر سفیانی و خبردار کردن او از این حادثه، به سراغ او می‌رود. روایات این واقعه را چنین بیان کرده‌اند:

جابر بن جعفری از امام باقر علیه السلام روایت کرده است:

... سفیانی، سپاهی را به مدینه می‌فرستد که حضرت مهدی علیه السلام [به ناچار] از آنجا دور شده و به مکه می‌روند. به سپاهیان سفیانی خبر می‌رسد که ایشان به مکه رفته‌اند. او هم سپاهی به دنبال ایشان می‌فرستد؛ آنها به آن حضرت نمی‌رسند تا این که ایشان همانند حضرت موسی علیه السلام ترسناک از تعقیب کنندگانشان وارد مکه می‌شوند. فرمانده سپاه سفیانی وارد بیداء (بیابان) می‌شوند. منادی از آسمان ندا می‌دهد که ای بیداء! آنها را در کام

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

^۲ ۱۲ میلی کوههای منطقه ذات الجیش دشت یمناور در سفید رنگی نزدیک منطقه بدر کبری است.

(شش ماه پایانی، ص ۱۹۰).

گیر و بیابان هم آنها را در خود فرو می برد.^۱

آن حضرت، در حدیث دیگری فرموده است:

سفیانی، از نسل ابوسفیان بن حرب است. سپاهی را به سوی ایشان می فرستد که در سرزمین بیداء در شبی مهتابی که قرص ماه کامل است، بیتوته می کند. چوپانی از آنجا عبور می کند و با خود می گوید:

بیچاره مردم مکه که اینها چه بر سرشان خواهند آورد. می رود و بر می گردد و آنها را نمی بیند. می گوید: سبحان الله! یعنی در یک لحظه کوچ کردند؟ به منزلگاه آنها که می رسد لباسی را می بیند که بخشی از آن در زمین فرو رفته و بخشی دیگر از آن بیرون است. سعی می کند که آن را بیرون آورد ولی نمی تواند و می فهمد که در زمین فرو رفته اند.^۲

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

.. و اما سپاه مدینه وقتی به میانه راه به بیداء می رسند، جبرئیل فریاد عظیمی بر سر آنها می زند. همگی از بین رفته و خداوند آنها را به کام زمین می فرستد. باقی مانده‌ی سپاه دو نفرند: یکی بشیر و دیگری نذیر. جبرئیل بر سر آنها داد

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۱۸۸؛ بشاره الاسلام، ص ۱۰۲.

^۲ بشاره الاسلام، ص ۱۸۴؛ یوم الخلاص، ص ۶۹۲.

۱۱۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

می‌گشود و خداوند چهره‌هایشان را به پشت سر بر می‌گرداند.
تذیر به نزد سفیانی می‌رود و او را از آنچه اتفاق افتاده
باخبر می‌کند.^۱

بشیر به نزد حضرت مهدی علیه السلام در مکه می‌رود و بشارت
هلاکت سپاه سفیانی را می‌دهد و با حضرت بیعت می‌کند.^۲
مکه پس از این جریان امنیت خویش را باز می‌یابد و احدی از
ستمگران و فرمانروایان جسرات حمله‌ی به مکه و درگیری با امام و
یارانش را به خود نمی‌دهد و هر کدام هم که راه افتاده‌اند بر می‌گردند
که مبادا دچار چنین سرنوشتی بشوند.

^۱ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۹۸؛ یوم الخلاص، ص ۶۷۹.

^۲ ماجرای ملاقات بشیر با حضرت را در فصل بعدی نقل می‌کنیم.

بخش سوم: قیام سید خراسانی علیه سفیانی

روایات بیانگر آن است که سید خراسانی همزمان با خروج سفیانی قیام می کند و در زمانی که سپاه سفیانی مشغول کشتار مردم عراق هستند با سپاهی بزرگ برای نجات مردم مظلوم عراق و به خصوص شیعیان و مهیا سازی کوفه برای ورود مهدی موعود علیه السلام، رهسپار عراق می گردد. فرماندهی نیروهای ایرانی، شعیب بن صالح است که از مردان شجاع نامی است. سفیانی که از حرکت سپاه خراسانی با خبر می شود، سپاهی را برای مقابله با او می فرستد که دو طرف در جنوب ایران در منطقه ای به نام استخر به هم می رسند و تیرد شدیدی در می گیرد. بر اثر شجاعت و قداکاری سپاه ایران، سپاه سفیانی شکست می خورد و عقب نشینی می کند.

روایات مربوط به قیام سید خراسانی

وقتی روایات مربوط به قیام مهدی موعود را بررسی می نمایم، ایرانی ها دارای نقش مهمی بوده و کسانی هستند که به افتخار شرکت در قیام حضرت نائل می شوند. در این روایات، از ایرانیان با عناوین

۱۲۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

«صاحبان پرچمهای سیاه»، «اهل خراسان» و «اهل طالقان» یاد شده است. ما ابتدا روایات مربوط به دو شخصیت ایرانی که رهبری و فرماندهی نیروها را بر عهده دارند، نقل می‌کنیم و آنگاه روایات مربوط به قیام را می‌آوریم.

دو موعود ایرانیان قبل از قیام مهدی (ع)

روایات بیانگر آن است که قبل از ظهور و قیام مهدی (علیه السلام)، دو شخصیت انقلابی در ایران به قدرت می‌رسند که از یاوران مهدی موعود بوده و سرپرستی نیروهای ایرانی را بر عهده دارند و با سپاه خویش در قیام حضرت مهدی (علیه السلام) شرکت می‌کنند.

هاشمی خراسانی

در بعضی از روایات تنها خراسانی آمده است نه هاشمی، ولی از منابع شیعه و سنی استفاده می‌شود، خراسانی از نسل امام حسین علیه السلام است.^۱ بنابراین هاشمی و خراسانی یکی هستند. در روایتی، ویژگیهای او چنین توصیف شده است:

سید خراسانی، رهبری سیاسی ای که در دست راستش خالی دارد^۲، قائد اعظم و سید بزرگواری است که پرچمهای نهضت به نقش او منقوش گشته‌اند.^۳

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۲۱۷.

^۲ ممکن است اشاره به علامتی باشد.

^۳ نقش ماه پایانی، ص ۹۳.

شعیب بن صالح

این مرد جوان، فرمانده سپاه سید خراسانی است. نام و اوصاف او در روایات بیان شده است. در یک روایت چنین آمده است:

شعیب بن صالح، جوان گندمگون و تیزفهمی از اهالی تهران که سرپرستی نیروها را بر عهده دارد.^۱

روایت دیگر می گوید:

جوانی است از شهر ری، گندمگون، لاغر، دارای محاسن کم پشت، صاحب بصیرت، یقین و اراده ای خلل ناپذیر، از جنگاوران نام آور و ممتاز، مردی شکست ناپذیر و استوار که اگر کوه در مقابلش بایستد آن را منهدم کرده و عبور می نماید.^۲

در حدیث دیگر که در توصیف شعیب بن صالح و شجاعت بی نظیر او در میدان نبرد از سفیانی کلبی نقل شده چنین آمده است:

غَلامٌ حَدَّثُ السَّنِّ، خَفِيفُ اللَّيْحَةِ أَصْفَرٌ، لَوْ قَاتَلَ الْجِبَالَ لَهَدَّهَا، حَتَّى يَنْزِلَ أَيْلِيَا.^۳

جوانی است نوریس - تازه سن - زرد چهره، کم ریش،

^۱ همان.

^۲ معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.

^۳ الملاحم و الفتن، ص ۵۳ و ۵۴، باب ۹۸.

اگر با کوهها درگیر شود آنها را از بن می کند. او همچنان به پیش می تازد تا اینکه وارد سرزمین قدس می شود.

روایت گنجهای طالقان

حدیثی از منابع سنی ها از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

آفرین بر طالقان، خداوند را در آن گنج هایی ست اما نه از جنس طلا و نقره، بلکه در آن سرزمین مردانی است که خدا را آنطور که شایسته ی معرفت است، شناخته اند. آنان، یاران مهدی آخر الزمانند.^۱

و در روایتی دیگر آمده است:

پر افتخار باد طالقان!^۲

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خداوند را در طالقان گنج هایی است که نه طلاست و نه نقره، بلکه درفش هایی ست که تاکنون به اهتزاز در نیامده، در آن خطه مردانی هستند که قلب هایشان مانند پاره های آهن، محکم و نستوه است و نسبت به ذات مقدس خداوند تردیدی در آنها راه نمی یابد، شدیدتر از آتش اند

^۱ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۲.

^۲ یتابع الموده، ص ۴۴۹.

سفیانی دشمن سرسخت مهدی (ع) / ۱۲۳

اگر بر کوه حمله ور شوند آن را از جای بر کنند، آهنگ هر دیاری نمایند چون عقاب بر آن فرود آیند و آن را منهدم سازند. آنان وجود مبارک امام را پروانه وار در میان گرفته و به هنگام خطر، از وجود مقدس او با جان خود محافظت کنند. شبها را به نماز و مناجات سپری کنند و روزها سواران کارزارند. زاهدان شب و شیران روزند. آنان (در اطاعت از امام) مطیع تر از کنیزان، در برابر مولای خویش اند، درخشان چون چراغهای پرنورند. گویا بردل‌هایشان چلچراغی آویخته‌اند. از بیم خدا دل نگران اما شهادت طلبند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را دارند. شعارشان، خونخواهی سالار شهیدان حسین (ع) است، هنگامی که به پیش می‌تازند رعب و وحشتی عظیم فرسنگها جلوتر از آنان در قلبهای دشمنان جای گیرد، گروه گروه به سوی حق بشتابند، به واسطه‌ی این رادمردان، خداوند امام برحق را یاری فرماید.^۱

روایات پرچمهای سیاه

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

... وقتی سپاه سفیانی به سمت کوفه حرکت می‌کند، آنها

را برای [درگیری و پیروزی بر] اهل خراسان می‌فرستد که

آنها هم به جهت [یاری] حضرت مهدی علیه السلام خارج شده‌اند. سفیانی و سید خراسانی حامل پرچمهای سیاه به هم می‌رسند. در خط مقدم [سپاهیان] سید خراسانی، شعیب به صالح است که میان آنها با سفیانی در باب اصطخر جنگ شدیدی صورت می‌گیرد که پرچمهای سیاه پیروز شده و لشکر سفیانی متواری و فراری می‌شوند. به دنبال آن مردم آرزوی [آمدن] مهدی را می‌کنند و او را می‌جویند. او هم در مکه قیام می‌کند در حالی که پرچم رسول خدا را به همراه دارد و آن هم در زمانی که مردم از قیام او به خاطر شدت و مدت بلایا و فتنه‌ها مأیوس شده‌اند.^۱

از محمد بن حنفیه چنین نقل شده است:

درفش‌های سیاهی به اهتزاز درآید که مربوط به بنی عباس است، سپس پرچمهای دیگری از سوی خراسان به اهتزاز درآید که حاملان آن کلاه‌های سیاه و لباسهای سفید بر تن دارند، پیشاپیش آنان مردی است به نام صالح از قبیله ی تمیم، طرفداران سفیانی را شکست دهند. تا در بیت المقدس فرود آیند و پایگاه دولت مهدی علیه السلام را فراهم آورند.^۲

^۱ بشارة الاسلام، ص ۱۸۴، يوم الخلاص، ص ۶۵۱

^۲ عصر ظهور، ص ۲۲۹.

سفیانی دشمن سرسخت مهدی (ع) / ۱۲۵

بکه نظر می رسد که این حرکت در هنگام حمله ی سفیانی به جنوب ایران است که نیروهای ایرانی با فرماندهی شعیب بن صالح، سفیانی و نیروهایش را شکست داده و آنان را به عقب می رانند و پس از آن به سپاه مهدی علیه السلام که از مکه عازم کوفه است، می پیوندند و به سوی قدس پیشروی می کنند.

بخش چهارم: قیام سید یمانی علیه سفیانی

در روایات متعددی سخن از وقوع یک نهضت اسلامی و زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام، در یمن به میان آمده است. وقوع این نهضت، حتمی و پرچم آن از هدایت بخش ترین پرچمها می باشد. این قیام همزمان با خروج سفیانی و قیام سید خراسانی، در ماه رجب شکل می گیرد و نقشی مهم در پشتیبانی و همکاری با قیام سید خراسانی علیه شورش سفیانی دارد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه

۱ در زمان صدر اسلام یعنی ها از اولین کسانی بودند که دعوت پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» را لیبك گفتند و اسلام اختیار کردند. گروهی از ایرانیان مقیم یمن نیز در آن زمان اسلام را پذیرفتند و در گسترش آن به اقصی نقاط جهان تلاش زیادی انجام دادند.

یمن در نیمه ی جنوبی شبه جزیره عربستان قرار دارد. در ۲۶ شوال ۱۴۱۰ میلادی مطابق با اول خرداد ۱۳۶۱ شمسی، دو کشور یمن شمالی و جنوبی در مورد کشوری واحد تحت عنوان «جمهوری یمن» توافق نمودند. دو قبیله ی اوس و خزرج مردم یمن را تشکیل می دهند که ۹۸٪ مسلمان و از مذاهب شافعی و زیدی هستند. امروزه در یمن شمار زیادی از شیعیان اثنی عشری وجود دارند. (برگرفته از کتاب «سرزمین اسلام» اثر «غلامرضا گلی زواره».)

و یک روز و ترتیب آنها همچون رشته مهره‌ها پشت سر هم خواهد بود. سختی از هر سو پدید آید، وای بر کسی که با آنها مخالفت و دشمنی کند. در میان درفش‌ها، هدایت‌گرتتر از درفش یمانی وجود ندارد، چرا که درفش حق است و شما را به سوی صاحبان دعوت کند. وقتی یمانی قیام کند، فروش اسلحه به مردم حرام است. پس به سوی او بشتابید که درفش او درفش هدایت است. بر هیچ مسلمانی، سرپیچی از او جایز نیست و اگر کسی چنین کند اهل آتش است، زیرا او مردم را به حق و به راه مستقیم دعوت کند.

در مورد نام و مکان قیام یمانی در کتاب بشاره الاسلام آمده است:

آنگاه، فرمانروایی به نام حسین یا حسن از صنعا قیام کند و با قیام او فتنه‌های سخت از میان برود، خجسته و پاک ظاهر شود و در پرتو ظهور او تاریکیها به روشنی تبدیل و حق بعد از پنهان شدن، آشکار گردد.^۱

^۱ بشارة الاسلام، ص ۹۳.

^۲ بشارة الاسلام، ص ۱۸۷.

فصل چهارم

سیمایی از ظهور و قیام

مهدی (ع)

بخش اول: مهدی (ع)، امید مستضعفان جهان

در زمانی که جهان پر از ظلم و فساد گردد و ستمگران و ظالمان به نهایت شقاوت خود برسند و عده‌ی محدودی از افراد با ایمان نیز به نهایت تلاش خود در جهت مهار ظلم و فساد جهانی رسیده باشند، خداوند به آخرین وصیش اذن ظهور می‌دهد تا با یارن باوفایش قیام نموده و جهان را پر از عدل و پاکی نماید.

قبل از اینکه سیر ظهور و قیام حضرت را مورد بررسی قرار دهیم، مطالبی را بر اساس روایات، در مورد مهدی موعود علیه السلام و یارانش بیان می‌کنیم.

ویژگیهای مهدی (ع)

حضرت مهدی علیه السلام آخرین وصی الهی، شخصیت بزرگواری است که امید همه‌ی مستضعفان جهان و رهبر جهانیان در آخر الزمان می‌باشد. سخن گفتن از ایشان مشکل است و امثال ما نمی‌توانیم شخصیت ملکوتی و والامقام آن حضرت را آن طور که شایسته است، بشناسیم. اما گفته‌اند که «ما لایدرک کله لایترک کله» و به قولی دیگر

۱۳۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

«آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید».

ما در این قسمت، روایاتی را از امامان معصوم علیهم السلام درباره‌ی ویژگیهای فراوان حضرت نقل می‌کنیم و قبلاً از آستان مقدسش عذر خواهی می‌نماییم.

خوف و خشیت از خدا

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

مهدی علیه السلام بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش به زردی متمایل است. پدرم فدای کسی باد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را پیگیر می‌شود (وداع می‌نماید)، پدرم فدای کسی که در راه خدا ملامت ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد. او چراغ هدایت در تاریکیهای مطلق است، پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌کند!^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

المهدی خاشع لله کخشوع الزجاج؛^۲

مهدی علیه السلام در برابر پروردگارش همچون شیشه،

خاشع است.

^۱ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

^۲ الملاحم و الفتن، ص ۵۸.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضِعًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛^۱

مهدی در برابر پروردگارش از همه متواضع تر است.

معنوی و علمی

مهدی موعود علیه السلام انسان کاملی است که کمالات معنوی و علمی را در حد اعلا دارا می باشد. پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه وآله و سلم» در وصفش چنین می فرماید:

آنگاه خداوند مردی را از بهترین فرزندان و پاک ترین عترت من بر می انگیزد که سراپا عدل و برکت و پاکی است، از کوچکترین حق کشی چشم نمی پوشد، او فرمان خدا را پیروی می کند، با کسی حساب خویشاوندی ندارد و سنگی روی سنگ نگذارد^۲ (از متاع دنیا چیزی بر نمی گیرد).

امام حسین علیه السلام فرمود:

تعرفون المهدی بالسکینه و الوقار و بمعرفة الحلال و الحرام و بحاجه الناس اليه و لا يحتاج الي أحد؛^۳

مهدی علیه السلام را با سکینه و وقار می شناسید و با

^۱ الزام الناصب، ص ۱۰.

^۲ الملاحم و الفتن، ص ۱۰۸؛ روزگار زهابی، ج ۲، ص ۹۵۰.

^۳ الغیبه نعمانی، ص ۱۲۷؛ منتخب الأثر، ص ۳۹۰.

۱۳۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

شناختن حلال و حرام و نیاز همگان به او و بی نیازیش از همه خواهید شناخت.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

الججاج المجاهد المجتهد؛^۱

او شتابنده به سوی نیکی‌ها و بزرگواری‌ها، مبارزه و سخت کوش است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

عليه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب؛^۲

او دارای کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

او دانا، حکیم، پرهیزگار، بردبار، بخشنده و عابدترین مردمان است... دیدگانش در خواب فرو می رود ولی دلش همیشه بیدار است و فرشتگان با او سخن گویند... دعایش همواره به اجابت می رسد، اگر در مورد سنگی تفرین کند از وسط دو نیم می شود.^۳

امام باقر علیه السلام فرمود:

علم به کتاب خدا و سنت پیامبر، در دل مهدی ما ریشه

^۱ سیمای جهان در عصر امام زمان، ج ۱، ص ۵۱۳.

^۲ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۶ در حدیث لوح.

^۳ الزام الناصب، ص ۹، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۳۲.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۳۵

می دواند، آن چنان که گیاه در دل مساعدترین سرزمین ها
ریشه می دواند.^۱

امام رضا علیه السلام فرمود:

دلالته فی خصلتین: فی العلم و استجابہ الدعوه؛^۲

مهدی علیه السلام دو نشانه‌ی آشکار دارد که با آنها

شناخته می‌شود، یکی دانش بیکران و دومی استجابت دعا.

امام علی علیه السلام فرمود:

أكثرکم علماً و أرحمکم رحماً؛^۳

دانش او از همه شما افزون‌تر و صلۀ ارحام‌کننده‌تر از

همه شما است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

یسیر بالتقی و یعمل بالهدی؛^۴

تقوا را پیشه‌ی خود می‌سازد و از روی بصیرت و هدایت

گام بر می‌دارد.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷؛ منتخب الأثر، ص ۳۰۹.

^۲ عینون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸۰؛ الزام الناصب، ص ۱۰.

^۳ الغیبه نعمانی، ص ۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵؛ منتخب الأثر، ص ۳۰۹.

^۴ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹.

کمالات اخلاقی

حضرت مهدی علیه السلام از شبیه‌ترین مردم به رسول خداست و مایه‌ی رحمت برای همه‌ی انسانها و به خصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است. از طرفی حضرت با دشمنان راه خدا سرسخت می‌باشد. و مصداق این آیه‌ی قرآن است که می‌فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ
بَيْنَهُمْ؛

محمد رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و در میان خودشان مهربانند.

مهدی موعود از کشتار انسانها نفرت دارد ولی بنا بر فرمان الهی که با دستور پیامبر اسلامی «صلی الله علیه و سلم» و امیر المؤمنین، به حضرت اعلام می‌گردد، وظیفه‌ی کشتار دشمنان راه خدا را دارد. عبید بن زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به نام قائم علیه السلام ندا شود، نزد او می‌آیند در حالی که پشت «مقام» باشد و به او گفته شود که به اسم تو ندا شده، پس در انتظار چه هستی؟! سپس دست او را گرفته و بیعت می‌شود.

عبید بن زراره گفت: حمد خدا را که شنیده بودیم قائم علیه السلام

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۳۷

با اکراه بیعت کرده شود، علت اکراهش را نمی دانستیم، (حالا) دانستیم اکراهی است که گناه در آن نیست. مهدی از مدینه به مکه می آید و با او بین رکن و مقام بیعت می کنند در حالی که خود حضرت راغب نیست.^۱

سیوطی از رسول خدا «ص» نقل کرده است که فرمود:

مهدی علیه السلام از مدینه به سوی مکه بیرون می رود، مردم از او می خواهند که از میانشان خارج شود. آنگاه با او بین رکن و مقام بیعت می کنند، در حالی که کراهت دارد...^۲

شاید علت اکراه حضرت از بیعت، جنگ و خونریزی باشد؛ زیرا او طرفدار صلح و برادری است؛ اما در زمانی که ظهور می کند جز با کشتن عده ای محدود از انسانهای ظالم و زورگو که مانع صلح جهانیتند، برقراری صلح امکان پذیر نخواهد بود.

همانطور که قبلاً بیان کردیم قبل از ظهور حضرت، جنگ و خونریزی وحشتناکی از طرف سفیانی ملعون و حامیانش در منطقه‌ی خاورمیانه صورت می گیرد که حضرت چاره ای جز ایستادگی و نبرد با سفیانی و حامیانش ندارد. همانطور که حسین بن علی علیه السلام

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۱۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴، ب ۲۶، ح ۲۳.

^۲ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲.

نیز تنها راه چاره اش جنگ با یزید و سپاهیان‌شان بود. پیامبران و امامان معصوم علیه السلام هیچگاه آغازگر جنگ نبوده اند و همیشه طرف درگیر را با پافشاری بر اهداف الهی خویش، دعوت به صلح و برادری می‌نموده‌اند؛ اما عده‌ای از افراد نادان و ستمگر همیشه وجود دارند که سخن حق برایشان سخت است و علیه اولیای الهی اعلان جنگ می‌نمایند.

اوج رحمت

تعدادی از یاعیان در مکه برای سه مرتبه فرماندار حضرت را به قتل می‌رسانند، اما حضرت شخصاً برای مجازات آنها نمی‌رود، بلکه لشکری را برای برانداختن آنها می‌فرستد و می‌فرماید:

رحمت خدا همه ی موجودات را شامل است و من همان

رحمتم. نمی‌خواهم خودم برای تصفیه ی آنان بروم.^۱

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

او برای مردم از خودشان سزاوارتر و از پدران و

مادرانشان مهربان‌تر است.^۲

روش زندگی

حضرت بسیار ساده زندگی می‌کند. سطح زندگی او در حد پایین

^۱ محمد امینی گلستانی، سیمای جهان در عصر امام زمان، ج ۱، ص ۵۲۹.

^۲ الزام الناصب، ص ۸۰.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۳۹

ترین مردم است و مانند حضرت علی علیه السلام از نظر خوراک، پوشاک، مرکب و ... به حداقل اکتفا می کند.

عثمان بن حماد می گویند: در مجلس امام صادق علیه السلام حاضر بودم که شخصی به حضرتش عرض کرد: علی بن ابیطالب لباسی خشن می پوشید که ارزش آن چهار درهم بود؛ اما شما لباس ارزشمندی بر تن دارید! حضرت در پاسخ فرمود:

حضرت علی در زمانی آن لباس را می پوشید که مورد انکار و اعتراض قرار نمی گرفت. بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن دوران است. هنگامی که قائم ما قیام کند، نظیر لباس علی علیه السلام را می پوشد و از سیاست و خط مشی آن حضرت پیروی می کند.^۱

ابوبصیر گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

... فوالله ما لبسه الا الغليظ، و لا طعامه الا الجشب. ...^۲

... به خدا سوگند! لباسش جز درشت و غذایش جو

خشک نیست.

خصوصیات ظاهری

روایات چهره‌ی حضرت را در هنگام ظهور، جوان و سن او را کمتر

^۱ کافی، ج ۶، ص ۴۴۴؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۹.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۱۲۲؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۹۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، ب ۲۷، ج ۱۱۵.

۱۴۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

از چهل سال می دانند. امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

... خداوند عمر حضرت مهدی علیه السلام را در روزگار

غیبت طولانی می گرداند. پس از آن با قدرت بی پایش

او را از چهره‌ی جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می کند.^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام قیام می کند،

سن او بین سی تا چهل سال خواهد بود.^۲

مروی میگویند: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: نشانه و

علامت قائم شما به هنگام قیام و ظهور چیست؟ امام فرمود:

نشانه اش این که سن حضرت زیاد است؛ ولی از نظر

چهره جوان می نماید؛ به گونه ای که اگر کسی به او نظر

کند، می پندارد او در سن چهل سالگی یا کم تر است. نشانه

دیگرش این که گذشت روزگار او را پیر نمی کند تا زمانی

که اجلش فرا رسد.^۳

^۱ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵؛ اعلام الوری، ص ۴۰۱.

^۲ قاضی نور الله حسینی مرعشی، احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۵۴.

^۳ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ اعلام الوری، ص ۴۳۵.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۴۱

پیران پسر صلت می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

من امام و صاحب امر هستم؛ ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می کند. آنگاه که از ستم و بیداد پر شده باشد. چگونه می توانم صاحب آن امر باشم، در حالی که ناتوانی جسمی مرا می بینی؟ قائم علیه السلام کسی است که وقتی ظهور می کند، در سن پیران است؛ ولی به نظر جوان می آید، اندامی قوی و تنومند دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوهها فریاد برآورد، صخره ها می شکنند و از جا کنده می شود، عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست.^۱

^۱ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸؛ اعلام الوری، ص ۴۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

بخش دوم: یاران مهدی (ع)

یارانی ویژه و برگزیده، مهدی موعود علیه السلام را در قیام جهانی یاری می دهند که دارای ویژگیهای خاص و از گروههای گوناگونی هستند.

لیست یاران

یاران حضرت را چندتن از پیامبران، گروهی از مؤمنان که تعدادی از اصحاب رجعتند و عده ای از فرشتگان و جنیان تشکیل می دهند. همچنین با رعب و وحشت که خداوند در دل دشمنان حضرت می اندازد، عده ای از مقابله با حضرت منصرف شده و تسلیم حضرت می شوند.

پیامبران

بر اساس روایات، حضرت عیسی، حضرت خضر، حضرت الیاس و حضرت ادریس علی نبینا و آله و علیهم السلام، از پیامبران بزرگواری هستند که از یاران مهدی علیه السلام می باشند. این پیامبران الهی زنده بوده و به آسمان عروج کرده اند. حضرت خضر علیه السلام، مؤسس

۱۴۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

تنهایی قائم علیه السلام می باشد و هر ساله در مراسم حج حاضر می شود.
امام رضا علیه السلام می فرماید:

همانا خضر علیه السلام از آب حیات نوشیده و او زنده
است و نمی میرد تا اینکه در صور دمیده شود. او نزد ما
آمده و بر ما سلام می کند، صدایش شنیده شده ولی شخص
او دیده نمی شود. هر جا از او یاد شود حاضر شود، پس
هر کس از شما او را یاد کرد بر او سلام کند.

او هر ساله در مراسم حج حاضر می شود، تمام مناسک
حج را انجام داده و در عرفات توقف می کند و بر دعاهای
مؤمنین آمین می گوید و خداوند به وسیله ی او وحشت قائم
ما را مبدل به اتس می گرداند و تنهاییش را بر طرف می سازد.^۱

گروه ۳۱۳ نفری

حضرت با یک گروه ۳۱۳ نفری از مؤمنان که یاران خاص
حضرتند، ظهور خواهد کرد. این گروه ۳۱۳ نفری، هسته ی اصلی
یاران حضرت را تشکیل می دهند و فرماندهان در قیام و کارگزاران در
حکومت حضرت هستند.

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: قربانت شوم! غیر از ایشان

^۱ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۹؛ سید محمد تقی موسوی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۸۹.

(۳۱۳ تن) مؤمن در روی زمین نیست؟! فرمود:

چرا ولکن آنها قوام و نجباء و فضات و حکام و فقهاء،

در دین هستند. و فرمود:

عددشان و شهرها و محل‌هایشان در کتابی نوشته شده و

محفوظ است.^۱

از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ
أَیْنَ مَا تَكُونُوا یَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِیعاً پس در کارهای نیک بر یکدیگر
پیشی بگیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را می آورد.) روایت
شده است که فرمود:

منظور از خیرات، ولایت اهل بیت علیهم السلام است و

منظور از «یَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِیعاً»، ۳۱۳ تن از یاران قائم

علیه السلام می‌باشند ... به خدا سوگند! در یک لحظه

همچون قطعات ابر پاییزی گرد آمده، پیرامون شمع وجودش

حلقه می‌زنند و در میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، و

همراه او پیمان نامه ای از رسول اکرم «صلی الله علیه و آله

و سلم» است که آن را امامان معصوم علیهم السلام، یکی

پس از دیگری به ارث برده اند.^۲

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۵، ص ۳۴، ح ۱۴۵۲.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸، کافی، ج ۸، ص ۳۱۳، الغیبه نعمانی، ص ۲۸۲، بشارة الاسلام،

ابان بن تغلب می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام در مسجد الحرام بودم، و دست من در دست مبارک آن حضرت بود که فرمود:

ای ابان! به زودی خدای - تبارک و تعالی - ۳۱۳ نفر را در این مسجد گرد می آورد که مردم خیال می کنند که هنوز پدران و نیاکان آنها آفریده نشده اند. در دست آنها شمشیرهایی است که روی هر شمشیر نام، نام پدر، لقب و دیگر خصوصیات صاحبش نوشته شده است. آنگاه منادی آسمان بانگ بر می آورد که اهل عالم! این مهدی است که چون داود و سلیمان داوری می کند و مطالبه بینه نمی نماید.^۱

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

گویا اصحاب قائم علیه السلام را می بینم که تمام شرق و غرب را تحت سیطره‌ی خود در آورده اند. در تمام دنیا چیزی نیست جز اینکه از آنها اطاعت می کنند؛ حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز تلاش می کنند که رضایت آنان را جلب کنند. چون یکی از آنها بر منطقه‌ای بگذرد، آن قطعه‌ی زمین بر دیگر زمینها مباحات کند و گوید: امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر روی من پای نهاد.^۲

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۳۱۳، باب ۲۰، ج ۵.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ج ۴۳.

حضور زنان برگزیده در گروه ۳۱۳ نفری

بر اساس بعضی روایات، سیزده زن و و بنابر روایات دیگر، پنجاه زن در این گروه ۳۱۳ نفری حضور دارند.

مفضل بن عمر می گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

با قائم علیه السلام سیزده زن (زنده شده و به دنیا) بر می گردند. عرض کردم: آنان چه کاری انجام می دهند؟ فرمود: زخمی ها را مداوا می کنند و مریضها را پرستاری می نمایند. همانطور که با پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» (در جنگها) بودند.

عرض کردم: نام آنان را برآیم بفرما. فرمود:

قنوا دختر رشید (هجری)، ام ایمن، حبایه ی والیه، سمیه مادر عمّار بن یاسر، زبیده، ام خالد احسیه، ام سعید حقیه، صیاته ی آرایشگر، ام خالد جهینه.^۱

در این روایت فقط نه نفر از سیزده نفر ذکر شده است.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

به خدا سوگند سیصد و اندی نفر خواهند آمد و پنجاه زن نیز در میان آنان است.^۲

^۱ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۴، ح ۸۴.

^۲ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵، الغیبه نعمانی، ص ۲۷۹.

۱۴۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

بر اساس این دو روایت به نظر می‌رسد که تعداد زنان شرکت کننده در گروه ۳۱۳ نفری، ۵۰ نفرند که ۱۳ تن از آنها از اصحاب رجعتند که به دنیا باز می‌گردند.

لشکر ده هزار نفری

مهدی موعود علیه السلام پس از ظهورش در مکه، منتظر می‌ماند تا لشکر ده هزار نفریش تشکیل گردد و آنگاه قیام می‌کند.

ابوبصیر می‌گوید: مردی از اهالی کوفه، از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم علیه السلام قیام می‌کنند؟ مردم می‌گویند: همراهان حضرت به تعداد سربازان بدر یعنی سیصد و سیزده نفرند. امام فرمود:

حضرت مهدی علیه السلام قیام نمی‌کند مگر با ارتشی

قوی و نیرومند و ارتش قدرتمند کمتر از ده هزار نیروی

رزمنده نخواهد داشت.^۱

امام جواد علیه السلام فرمود:

وقتی ۳۱۳ نفر یاران خاص قائم علیه السلام در مکه به

خدمتش رسیدند، حضرت دعوتش را آشکار می‌سازد و

وقتی که این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خدا قیام

مسلحانه می‌کند و خروج می‌نماید.^۲

^۱ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۸.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۴۹

این تعداد از نیروها مربوط به ابتدای قیام است و با پیشروی حضرت بر تعداد نیروها افزوده می گردد.

شیخ حرّ عاملی می گوید: در روایت است که تعداد کامل سپاه امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» صد هزار نفر است.^۱

اصحاب رجعت

رجعت در لغت به معنای «بازگشت» است و در اصطلاح به معنای بازگشت گروهی از مؤمنان محض و کافران محض پیش از قیامت به این جهان است.

اعتقاد به رجعت یکی از عقاید مسلم شیعه است و بر اساس آیات قرآن و احادیث معصومین علیه السلام استوار می باشد. مرحوم صدوق «رحمه الله علیه» در کتاب اعتقادات، درباره اعتقاد به رجعت می فرماید:

اعتقاد ما درباره رجعت این است که حق است.^۲

شیخ مفید «رحمه الله علیه» نیز می فرماید:

خداوند هنگام ظهور و قیام امام مهدی علیه السلام، گروهی از مردگان را به صورت های قبلی خودشان زنده می کند و بر می گرداند. پس به یک دسته عزت می بخشد

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۷؛ محمد حسن حرّ عاملی، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۸.

^۲ محمد رضا طیبی، الشیعه و الرجعه، ج ۲، ص ۲۴۸.

و دسته دیگر را ذلیل و خوار می‌گردانند... تمام امامیه بر همین نظر هستند، مگر عده‌ی بسیار کمی که روایات را تأویل می‌کنند.^۱

زنده شدن مؤمنان با چهل روز باران

عبدالکریم خثعمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

زمانی که قیام «قائم» علیه السلام، نزدیک شد، ماه جمادی آخر و ده روز از رجب، برای مردم چنان بارانی می‌بارد که مانند آنرا ندیده‌اند. پس خداوند با آن باران گوشتهای مؤمنان و پدتهای آنها را در قبرهایشان می‌رویاند! و گویا می‌بینم آنها از سوی «جهنمه» (سرازیر) می‌شوند در حالی که خاک سرهایشان را می‌تکانند.^۲

عبدالله بن حنقه گوید: ابان بن تغلب به من گفت: گذر کردم به گروهی که مرا عیب می‌کردند، به سبب روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل می‌کردم! من به آنها گفتم: چگونه مرا ملامت می‌کنید، دربارهی روایت من از کسی که هر وقت چیزی از او می‌پرسیدم؟

می‌فرمود: رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» چنین فرمود:
پس به دسته‌ای از بچه‌ها عبور کرد که (این سرود را) می‌خواندند

^۱ بامداد بشریت، ص ۱۲۱.

^۲ الارشاد، ص ۲۴۲؛ معجم احادیث امام مهدی، ج ۴، ص ۷۹.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۵۱

«العجب كل العجب بين جمادى و رجب» پس از آن جریان سؤال کردم؟ فرمود: ملاقات زنده ها با مرده ها است.^۱

رجعت پیامبر گرامی اسلام (ص) و امیر المؤمنین (ع)

در دوران قیام مهدی موعود، پیامبر اسلام و امیر المؤمنین رجعت می کنند.

روایت شده است که امام صادق در تفسیر آیه (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ)^۲ (همانا آنکس که قرآن را (بر تو نازل و عمل به آن را) بر تو واجب کرد، قطعاً تو را به وعده گاه (و زادگاهت) باز خواهد گردانید)، فرمود:

به خدا قسم! دنیا نمی گذرد، مگر اینکه رسول خدا «صلی الله علیه وآله وسلم» و امیر المؤمنین علیه السلام، بر می گردند و در نجف به همدیگر می رسند.^۳

همچنین معلی بن خنیس گوید که امام صادق علیه السلام درباره آیه (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ) فرمود:

آن پیغمبر شما است به سوی شما رجوع می کند.^۴

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹.

^۲ قصص / ۸۵.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۳. محمد مهدی نجفی، بیان الائمه، ج ۳، ص ۲۵۸.

^۴ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۹.

۱۵۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

امیر المؤمنین علیه السلام ذیل حدیث مفصلی فرمود:

و ان لی الکره بعد الکره و الرجعه بعد الرجعه و أنا
صاحب الرجعات و الکرات و صاحب الصلات و النقات و
الدولات العجیبات؛^۱

و برای من کرّت بعد از کرّت و بازگشت بعد از بازگشت
است و منم صاحب رجعات و کرّات و صاحب صلّه کردن‌ها
و غضب نمودن‌ها و دولت عجیبات.

یاران رجعت کننده مهدی (ع)

تعدادی از یاران حضرت مهدی علیه السلام از کسانی هستند که در
زمان قیام، زنده می‌شوند و حضرت را در قیام و سپس حکومتش
یاری می‌دهند. این افراد از مؤمنان محض بوده و در دوران حیاتشان
لیاقت یاری حضرت را کسب کرده‌اند که عبارتند از:

گروه بیست و هفت نفری

امام صادق علیه السلام فرمود:

از پشت شهر کوفه، همراه قائم علیه السلام، بیست و
هفت مرد خارج می‌شوند. پانزده نفر از آنان جزء یاران
حضرت موسی علیه السلام هستند. هفت نفر از آنان جزء

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶، ح ۲۰.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۵۳

اصحاب کهف هستند. یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابود
جانہ انصاری، مقداد و مالک اشتر نیز جزء آنان هستند. پس
اینان در خدمت امام زمان علیه السلام به عنوان یاران و
فرمانروایان حکومتش خواهند بود.^۱

از افراد نامبرده شده در روایت، به عنوان نمونه در مورد جناب
سلمان (رحمة الله علیه)، روایاتی را می آوریم.

جناب سلمان (ره)

ابو عبدالله سلمان از اصحاب والای پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله
وسلم» و از اصحاب خاص امیر المؤمنین علیه السلام بود. او از جمله
افرادی است که بعد از رحلت پیامبر اکرم بر ولایت امیر المؤمنین ثابت
قدم ماند.

ستایش از سلمان در روایات

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود:

سلمان علم اول و آخر را درک کرده است و او دریایی

است که خشک نمی شود و او از ما اهل بیت است.^۲

راوی گویند: در محضر امام باقر علیه السلام صحبت از سلمان

^۱ الارشاد، ص ۳۶۵.

^۲ حضور در دولت کریمه، ص ۱۳۸.

۱۵۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

فارسی به میان آمد. حضرت فرمود:

ساکت باش؛ سلمان فارسی نگویند، بلکه سلمان محمدی

بگویند، او مردی از ما اهل بیت است.^۱

سلمان از یاران مهدی (ع)

سلمان از جمله افرادی است که مژده ی درک ظهور مهدی موعود علیه السلام از طرف پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» به او داده شده است.

سلمان می گویند: رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» به من فرمود:

... ای سلمان؛ قطعاً تو او را درک می کنی و هر کس

مانند تو باشد، و هر کس به حقیقت معرفت، ولایت او را

پذیرفته باشد.

سلمان گویند: خدا را بسیار شکر کردم، سپس گفتم: ای

رسول خدا؛ آیا من تا روزگار ظهور او مهلت دارم و زنده‌ام؟

فرمود:

ای سلمان؛ این آیات (۵ و ۶ سوره اسراء) را بخوان؛^۲

فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ

^۱ سنن ابوالقاسم خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۸۶ - ۱۹۸.

^۲ معنای این آیات در قسمت «نبرد مسلمانان با یهودیان در آخر الزمان از دیدگاه قرآن» آورده

شده است.

سیاه هفتاد هزار نفری

امام رضا علیه السلام فرمود:

چون قائم علیه السلام ظهور کرده و داخل کوفه شود، خداوند از پشت کوفه؛ یعنی وادی السلام هفتاد هزار صدیق را مبعوث می کند که از اصحاب و یاران او می شوند.^۱

مفضل بن عمر با چهل و چهار نفر

امام صادق علیه السلام خطاب به او فرمود:

ای مفضل! تو و چهل و چهار مرد با قائم علیه السلام خواهید بود، تو در سمت راست حضرت امر و نهی می کنی و مردم در آن وقت بهتر از الآن تو را اطاعت می کنند.^۲

عبدالله بن شریک عامری با چهار هزار نفر

امام باقر علیه السلام می فرماید:

گویا عبدالله بن شریک عامری را می بینم که عمامه ای سیاه بر سر دارد و دو طرف آن بر شانه هایش افتاد است، در حالی که همراه قائم ما اهل بیت با چهار هزار نفر از کنار کوه بالا می روند و پشت سر هم تکبیر می گویند.^۳

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴؛ نجم الثاقب، ص ۱۱۷.

^۲ دلائل الامامه، ص ۴۶۴، ج ۵۱.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۶، ح ۸۱.

جبیر بن خابور با چهار هزار نفر

عبدالحمید اودی از امام صادق روایت کرده است که حضرت فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام در جمع اصحاب فرمود:

همانا این شخص - جبیر - در کوه اهواز به همراه چهار هزار نفر در حالی که یکپارچه مسلحند، خواهد بود. این افراد به همراه او هستند تا قائم ما اهل بیت قیام نماید. پس در پیشاپیش آن حضرت خواهند جنگید.^۱

قبیله ی همدان

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

خداوند عزوجل خراسان را برای او فتح می کند و اهل یمن از او اطاعت می کنند و سپاهیان در پیشاپیش آن حضرت قرار می گیرند و قبیله ی همدان وزیران او می باشند.^۲

همچنین حضرت در ستایش آنان فرمود:

ای گروه همدان! شما سپر و نیزه‌ی من هستید، ای همدان، یاری نمی کنید مگر خدا را و جز او کسی را دوست نمی دارید.^۳

همدانیان دارای اخلاق، دین، کلامی نیکو و در جنگها و

^۱ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۶، ح ۲۰؛ بیان الاثمه، ج ۳، ص ۳۳۶.

^۲ عقد الدرر، ص ۱۳۴.

^۳ نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۲۵۲.

سختیها دارای شجاعت و قهر هستند که آنان را زینت
بخشیده است. اگر من دربان بهشت بودم، هر آینه بر قبیله‌ی
همدان می‌گفتم: به سلامت داخل شوید.^۱

جناب اسماعیل (ره) (فرزند ارشد امام صادق (ع)) به همراه ده نفر

ابن خدیجه‌ی جمال می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:
از خداوند خواستم که اسماعیل را بعد از من زنده نگه
دارد ولی خداوند چنین نخواست، و در مورد او به من مقام
دیگری عطا فرمود، وی اولین کسی است که با ده نفر از
اصحابش بر می‌گردد که یکی از آنها عبدالله بن شریک
است در حالی که پرچمدار او می‌باشد.^۲

داود رقی

داود رقی از سعادت‌مندان است که دوران ظهور مهدی موعود علیه
السلام را درک نموده، از اصحاب و یاران آن بزرگوار می‌باشد.
ابو عبدالله برقی از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود:
من سرّه أن ینظر الی رجل من أصحاب القائم علیه
السلام، فلینظر الی هذا؛

^۱ عبدریته اندلسی، العقد الفرید، ج ۴، ص ۳۳۹.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۶، ح ۸۲.

هر کس دوست دارد مردی از یاران قائم علیه السلام را
ببیند به این مرد (داود رقی) نگاه کند.^۱

حسین بن بشّار از داود رقی نقل می‌کند که وی گفت: به امام
صادق علیه السلام عرض کردم: من ستم بالا رفته و فرتوت شده‌ام،
دوست دارم که آخر عمرم به کشته شدن در محبت شما (شهادت) ختم
شود، حضرت فرمود:

چاره ای جز این (شهادت) نیست، اگر حالا نباشد، در
آینده خواهد بود.^۲ (در زمان قائم علیه السلام).

فرشتگان برگزیده

تعداد فرشتگانی که برای یاری مهدی موعود علیه السلام نازل
خواهند شد بنا بر روایتی ۴۶۰۰۰ فرشته خواهند بود. در روایات نام
برخی فرشتگان ذکر شده است که عبارتند از:

۱. جناب جبرئیل، فرشته‌ی وحی الهی که اولین فرشته‌ی ای
است که با حضرت بیعت می‌کند.
۲. جناب اسرافیل، فرشته‌ی نفع‌خیز.
۳. جناب میکائیل، فرشته‌ی ارزاق.
۴. فرشتگانی که با حضرت نوح در کشتی بودند.

^۱ حضور در دولت کریمه، ص ۱۵۲.

^۲ سید مصطفی حسینی تفرشی، تقدالرجال، ج ۲، ص ۲۲۰.

۱۶۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

۵. فرشتگانی که با حضرت ابراهیم علیه السلام - وقتی که آن حضرت را به آتش انداختند - بودند.
۶. فرشتگانی که با حضرت موسی علیه السلام - وقتی که دریا برای بنی اسرائیل شکافته شد - بودند.
۷. فرشتگانی که با حضرت عیسی علیه السلام - زمانی که خداوند او را به آسمان بالا برد - بودند.
۸. ۳۱۳ فرشته ای که برای یاری پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» در جنگ بدر نازل شدند.
۹. ۴۰۰۰ فرشته ای که برای یاری امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نازل شدند و آن حضرت اجازه ی جنگ با آنان نفرمود.
۱۰. فرشتگانی که در ولادت حضرت برای تبرک جستن از آن حضرت، نازل شدند.
۱۱. فرشتگان مسومین؛ (فرشتگان نشاندار).
۱۲. فرشتگان مردفین؛ (فرشتگان پیایی و پشت سر هم).
۱۳. فرشتگان منزلین.
۱۴. فرشتگان کروبیین؛ که سالار و سرور فرشتگان هستند.^۱

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۴۳، ۲۴۸؛ منتخب الآثار، ص ۳۴۳؛

امام باقر علیه السلام می فرماید:

گویا می بینم او را که از مکه به سوی کوفه حرکت کرده با پنج هزار ملائکه، جبرئیل از راست و میکائیل از چپ و مؤمنین در جلوی او و لشکر خود را در شهرها پراکنده می سازد.^۱

جنیان مؤمن

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود:

مؤمنین جن او را یاری خواهند نمود.

عرض کرد: آیا ملائکه و جن برای مردم ظاهر می شوند؟!

فرمود:

بلی، به خدا قسم! با ایشان گفتگو می کنند، مانند اینکه

شخصی با اهل و عیال و حواشی خود صحبت می نماید.

پرسید: همراه او می روند؟ فرمود:

بلی، واللّه، ای مفضل! ایشان به ارض هجرت ما بین

کوفه و نجف فرود می آیند و تعداد اصحابش از ملائکه

چهل و شش هزار و از جنیان شش هزار است.^۲

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ب ۷، ح ۵، و ح ۷۴، معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۲۹۹، ح ۸۳۶.

^۲ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰.

رعب و وحشت

خداوند از طریق ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان حضرت، او را یاری می‌کند.

عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه (آتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ)؛^۱ امر خدا فرا رسید، پس شتاب نکنید.» فرمود:

آن امر ماست که خدا فرمواه است نباید در آن شتاب شود. خداوند او را به وسیله‌ی سه سپاه یاری می‌کند: فرشتگان، مؤمنان و رعب و وحشت در دل دشمنان و ظهور او مانند ظهور رسول اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» است.^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ترس و رعب در پیشاپیش پرچم حضرت مهدی علیه السلام با فاصله یک ماه و از پشت سر نیز به فاصله یک ماه و از سمت راست به فاصله یک ماه و از سمت چپ نیز به فاصله یک ماه در حرکت است.^۳

^۱ نحل / ۱.

^۲ المحجّه، ص ۱۱۵؛ الغیبه نعمانی، ص ۲۴۲، باب ۱۳، ح ۴۴.

^۳ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۶۱.

ویژگیهای یاران مهدی (ع)

بر اساس احادیث، یاران حضرت مهدی علیه السلام دارای ویژگیهای زیر هستند:

شناخت عمیق نسبت به خدا

امام علی علیه السلام درباره ی آنان فرموده است:

مردانی که خدا را چنان که شایسته است شناخته اند.^۱

همچنین در ضمن حدیثی نقل است که فرمود:

... و لکن در طالقان مردمانی مؤمن خواهند آمد که به

خداوند معرفت واقعی دارند و آنان انصار مهدی در آخر

الزمان می باشند.^۲

اخلاص

در روایتی امام جواد علیه السلام به عبدالعظم حسنی علیه السلام فرمود:

... و هنگامی که برای او این تعداد (۳۱۳ نفر) از اهل

اخلاص جمع شد خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد.^۳

^۱ منتخب الأثر، ص ۶۱۱.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷، ح ۸۳.

^۳ کنال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

یقین

از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل شده که فرمود:
.. گویا قلب های آنها به مانند تکه های آهن است،
شکی در قلوب آنها راجع به خدا وجود ندارد^۱

شیران روز و زاهدان شب

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت می فرماید:
آنان مردانی شب زنده دار هستند که شب را در حال
قیام، به پرستش می پردازند و به هنگام نیاز، زمزمه ای مانند
زنبور غسل دارند و صبح هنگام در حالی که بر اسب های
خود سوارند، برای انجام مأموریت می روند. آنان پارسایان
شب و شیران روزند و از ترس خدا، حالت خاصی پیدا
کرده اند. خداوند به وسیله آنان، به امام حق یاری می رساند.^۲

و نیز آن حضرت می فرماید:

گویا قائم آل محمد علیه السلام و یارانش را در پشت
شهر کوفه می بینیم. گویی پرندگان بر بالای سر آنان بال
گسترده اند. زاد و توشه شان پایان یافته و لباس هایشان
مندرس و ژنده است و سجده بر پیشانی آنان اثر گذارده

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۶۵

است. آری، آنان شیران روز و نیایشگران شبند. دل هایشان مانند پاره های آهن، محکم و استوار است. هر کدام از آنان نیروی چهل مرد را داراست.

کسی جز کافر و منافق آنان را نمی کشد. خداوند در قرآن از آنان این گونه یاد کرده است:

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ^۱

در این مطلب، هوشمندان را آیت و عبرت بسیار است.^۲

عشق به امام و اطاعت کامل از او

امام باقر علیه السلام می فرماید:

صاحب امر را در برخی از این درّه ها (ذی طوی) غیبتی خواهد بود. دو شب پیش از ظهورش، نزدیک ترین پیشخدمتش، به دیدار برخی از یاران حضرت می رود و از ایشان می پرسد: شما در این جا چند نفرید؟ می گویند: چهل تن، می گوید: چگونه خواهید بود، اگر پیشوای خود را ببینید؟ پاسخ می دهند: به خدا سوگند، اگر در کوه ها زندگی کند، همراه او خواهیم بود و همان گونه زندگی خواهیم کرد.^۳

^۱ حجر / ۷۵.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

^۳ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

۱۶۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

امام صادق علیه السلام می فرماید:

یاران حضرت مهدی علیه السلام دست های خود را بر
زین مرکب امام می کشند و با این کار، درخواست برکت
می کنند. دور حضرت حلقه می زنند و در جنگ ها جسم و
جان خود را سپر بلای او می کنند و هر چه از آنان بخواهد،
اجابت کرده، انجام می دهند.^۱

همچنین آن حضرت چنین فرموده است:

او مردانی دارد که گویا دل های شان از پاره آهن است
... آنان در برابر حضرت از یک کنیز نسبت با مولا و مالک
خود، فرمانبردارتر و در برابر او امرش تسلیم هستند.^۲

صبر و بردباری

امام علی علیه السلام می فرماید:

آنها گروهی هستند که به خاطر صبر و بردباری در راه
خدا، بر خداوند منت نمی گذارند. و از اینکه جان خویش را
تقدیم آستان حضرت حق می کنند، به خود نمی بالند و آن
را بزرگ نمی شمارند.^۳

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

^۲ همان.

^۳ یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

عشق به شهادت

امام صادق علیه السلام درباره‌ی ویژگی‌های یاران قائم می‌فرماید:
آنان از ترس خدا بی‌مناکند و آرزوی شهادت دارند.
خواسته‌شان این است که در راه خدا کشته شوند. شعارشان
ای خونخواهان حسین علیه السلام است^۱...

و نیز فرمود:

(یاران مهدی) در میدان رزم در اطراف او می‌چرخند و
با جان خود از او محافظت می‌کنند.^۲

شجاعت

امیر المؤمنین علیه السلام در وصف آنها فرمود:
همه آنها شیرانی هستند که از بیشه‌ها بیرون شده‌اند و
اگر اراده کنند کوهها را از جا می‌کنند.^۳
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

منظور لوط پیامبر، از این سخن خود که به دشمنان فرمود:
«ای کاش نیروی قدرتمندی علیه شما داشتم یا به استوانه‌ای
محکم پناه می‌بردم»، نیرویی همانند نیروی مقتدر مهدی

^۱ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

^۳ یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۱۶۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

موعود و یاران او بود که یک تن از آنان، توان چهل مرد را دارد. آنان دل‌هایی استوارتر از پاره‌های آهن دارند و چون از برابر کوه‌ها بگذرند، صخره‌ها به لرزه درآیند. شمشیرها را غلاف نمی‌کنند تا آن هنگام که خداوند بخواهد و خشنود شود.^۱

اتحاد و یکدلی

امیر المؤمنین علیه السلام چنین می‌فرماید:
ایشان یکدل و هماهنگ هستند.^۲

زهد و پارسایی

امیر المؤمنین علیه السلام فرموده:
او از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره ای نیندوزند
و گندم و جوی ذخیره نکنند.^۳

ناشناخته بودن در زمین

امیر المؤمنین علیه السلام فرموده:
پدرم و مادرم فدای کسانی باد که تعداد (و نام هایشان)
در آسمان معروف و در زمین ناشناخته است.^۴

^۱ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

^۲ یوم الخلاص، ص ۲۲۳.

^۳ منتخب الآثار، ص ۵۸۱.

^۴ ینایع الموده، ج ۳، ص ۹۴؛ یوم الخلاص، ص ۲۱۴.

همچنین فرمود:

با کفار می جنگند قومی که نزد متکبران ذلیلند، در
زمین ناشناخته و در آسمان شناخته شدگانند.^۱

امام حسن عسکری (ع) در وصف یاران مهدی علیه السلام می فرماید:

یاران مهدی علیه السلام کسانی هستند که از خانواده و
فرزندانشان دست کشیدند و وطن را ترک کردند و از بستر
و خواب آرام گذشتند و تجارت و بازرگانی خود را رها
کردند و به کسب و کار خویش ضرر و زیان وارد کردند و
بدون پنهان شدن از شهرشان در مجالس و محافل مهمشان
پیدا نشدند و با افرادی که نسبتی نداشتند برای کمک و
یاری رساندن در کارشان رابطه دوستی برقرار کردند. و
نزدیکانی را که سد راهشان می شدند کنار گذاشتند و پس
از آن همه مشکلات و دشمنی و قطع رابطه در روزگارشان
گروهی تشکیل دادند و همه وسیله هایی را که به خوار و
خاشاک زودگذر دنیا بسته شده بود از بیخ و بن برکنندند.^۲

این بود شمه ای از ویژگیهای یاران امام زمان «عجل الله تعالی
فرجه الشریف» که مدعیان یآوری باید در عمل اثبات کنند. یدیهی
است قیام و انقلاب جهانی و به وسیله رهبری آسمانی، یاورانی یا

^۱ یتابع الموده، ج ۳، ص ۹۵؛ یوم الخلاص، ص ۲۱۴.

^۲ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۳.

۱۷۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

ویژگیهای خاص و متناسب با آن انقلاب می خواهد و این گونه نیست که هر کس ادعای یآوری کند، بتواند در آن میدان حضور یابد. یکی از شیعیان امام صادق علیه السلام به نام سهل بن حسن خراسانی که مدعی یآوری بود، به آن حضرت می گوید:

چه چیز شما را بازداشته است از اینکه حق مسلم خود (حکومت) را به دست بگیرید در حالی که صد هزار شیعه‌ی پا در رکاب و شمشیر زن در اختیار شماست؟ امام دستور می دهند تا تنور آتشی فراهم شود و چون شعله های آتش بالا می گیرد به سهل می فرمایند: ای خراسانی برخیز و در تنور بنشین. سهل که گمان کرده است امام از او خشمگین شده، شروع به عذر خواهی می کند و می گوید: آقا مرا ببخشید و به آتش شکنجه‌ام نکنید!! امام می فرماید: از تو گذشتم. در این حال هارون مکی از شیعیان راستین حضرت وارد می شود و سلام می کند. امام صادق علیه السلام به او پاسخ می دهد و بدون هیچ مقدمه‌ای به او می فرماید: در درون تنور بنشین!

هارون مکی بی درنگ و بدون هیچ پرسشی، این کار را انجام می دهد! امام صادق علیه السلام در همان حال با مرد خراسانی گفتگو می کند و درباره خراسان خبرهایی می دهد چنانکه گویی خود شاهد آن بوده است و پس از مدتی به

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۷۱

سهل می فرماید: برخیز ای خراسانی و داخل تنور را نگاه کن! سهل برخاسته و داخل تنور را نگاه می کند و هارون را می بیند که در میان شعله های آتش چهار زانو نشسته است! آنگاه امام از او می پرسد: در خراسان، چند نفر مثل هارون می شناسی؟! خراسانی می گوید: به خدا قسم، یک نفر هم اینگونه سراغ ندارم. حضرت می فرماید: آگاه باش! ما در زمانی که پنج نفر یاوز و پشیمان پیدا نکنیم قیام نمی کنیم. ما بهتر می دانیم که کدام زمان، زمان قیام است.^۱

^۱ سنن البیہار، ج ۸، ص ۶۸۲.

بخش سوم: ظهور مهدی (ع)

ظهور حضرت مهدی علیه السلام، همانند غیبتش دو گونه است: یکی ظهور صغری و دیگری ظهور کبری.

ظهور صغری

ظهور صغری حضرت پس از خروج سفیانی و ندای آسمانی صورت می‌گیرد و تا ظهور کبری که حدود شش ماه بعد واقع می‌شود، ادامه می‌یابد. حضرت در این مدت با عده‌ی محدودی از یاران خود ارتباط برقرار می‌کند.

امیر المؤمنین علیه السلام درباره‌ی ظهور صغری حضرت می‌فرماید:

ظاهر شدن او ابهام‌انگیز است تا آنکه نام و یادش همه

جا را فرا گیرد و امرش آشکار گردد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

چون سفیانی، یمانی و حسنی (خراسانی) خروج کنند،

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳.

صاحب این امر با میراث پیغمبر «صلی الله علیه و آله و سلم» است و آن، شمشیر و زره و عمامه و قضیب و اسب (و به روایتی پرچم پیغمبر) می باشد و از مدینه به سوی مکه حرکت کند، پس بیاید و در کوه «ذی طوی» که مجاور و متصل به مکه است، ساکن شود و تا هنگامی که اجازه ی خروج به او داده شود، در مکه بماند و با مردم به طور ناشناس رفت و آمد کند و خود را به کسی معرفی نمی کند و اظهار دعوت نکند تا این که یاران او کم کم بر اثر ندای آسمانی جمع شوند و چون ایام حج رسد، مردم برای حج از اطراف بیایند و عده ای نیز به خاطر فرار از سفیانی و غیر او به مکه هجوم آورند. در آن وقت قهراً اجتماع عظیمی در مکه خواهد شد، حضرت همچنان در میان مردم بر سنت موسی علیه السلام «خائفاً یترقب» هراسان و مراقب زیست کند تا در ماه ذی حجه کم کم به بعضی از خواص، خود را معرفی می نماید. اصحاب و یاران او که بر اثر ندا آمده اند، در جستجوی او باشند.

تا اینکه بعد از اعمال حج قبل از قیام، به عقب جمعی از

آنان می فرستند و از ایشان بیعت می گیرد.^۱

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۴۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲.

اشتیاق فراوان مردم به ظهور مهدی (ع)

خروج سفیانی و ندای آسمانی که از علائم حتمی ظهورند، ذهن مردم و دولتهای جهان را به ظهور حضرت مشغول می کند. ملتهای مسلمان در همه جا از مهدی علیه السلام و نزدیک شدن زمان ظهورش سخن می گویند و اشتیاق عمومی همه جا را فرا می گیرد. شیعیان در این زمان بیش از دیگران، خود را برای ظهور و قیام حضرت آماده می کنند. (همانطور که قبلاً بیان شد، قیام هایی قبل از قیام حضرت، از طرف سید خراسانی و سید یمانی در جهت مقابله با سفیانی و زمینه سازی ظهور صورت می گیرد).

نهایت تلاش مدعیان دروغین مهدویت

در این مدت شش ماهه، مدعیان دروغین مهدویت از اشتیاق فراوان مردم به ظهور، سوء استفاده نموده و در جهت رسیدن به اهداف دنیوی و گمراهی مردم، بر تلاششان می افزایند. در روایات آمده است که توسط خاندان ابوطالب، دوازده پرچم قبل از ظهور برافراشته می شود که مردم را به سوی خود دعوت می نمایند. این پرچمها، درفش های گمراهی است که عموم مردم باید از پیوستن به آنها پرهیز نمایند و آنها را رسوا کنند.

مفضل بن عمرو جعفی از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود:

از بردن نام آن حضرت بر حذر باشید، به خدا سوگند
امام شما سالیانی از دیدگانتان پنهان خواهد شد، آنقدر که
امتحان شوید تا گفته شود آن حضرت مرده و یا هلاک
گردیده و یا معلوم نیست کجا رفته است. دیدگان مؤمنان
در فراق او اشکبار شود و جماعتی از شما همچون کشتی
طوفان زده درباره او به تردید و اختلاف دچار شوید و
کسی نجات نیابد مگر آنکه خداوند از او عهد و پیمان
گرفته و ایمان را در دل او جایگزین کرده و با روح خود او
را تأیید نموده باشد، آری دوازده درفش تردید برانگیز به
اهتزاز در آید که هیچیک از دیگری باز شناخته نشود.
مفضل گوید: من در این لحظه گریستم، امام فرمود: چرا
گریه می کنی؟ عرض کردم: چگونه گریه نکنم در حالی که
می گوئید دوازده پرچم بر افراشته شود که هیچکدام از
دیگری شناخته نشود. پس تکلیف ما در آن زمان چیست؟
آنگاه امام علیه السلام به خورشید که داخل ایوان می تابید
نگریست و فرمود: ای مفضل این خورشید را می بینی؟
گفتم: آری، فرمود: سوگند به خدا موضوع ولایت ما از این
خورشید واضح تر است.^۱

ظهور کبری

ظهور کبری طی مقدماتی حاصل می‌شود. مهدی موعود علیه السلام در مدت کوتاهی قبل از ظهور کبری دست به اقداماتی می‌زند که یکی از آنها، فرستاده نماینده‌ای به سوی اهل مکه است تا پیامش را به مردم مکه برساند. گروهی از مکیان، نماینده‌ی امام را به شهادت می‌رسانند و حضرت پانزده شب بعد ظهور می‌نمایند.

شهادت نفس زکیه، مقدمه‌ی ظهور کبری

در روایتی طولانی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده چنین آمده است:

قائم به یاران خود فرماید: ای قوم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند، ولی من شخصی را به سوی آنان می‌فرستم تا آنگونه که شایسته است بر آنها حجت را تمام کند. از این رو حضرت یکی از یاران خود را فرا خوانده و می‌فرماید: به مکه برو و این پیام را به مردم بربسان و بگو: ای مردم مکه، من پیام آور فلانی برای شمایم، که چنین می‌فرماید: ما اهل بیت رحمت، کانون رسالت و خلافت الهی و سلاله‌ی محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و از تبار انبیائیم، از آن زمان که پیامبر ما رحلت کرد تا امروز در حق ما ظلم شد و بر ما ستمها رفت و حقوق مسلم ما پایمال گردید، اینک ما

از شما یاری می‌خواهیم پس ما را یاری کنید. وقتی این جوانمرد پیام را ابلاغ کند، بر او هجوم آورند و او را در مسجد الحرام، میان رکن و مقام به شهادت رسانند، او همان «نفس زکیه» است، چون این خبر به اطلاع امام رسد به یاران خود فرماید: به شما نگفتم که اهل مکه ما را نمی‌خواهند؟^۱

این پیام حضرت، ما را به یاد پیام حسین بن علی می‌اندازد که مسلم بن عقیل «رحمه الله علیه» را به کوفه فرستاد؛ اما کوفیان بی وفا و بی مروت نه تنها او را یاری نکردند؛ بلکه فرستاده اش را نیز به شهادت رساندند. در آینده ای نزدیک، گروهی از مکیان خاطره بی تلخ اهل کوفه را زنده خواهند کرد و فرستاده‌ی امام زمان ارواحناه فداه را به شهادت خواهند رساند. در آن زمان اگرچه فرستاده‌ی امام مظلومانه به شهادت می‌رسد؛ اما فردای ظهور، انقلابیون مسلمان و به خصوص انقلابیون شیعی، امام را تنها نخواهند گذاشت و با تمام قوا از او حمایت خواهند کرد و با یاری خدا و رهبری امام، انتقام خون سید الشهداء و یاران باوفایش را نیز خواهند گرفت. ابن حماد تعدادی روایت درباره‌ی نفس زکیه ای که در مدینه و نفس زکیه ای که در مکه به شهادت می‌رسند آورده است، از جمله می‌گوید:

مهدی خروج نکند مگر آنکه نفس زکیه کشته شود و

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۷۹

چون او به شهادت رسید، اهل آسمان و زمین بر قاتلان او غضبناک شوند، آنگاه مردم نزد مهدی آیند و همچون بردن عروس با شور و نشاط گرداگرد او جمع شوند، او زمین را پر از عدل و داد گرداند، زمین رویش خود را فزونی بخشد و آسمان از بارش دریغ نورزد و امت من در سایه ولایت او به شکلی بی سابقه غرق در نعمتهای الهی گردند.^۱

پانزده شب تا ظهور کبری

حضرت در ۲۳ یا ۲۴ ذیحجه یعنی پانزده شب پیش از ظهور خویش، پیام را برای اهل مکه می فرستد که پیام آور امام به شهادت می رسد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

لیس بین قائم آل محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و

بین قتل النفس الزکیة الا خمس عشر ليله^۲؛

فاصله بین (ظهور) قائم آل محمد «صلی الله علیه و آله

وسلم» و کشته شدن نفس زکیه تنها پانزده شب است.

^۱ نسخه ی خطی ابن حماد، ص ۹۱.

^۲ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۱؛ اعلام الوری، ص ۴۲۷؛ بشارة

الاسلام، ص ۱۲۸.

جمع شدن یاران مهدی (ع) در مدتی کوتاه

امام باقر علیه السلام می فرماید:

بعد از آنکه در ماه رمضان یا قبل از آن، از محل غیبت بیرون آمد تا ماه ذی الحجه در «ذی طوی» به انتظار یاران خود و انتظار رخصت حق، به سر می برد تا اینکه اعمال حج را بجا آورد، در شب قبل از قیام برای بیعت و اظهار خود بر عموم، خادمی که در نزد اوست، با بعضی از اصحاب آن حضرت ملاقات می کند و از آنان می پرسد: چند نفر در این جا هستید؟ می گویند: چهل نفر، می گوید: اگر صاحب خود را ببینید، چگونه خواهید بود؟ گویند: به خدا قسم! اگر ما را به کوه ها ببرد و در کوه ها جا دهد، با او خواهیم رفت. پس شب آینده کسی به نزد آنها می آید و می گوید: ده نفر از بزرگسالان و نیکان خود را به من معرفی کنید. ده نفر تعیین می کنند، آن ها را با خود بر می دارد و به نزد صاحب الأمر علیه السلام می برد و آن حضرت به آنها شب آینده را وعده می دهد.^۱

یاران مهدی علیه السلام در شب جمعه تا فردای آن، از اقصی نقاط جهان گرد می آیند و حضرت با جمع شدن ۳۱۳ تن، ظهور می نماید.

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۵، ص ۲۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۱.

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر، فرمود:

ایشان به تنهایی ظهور می کند و به تنهایی به سوی کعبه رفته و وارد آن می شود و به تنهایی شب را سپری می کند. پاسی از شب که گذشت و چشمها را خواب در ربود جبرئیل، میکائیل و دیگر ملائکه در حالی که به صف ایستاده اند، برایشان نازل شده و جبرئیل به حضرت عرضه می دارد:

سرور من! گفته ات مقبول و امرت نافذ است.

حضرت هم دستشان را به چهره ی او کشیده و [این آیه را تلاوت] می فرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَبِيًّا مِنَ
الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ^۱؛

سپاس خداوندی را که به وعده ای که به ما داد وفا کرد و زمین را میراث ما قرار داد تا از بهشت هر جای را که بخواهیم برمی گزینیم. پس چه نیکوست پاداش اهل عمل. سپس میان رکن و مقام ایستاده و فریاد کشیده و میفرماید: ای جمعیت یاران و نزدیکان من و ای کسانی که خداوند آنها را برای یاری من پیش از ظهورم بر پهنه گیتی

ذخیره کرده بود! مطیعانه به سوی من آیید.

فریاد حضرت به گوش آنها می‌رسد، در حالی که برخی از آنها در محراب و برخی هم در رختخواب و در شرق و غرب عالم پراکنده‌اند. همین یک فریاد را همگی می‌شنوند و آن را اجابت می‌کنند. به یک پلک بر هم زدن همه شان در مقابل آن حضرت بین رکن و مقام قرار می‌گیرند. خداوند هم در پی آن به تو امر می‌کند و آن هم ستونی از آسمانی تا زمین کشیده می‌گردد و هر مؤمنی بر سطح زمین است آن نور را طلبیده و نور هم به درون خانه اش می‌تابد و نفوس مؤمنان از آن نور شادمان می‌گردند، هر چند نمی‌دانند که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کرده اند و این نور چیست، سپس آن سیصد و سیزده تن که به تعداد یاران پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» در جنگ بدر می‌باشند در حالی که در مقابل حضرت ایستاده اند، صبح خویش را آغاز می‌کنند.^۱

مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که فرمود:

هنگامی که امر ظهور امضا شد، امام خدای را با نام عبرانی اش می‌خواند؛ آنگاه ۳۱۳ تن از یارانش چون پاره‌های ابر پاییزی به دور او گرد می‌آیند. آنها پرچمداران حضرت

^۱ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۶؛ بشارة الاسلام، ص ۴۶۸؛ یوم الخلاص، ص ۳۱۸.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۸۳

مهدی علیه السلام هستند. آمدن آنها به مکه دو گونه است:

۱. افرادی که شبانه از رختخواب هایشان ناپدید می شوند

و صبح در مکه می باشند.

۲. افرادی که در روز روشن بر ابر سوار می شوند و با

نام، نام پدر، حسب و نسبشان شناخته می شوند.

مفضل گوید: من عرض کردم: فدایت شوم! کدامیک از این دو

گروه ایمانشان قوی تر است؟ فرمود:

آنها که بر ابر سوار می شوند و یکباره ناپدید می گردند

و خداوند در حقشان فرموده:

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا ۚ

هر کجا باشید خداوند همگی شما را یکجا گرد می آورد.^۱

مسعده می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که ابوبصیر

عرض کرد: آیا امیر مؤمنان علیه السلام، شهرهای اصحاب قائم علیه

السلام را می دانست آنچه‌آنکه تعداد آنها را می دانست؟

امام صادق علیه السلام فرمود: آری! به خدا سوگند! فرد فرد آنها را

با نام، نام پدر و محل سکونتشان می دانست.

ابوبصیر گفت: جانم به فدایت، آنچه امیر مؤمنان (ع) می دانست، امام

^۱ بقره / ۱۴۸.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۳۱۳، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸؛ بشارة الاسلام، ص ۲۰۳.

۱۸۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

حسن مجتبی علیه السلام نیز می دانست، و آنچه امام حسن علیه السلام می دانست، امام حسین علیه السلام نیز می دانست، و آنچه امام حسین علیه السلام می دانست به شما منتقل شده است؛ جانم به فدایت! مرا از حال آنها باخبر کن.

امام صادق علیه السلام فرمود:

روز جمعه بیا نزد من تا تو را آگاه سازم.

ابوبصیر گوید: روز جمعه به محضر امام علیه السلام رسیده، فرمود:

رفیقت کجاست تا برای تو بنویسد؟ (ابوبصیر نابینا بود

و رفیقی داشت که احادیث را برای او می نوشت).

گفتم: برای او کاری پیش آمد و من نخواستم دیرتر از وقت مقرر

بیایم.

آنگاه امام خطاب به یکی از حاضران، فرمود: برای او بنویس.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

این متن چیز است که رسول اکرم آن را املا کرد، و

امیر المؤمنین آنرا نوشت و آن را در نزد او به ودیعت نهاد.

این متن، مشتمل بر نام یاران قائم و تعداد آنها می باشد.

همان ها که از رختخواب های خود ناپدید می شوند و در

یک شب جمعه به مکه آورده می شوند.

این واقعه در هنگامی خواهد بود که صدای آسمانی شنیده

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۸۵

شود، و در همان سال امر خدا ظاهر خواهد شد. آنها نجیبان،
فقیهان و فرمانروایان مردم هستند...

آنگاه امام صادق علیه السلام خصوصیات جغرافیایی هر یک را بر
می‌شمارد و در پایان می‌فرماید:

اینها ۳۱۲ تن می‌باشند. خداوند همه‌ی آنها را در شب
جمعه در مکه معظمه گرد می‌آورد به گونه‌ای که صبح
همه‌ی آنها در مسجد الحرام می‌باشند و حتی یک تن
تخلف نمی‌کند. پس در مکه پراکنده می‌شوند و به دنبال
منزلی می‌گردند که در آن سکونت کنند.

مردم مکه آنها را نمی‌شناسند و از ورود قافله‌ای که
برای حج عمره یا تجارت آمده باشند اطلاع ندارند، و لذا
دچار حیرت شده از یکدیگر می‌پرسند:

اینها از کجا آمده‌اند؟ روزهای قبل چنین افرادی را
ندیده بودیم! اینها اهل یک شهر و یک تیره و قبیله نیستند،
و زن و فرزند و مرکب نیز همراه ندارند! در این هنگام،
مردی از بنی مخزوم مردم را عقب زده می‌گوید: من
دیشب خوابی دیده‌ام که بسیار بی‌مناکم.

او را پیش مردی از ثقیف می‌برند تا خوابش را باز
گوید، او می‌گوید: دیشب در خواب ابری را دیدم که از
اوج آسمان به زیر آمد و روی خانه‌ی کعبه قرار گرفت.

این ابر پر از ملخهایی بود که بالهای سبز داشتند و به چپ و راست پرواز می کردند؛ به هر شهری که می رسیدند آن را طعمه ی حریق می کردند، و به هر قلعه ای می رسیدند آن را ویران می نمودند.

مرد تقفی می گوید: امشب لشکری از لشکرهای الهی فرود آمده که شما یارای مقاومت در برابر آن را ندارید.

آنها نیز داستان ورود این جمعیت ناشناس را بازگو می کنند و از نزد او خارج می شوند و تصمیم می گیرند که با آنها نبرد کنند؛ ولی دلهایشان پراز رعب و وحشت می شود و به یکدیگر می گویند: شتاب نکنید! اینها تاکنون کار خلافی انجام نداده اند؛ دست به اسلحه نبرده اند؛ کوچکترین اخلاقی در کارهای شما ایجاد نکرده اند و شاید برخی از بستگان شما در میان آنها باشد. هرگاه کار خلافی از آنها مشاهده کردید، آنگاه دست به کار شوید و آنها را از شهر خود بیرون کنید. اینها چهره هایی نورانی و ملکوتی هستند و وارد حرم امن الهی شده اند، پس تا کار خلافی انجام نداده باشند، باید در امان باشند.

مرد مخزومی که بزرگ مردم مکه است می گوید: می ترسم که نیرویی بزرگ در پشت سر اینها باشد، تا نیرو نرسیده و در اقلیت هستند، اینها را محاصره کنید؛ گمان

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۸۷

می‌کنم که تعبیر خواب آن پیرمرد صحیح باشد و پیروزی شکوهمندی در انتظار اینان باشد.

یکی از آنها می‌گوید: اینها مسلح نیستند و اگر نیرویی که ممکن است در پشت سر اینها باشد غیر مسلح باشند، نمی‌توانند ضرری به شما برسانند، و اگر سپاه مسلحی به سراغ شما بیاید، آنگاه اینها را می‌گیرید و چون آب خوردن نابودشان می‌کنید.

در این مقوله‌ها سخن می‌گویند که شب فرا می‌رسد و خواب بر آنها مسلط می‌شود و دیگر اجتماع نمی‌کنند تا اینکه قائم علیه السلام قیام کند. پس یاران او با یکدیگر ملاقات می‌کنند، گویا همگی از یک پدر و مادر به دنیا آمده‌اند؛ اگر شب از هم جدا شوند، صبح گرد هم می‌آیند.^۱

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

مهدی علیه السلام از گردنه‌ی کوه طوی با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدن، فرود آید تا وارد مسجد الحرام شود. در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز گزارد و به حجر الاسود تکیه زند و پس از حمد و ثنای خدا و یاد پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» و درود بر او، سخنانی

^۱ دلائل الامامة، ص ۵۵۴؛ الملاحم و الفتن، ص ۳۷۵ - ۳۸۰.

گوید که هیچ یک از مردم، چنان سخنی نگفته باشد.
نخستین کسانی که با او دست بیعت دهند جبرئیل و میکائیل
علیهما السلام باشند.^۱

در روایات آمده است که قبل از شروع سخنرانی حضرت، ابتدا
یکی از یارانش که مردم او را می شناسند، در مسجد الحرام به پا می خیزد
و آنان را برای شنیدن پیام حضرت و پذیرش دعوت او فرا می خواند.
از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود:

مردی وابسته به او برخیزد و ندا دهد: ای مردم! این
شخص، خواسته ی شماست که اینک نزدتان آمده، شما را
به همان اموری دعوت می کند که پیامبر خدا «صلی الله
علیه و آله و سلم» دعوت فرمود، با شنیدن این کلمات
ناگهان مردم به پا خیزند، امام نیز برخیزد و چنین فرماید:
ای مردم! منم فلان پسر فلان، منم فرزند پیامبر خدا، شما را
دعوت می کنم به آنچه پیامبر خدا دعوت فرمود، در این
وقت هجوم می آورند که او را بکشند، پس سیصد و سیزده
تن از او دفاع کنند.^۲

پس از این واقعه، حضرت بین رکن و مقام نماز می گزارد.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۸۹

امام باقر علیه السلام فرمود:

پس مابین رکن و مقام چهار رکعت نماز می خواند.^۱

ندا به نام حضرت

امام صادق علیه السلام فرمود:

آنگاه از آسمان به نام حضرت ندا می شود و او در پشت مقام می باشد، اصحاب به حضرت می گویند: منتظر چه هستی که به نامت ندا شد؟ پشت دست او را گرفته و برای بیعت عمومی می آورند.^۲

اولین خطبه مهدی (ع) خطاب به جهانیان

امام باقر علیه السلام می فرماید:

هنگامی که مهدی ما ظاهر شود به خانه کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ تن از یاران خاص او به دورش گرد می آیند. اولین سخنی که بر زبان مبارکش جاری می شود این آیه شریفه است:

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۳

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۲۹۵؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۴.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴.

^۳ هود / ۸۶.

۱۹۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

سپس می فرماید:

من بقية الله، خليفة الله و حجة الله هستم بر شما، آنگاه
اخذی بر آن حضرت سلام نمی کند جز اینکه می گوید:
السلام عليك يا بقية الله، في أرضه، سلام بر تو ای بازمانده‌ی
خداوند در زمین...^۱

سپس حضرت بعد از حمد خدای متعال و سلام و صلوات بر
پیامبر «صلی الله علیه وآله وسلم» و خاندان پاکش علیهم السلام خطبه‌ی
خویش را چنین ایراد می فرماید:

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

و القائم يومئذ بمكة، و قد أسند ظهره الى البيت الحرام،
مستجيراً به ینادی :

... يا أيها الناس أنا نستنصر الله و من أجابنا من الناس،
فأنا أهل بيت نبيكم محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و
نحن أولى الناس بالله و بمحمد، فمن حاجني في آدم عليه
السلام فأنا أولى الناس بآدم و من حاجني في نوح عليه
السلام فأنا أولى الناس بنوح، و من حاجني في إبراهيم عليه
السلام، فأنا أولى الناس بإبراهيم، و من حاجني في محمد،
فأنا أولى الناس بمحمد، و من حاجني في النبيين فأنا أولى

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲؛ نور الابصار، ص ۲۴۹.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۹۱

الناس بالنبيين، أليس الله يقول في محكم كتابه « إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ »^۱ فأنا بقيه من آدم عليه السلام و ذخيره من نوح عليه السلام و مصطفى من ابراهيم عليه السلام، و صفوه من محمد، ألا و من حاجني في كتاب الله فأنا أولى الناس بكتاب الله، ألا و من حاجني في سنه رسول الله، فأنا أولى الناس بسنه رسول الله، فأنشد الله من سمع كلامي اليوم، لما بلغ الشاهد منكم الغائب، و أسالكم بحق الله و رسوله و بحقي - فان لي عليكم حق القربى من رسول الله - الا أعتمونا، و منعمونا ممن يظلمنا، فقد أخفنا و ظلمنا و طردنا من ديارنا و أبنائنا و بغى علينا، و دفعنا عن حقنا، فافتري أهل الباطل علينا، فالله الله فينا لا تخذلونا و انصرونا ينصركم الله^۲؛

ای مردم! ما خدا را به یاری می طلبیم و هر کس دعوت ما را پذیرا باشد، پس ما اهل بیت پیامبر شما محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» هستیم و سزاوارترین (نزدیک ترین) مردم نسبت به خدا و ایشان.

^۱ آل عمران / ۳۴.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۱۲۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳؛ بشارة الاسلام، ص ۱۰۲؛ منتخب الأثر.

ص ۴۲۲؛ يوم الخلاص، ص ۳۰۳.

هر که با من درباره ی آدم علیه السلام احتجاج کند من نزدیک ترین مردم نسبت به آدم هستم، و هر که با من درباره ی نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام و محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و پیغمبران احتجاج نماید، من نزدیک ترین مردم نسبت به آنها هستم.

مگر خداوند در کتابش فرموده است:

«به درستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید خاندانی که برخی از آنها از بعضی دیگرند و خداوند شنوا و داناست».

پس من بازمانده آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و عصاره وجود محمد هستم.

هر که با من درباره ی کتاب خدا احتجاج کند، من نزدیکترین مردم نسبت به کتاب خدا هستم.

هر که با من درباره ی سنت رسول خدا احتجاج کند، من نزدیکترین مردم نسبت به آن هستم.

شما را به خدا! هر کس از حاضرین امروز کلام مرا بشنود، به غایبین برساند و از شما می خواهم به حق خدا و رسولش و به حق من بر شما که مرا بر شما حق خویشاوندی پیغمبر است، ما را یاری کنید و از شر کسانی که به ما ستم کردند و ما را از دیار و فرزندان خود مطرود کرده و بر حق

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۹۳

ما تجاوز نموده و از حق خود دور ساخته و از اهل باطلی که بر حق ما غلبه کردند، جلوگیری نمایید.

پس الله، الله! که ما را خوار نکنید و راهنمایمان ننمایید و به ما کمک رسانید که خداوند شما را یاری نماید.

بیعت جبرئیل و یاران با حضرت

اولین کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کند، جبرئیل است. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

... سپس خداوند جبرئیل را نازل کند و بر «حطیم» فرود آید و فرماید: به چه چیز دعوت می کنی؟ آن حضرت تکرار نماید و جبرئیل فرماید: دستت را دراز کن، من اول کسی هستم که با تو بیعت می کنم. پس دست خود که سفید و نورانی همانند ید بیضای موسی علیه السلام باشد، دراز کند و این آیه را تلاوت نماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ
فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ؛^۱

همانا که با تو بیعت می کنند، در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان

۱۹۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

شکنی کند، به زیان خود پیمان می شکند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

پس جبرئیل دست او را می بوسد و دست خود را به

دست او می ماند و پس از جبرئیل، ملائکه و جن می آیند.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود:

پس از آن سیصد و سیزده تن با او بیعت کنند، آنان که

با ابرها می آیند، در آن ساعت برسند.^۳

همچنین ایشان بنا بر نقل جابر جعفی می فرماید:

یبایع القائم بین الرکن و المقام ثلاثمائة و تیف، عدة أهل

بدر فیهم النجباء من أهل مصر، و الأبدال من أهل الشام، و

الأخيار من أهل العراق؛^۴

بین رکن و مقام سیصد و آندی به تعداد اهل بدر با

حضرتش بیعت می کنند و در میان آنها نجیبان مصری و

ابدال شامی و اخیار عراقی دیده می شوند.

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۸.

^۲ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۷؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸.

^۳ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

^۴ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۸۴؛ منتخب الأثر، ص ۲۶۸؛ بشارة الاسلام، ص ۲۰۴.

بیعت بشیر با حضرت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

در آن زمان که (حضرت مهدی علیه السلام) بر حجر الاسود تکیه کرده و مشغول گرفتن بیعت است. ناگهان «بشیر» وارد شده و بر فرورفتن لشکر سفیانی بر زمین مژده می دهد. او مردی است که صورتش به عقب برگشته و پشت سرش به طرف سینه است. حضرت جریان را می پرسید: او می گوید:

من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم، دنیا را ویران ساختیم. از دمشق تا بغداد و از کوفه تا مدینه، منبر پیغمبر «صلی الله علیه وآله وسلم» را شکستیم، با استرهای خود وارد مسجد النبی شدیم و استرها در مسجد سرگین انداختند. ما از آنجا بیرون آمدیم و تعداد ما سیصد هزار نفر بود و برای خراب کردن این خانه، به سوی مکه حرکت کردیم. زمانی که به وادی بیداء رسیدیم، شب در آنجا نزول کردیم، ناگاه شخصی به ما صیحه زد و گفت: ای بیدا این گروه ستمگر را نابود کن! ناگهان زمین دهان باز کرد و همهی لشکر را در خود فرو برد. به خدا قسم! حتی عقاب شتری و غیر از من و برادرم که نام یکی (وتر) و دیگری (وتیر می باشد) باقی نماند.

پس ملکی پیدا شد که به صورت ما زد و صورتمان به

۱۹۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

پشت برگشت و فرمود: ای تذیر (ترساننده)! تو به نزد سفیانی ملعون در دمشق برو و او را از ظهور مهدی آل محمد و نابودی لشکرش در پیدا باخبر کن و به من فرمود: تو هم خود را به مکه برسان و مهدی علیه السلام را به هلاکت ستمگران بشارت ده و با دست او توبه کن، او توبه می پذیرد.

پس آن حضرت دست خود را به صورت او می کشد و به حالت اول برگردد و با آن حضرت بیعت کرده و همراه لشکر او می شود.^۱

نذا و فریاد به نام حضرت

پس از پایان مراسم بیعت جبرئیل علیه السلام برخاسته و به نام حضرت در جهان بانگ می زند.

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

أول من يبایع القائم جبرائیل، ينزل فی صورة طیر أبيض فیبایعه ثم یضع رجلاً علی بیت الله الحرام و رجلاً علی بیت المقدس ثم یتادی بصوت ذلق تسمعه الخلیق، «أتق أمر الله فلا تستعجلوه»^۲

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۴۹۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۲؛ المحجة، ص ۱۷۷.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳؛ بشارة الاسلام، ص ۲۵۹، يوم الخلاص، ص ۳۱۹.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۹۷

اولین کسی که با قائم علیه السلام بیعت می کند جبرئیل است، به صورت پرنده‌ای سفید رنگ فرود آمده و با ایشان بیعت می کند. سپس یک پایش را روی کعبه و پای دیگرش را روی بیت المقدس می نهد و با صدایی گویا و فصیح ندا در می دهد:

فرمان خداوند رسید. درباره ی آن شتاب نکنید.

امام صادق ذیل دو آیه:

وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ، يَوْمَ يَسْمَعُونَ
الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ؛

و گوش به زنگ روزی باش که منادی از مکان نزدیک ندا می دهد. روزی که آن صیحه حقیقی را بشنوند. آن روز، روز خروج است.

چنین می فرماید:

ینادی مناد باسم القائم و اسم أبيه عليهما السلام،
والصيحة في هذه الآية صيحة من السماء، و ذلك يوم خروج
القائم؛^۲

منادی یا نام حضرت مهدی و پدرشان علیهم السلام ندا

^۱ ق / ۴۱ و ۴۲.

^۲ منتخب الأثر، ص ۴۴۷؛ يوم الخلاص، ص ۵۲۵.

دهد و منظور از صیحه در این آیه، فریادی آسمانی است و

آن روز، روز خروج [و قیام] حضرت مهدی علیه السلام است.

امام رضا علیه السلام هم در مورد این صیحه فرموده است:

... و هو الَّذی ینادی مناد من السماء، یسمعه أهل الأرض

بالدعا الیه، ألا ان حجّة الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه

فان الحق معه و فیه؛^۱

... او همان کسی است که منادی از آسمان برای دعوت

به او چنان ندایی دهد که همه ساکنان زمین آن را بشنوند

که آگاه باشید، حجت خداوند متعال پهلوی کعبه ظهور

کرده است با او بیعت کنید که حق با او و در او [در تبعیت

از او] است.

پیمان دو طرفه

مهدی موعود علیه السلام پس از مراسم بیعت، از بیعت کنندگان

خویش پیمان می گیرد و نیز تعهدهایی می دهد.

امیر المؤمنین علیه السلام در ضمن حدیث طولانی، فرمود:

یبایعونه علی أن:

۱. لا یسرقوا، ۲. و لا یزّنوا، ۳. و لا یسبّوا مسلماً، ۴. و

لا یقتلوا محرماً، ۵. و لا یهتکوا حرماً محرماً، ۶. و لا

^۱ اعلام الوری، ص ۴۰۸؛ يوم الخلاص، ص ۵۴۵؛ بشارة الاسلام، ص ۶۱.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۱۹۹

یهجموا منزلاً، ۷. و لا یضربوا أحداً إلاّ بالحقّ، ۸. و لا یکنزوا ذهباً و لا فضّه و لا برّاً و لا شعیراً، ۹. و لا یأکلوا مال الیتیم، ۱۰. و لا یشهدوا بما لا یعلمون، ۱۱. و لا یخربوا مسجداً، ۱۲. و لا یشربوا مسکراً، ۱۳. و لا یلبسوا الخزّ و لا الجریو، ۱۴. و لا یظمنّوا بالذهب، ۱۵. و لا یقطعوا طریقاً، ۱۶. و لا یخیفوا سیلاً، ۱۷. و لا یفسقوا بسلام، ۱۸. و لا یحبسوا طعاماً من برّ و لا شعیر، ۱۹. و یرضون بالقلیل، ۲۰. و یشتمّون علی الطّیب، ۲۱. و یکرّهون النجاسة، ۲۲. و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر، ۲۳. و یلبسون الخشن من الثیاب، ۲۴. و یتوسّدون التراب علی الخدود، ۲۵. و یجاهدون فی الله حقّ جهاده.

و یشرط علی نفسه لهم:

۱. أن یمشی حیث یمشون، ۲. و یلبس ما یلبسون، ۳. و یركب كما یركبون، ۴. و یکون من حیث یریدون، ۵. و یرضی بالقلیل، ۶. و یملاً الأرض بعون الله عدلاً كما ملئت جوراً، ۷. یعبّد الله حقّ عبادته، ۸. و لا یأخذ حاجباً و لا بوّاباً؛^۱ با او بیعت می کنند که:

۱. هرگز دزدی نکنند، ۲. زنا نکنند، ۳. دشنام ندهند، ۴. خون

^۱ مستخب الأثر، ص ۵۸۱؛ الملاحم و الفتن، ص ۴۹ و ۲۲۲؛ الزام الناصب، ص ۲۰۱.

۲۰۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

کسی را به ناحق نریزند، ۵. به آبروی کسی لطمه نزنند،
۶. به خانه ی کسی هجوم نبرند، ۷. کسی را به ناحق نزنند،
۸. طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، ۹. مال یتیم را
تخورند، ۱۰. در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند،
۱۱. مسجدی را خراب نکنند، ۱۲. مشروب نخورند، ۱۳. حریر
و خز نپوشند، ۱۴. کمر بند زرین به کمر نبندند، ۱۵. راه را
بر کسی نبندند، ۱۶. راه را تا امن نکنند، ۱۷. گرد همجنس
بازی نگردند، ۱۸. خوراکی از گندم و جو ذخیره نکنند،
۱۹. به کم قناعت کنند، ۲۰. بوی خوش استعمال کنند (عطر
بزنند)، ۲۱. خود را از زشتی ها باز دارند، ۲۲. به نیکی
فرمان دهند و از بدی پرهیزند، ۲۳. جامه های خشن
بپوشند، ۲۴. خاک را متکای خود کنند، ۲۵. در راه خدا حق
جهاد را ادا کنند. امام هم در مقابل تعهد می دهد که:

۱. همانند آنان قدم بر دارد، ۲. جامه ای مثل جامه ی
آنان بپوشد، ۳. مرکبی همانند مرکب آن ها سوار شود،
۴. چنان که آن ها می خواهند باشد، ۵. به کم قانع و راضی
باشد، ۶. زمین را به یاری خدا، پر از عدل و داد نماید آن
چنانکه پر از ستم شده است، ۷. خداوند را آنگونه که
شایسته است، عبادت کند، ۸. برای خود دربان و حاجب
اختیار نکند.

بخش چهارم : قیام مهدی (ع)

مهدی موعود علیه السلام، پس از گرد آمدن یاران، اعلان دعوت و انجام مراسم بیعت، با یاری خدا قیام جهانی خویش را از مکه می معظمه شروع می کند، و با نابودی ستمگران و ظالمان، زمینه را برای حکومت عدل جهانی فراهم می کند و آنگاه بشریت معنای واقعی حکمرانی بر اساس دستورات اسلام را خواهد فهمید.

مدت قیام

بر اساس روایات، مدت زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام و نبردش با دشمنان، هشت ماه است.
از حضرت امیر المؤمنین^۱ و سید الشهداء و امام زین العابدین علیهم السلام نقل شده که فرمودند:

(قائم علیه السلام) شمشیر خود را بر دوش می گذارد و هشت ماه تمام (می جنگد) و از آن ها (دشمنان) می کشد تا

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۱۱۹؛ منتخب الآثار، ص ۲۹۸.

۲۰۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

خدا راضی شود.^۱

در چند حدیث از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود:

هشت ماه شمشیر بر دوش می گذارد و درهم و برهم

می کشد و همواره از دشمنان خدا را نابود می سازد تا خدا

راضی شود.

ابوبصیر عرض کرد: چگونه می فهمد که خدا راضی شد؟! فرمود:

در دل او رحمت می افکند.^۲

پرچم قیام

در جنگ ها، طرفین درگیر با پرچم همدیگر را می شناسند و تا

زمانی که پرچم پایدار است، شکست صاحب پرچم معلوم نیست.

در زمان قیام مهدی موعود علیه السلام پرچم رسول خدا «صلی الله

علیه وآله و سلم» برافراشته خواهد شد و این پرچم تا پایان قیام بر

زمین نمی افتد. (پیروزی نصیب حضرت و یارانش می شود.)

امام صادق علیه السلام فرمود:

به درستی که برای ما اهل بیت پرچمی است، هر کس از

آن جلوتر رود، دزدیده شود و هر کس از آن تأخیر کند،

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۱۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳؛ الزام الناصب، ص ۱۸۹.

^۲ بشارة الاسلام، ص ۱۹۹؛ یوم الخلاص، ص ۲۵۰.

^۳ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۲۴۰؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۰۳

نابود شود و هر کس پیرو او باشد (به مقصد) می رسد و در پرچم نوشته شده است:

البيعة لله؛

بیعت برای خداست.^۱

ابوبصیر گوید که امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام با اهل بصره به هم رسیدند، آن حضرت پرچم رسول خدا «صلی الله علیه وآله وسلم» را برافراشت و (مردم با دیدن آن) قدمهایشان لرزید و هنوز شعاع آفتاب زرد نشده بود، گفتند: ای پسر ابوطالب! ایمان آوردیم. در این هنگام بود که حضرت دستور داد اسیران را نکشند، کار زخمی ها را یکسره نکنند و آنها را که از میدان جنگ فرار کرده اند، دنبال نکنند و هر کس اسلحه بر زمین گذاشت، و هر کس در خانه اش را ببندد، در امان است. چون روز صفین فرا رسید، از حضرت خواستند که دوباره آن پرچم را بکشاید، حضرت نپذیرفت. حسن و حسین علیهما السلام و عمار «رضی الله عنه» را واسطه قرار دادند، امیر المؤمنین علیه السلام به حسن علیه السلام فرمود:

^۱ الملاحم والفتن، ص ۵۵، بیابیع الموده، ج ۳، ص ۹۲، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۰، منتخب

فرزندم برای مردم، مدتی معین شده است، که به آن خواهند رسید و این پرچم پرچمی است که بعد از من کسی آن را جز قائم علیه السلام نخواهد گشود.^۱

ایمان بن تغلب گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

... سپس اسبی سیاه و سفید که در میان دو چشمش سفیدی روشنی است، سوار می شود و پرچم رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» را به همراه دارد.

عرض کردم! پرچم هم اکنون پنهان است یا آنکه پرچم را برایش می آورند؟ فرمود:

بلکه جبرئیل آن پرچم را می آورد و عمودش از عمودهای عرش خدا است و بقیه اش از نصرت خدا ...^۲

همچنین گوید که امام صادق علیه السلام فرمود:

پس پرچم پیغمبر «صلی الله علیه و آله و سلم» را باز کند و چون باز کرد مابین مشرق و مغرب از نور آن روشن شود، عمود پرچم از عرش و پرچم او از نصرت خداست. به هیچ چیز رو نکند، مگر اینکه خداوند او را هلاک کند و چون آن را حرکت دهد و به اهتزاز در آورد، نماند مؤمنی

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۷.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۱۶۳.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۰۵

مگر اینکه دل او چون پاره‌ی آهن محکم شود و قوت چهل مرد به او داده شود و نماند مؤمن مرده‌ای مگر اینکه شادی و خوشحالی داخل قبر او شود، علتش این است که مؤمنین در قبرهای خود به زیارت یکدیگر می‌روند و یکدیگر را به قیام قائم علیه السلام بشارت می‌دهند و چون پرچم را باز کند، ملائکه برای نصرت او فرود می‌آیند.^۱

رنگ و جنس پرچم

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

ينشر راية رسول الله السوداء؛^۲

پرچم سیاه رنگ رسول خدا «صلی الله علیه وآله وسلم» را می‌گشاید.

ابوبصیر گوید که امام صادق علیه السلام فرمود:

سپس پرچم را به اهتزاز در آورد و با پرچم حرکت کند، کسی در خاور و باختر نماند، مگر اینکه پرچم را لعنت کند و آن پرچم رسول خدا «صلی الله علیه وآله وسلم» است که در جنگ بدر، جبرئیل آن را فرود آورد. سپس فرمود:

ای ایامحمد! به خدا قسم، آن پرچم نه از پشه و کتان

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۴، ص ۱۶؛ الغیبه نعمانی، ص ۲۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

^۲ بشارة الإسلام، ص ۱۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۲۰۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

است و نه از ابریشم و حریر!

عرض کردم: پس از چیست؟ فرمود: ورق بهستی است...!

روش برخورد حضرت با دشمنان

مهدی موعود علیه السلام در مسیر انقلاب الهی و پیاده نمودن احکام الهی، با دشمنان گوناگونی روبرو خواهد شد. دشمنان حضرت از همان ابتدای قیامش، در مقابل او می ایستند و مانع اقدامات انقلابی می شوند. حضرت طبق دستوری که از طرف رسول خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» و امام علی علیه السلام به همراه دارد، با دشمنان به شدت برخورد می کند و پس از اتمام حجت، در صورت تسلیم نشدن و گردن نهادن به فرمانش، آنها را به قتل می رساند تا موانع پیشرفت مادی و معنوی بشر از میان برود.

زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا روش و سیاست قائم علیه السلام همانند روش پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» خواهد بود؟ امام فرمود:

هرگز، هرگز؛ ای زراره! او سیاست پیامبر «صلی الله علیه

و آله و سلم» (در برخورد با دشمنان) را در پیش نمی گیرد.

پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» با ملایمت و نرمی و

مهربانی رفتار می کرد تا دل ها را به دست آورد و مردم

با آن حضرت الفت گیرند؛ ولی قائم علیه السلام، سیاست

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۰۷

قتل را در پیش می گیرد و طبق دستوری که دارد، رفتار می کند و توبه کسی را نمی پذیرد. پس وای بر کسی که با او مخالفت کند.^۱

حسن بن هارون می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم. معلی بن خنیس از حضرت پرسید: آیا هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند، بر خلاف روش امیر مؤمنان علیه السلام در برخورد با مخالفان رفتار می کند؟ امام فرمود:

آری، علی علیه السلام ملایمت و نرمش را در پیش گرفت؛ چون می دانست پس از اودشمنان بریاران و شیعیانش چیرگی پیدا می کنند؛ ولی سیاست قائم علیه السلام قهر و غلبه و به اسارت گرفتن آنان است؛ زیرا می داند که پس از او کسی بر شیعیان تسلط نخواهد یافت.^۲

مفضل می گوید: امام صادق علیه السلام یادی از قائم علیه السلام به میان آورد، من عرض کردم: امیدوارم که برنامه و حکومت حضرت^۳ به آسانی برقرار شود. حضرت فرمود:

خیر، چنان نمی شود مگر آن که سختی های بسیاری را ببینید.^۴

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۲۳۱؛ عقد الدرر، ص ۲۲۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

^۲ کافی، ج ۵، ص ۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۸.

^۳ الغیبه نعمانی، ص ۲۸۴؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۳.

۲۰۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

حضرت رضا علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قائم ما ظهور کند، جز خون ریختن (کشتن دشمنان) و عرق کردن (در اثر تلاش زیاد) و خوابیدن بر زمین‌ها (به سبب پیکارهای فراوان) نخواهد بود.^۱

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

روش رسول خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» در میان امتش بر اساس نرمی و مدارا و دوستی با مردم بود اما سیاست قائم، کشتن مخالفان است، او بر پایه فرمانی^۲ که به همراه دارد مأمور اجرای این سیاست است و از کسی درخواست توبه نمی‌کند و ای بر کسی که مخالفت امر وی کند.^۳

همچنین از ایشان منقول است که فرمود:

قائم علیه السلام با فرمان جدید و قضاوت جدید قیام کند، با عرب‌ها به شدت برخورد نماید و روش او جز شمشیر نباشد، او از احدی طلب توبه نکند و در راه خدا از

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۲۸۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۳.

^۲ فرمانی که حضرت به همراه دارد، عهد نامه ای به املا جدهن پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم»

و بخط امیر المؤمنین علیه السلام است.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۰۹

سرزنش هیچ ملامتگری نهراسد.^۱

ما به مقتضای موضوع بحث، روش برخورد حضرت با دشمنان، اعم از داخلی و خارجی را بر اساس روایات بیان می‌کنیم.

اولین اقدام حضرت

هروی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: قائم علیه السلام پیش از هر کاری به چه چیز خواهد پرداخت؟ حضرت فرمود:

در آغاز به سراغ بنی شیبه می‌رود و دست‌های آنان را قطع می‌کند؛ چون آنان دزدان خانه‌ی خدا^۲یند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، بنی شیبه را دستگیر کرده، دست‌های شان را قطع می‌کند و آنان را در میان مردم می‌گرداند و اعلام می‌کند که اینان دزدان خانه‌ی خدا هستند.^۳

روش برخورد مکیان با حضرت

گروهی از اهالی مکه رابطه مناسبی با اهل بیت پیامبر ندارند. در هنگام خروج سفیانی، از او تقاضای اعزام نیرو به منطقه‌ی حجاز را می‌نمایند؛ زیرا می‌دانند به زودی حضرت مهدی علیه السلام ظهور و

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

^۲ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷؛ محمد بن علی بن بابویه، غلل الترائع، ج ۲، ص ۹۶.

قیام خواهد کرد. از اقدامات پلید دیگر آنان به شهادت رساندن نفس زکیه (نماینده ی اعزامی امام به مکه) است. در هنگام ظهور حضرت نیز قصد ترور ایشان را دارند که البته موفق نمی شوند. همچنین آنان جانشین هایی را که برای شهر مکه انتخاب می نماید، به شهادت می رسانند و این عمل را دوبار تکرار می کنند.

روش برخورد حضرت با مکیان

مفضل بن عمر، ضمن حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام می پرسد که: (حضرت مهدی) با مکیان چگونه رفتار می کند؟ فرمود:

آن ها را با حکمت و موعظه ی حسنه دعوت می کند. پس او را اطاعت می کنند و مردی از اهل بیت خود را به عنوان جانشین انتخاب می کند و به سوی مدینه می رود.^۱ مفضل می گوید: ای آقای من! در مکه اقامت می کند.

فرمود: نه، ای مفضل بلکه مردی را از اهل خودش برای آنجا جانشین قرار می دهد. وقتی از مکه حرکت کرد، جانشینش را گرفته و می کشند. پس به سوی آنان بر می گردد و آن ها سرافکنده و هراسان با گریه و زاری می گویند: ای مهدی آل محمد! توبه، توبه! پس آنان را موعظه می کند، تهدید می نماید و می ترساند، دوباره جانشین تعیین کرده و

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۱۱

حرکت می کند، باز او را گرفته و می کشند. پس یاران خود را از جن و تقیبان بر می گرداند و به آنها دستور می دهد، از آنها کسی را باقی نگذارید مگر آنهایی که ایمان بیاورند. اگر نبود رحمت خدا که همه چیز را فرا گرفته است و من آن رحمتم، البته همراه شما برای نابود کردن آنها بر می گشتم، اما شما بدون من بروید که آنها همه ی عذرها را بین خودشان و بین خدا و من و بین خودشان از میان بردند. پس بر می گردند و به خدا قسم! از صد نفر یک نفر، نه بلکه از هزار نفر یکی سالم نمی ماند.^۱

روش برخورد حضرت با قریش

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که حضرت قیام کند ... قریش را هدف قرار می دهد. از آنان نمی ستاند جز شمشیر و به آنان نمی دهد جز شمشیر.^۲

بشر بن غالب اسدی گوید: حسین بن علی علیه السلام فرموده: ای بشر! چگونه است بقای قریش وقتی قائم علیه السلام آید، پانصد مرد می آورند و گردن هایشان را می زنند؟

^۱ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۲.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

۲۱۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

سپس پانصد نفر دیگر و پانصد نفر دیگر.

گفتم: عددشان به این تعداد می رسد؟ فرمود:

غلامانشان با آن ها می باشند؛ بشیربن غالب برادر بشر

گفت: شهادت می دهم که حسین بن علی علیه السلام شش

مرتبه، آن تعداد را شمرد.^۱

به نظر می رسد منظور از قریش، طائفه ی بنی امیه باشد که ایتان

دشمنان اهل بیتند و گرنه قیام حضرت، مایه ی امیدواری و نجات بنی-

هاشم است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

حضرت مهدی علیه السلام در مکه ظاهر می شود و

خداوند سرزمین حجاز را می گشاید و حضرت هر کس از

بنی هاشم را که در زندان است، آزاد می سازد.^۲

روش برخورد حضرت با اعراب منحرف

امام صادق علیه السلام می فرماید:

از عرب ها بپرهیزید؛ زیرا آینده بد و خطرناکی در پیش

دارند؛ مگر نه این است که کسی از آنان همراه مهدی علیه

السلام قیام نمی کند.^۳

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹، ب ۲۷، ح ۱۰۰.

^۲ نعیم بن حماد مروزی، الفتن، ص ۹۵.

^۳ العیبه شیخ طوسی، ص ۲۸۴؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۱۳

شیخ حرّ عاملی می گوید: شاید مراد از این سخن امام صادق علیه السلام آغاز قیام حضرت است یا کنایه از کمی شرکت آنان است^۱...
ابوبصیر گوید که امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم علیه السلام با برنامه و کتاب و حکم جدید که برای عرب سخت خواهد گذشت، قیام خواهد کرد، کارهایش انجام نمی گیرد مگر با شمشیر، هیچ کس را وادار به توبه نمی کند (فقط موعظه و نصیحت و راهنمایی و اتمام حجت خواهد نمود) و در راه خدا ملامت هیچ ملامت کننده ای در او اثر ندارد.^۲

به نظر می رسد منظور از عرب کسانی هستند که در مقابل حضرت می ایستند و تسلیم امر او نمی شوند، امروزه بعضی از زمامداران و فرمانروایان کشورهای عرب، دست دوستی با اسرائیل و آمریکا می دهند. واضح است که این قبیل افراد مقابل امام می ایستند. همچنین بعضی اعراب تاب شنیدن سخنان حضرت را ندارند و علیه او شورش می کنند که سرنوششان مشخص است.

البته عده ی محدود و انگشت شماری از اعراب از یاران حضرت خواهند بود و او را در قیامش یاری می کنند.

^۱ نجم الدین طیبی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۰۱.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، ب ۲۷، ح ۱۱۴.

۲۱۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

رسول خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» می فرماید:

بزرگان و انسان های شریفی از سرزمین شام (سوریه)

به حضرت مهدی علیه السلام می پیوندند و نیز کسانی که

از قبایل و سرزمین های گوناگون اطراف شام هستند...

امام باقر علیه السلام می فرماید:

سیصد و سیزده نفر، به عدد یاران جنگ بدر، در میان

رکن و مقام با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کنند.

در میان آنان بزرگانی از مردم مصر و نیکانی از شام و از

مردم عراق به چشم می خورند. حضرت فرمانروایی خواهد

کرد، آن مقدار که خدا بخواهد.^۱

روش برخورد حضرت با ناصبی ها

ناصری ها از دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام می باشند و

کینه شیعیان را به دل دارند.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، همه ناصبیان و

دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می کنند. اگر به

اسلام - که همان ولایت اهل بیت علیهم السلام است - اقرار

^۱ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۰۴؛ الملاحم، ص ۱۴۲.

^۲ الغیبه شیخ طوسی، ص ۴۷۷؛ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۲۴؛ انبیا الهدایة، ج ۳، ص ۵۱۸.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۱۵

کردند، آنان را رها می‌کند و گرنه به قتل می‌رسند، یا آنان را به پرداخت جزیه - همچنان که اهل ذمه می‌پردازند - ملزم می‌کند.^۱

ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: رفتار حضرت مهدی علیه السلام با تاصبی‌ها و کسانی که به شما دشمنی دارند، چگونه خواهد بود؟ فرمود:

ای ابا محمد! در دولت و حکومت ما، مخالفان بهره‌ای نخواهند داشت. خداوند برای ما خونهایشان را در آن هنگام حلال خواهد کرد؛ ولی امروز خونشان بر ما و شما حرام است. پس کسی تو را فریب ندهد و برای روزگاری که قائم ما قیام کرد، حضرت برای خدا و رسولش و برای ما انتقام خواهد گرفت.^۲

دستور حضرت قبل از حرکت به سوی مدینه و کوفه

حضرت قبل از حرکت سپاه به سوی مدینه و کوفه دستور می‌دهد که کسی آب و غذا و توشه راه با خود بر ندارد، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌کند،

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

پرچم پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی همراه او خواهد بود. پس به امر حضرت در بین سپاهیان اعلام می شود که کسی زاد و توشه برای خود و علوفه برای چهارپایان بر ندارد. برخی از همراهان می گویند: او می خواهد ما را به هلاکت بیندازد و مرکب هایمان را از گرسنگی و تشنگی نابود کند. اصحاب با حضرت حرکت می کنند به اولین جایی که می رسند، حضرت سنگ را بر زمین می گوید و آب و غذا برای نیروها و علوفه برای حیوانات بیرون می آید و از آن استفاده می کنند تا به شهر نجف می رسند.^۱

امام صادق علیه السلام نیز در این باره چنین می فرماید:

هنگامی که امام علیه السلام در شهر مکه ظهور می کند و قصد حرکت به کوفه را دارد، به نیروهایش اعلام می کند که کسی آب و غذا و توشه راه با خود بر ندارد. حضرت سنگ موسی علیه السلام را که به وسیله آن دوازده چشمه آب زلال از زمین جوشاند، همراه دارد. در مسیر راه هر جا توقف می کنند، آن سنگ را نصب می کنند و از زمین چشمه های آب می جوشد. هر کس گرسنه باشد با نوشیدن آن سیر می گردد و هر کس تشنه باشد، سیراب می شود.

^۱ کمال الدین، ص ۶۷۰، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۱۷

تهیه آذوقه و آب بین راه سپاهیان به همین ترتیب است تا هنگامی که به شهر نجف برسند؛ در آن جا با نصب آن سنگ، برای همیشه از زمین آب و شیر می جوشد که گرسنه و تشنه ای را سیر می کند.^۱

حرکت به سوی مدینه ی منوره

حضرت پس از تکمیل و سازماندهی سپاه ده هزار نفری، به طرف مدینه حرکت می نمایند. سپاه در بین راه به سرزمین بیداء می رسد. حضرت آن سرزمین را به یاران خویش نشان می دهد. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

يُخْرَجُ - الْقَائِمُ - عَائِدًا إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَمُرَّ بِالْبِيدَاءِ، فَيَقُولُ هَذَا مَكَانَ الْقَوْمِ الَّذِينَ خَسَفَ بِهِمْ، وَ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: « أَقَامِنَ الَّذِينَ مَكَّرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ. أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ »^۲

حضرت مهدی علیه السلام [از مکه] به طرف مدینه خارج می شود تا این که به بیداء می رسند، [حضرت رو به سپاهیان خویش کرده] و می فرماید: اینجا موقعیتی است که

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۲۳۸؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵.

^۲ بحل / ۴۵ و ۴۶.

۲۱۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

آن جمعیت را زمین بلعید و این همان آیه قرآن است که می‌فرماید:

آیا کسانی که بدی‌ها را با حيله و تیرنگ انجام دادند، درامانند، از اینکه خداوند آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که پیش بینی و اندیشه نمی‌کنند، عذاب الهی به سراغشان آید یا (قهر الهی) در حین تلاش و کوششان ناگهان آنان را بگیرد، پس نتوانند آن عذاب را خنثی و عاجز نمایند.^۱

ورود به مدینه منوره

امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی طولانی فرمود:

... آنگاه وارد مدینه شد، پس قریش از آنها پنهان گردند و این گفته علی بن ابیطالب علیه السلام درباره‌ی آنهاست که فرمود: به خدا سوگند! قریش آرزو کنند که ای کاش می‌توانستند تمام دارایی خود و آنچه را که خورشید بر آن می‌تابد بدهند و در عوض به اندازه‌ی زمان کشتن شتری، علی بن ابیطالب را در کنار خود بیابند.^۲ سپس حادثه‌ای به وقوع پیوندد که پس از آن قریش گویند: ما را نزد

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۱۷؛ یوم الخلاص، ص ۳۷.

^۲ این آرزو برای آن است که ای کاش امیر مؤمنان علیه السلام حضور داشت و همچون جنگ

جمل آنان را مورد عفو و رحمت قرار می‌داد.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۱۹

این یاغی ببرید، سوگند به خدا اگر او محمدی یا علوی یا فاطمی بود دست به این عمل نمی‌زد، آنگاه خداوند به شکل کامل حضرت را بر آنان مسلط گرداند و حضرت قاتلان را به هلاکت رسانده و همه‌ی وابستگان به آنها را به اسارت گیرد، سپس حرکت کرده و در شقره فرود آید، در آنجا به وی خبر رسد که نماینده‌ی او را کشته اند، دگر بار به سوی آنان باز گردد و آنان را چنان هلاک کند که کشتار حرّه در برابر آن ناچیز نماید. آنگاه مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت کند.

درد دل با جدّ بزرگوار

امام صادق علیه السلام فرمود:

سپس مهدی همنام جدم، رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» به پا خیزد و بر اوست پیراهن خون آلود رسول خدا که هنگام شکافته شدن پیشانی و شکستن دندان هایش آغشته به خون شده بود و فرشتگان اطراف او را می‌گیرند تا (داخل حرم شود) و در برابرش می‌ایستند و این گونه می‌فرماید (درد دل می‌کند):

ای جدّ بزرگوار! مرا (برای امتت) توصیف کردی و به

۲۲۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

سوی من دلالت نمودی و نسبت دادی و نام بردی و کنیه ام را گفتی. پس امت مرا انکار کرد و تمرد نمود و گفت: متولد نشده و نبوده و کجاست او؟ و او چه کسی است و (پدرش مرد و اولاد نداشت) و اگر صحیح بود خداوند تا به این وقت معلوم او را به تأخیر نمی انداخت، پس صبر کردم و حساب کننده (که برای پاداش اخروی آن تحمل نمودم) و به تحقیق خدا مرا اجازه ی (ظهور) داد ای جد من.^۱

سوزاندن ازرق و زریق

ابی الجارود گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

به مدینه می رود و مردم هم همراه او تا خدا راضی شود. پس هزار و پانصد نفر از قریشیانی را که در میان آنها غیر از زتازاده، کسی نباشد؛ می کشد. سپس داخل مسجد می شود و دیوار را می شکند و به زمین می گذارد و ازرق و زریق را که لعنت خدا بر آنها باد! تر و تازه بیرون می آورد و با آنها حرف می زند و آنها هم جواب می دهند. در آن حال است که اهل باطل به شک می افتند و می گویند: مرده ها چگونه سخن می گویند، از آن ها در میان مسجد، پانصد نفر را اعدام می کند.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲؛ الزام الناصب، ص ۲۲۲، يوم الخلاص، ص ۲۵۸.

سپس آن دو را با آن هیزمی که برای آتش زدن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام جمع کرده بودند، می‌سوزاند و آن هیزم ها نزد ما به ارث است و قصر مدینه را (که از حرام بنا شده) ویران می‌سازد.^۱

حرکت به سوی عراق

حضرت مهدی علیه السلام پس از تسلط بر منطقه ی حجاز و سرکوبی شورشیان آن منطقه، از مسیر جنوب ایران عازم عراق می‌شود. در جنوب ایران بین امام و سپاه سید خراسانی که در حال تیرد با سپاه سفیانی هستند، ملاقاتی رخ می‌دهد.

ابن حماد در نسخه‌ی خطی خود از امیر المؤمنین آورده است که حضرت فرمود:

وقتی سواران سفیانی به سوی کوفه روی آوردند، گروهی را به جستجوی اهل خراسان فرستند و در آن حال اهل خراسان در جستجوی مهدی علیه السلام بیرون آیند، آنگاه بین امام و مرد هاشمی با درفش های سیاه که شعیب بن صالح پیشاپیش آنها است، ملاقاتی رخ دهد. سپس در دروازه ی استخر، امام و یاران سفیانی با یکدیگر برخورد نمایند به گونه ای که بین آنها کارزار بزرگی اتفاق افتد.

^۱ بیان الائمه، ج ۳، ص ۲۶۴.

سپس یاران درفش های سیاه غلبه یابند و سپاه سفیانی از
معرکه بگریزند، در این هنگام مردم تمنای دیدار مهدی
علیه السلام کنند و او را جویا شوند.^۱

ورود به سرزمین نجف

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاتَفَدُّوا لَأَنْتَفُدُونَ
إِلَّا بِسُلْطَانٍ)^۲ فرمود:

او (حضرت مهدی علیه السلام) با هفت قبه ی نور در
پشت کوفه فرود آید و مشخص نشود که در کدامیک قرار
دارد و این آیه مربوط به زمان فرود او است.^۳

و در روایت دیگر آمده است:

حضرت در قبه ای از نور، در پشت کوفه و در منطقه ی
فاروق فرود آید.^۴

همچنین آن حضرت می فرماید:

زمانی که حضرت به سرزمین نجف رسید، دستور می

^۱ عصر ظهور، ص ۳۰۸.

^۲ ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمان ها و زمین نفوذ کنید، نفوذ کنید، هرگز نمی
توانید مگر به واسطه قدرتی فوق العاده. (الرحمن / ۲۳).

^۳ تفسیر عیاشی، عصر ظهور، ص ۳۰۹.

^۴ عصر ظهور، ص ۳۰۹.

دهد امشب را همین جا ساکن شده و به عبادت بگذرانند.
پس از فرا رسیدن صبح، دستور حرکت از مسیر «نُخَیله» را
می دهد و در «نُخَیله» به مسجد ابراهیم فرود می آید و دو
رکعت نماز می گزارد.

از لشکریان سفیانی که قبلاً کوفه را تسخیر کرده و در
آنجا اقامت دارند، برای دفع حضرت بیرون می آیند. امام
علیه السلام دستور می دهد که راه را باز کنند. سپس فرمان
حمله صادر می نماید. پس ارتش امام آنها را شکست می
دهند، به گونه ای که یک نفر از آنها سالم نمی ماند و چون
به نجف مشرف شدند، پرچم رسول خدا «صلی الله علیه و
آله وسلم» را باز کرده و به اهتزاز در می آورد، به محض
اینکه آن پرچم باز شود، ملائکه ای بدر به دور او احاطه
می کنند.^۱

حرکت به سوی پایتخت (کوفه)

حضرت پس از ورود به نجف اشرف و درنگ کوتاه در آنجا، به
سوی کوفه که پایتخت حکومت جهانی می باشد، حرکت می کند.

نبرد با گروه مسلح «بُتْرِیّه»

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۲۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲؛ بشارة الاسلام، ص ۲۲۹.

قبل از ورود حضرت به کوفه، گروه «بُتریّه»^۱ در حالی که مسلّحند در مقابل حضرت می ایستند و با امام نبرد می کنند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

زیاده برده هزار مسلح از «بُتریّه» به سوی امام حرکت می کنند و پیغام می دهند از همان راهی که آمده ای برگرد! ما را به بنی فاطمه نیازی نیست. امام دستور می دهد تا همه ی آنها را از دم شمشیر گذرانده و نابود کنند.^۲

این گروه از کسانی هستند که در مقابل حضرت موضع می گیرند و علیه او شمشیر می کشند. اینان از نسل خوارج دوران امیر مؤمنان علی علیه السلام هستند که فهم و درک درستی از دین و احکام آن ندارند و خود را مقدس تر از همه می دانند.

امیر مؤمنان علیه السلام پس از شکست خوارج به هنگام گذشتن از کشتگان آنان فرمود: آن کس شما را به کشتن داد که شما را فریفت. پرسیده شد: او کیست؟ فرمود: «شیطان و نفس های پلید» اصحاب گفتند: خداوند، ریشه ی آنان را تا پایان دنیا قطع کرد. حضرت پاسخ داد:

^۱ بُتریّه یکی از فرقه های زیدیه از پیروان کثیر التوی می باشند. آنان عقاید مشابیه با سلیمانیه یکی دیگر از فرقه های زیدیه دارند. در اسلام و کفر عثمان توقف و تردید دارند. در مسائل اعتقادی مشرب اعتزال و در فروع فقهی بیشتر پیرو ابوحنیفه هستند. گروهی از آنان نیز پیرو شافعی یا مذهب شیعه می باشند. (چشم اندازی به حکومت مهدی به نقل از بهجة الآمال، ج ۱، ص ۹۵، ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۶۱).

^۲ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۳۰۶، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۲۵

خیر، سوگند به آن که جانم در دست اوست، آنان در
صلب‌های مردان و رحم زنان خواهند بود و پی در پی
خروج خواهند کرد تا آن که به سرکردگی شخصی به نام
اشمط بین رودهای دجله و فرات خروج کنند. در آن
روزگار مردی از اهل بیت ما به جنگ او می‌رود و او را
به هلاکت می‌رساند و از آن پس هیچ قیامی از خوارج تا
روز قیامت نخواهد بود.^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

حضرت مهدی به سوی کوفه رهسپار می‌شود. در آن جا
شانزده هزار نفر از بت‌ریه مجهز به سلاح در برابر حضرت
می‌ایستند؛ آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که
پیشانی‌های آنان از عبادت زیاد پینه بسته، چهره‌های‌شان در
اثر شب زنده‌داری زرد شده است و تفاق سرپای‌شان را
پوشانده است. آنان یک صدا فریاد بر می‌آورند: ای فرزند
فاطمه! از همان راه که آمده‌ای بازگرد، زیرا به تو نیازی
نداریم.

حضرت در پشت شهر نجف، از ظهر روز دوشنبه تا
شامگاه بر آنان شمشیر می‌کشد و همه را از دم تیغ می‌گذارند.

^۱ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۸.

در این نبرد از یاران حضرت حتی یک نفر زخمی نمی شود.^۱

ابو حمزه ثمالی می گوید: امام باقر علیه السلام می فرمود:

مشکلاتی که صاحب این امر، هنگام ظهور از مردم

می بیند به اندازه ی مشکلات پیامبر یا بیشتر از آن است.^۲

فضیل می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، بیش از آن چه پیامبر از

جاهلان دوران جاهلیت ناراحتی دید، از جاهلان رنج و

ناراحتی خواهد دید.

پرسید: چگونه و چرا؟ فرمود:

پیامبر در روزگاری مبعوث شد که مردم سنگ و چوب

و بت های تراشیده شده را می پرستیدند، ولی قائم ما در

روزگاری قیام می کند که با قرآن علیه حضرت احتجاج

می کنند و آیات را علیه آن حضرت تأویل می نمایند.^۳

اوضاع کوفه در هنگام ورود حضرت

بر اساس روایات هنگام ورود حضرت به کوفه درگیری و

^۱ دلایل امامت، ص ۲۴۱؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحار الانوار،

ج ۲، ص ۵۹۸.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۲۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲؛ بشارة الاسلام، ص ۲۲۲؛

^۳ همان.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۲۷

کشمکش بین سه جناح وجود دارد که احتمالاً این سه جناح، طرفداران حضرت، پیروان سفیانی و شورشیان هستند.

عمرو بن شمر در روایتی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود:

او وارد کوفه شود در حالی که سه جناح پرچم دار با یکدیگر درگیرند. آنها شهر را تحویل حضرت دهند. او وارد شهر شده و بر فراز منبر قرار گیرد. اما مردم از شدت گریه متوجه گفتار وی نشوند.^۱

در زمانی که حضرت در کوفه ظاهر شوند، سپاهیان سید خراسانی یا او بیعت نمی‌نمایند. حدیثی در منابع شیعه و سنی با سندهای مختلف از امیر مؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

درفش‌های سیاهی که از خراسان خروج می‌کنند در کوفه فرود آیند و زمانی که مهدی علیه السلام ظاهر شود جهت بیعت حضور آن بزرگوار شرفیاب شوند.^۲

همچنین هنگامی که حضرت وارد کوفه شود، مؤمنان یا در کوفه اند و یا به آن سو در حرکتند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم علیه السلام وارد کوفه شود، هیچ مؤمنی باقی نماند، مگر آنکه در کوفه باشد یا به آن سو

^۱ الارشاد، ص ۳۶۲.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

حرکت کند و این را امیر المؤمنین علیه السلام خبر داده است. آنگاه حضرت به اصحابش فرماید: به سوی این طغیانگر (سفیانی) حرکت کنید.^۱

روش برخورد با کفار و منافقین

در زمان قیام قائم علیه السلام، کفار در صورت ادامه کفرشان به هلاکت می‌رسند. منافقین نیز که از کفار بدترند، سرنوشتی مانند آنان دارند.

در تفسیر آیه ی: (وَ تَزَيَّلُوا لَعَذَابِنا الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِیماً)^۲
امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند، در صُلب کافران و منافقان، امانت‌هایی از مؤمنان دارد. قائم ما ظهور نمی‌کند، مگر آن که خداوند آن امانت‌ها را از صلب آنان بیرون آورد و آن مؤمنان متولد شوند. پس از آن، حضرت کافران و منافقان را به قتل می‌رساند.^۳

منافقین که از نام اسلام برای پیشبرد اهداف نامشروع خود استفاده می‌کنند و به کارهایشان جنبه‌ی اسلامی داده، آیات قرآن را در جهت مقاصد شومشان تفسیر می‌کنند (تفسیر به رأی)، در زمان قیام قائم و

^۱ همان، ص ۳۳۰.

^۲ فتح / ۲۵.

^۳ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۶۱؛ الحجّه، ص ۲۰۶؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۴۵۷.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۲۹

حکومتش ناکام می‌مانند؛ زیرا حضرت با تور و حکمتی که خداوند سبحان در قلبش جای داده، منافقین را به راحتی شناسایی می‌کند و شرشان را از بلاد اسلامی کوتاه می‌کند.
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

چون قائم علیه السلام قیام کند... به کوفه می‌آید و در آن جا همه ی منافقان را به قتل می‌رساند و کاخ های آنان را ویران می‌کند و با جنگجویان آنان می‌جنگد و آن قدر از آنان می‌کشد تا خداوند خشنود گردد.^۱

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

چه بسا شخصی در کنار قائم است و حضرت جهت اجرای دستوراتش به او امر و نهی می‌کند. اما ناگهان امام می‌فرماید: او را نزد من بیاورید. چون او را حاضر کنند، حضرت فرمان دهد تا سر از بدنش جدا کنند. در شرق و غرب جهان چیزی باقی نماند مگر این که از آن بزرگوار ترس و وحشت به دل دارد.^۲

از مالک بن ضمره نقل شده که گفت: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

ای مالک بن ضمره چگونه خواهی بود زمانی که شیعیان

^۱ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

این چنین با یکدیگر اختلاف کنند؟! آنگاه حضرت انگشتان مبارک خود را به صورت ضربداری داخل یکدیگر نمود.
عرض کردم: ای امیر مؤمنان! آیا در آن هنگام خیری خواهد بود؟ حضرت فرمود: تمام خیر در آن هنگام است. ای مالک! در آن زمان قائم ما قیام کند و تعداد هفتاد نفر را که به خدا و رسول خدا دروغ بسته‌اند پیش کشیده و همه را به قتل رساند، آنگاه خداوند همه را پیرامون یک حقیقت گرد آورد.^۱

اعتراض به سخنان حضرت در رمیله

در روایاتی دیگر، هنگامی که حضرت به بعضی از احکام حکم کند و برخی سنت‌ها را بیان نماید، عده‌ای قصد شورش کرده که به قتل می‌رسند و این آخرین گروه از شورشیانی هستند که مقابل حضرت می‌ایستند.

امام باقر علیه السلام درباره‌ی پرخاش این گروه به سخنان حضرت، می‌فرماید:

وقتی حضرت مهدی علیه السلام پاره‌ای از احکام را بیان می‌دارد و درباره‌ی برخی از سنت‌ها سخن می‌گوید، گروهی به عنوان اعتراض و قیام علیه حضرت، از مسجد بیرون می‌روند. حضرت به یارانش دستور تعقیب آنان را

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۳۱

صادر می کند. سپاه حضرت، در محله تمارین بر آنان دست می یابند و آنان را اسیر کرده، نزد حضرت می آورند. امام دستور می دهد که همگی را به قتل برسانند و این آخرین شورش و حرکتی است که علیه حضرت رخ می دهد.^۱

همچنین درباره ی این شورش که در رمیله رخ می دهد، فرزند ابی یعفر می گوید: به حضور امام صادق علیه السلام آمدم، در حالی که گروهی از یارانش نیز در خدمت ایشان بودند. حضرت، به من فرمود: آیا قرآن خوانده ی؟ عرض کردم: آری؛ ولی به همین قرائت متعارف. فرمود: مقصود من هم، همین قرائت بود. گفتم: منظور از این پرسش چیست؟ فرمود:

حضرت موسی علیه السلام مطالبی را برای قوم خود گفت، ولی آنان تاب و توان آن را نداشتند و علیه حضرت - در مصر - قیام کردند؛ موسی علیه السلام نیز با آنان جنگید و آنان را به قتل رساند.

حضرت عیسی علیه السلام نیز مطالبی را برای قوم خود بازگو کرد و آنان نیز تحمل نکرده، علیه او - در تکریت - دست به شورش زدند. عیسی علیه السلام نیز به رویارویی با آنان برخاست و نابودشان کرد. این است معنای سخن

^۱ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۱؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

خداوند که می فرماید:

قَامَتَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتَ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا
الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيَّ عَدُوَّهُمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ؛^۱

پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی
کافر شدند، پس کسانی را که ایمان آوردند بر دشمنشان
یاری دادیم تا (بر آنان غلبه کرده و) پیروز شدند.

حضرت مهدی علیه السلام نیز هنگامی که ظهور کند،
سخنانی برای شما می گوید که تاب و توان پذیرش آن را
نخواهید داشت. از این رو، علیه حضرت در رمیله قیام
می کند و با او می جنگید. حضرت نیز به رویارویی با شما
می پردازد و شما را به قتل می رساند و این شورش آخرین
قیام علیه حضرت است.^۲

اعتراض به روش حضرت

گروهی از مردم آنگاه که این کشتارها را مشاهده می کنند با خود
می گویند: او از ذریه ی فاطمه علیها السلام نیست، اگر از نسل فاطمه
بود بر مردم ترحم می کرد. بعضی از اصحاب حضرت تحمل اجرای
برخی احکام او را ندارند و با مشاهده کشتار منافقان، صاحبان فتنه ها و

^۱ صف / ۱۴.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۷۵.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۳۳

شورشیان، دچار شک و تردید می شوند، یکی از آنان به حضرت اعتراض می کند که حضرت جوابش را می دهد.

از امام باقر علیه السلام در این رابطه نقل شده که فرمود:

زمانی که او به ثعلبیه رسد، شخصی از ذریه پدرش که پس از مهدی، از همه نیرومندتر و شجاع تر است، در مقابل او می ایستد و می گوید: ای فلان! چه می کنی به خدا سوگند تو مردم را همچون گله گوسفندان فراری می دهی! آیا فرمائی از رسول خدا داری که چنین کنی؟! آنگاه مردی که مسؤول بیعت گرفتن است فریاد زند: ساکت شو والا به خدا قسم گردنت را خواهم زد. در اینجا قائم علیه السلام به او می فرماید: ای فلان ساکت باش، آری به خدا سوگند فرمائی از رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» دارم، سپس حضرت دستور می دهد تا صندوق کوچکی را نزد او بیاورند، آنگاه فرمان رسول خدا را برای وی می خواند. پس شخص معترض خطاب به امام گوید: خداوند جان مرا فدای تو گرداند. اجازه دهید تا (به قصد عذر خواهی) سر مبارکتان را بوسه زنم، سپس میان دو چشم حضرت را می بوسد و می گوید: اجازه دهید تا با شما تجدید بیعت کنیم. حضرت بار دیگر با آنان بیعت می کند.^۱

پوشیدن زره جدش پیامبر (ص)

حضرت در پشت نجف، زره جدش پیامبر را می پوشد و بر مرکب ویژه اش سوار می شود. در آن زمان همه ی جهانیان او را می بینند. از امام صادق علیه السلام در این باره نقل شده که فرمود:

گویا من قائم علیه السلام را در پشت نجف مشاهده می کنم که زره پیامبر خدا را به تن کرده، زرهی که متوازن به قامت اوست. سپس آن را جابجا می کند تا بر قامتش موزون گردد. آنگاه زره را با جامه ای ابریشمی بپوشاند. سپس بر اسب ابلق خود که میان دو چشمش ستونی از نور می درخشد، سوار شود و آن را به پرواز در آورد. اهل هیچ سرزمینی نیست که این نور به آنها نرسد تا نشانه ای بر ایشان باشد، سپس حضرت پرچم پیامبر را برافرازد و با برافراشتن آن، شرق و غرب جهان به نورش روشن گردد.^۱

نبرد با ترکها

حضرت پس از تسلط بر کشورهای حجاز، یمن، ایران، عراق و دولت‌های خلیج فارس، با شورشیان ترک نبرد می کند و این اولین نبرد حضرت (بعد از فتح عراق) است. در کتاب خطی ابن حماد از ارطاه چنین نقل شده است:

^۱ همان، ص ۳۹۱.

سفیانی با ترک می جنگد، ولی نابودی ترک ها به دست حضرت مهدی علیه السلام است. این اولین پرچمی است که حضرت برای جنگ برافرازد و به سوی ترکها اعزام نماید.^۱

حرکت حضرت به سوی قدس شریف

حضرت، سپاه بزرگ و مجهز خود را آماده کرده، جهت آزادی سازی قدس شریف و نجات مردم مظلوم و ستمدیده سوریه، لبنان و فلسطین از شر سفیانی و اشغالگران صهیونیست، به طرف غرب (غرب عراق) حرکت می کند. سپاه امام در نزدیکی دمشق در منطقه‌ای به نام «مرج عذراء» فرود می آید. در این محل بین امام و سفیانی مذاکراتی صورت می گیرد و سفیانی حاضر می شود قدرت را به امام واگذار نماید، اما اطرافیانش از قبیله ی بنی کلب، مانع بیعت او با حضرت مهدی علیه السلام می شوند.

به نظر می رسد که گروه زیادی از یهودیان نیز در ابتدا پشتیبان سفیانی باشند که حضرت با آنها مذاکره می نماید و از طریق تورات برایشان استدلال می آورد که گروه زیادی به حضرت ایمان می آورند. پس از این مذاکرات، نبردی سنگین و بزرگ که جبهه ساحلی آن از عکادر فلسطین تا انطاکیه در ترکیه و جبهه داخلی آن از طبریه تا دمشق و قدس ادامه دارد، بین سپاه حضرت مهدی علیه السلام و سپاه

سفیانی و حامیان یهودی اش (صهونیست های اشغالگر) در می گیرد که سپاه سفیانی شکست می خورد. سفیانی نیز بعد از دستگیری، توسط یاران امام به هلاکت می رسد.

نبرد با سفیانی

پس از اینکه عراق تحت سیطره ی مهدی موعود علیه السلام قرار گیرد، برای آزاد سازی قدس شریف به آن سو حرکت می کند. سفیانی و سپاهیان با تمام قوا در مقابل حضرت مهدی علیه السلام و یارانش می ایستند که میانشان جنگی سخت در می گیرد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

آنگاه (امام) به کوفه می آید و تا زمانی که خدا بخواهد در آنجا می ماند تا اینکه بر آنجا سیطره یابد، سپس با همراهان خود به «مرج عذراء» وارد شود و عده ی زیادی از مردم به او پیوندند. در آن هنگام سفیانی در وادی رمله است. آن روز، روز جابجایی (نیروها) است، جمعی از پیروان آل پیامبر که با سفیانی همراهند به نیروهای امام ملحق شوند و گروهی از طرفداران سفیانی که در زمره ی پیروان آل پیامبر خود را جا زده اند، بیرون آمده و به سپاه سفیانی پیوندند، و هر دسته ای به پرچم و لشکر خود ملحق شوند.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۳۷

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

در آن روز، سفیانی و هر که با او باشد، کشته شوند،
حتی خیر دهنده ای از آنان باقی نماند و در آن روز زیانکار
است کسی که از غنائم فراوان سفیانی محروم بماند.^۱

حضرت، قبل از شروع جنگ و درگیری، سفیانی را به صلح دعوت
می کند که متأسفانه نتیجه ای حاصل نمی شود. در نسخه ی خطی ابن
حمّاد چنین آمده است:

(حضرت) مهدی علیه السلام فرماید: پسر عموی من
(سفیانی) را بیاورید تا با او سخن گویم، او را نزد امام
آورند، حضرت با وی گفتگو کند تا تسلیم امر امام شده و
با او بیعت نماید، اما همین که سفیانی نزد یارانش از قبیله ی
بنی کلب باز گردد، او را از کرده ی خود پشیمان سازند، او
نزد امام باز گردد و بیعت خود را پس بگیرد، سرانجام بین
امام و سفیانی که به هفت گروه و دسته تقسیم شده اند، نبرد
سختی واقع شود و فرماندهی هر دسته ای خواستار به
دستگیری زمام امور به نفع خود باشد، امام همه را
شکست دهد.^۲

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

^۲ نسخه ی خطی ابن حمّاد، ص ۹۷؛ عصر ظهور، ص ۳۱۸.

سقوط و هلاکت سفیانی

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

(سفیانی) ... با لشکر یک صد و هفتاد هزار نفری، سواره و پیاده و با اقوام و مردان خود خروج نماید، شب راه می‌رود و روز استتار می‌نماید و مردم پشت سر او به دریاچه رسند و در کنار دریاچه‌ی طبریّه نزول می‌کند.^۱

خداوند بر سفیانی غضب کند و بندگان خدا نیز با خشم الهی بر او خشمگین شوند، آنگاه پرنده‌گان با بالها، کوهها با صخره‌ها و فرشتگان با فریادشان به سوی آنها نشانه‌روند و ساعتی نگذرد که خداوند تمام یاران سفیانی را هلاک سازد و جز او (سفیانی) کسی از دشمنان، در زمین باقی نماند. امام او را دستگیر و در زیر درختی مشرف بر دریاچه‌ی طبریّه به قتل رساند.^۲

همچنین فرمود:

جنگ بزرگی واقع شود که ارتش سفیانی در آن نابود می‌شود مگر دسته کوچکی که با او فرار می‌کنند، پس یکی از فرماندهان حضرت به نام «صیّاح» به او رسیده و او را

^۱ الملاحم و الفتن، ص ۱۲۲؛ یوم الخلاص، ص ۲۴۵.

^۲ الملاحم و الفتن، ص ۱۴۵.

اسیر کرده، هنگام نماز عشاء، پیش امام علیه السلام می آورد
و حضرت درباره ی او با یارانش مشورت نماید و همگی
به اعدامش رأی دهند و او را در زیر درختی که شاخه‌هایش
آویزان است؛ مانند گوسفند سربریده، اعدامش می کنند.^۱

تاکنون در مورد سفیانی و خروجش، و حضرت مهدی علیه السلام
و قیامش، مطالبی را با استفاده از روایات بیان کردیم.
در این زمان که تا ظهور حضرت مدت کوتاهی باقی مانده است،
باید با توکل بر خدا و تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام، سطح
آگاهی دینی و ایمان همراه با عمل صالح را افزایش دهیم و با مقاومت
در برابر انحرافات و فتنه های آخر الزمان، خود را برای یاری حضرت
آماده نماییم تا بتوانیم در جبهه ی حق قرار گیریم که نبرد آخر الزمان
(میان حضرت مهدی علیه السلام و یارانش و سفیانی و طرفدارانش)،
آخرین نبرد حق و باطل است.

تقدیر چنین است که هر پیامبر و امامی دشمن خونخواری داشته
باشد تا با او بجنگد و از حق مظلومین دفاع کند. اگر روزی حسین بن
علی علیه السلام، با یزید جنگید؛ آن روز تاریخی، حضرت مهدی علیه
السلام بنا سفیانی خواهد جنگید. در آن نبرد نهایی، طرفداران حق و
باطل هر کدام به سوی امام خود می روند. طرفداران حق با حضرت

^۱ الزام الناصب، ص ۲۰۱، يوم الخلاص، ص ۲۴۳.

مهدی علیه السلام و طرفداران باطل با سفیانی خواهند بود. حضور در جبهه‌ی حق یکی از توفیقاتی است که نصیب یاران حضرت خواهد شد و باید از همین الآن آماده باشیم و خود را برای آن روز بزرگ آماده نماییم اگر در مورد قیام امام حسین می‌گوییم که «یا لیت کنت معکم قافوز فوزاً عظیماً»، روز عمل به این شعار حسینی فرا خواهد رسید و آنان که صادقانه این شعار را سر می‌دهند، در انقلاب مهدی موعود علیه السلام صداقت خود را نشان خواهند داد.

روش برخورد حضرت با یهود و نصارا

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وقتی که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام کرد، تورات و سایر کتابهای آسمانی را از غاری در انطاکیه (از شهرهای سوریه) بیرون آورد و بین اهل تورات با تورات و با اهل انجیل یا انجیل و با اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن قضاوت می‌کند.^۱

یهود و نصارا در دوران پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» بنا پرداخت جزیه به آیین خود باقی می‌ماندند. در دوران قائم علیه السلام، برخی روایات دلالت بر پرداخت جزیه و بعضی دلالت بر عدم پرداخت آن دارند.

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۱۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۴۱

ابوبصیر ضمن روایتی گوید که از امام صادق علیه السلام پرسیدم:
اهل ذمه در نزد آن حضرت چگونه خواهند بود؟ فرمود:

با آنها مسالمت می کند همانگونه که رسول خدا
مسالمت کرد، با دست خود جزیه می دهند و تن به ذلت و
خواری می دهند.^۱

عبدالأعلیٰ حلبی گویند: امام باقر علیه السلام فرمود:

صاحب این امر «جزیه» قبول نمی کند، آن طور که
رسول خدا قبول می نمود و این است منظور از آیه ی:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ^۲

رسول خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» فرمود:

خوک را به قتل می رساند و جزیه را فرو می نهد.^۳ (لغو

می سازد.)

عبدالله بن بکیر از امام کاظم علیه السلام درباره ی تفسیر آیه ی:

وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا^۴

هر که در آسمان ها و زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶؛ بشارة الاسلام، ص ۳۰۰.

^۲ بقره / ۱۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

^۳ سیمای جهان در عصر امام زمان، ج ۲، ص ۲۵۸.

^۴ آل عمران / ۸۴.

۲۴۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

سؤال کرد. امام فرمود:

این آیه درباره‌ی قائم علیه السلام نازل شده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئیان، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره‌ی زمین قیام می‌کند، اسلام را به آنان پیشنهاد می‌نماید. هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و بر طبق آنچه فرد مسلمان مأمور به انجام آن است، رفتار نماید و هر کس مسلمان نشود، گردنش را می‌زنند تا آنکه در شرق و غرب جهان، یک کافر بر جای نماند.

عبدالله بن بکیر پرسید: قربانت گردم، در روی زمین مردم بسیاری هستند؛ چگونه حضرت می‌تواند همه آنان را مسلمان کند یا گردن بزند؟ امام فرمود:

وقتی خداوند چیزی را اراده کند، چیز اندک را بسیار و بسیار را اندک می‌گرداند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

... لا یبقی الا دین محمد؛^۲

جز دین محمد (دینی) باقی نمی‌ماند.

^۱ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲؛ انبیا الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

جمع بین روایات

به نظر می‌رسد که روایات مربوط به پرداخت جزیه مربوط به ابتدای قیام و حکومت حضرت باشد که هنوز اتمام حجت نشده است؛ اما روایات مربوط به عدم دریافت جزیه، مربوط به زمانی است که اسلام فراگیر شود و برای یهود و نصارا روشن شود که دین حق، اسلام است. (انَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)

استدلال حضرت با یهودیان بر اساس تورات

مهدی موعود علیه السلام، صندوق مقدس و تورات و انجیل اصلی را از سرزمین انطاکیه خارج می‌کند و بر اساس تورات یا یهودیان استدلال می‌کند که به جز اندکی بقیه ایمان می‌آورند.

از پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله وسلم» روایت شده که فرمود:

تورات و انجیل را از سرزمینی که انطاکیه نامیده می‌شود

بیرون آورد.^۱

و نیز فرمود:

صندوق مقدس را از تماری در انطاکیه و بخش هایی از

تورات را از کوهی در شام بیرون آورده و به وسیله ی آن

با یهودیان به استدلال پردازد و سرانجام بسیاری از آنها

^۱ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵.

اسلام آورند.^۱

همچنین از ایشان نقل شده که فرمود:

صندوق مقدس از دریاچه‌ی طبریه به وسیله‌ی او آشکار
شود و آن را در حضورش در بیت المقدس قرار دهند و چون
یهودیان آن را مشاهده نمایند، به جز اندکی بقیه ایمان آورند.^۲

صندوق مقدس یا تابوت سکینه، همان است که در فرموده‌ی خدای
متعال آمده است:

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ
سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ
تَحْمِلُهَا الْمَلَائِكَةُ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۳

و پیامبرشان به آنها گفت: نشانه‌ی حکومت او این
است که تابوت (عهد) به سوی شما خواهد آمد، (همان
صندوقی که) آرامشی از پروردگارتان و یادگاری از میراث
خاندان موسی و هارون در آن است، در حالی که فرشتگان
آنها حمل می‌کنند، همانا در این موضوع، نشانه‌ی روشنی
برای شما است، اگر ایمان داشته باشید.

^۱ منتخب الأثر، ص ۳۰۹.

^۲ الملاحم و الفتن، ص ۵۷.

^۳ بقره/ ۲۴۸.

نبرد مسلمانان با یهودیان در آخر الزمان از دیدگاه قرآن

در آخر الزمان مسلمانان با گروهی از یهودیان جنگ طلب (صهیونیست‌ها) وارد نبرد می‌شوند که در قرآن به آن اشاره شده است. خدای متعال در قرآن می‌فرماید:

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا^۱

ما در کتاب (تورات)، به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً شما دو بار در زمین فساد می‌کنید و برتری جویی بزرگی خواهید کرد. پس همین که وعده‌ی نخستین فرا رسد، گروهی از بندگان توانمند و جنگجوی خویش را (برای سرکوبی شما) برانگیزیم. پس درون خانه‌ها را جستجو کنند (تا فتنه‌گران را یافته کیفر دهند) و آن، وعده‌ای قطعی است.

وعده‌ی نخستین خداوند، فتح اول فلسطین به دست مسلمانان در صدر اسلام است که مسلمانان به جستجوی خانه به خانه یهودیان پرداختند و آنان را به کیفر زشت اعمالشان رساندند.

خداوند در ادامه‌ی آیه‌ی قبل می‌فرماید:

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ
وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا^۱؛

سپس، جنگ را به سود شما و علیه آنان برگردانیم و شما را با اموال و فرزندان کمک کنیم و نفرات شما را بیشتر قرار دهیم.

در زمانی که مسلمانان از اسلام فاصله گرفتند، خداوند یهودیان را بر آنان چیره ساخت، و یهودیان صاحب اموال و فرزندان و نفرات بیشتر شدند.

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ
وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ
أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا^۲؛

اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید (باز هم) به خود بد کرده‌اید. پس همین‌که وعده‌ی (فساد گری) دوم فرا رسد (جنگجویان نیرومند و مؤمن را برای قلع و قمع شما می‌فرستیم) تا سیمای (نظامی و عزت دنیوی) شما را زشت نمایند و (برای گرفتن قدرت) به مسجد الاقصی

^۱ اسراء / ۶.

^۲ اسراء / ۷.

وارد شوند، همان گونه که بار نخست وارد شدند و تا آنچه را زیر سلطه در آورده اند، به سختی ویران کنند.

در روایات متعددی که در ذیل این آیه در تفاسیر آمده است، برخی نابودی یهودیان را در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته اند که متجاوزان یهود (صهیونیست ها) قلع و قمع خواهند شد. در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرت بعد از آنکه آیه‌ی شریفه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأْسٍ شَدِيدٍ» را قرائت نمود، فرمود:

مراد از این آیه قائم علیه السلام و یاران اویند که نیرومند و با صلابتند.^۱

در منابع اهل سنت آمده است که پیامبر گرامی اسلام فرمود:

قیامت برپا شود مگر آنگاه که بین مسلمانان و یهود جنگی رخ دهد که مسلمانان همه آنها را به هلاکت رسانند به گونه‌ای که اگر شخصی یهودی در پشت صخره یا درختی پنهان شود آن سنگ یا درخت به صدا در آید و گوید: ای مسلمان! این یهودی است که در پناه من مخفی شده، او را هلاک کن مگر درخت «غرقد» که از درختان یهود است.^۲

^۱ تفسیر عیاشی، ذیل آیه.

^۲ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۷.

به نظر می‌رسد این یهودیان همان صهیونیست‌هایی باشند که فلسطین را اشغال نموده و مردم بی‌گناه را به قتل می‌رسانند.

فرود حضرت عیسی (ع) از آسمان

بر اساس روایات پس از ورود حضرت مهدی علیه السلام به قدس شریف و اقامه ی نماز جماعت در آنجا، در صبح روز جمعه ای حضرت عیسی علیه السلام، از آسمان به قدس فرود می‌آید و نماز صبح روز جمعه را به حضرت مهدی اقتداء می‌کند و سپس با او بیعت می‌نماید.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

مهدی علیه السلام داخل بیت المقدس شده به عنوان امام جماعت بر مردم نماز می‌گذارد. وقتی روز جمعه فرا رسد و نماز اقامه شود، عیسی علیه السلام با دو جامه‌ی درخشان قرمز فرود می‌آید، گویی که از سر او روغن می‌چکد، موهای سر او صاف، چهره اش زیبا و شبیه‌ترین خلق خدا به پدرتان ابراهیم خلیل الرحمن است. مهدی، عیسی را می‌بیند و به او می‌فرماید:

ای فرزند بتول^۱ با مردم نماز گزار.

^۱ بتول به زنی گویند که خون حیض و نفاس نبیند. در احادیث آمده است مریم علیها السلام مادر عیسی علیه السلام از خون زنانه مبرا بود. (سیمای جهان در عصر امام زمان، ج ۲، ص ۱۰۱).

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۴۹

عیسی علیه السلام فرماید:

نماز برای توبه پا شده است.

مهدی علیه السلام پیش آمده با مردم نماز می گزارد و

عیسی پشت سر او نماز خوانده و با او بیعت نماید.^۱

رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» فرموده است:

... مهدی متوجه می شود که عیسی در قدس در نزدیکی

ستاره‌ی سفید درحالی که دستهای خود را بر بالهای دو

فرشته نهاده و آب از موهایش فرومی چکد، فرود آمده است.

پس مهدی می فرماید:

جلو بایست و با مردم نماز بخواه.

عیسی می فرماید:

نماز برای تو اقامه شده است.

پس عیسی، پشت سر او نماز می خواند و با او بیعت

می کند و می فرماید: من به عنوان وزیر و معاون برانگیخته

شده ام نه به عنوان امیر و امام.^۲

علاوه بر حضرت عیسی، وصی و حواریون آن حضرت، مهدی

موعود را یاری می دهند.

^۱ سیمای جهان در عصر امام زمان، ج ۲، ص ۱۰۱.

^۲ منتخب الآثار، ص ۳۱۶؛ روزگار ربایی، ج ۱، ص ۵۵۳.

شمعون بن حمون الصفا (وصی عیسی(ع)) از یاران مهدی(ع)

عبدالرحمن بن کثیر هاشمی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود:

وقتی که امیر المؤمنین علیه السلام به جانب صفین روانه شد، چون از فرات عبور کرد، هنگام نماز شام به نزدیکی کوهی رسید.

آن حضرت وضو گرفت و نماز خواند. وقتی از نماز فارغ شد به اعجاز آن حضرت، کوه شکافته شد و پیرمرد محاسن سفید نورانی ظاهر شد و گفت: السلام علیک یا امیر المؤمنین، خوش آمدی ای وصی خاتم الأنبیاء و بسیاری از مناقب حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام، را شمرد.

آن حضرت فرمود: علیک السلام ای برادرم، شمعون بن حمون الصفا، وصی عیسی علیه السلام حالت چگونه است؟

گفت: به دیدار مبارکت خوشحال و خرسندم، و من در این مکان انتظار عیسی روح الله را می کشم تا به خاطر فرزند تو حجت خدا، مهدی بن الحسن علیه السلام، از آسمان فرود بیاید که در آخر الزمان ظاهر گردیده و از برکت دولت او، دنیا پر از عدل و داد خواهد شد...^۱

^۱ محمد مهدی موسوی، خلاصة الأخبار، ص ۴۵۷.

حواریون عیسی (ع) از یاران مهدی (ع)

حواریون حضرت عیسی که دوازده نفر بودند، همان کسانی هستند که عیسی بن مریم را یاری دادند. خدای تعالی در قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید، یاوران (دین) خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: یاوران من در راه خدا چه کسانی هستید؟ حواریون گفتند: ما یاوران (دین) خدا هستیم.

از امام رضا علیه السلام سؤال شد: چرا حواریون را «حواریون» می گویند؟ فرمود:

برای اینکه آنان (از آلودگیها) پاک بوده و دیگران را نیز با موعظه از زدالت و آلودگی گناهان پاک می نمودند.^۲

از امام جعفر صادق نقل شده است که حضرت عیسی علیه السلام هنگام ظهور امام عصر ارواحنا فداه با حواریون خود برای نصرت و

^۱ صف / ۱۴.

^۲ بحار الانوار ج ۱۴، ص ۲۷۴.

یاری آن حضرت خواهد آمد.^۱

قرار داد صلح بین مسلمانان و رومیان

پس از سقوط سفیانی، و ورود مهدی موعود علیه السلام به قدس شریف، رومیان علیه مسلمانان اعلان جنگ می کنند که با فرود حضرت عیسی، و اقتدای به حضرت مهدی، عده ای از آنان به مسلمانان محلق می شوند و میان بقیه و مسلمانان، قرارداد صلحی بسته می شود.

از پیامبر اعظم «صلی الله علیه وآله و سلم» روایت شده که فرمود:

بین شما و رومیان چهار پیمان صلح بسته شود.

چهارمین پیمان به دست مردی از فرزندان «هرقل» صورت

گیرد و هفت سال پایدار ماند. مردی از قبیله عبدالقیس به

نام مستور فرزند غیلان از رسول خدا پرسید: چه کسی در

آن روز امام و پیشوای مردم خواهد بود؟ حضرت فرمود:

مهدی از فرزندان من، مردی که چهل ساله می نماید، چهره

ای همچون ستاره درخشان، خالی بر گونه راست، دو عبای

قطوانی (عبائی سفید که در محلی به نام قطوان در کوفه

یافته می شود)، بر دوش و از جلوه و شکوهی همچون مردان

بزرگ بنی اسرائیل برخوردار است، او گنج های زمین را

^۱ حضور در دولت کریمه، ص ۸۰۶.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۵۳

بیرون کنند و شهرهای شرک را آزاد سازد.^۱

در روایت ابن حماد به نقل از ارطاط چنین آمده است:

پس از کشته شدن سفیانی و به غنیمت در آمدن اموال
قبیله ی کلب، صلحی بین مهدی علیه السلام و فرمانروای
طغیانگر روم برقرار شود. به گونه ای که بازرگانان شما و
آنها به کشورهای یکدیگر رفت و آمد کنند. آنها سه سال
به ساختن کشتی های خود پردازند. (نیروی دریایی خود را
مجهز سازند) تا آنکه کشتی های رومیان در سواحل صور
تا عکا لنگر اندازند و آنجا صحنه ی کارزار گردد.^۲

تبرد رومیان با مسلمانان با نقض قرار داد صلح

بر اساس روایات، مدتی پس از قرارداد صلح (از دو تا هفت سال)
این قرارداد از طرف غربیها شکسته می شود و آنان با نیروی نظامی در
حدود یک میلیون نفر، به منطقه ی شام هجوم می آورند که با سپاهیان
اسلام درگیر می شوند و با یاری خدا شکست می خورند.

از حدیقه بن یمان منقول است که گفت: پیامبر خدا فرمود:

بین شما و بنی اصف (رومی ها با اروپایی ها) صلحی برقرار
شود. ولی آنها در مدت بارداری زنی به شما خیانت کنند و

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۳۳۸.

^۲ نسخه ی خطی ابن حماد، ص ۱۴۲؛ عصر ظهور، ص ۳۳۱.

با هشتاد لشکر از راه زمین و دریا حمله ور شوند. هر لشکر شامل دوازده هزار سرباز است آنها بین یافا و عکا فرود آیند. فرمانروای آنها کشتی هایشان را به آتش کشد و به یاران خود گوید: از سرزمینتان دفاع کنید، آنگاه جنگ و کشتار از دو طرف آغاز شود. سپاهیان به کمک یکدیگر بشتابند. حتی کسانی که در حصر موت یمن هستند، به یاری شما آیند. در آن هنگام خداوند با نیزه و شمشیر و تیر خود، بر آنها هجوم آورد و به سبب آن بزرگترین کشتار در میانشان واقع گردد.^۱

در نسخه‌ی خطی ابن حماد چنین آمده است:

آنگاه خداوند باد و پرندگان را بر رومیان مسلط کند. پرندگان بالهای خود را به صورت آنها بکوبند تا چشمانشان از حدقه در آید. زمین، آنها را در خود فرو برد. پس از آن دچار صاعقه و زمین لرزه شده و زمین زیر پایشان گود شود. خداوند صبرکنندگان را یاری و آنان را پاداش نیک دهد، همچنانکه یاران محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» را پاداش نیک بخشید و دلها و سینه هایشان را ملامال از شجاعت و جرأت گرداند.^۲

^۱ نسخه‌ی خطی ابن حماد، ص ۱۴۱؛ عصر ظهور، ص ۳۲۸.

^۲ همان، ص ۱۲۴؛ همان، ص ۳۲۸.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۵۵

در روایتی این پیروزی، بزرگترین پیروزی است که از زمان بعثت پیامبر اسلام سابقه نداشته است. از حذیفه بن یمان نقل شده که گفت:

پیامبر خدا را پیروزی و فتحی نصیب گردد که همانند آن از زمان بعثت وی رخ نداده است. عرض کردیم: ای رسول خدا این فتح و پیروزی بر شما مبارک باد. آیا جنگ پایان می یابد؟ فرمود: هرگز، هرگز، سوگند به کسی که جانم به دست اوست، ای حذیفه، پیش از شش حادثه واقع شود... حضرت آخرین آنها را فتنه ی روم یاد کرد که آنها به مسلمانان خیانت کرده و با هشتاد لشکر در فاصله ی بین انطاکیه تا عریش فرود آیند.^۱

فتح جهان به دست مهدی (ع) برای نجات بشر

حضرت مهدی علیه السلام، سپاهیانش را به سراسر جهان می فرستد و همه جا، تحت سیطره اش در می آید. هدف حضرت از این لشکر کشی، کشور گشایی نیست؛ بلکه منظورش مبارزه با طاغوتیان و ظالمانی است که سالیان زیادی بر مردم ظلم و ستم روا داشته اند و حقوقشان را ضایع کرده اند.

به همین علت مردمان کشورهای، در برابر سپاهیان اسلام نه تنها مقاومتی از خود نشان نمی دهند، بلکه از آنان استقبال می کنند. فقط

^۱ همان ص ۱۱۸؛ همان ص ۳۲۹.

۲۵۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

لشکریان وابسته به دولتهای ظالم و زورگو، در برابر سپاه حضرت مقاومت می کنند که همگی یا شکست روبرو می شوند.

دستور ساخت کشتی های جنگی

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

سپس حضرت مهدی امر کند به ساختن مرکبها (و کشتیها) و ۴۰۰ کشتی (جنگی) در ساحل «عکا» قرار گیرد، پس به طرطوس می رسد و آن را فتح نماید و به انطاکیه پیشروی می نماید و فتح کند و به قسطنطنیه هجوم می برد و فاتح شود و به سوی شهرهای روم متوجه می شود و رومیه را با اصحابش فتح نماید.^۱

فتح قسطنطنیه، چین و دیلم

امام باقر علیه السلام می فرماید:

حضرت مهدی علیه السلام لشکریان خود را برای گرفتن بیعت، به سراسر جهان می فرستد و ستم و ستمگر را نابود می کند و شهرهای گشوده شده برای او تثبیت می گردد و

^۱ الزام الناصب، ص ۲۲۴؛ بشارة الاسلام، ص ۲۵۸؛ یوم الخلاص، ص ۲۴۵.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۵۷

خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه^۱ را می‌گشاید.

همچنین می‌فرماید:

قائم علیه السلام سه پرچم را برای (عملیات در) سه نقطه آماده می‌سازد؛ پرچمی را به قسطنطنیه گسیل می‌دارد و خداوند آنجا را برای او می‌گشاید؛ پرچم دیگری را به چین می‌فرستد و آنجا نیز برای حضرت گشوده می‌گردد و پرچم سوم را برای کوه‌های دیلم می‌فرستد و آن جا به تصرف نیروهایش در می‌آید.^۲

فتح روم

مهدی موعود علیه السلام برای آزاد سازی غرب، به سوی اروپا و کشورهای غربی حرکت می‌کند و آنجا را نیز فتح می‌نماید که پس از ورود حضرت، رومیان به اسلام می‌گروند و حضرت برای آنان مسجدی بنا می‌کند.

در روایات آمده است:

آن حضرت تعداد چهارصد کشتی را در ساحل عکا

^۱ قسطنطنیه شهری در ترکیه است که در قرن هفتم قبل از میلاد ساخته شده و مدتی پایتخت امپراطوری روم بوده است. (چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۲۳ به نقل از معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۴۷؛ اعلام المنجد، ص ۲۸.)

^۲ الملاحم والفتن، ص ۶۴.

^۳ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۸۸.

تدارک دیده و با یاران خویش به سرزمین رومیان روی آورده و آنجا را فتح می‌نماید.^۱

در روایتی چنین آمده است:

او قسطنطنیه، روم و سرزمین چین را می‌گشاید.^۲

و نیز آمده است:

او رهسپار سرزمین روم شود و به اتفاق یارانش شهر بزرگ روم را آزاد کند.^۳

همچنین آمده است:

شهری که مهدی علیه السلام در روم فتح می‌کند، مرکز و کانون سرزمین روم است.^۴

و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

آنگاه رومیان به دست حضرت، اسلام آورند و امام برای آنان مسجدی بنا کند و مردی از یارانش را جانشین و نماینده‌ی خود قرار دهد و باز گردد.^۵

^۱ الزام الناصب، ص ۲۲۴.

^۲ بشارة الاسلام، ص ۲۵۸.

^۳ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۵.

^۴ الملاحم و الفتن، ص ۶۴.

^۵ بشارة الاسلام، ص ۲۵۱.

در روایتی چنین آمده است:

شهر روم را با تکبیر هفتاد هزار تن از مسلمانان آزاد سازد.^۱

قدرت تکبیر

در مورد نحوه ی تکبیر حضرت و مسلمانان در روایات چنین آمده است:

رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» می فرماید:

... حضرت مهدی (ع) جلوی قسطنطنیه فرود می آید. در

آن روزگار آن در هفت دیوار دارد. حضرت هفت تکبیر

می گوید و دیوارها فرو می ریزد و با کشتن تعداد بسیاری

از رومیان، آن جا به تصرف حضرت در می آید و گروهی

نیز به اسلام روی می آورند.^۲

امیر مؤمنان در این زمینه می فرماید:

... سپس حضرت مهدی علیه السلام و یارانش به

حرکت خود ادامه می دهند و بر هیچ درّی از درّهای رومیان

ثمی گذرند، مگر آن که با گفتن «لا اله الا الله» دیوارهای

آن فرو می ریزد تا آن که در نزدیکی شهر قسطنطنیه فرود

می آیند. در آن جا چند تکبیر می گویند و ناگهان خلیجی

^۱ همان، ص ۲۹۷.

^۲ عقد الدرر، ص ۱۸۰.

که در مجاورت آن شهر است، خشک می‌شود و آب هایش در زمین فرو می‌رود و دیوارهای شهر نیز فرو می‌ریزد. از آن جا به سوی شهر رومیه حرکت می‌کنند و چون به آنجا می‌رسند، مسلمانان سه تکبیر می‌گویند و شهر چون رمل و شن نرم - که در برابر تندبادها قرار گرفته باشد - از هم می‌پاشد.^۱

به هلاکت رسیدن فراریان بنی امیه

حضرت فراریان بنی امیه (در جنگ با سفیانی) را که به روم فرار کرده اند و به دین آنها گرویده اند را مطالبه می‌کند، و آنان را به سزای اعمالشان می‌رساند. امام باقر علیه السلام فرموده است:

چون بنی امیه فرار کرده و به روم رسند از پادشاه آنجا اجازه ی ورود خواهند. گوید: تا به دین ما در نیایید و شراب نیاشامید و گوشت خوک نخورید و به ما زن ندهید و از ما زن نگیرید، صلیب در گردن کرده و زنتار نبندید، به شما اجازه ی ورود ندهیم، آنها این شرایط را پذیرفته و داخل سرزمین روم شوند.

وقتی که لشکر امام علیه السلام رسید، آنها را به عنوان ملت اسلام مطالبه نماید، جواب گویند: اینها دین شما را

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۶۱

انداخته و دین ما را اختیار کرده اند، لشکر حضرت گویند:
به خدا اگر مأمور جنگ با شما شویم، می جنگیم.

می گویند: این کتاب خداست. بین ما و شما (اهل روم یا بنی امیه گویند) هر چه کتاب (پیمان نامه) گوید به مقتضای آن رفتار کنید و ما هم قبول داریم، می فرماید: راضیم و کتاب را بر آنها قرائت نماید. می بینند در شرایط صلح و امان که به آنها داده شده است، این موارد در آن هست که: هر مسلمانی مرتد شود و به ایشان بپیوندد، باید به والی مسلمین برگردانند و اگر از آنها کسی به اسلام رغبت کند و هجرت نماید، او را بر نگردانند. وقتی که این جملات خوانده شد و اجرایش را لازم دیدند، سلطان روم به یاران خود گوید: چاره ای نیست! این جماعت حجّت و دلیل بزرگی آوردند و در برابر آن نتوان مخالفت کرد. اهل ملت آنها را تحویل دهید، بنی امیه را بیرون آورده، به آن حضرت تسلیم نمایند، پس زن و مرد را می کشند، چون همه بدون استثناء مرتد شده اند و صلیب هایشان را بر نیزه کنند^۱.

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۵، ص ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸.

فتح مصر و بصره

امام صادق علیه السلام فرمود:

به سوی مصر می‌رود (آنجا را فتح نماید) و داخل می‌شود

و به منبرش بالا رفته و برای مردم خطبه می‌خواند...

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

پس به سوی بصره عزیمت کند، بر دریا مُشرف شود و

با او تابوت و عصای موسی علیه السلام (که آنها را از

بحیره‌ی طبریه بیرون آورده) است. پس دعایی بر دریا بخواند

و موج بر می‌خیزد و بصره را طوری فرا گیرد که فقط

مسجد آن مانند کشتی روی آب می‌ماند و بصره مانند دریا

شود، باز به طرف حرورا حرکت نماید و آن را به آتش

کشد و بسوزاند و از طرف باب بنی‌اسد برود تا به طائفه‌ی

«ثقیف» که زراعت فرعون (یا اهل فز عند) آتشی افروزد.^۲

فتح سند، هند، کابل و خزر

ابا حمزه گوید که امام باقر علیه السلام فرمود:

و معه سيف مختلط يفتح الله له الروم و الصين و الترك

^۱ بشارة الاسلام، ص ۷۲؛ يوم الخلاص، ص ۲۸۰.

^۲ معجم احادیث امام مهدی، ج ۵، ص ۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۵.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۶۳

و الدیلم و السند و الهند و کابل شاه و خزر؛^۱
و با او شمشیر کاری خواهد بود که خداوند با آن روم،
چین، ترک (ترکیه)، دیلم، سند، هند، کابل شاه و خزر را فتح
خواهد نمود.

فتح زنگبار و شمال آفریقا

امام صادق علیه السلام فرمود:

ثم یصیر الی مدینه الزنج و یفتحها و یعود الی سواحل
فلسطین، و یمر بعکا و بغزه و عسقلان و یقترب القدس؛^۲
سپس به سوی شهر زنگبار می رود و آن را فتح می نماید
و به سواحل فلسطین بر می گردد و از عکا و غزه و
عسقلان عبور می کند و به قدس نزدیک می شود.

خروج و سقوط دجال ملعون

در روایات از خروج دجال که شخص حیلہ گر و پر تزویری
است، سخن به میان آمده است. دجال در هنگام قیام مهدی موعود علیه
السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام خروج می کند که به هلاکت
می رسد.

از پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله وسلم» روایت شده

^۱ الزام الناصب، ص ۲۲۹؛ الغیبه نعمانی، ص ۱۲۲.

^۲ الزام الناصب، ص ۲۰۲؛ یوم الخلاص، ص ۲۸۱.

است که فرمود:

هیچ پیامبری نبود مگر اینکه قوم خود را (از فتنه‌ی
دجال) بر حذر داشته است و لکن من به زودی دربارهی او
حرفی می‌زنم که هیچ پیامبری آن را نگفته است، بدانید که
او یک چشمی است.^۱

همچنین روایت شده است که فرمود:

هیچ پیامبری بعد از نوح نبود مگر اینکه قوم خود را از
دجال ترسانده (برحذر کرده) و من هم شما را از او می‌ترسانم
و برحذر می‌دارم.^۲

اصبغ بن نباته از امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: آی امیر مؤمنان
دجال کیست؟ فرمود:

آگاه باشید دجال، صائدبن الصائد است. شقی کسی است
که او را تصدیق کند و سعید کسی است که او را تکذیب
نماید. او از شهری خروج خواهد کرد که آنرا اصفهان
(اصفهان) گویند و از قریه‌ای که به نام یهودیه معروف است.
چشم راست او ممسوخ^۳ است و چشم دیگر او در
پیشانی اوست و همانند ستاره‌ی صبح روشنی می‌دهد. در

^۱ صحیح ترمذی، ص ۴۲.

^۲ همان، ص ۴۲.

^۳ به هم چسبیده و خدقه ندارد.

سیمایی از ظهور و قیام مهدی (ع) / ۲۶۵

چشم او گوشتی است که گویا مخلوط به خون است و در پیشانی میان دو چشمش «کافر» نوشته شده است.

با اینکه امی (بی سواد) است، هر کتابی را می خواند. دریاها را در می نوردد و خورشید با او سیر می کند. در پیشاپیش او کوهی از دود و در پشت سر او کوه سفیدی است که مردم گمان کنند طعام است. او در سال قحطی سختی خروج خواهد کرد. زیر پای او الاغی است به رنگ سبز یا تیره، هر گاه الاغش یک مقدار راه طی می کند، زمین در زیر پای او می پیچد و از هر آبی بگذرد، آن چشمه تا قیامت می خشکد. با صدای بلند که همه ی اهل مشرق و مغرب بشنوند ندا می کند:

ای دوستان من! بیایید به سوی من. منم آنکه خلق کرده، صورت بندی کرده، تقدیر نمود و راهنمایی کرده. منم خدای بزرگ شما «أنا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»

این دشمن خدا دروغ می گوید. او تک چشم است و غذا می خورد و در بازارها می گردد. خدای شما منزّه از این صفات است.

بدانید و آگاه باشید که در آن روز بیشتر پیروان او، از اولاد زنا و فاسقان هستند. خداوند در شام در عقبه ی «افیق» سه ساعت از روز جمعه گذشته، به دست کسی که عیسی

علیه السلام پشت سر او نماز می خواند، او را می کشد.^۱

در روایت ابو امامه است که رسول خدا «ص» فرمود:

هر مؤمنی که دجال را ببیند آب دهان خود را بر روی او بیندازد و سوره مبارکه حمد را بخواند، تا سحر آن ملعون دفع شود و در او اثر نکند. چون او ظاهر شود، عالم را پر از فتنه و آشوب نماید، و میان او و لشکر قائم علیه السلام جنگ واقع شود، بالاخره آن ملعون به دست مبارک حضرت علیه السلام یا به دست عیسی بن مریم علیهم السلام کشته شود.^۲

^۱ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۶؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۲؛ منتخب الأثر، ص ۵۳۲.

^۲ علیرضا رجالی، تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، ص ۱۸۵.

فصل پنجم

سیمایی از حکومت

مهدی (ع)

بخش اول: حکومت اسلامی مهدی (ع)

مهدی موعود علیه السلام پس از قیامش، جهت تحقق اهداف الهی خویش، اقدام به تشکیل حکومت می‌نماید. حکومت او هم در اهداف و نوع آن و هم در شیوهی حکمرانی و ترکیب اعضایش با سایر حکومتهای بشری تفاوت اساسی دارد. حکومت حضرت مهدی علیه السلام، سرآغاز حکومت اهل بیت علیهم السلام است که این حکومتها تا قیامت تداوم خواهد یافت.

در سخنی از پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله وسلم» آمده است که خدای تعالی فرموده است:

(پس از آنکه مهدی علیه السلام به حکومت رسید)
دولت او را دوام خواهم بخشید و پیوسته تا قیامت، روزگار
(و حاکمیت زمین) را در دست اولیاء و دوستان خود دست
به دست خواهم کرد.^۱

حضرت مهدی علیه السلام، حکومتی اسلامی تشکیل می دهد که با دیگر حکومتها تفاوت اساسی دارد. این حکومت از آن حکومتهایی نیست که فقط نامش اسلامی باشد اما از عمل به دستورات حیات بخش اسلام در آن حکومت خبری نباشد؛ بلکه حکومت حضرت قبل از اینکه نامش اسلامی باشد، عملیاتش اسلامی است.

اسلام در حکومت حضرت، از نوع اسلام ناب محمدی «صلی الله علیه و آله و سلم» و خالی از هر گونه خرافه و تحریف است. به دست پسرانش اسلام زنده می گردد و مردم معنای واقعی اسلام و حکومت اسلامی را خواهند فهمید. در این حکومت سیاست عین دیانت است و از حقه بازی و دغل کاری خبری نیست. هدف رضای خدا و خدمت به خلق اوست.

در حکومت اسلامی مهدی موعود علیه السلام، بدعت ها نابود و سنت ها زنده می گردد، همچنین عدالت، امنیت، رفاه همگانی و ... به معنای واقعی محقق می شود. اینها که گفتیم فقط بیان یک سری مسائل آرمانی نیست؛ بلکه عین حقیقت و واقعیت است که به زودی بشریت شاهد آن خواهد بود. امام باقر علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، هر دولت باطلی

از بین می رود.^۱

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۲۷۱

پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» می فرماید:

در آن روز حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود.^۱

فرمانروایان حکومت

فرمانروایان حکومت مهدی موعود علیه السلام همه از مؤمنان صالحند. در صدر آنها گروه ۳۱۳ نفری قرار دارند که فرمانروایان سراسر جهان خواهند بود. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا جز این گروه (سیصد و سیزده نفری) افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ فرمود:

آری، مؤمنان دیگری نیز هستند؛ ولی این گروه فقها، نخبگان، حاکمان و قاضیانی خواهند بود که پیش رو (سینه) و پشت سرشان را حضرت دست می گذارد و مسح می کند و در پی آن، هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود.^۲

همچنین می فرماید:

آنگاه که قائم علیه السلام قیام کند، برای هر مرز و بومی از زمین، فرمانروایی تعیین می کند و به او می فرماید: برنامه ی کار تو در دست تو است و چنانچه در هنگام انجام وظیفه، مشکلی پیش آمد که حکم آنرا ندانستی، به

^۱ الملاحم و الفتن، ص ۶۶.

^۲ الملاحم و الفتن، ص ۲۰۲؛ دلائل الإمامه، ص ۳۰۷. با اندکی اختلاف.

۲۷۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

کف دستت بنگر و بر طبق آنچه در آن می‌یابی، رفتار نما.^۱
در روایتی از قبیله همدان به عنوان وزیران حضرت یاد شده است.
امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

... سپاهیان در پیشاپیش حضرت مهدی علیه السلام قرار

می‌گیرند و قبیله همدان وزیران او خواهند بود.^۲

انتخاب «کوفه» به عنوان پایتخت حکومت جهانی

کوفه در هنگام حکومت مهدی موعود علیه السلام از بهترین مناطق
زمین خواهد شد و به عنوان پایتخت حکومت جهانی حضرت، انتخاب
می‌گردد.

این شهر مرکز زمامداری، محل قضاوت و تقسیم بیت‌المال می‌گردد
و تصمیمات حکومتی در آنجا گرفته می‌شود.

مفضل گوید: گفتم ای آقای من! پس خانه ی مهدی علیه السلام و
محل اجتماع مؤمنان کجا خواهد بود؟! فرمود:

مرکز خلافتش کوفه و محل قضاوت او مسجد جامع
کوفه و محل بیت‌المال و تقسیم غنیمت‌های مسلمانان، مسجد
سهله و خلوتگاه او با خالق خویش «ذکوات البیض» در
تپه‌های غریب است.

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۳۱۹؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳.

^۲ عقد الدرر، ص ۹۷.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۲۷۳

مفضل گفت: ای مولای من! تمامی مؤمنین در کوفه می‌باشند؟ فرمود:

بلی، به خدا سوگند هیچ مؤمنی نمی‌ماند مگر اینکه در آنجا و یا اطراف آنجا به سر برد. (قیمت زمین) به اندازه‌ی خوابیدن یک اسب، دو هزار درهم خواهد بود و بیشتر مردم دوست دارند یک وجب از زمین سبع را به یک وجب طلا بخرند و سبع یک بخش از (املاک قبیله ی) همدان است. البته (وسعت) کوفه به ۵۴ میل برسد و ساختمانهای با شکوه آن با عمارت‌های کربلا همسایه شود، و خداوند کربلا را محل و جایگاه رقت و آمد فرشتگان و مؤمنان قرار دهد و عظمتی بسیار یابد، و حتماً دارای برکاتی می‌باشد که اگر مؤمن بایستد و خدای خود را به طور شایسته بخواند، خداوند به یک دعای او به اندازه‌ی هزار برابر ملک دنیا به او عطا خواهد کرد.^۱

ارزش زمین کوفه

حبّه عربی گوید: امیرالمؤمنین به سوی حیره بیرون رفت، پس فرمود:

البتّه آن به این (حیره به کوفه) متصل خواهد شد، تا یک

زراع زمین به دینارها فروخته خواهد شد.^۲

^۱ بشاره الاسلام، ص ۲۴۹؛ يوم الخلاص، ص ۳۴۲.

^۲ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۱۱۲؛ بشاره الاسلام، ص ۲۴۸.

حَبَّةُ از سعد بن اصْبَغ گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ كَانَتْ لَهُ دَارٌ بِالْكُوفَةِ فَلْيَتَمَسَّكْ بِهَا؛

هر کس در کوفه خانه دارد، حتماً آن را نگه دارد.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

به اندازه موضع یک قدم در کوفه برایم بهتر است که

در مدینه خانه ای داشته باشم.^۲

گستره حکومت مهدی (ع)

فرمانروایی مهدی موعود علیه السلام سراسر جهان را فرا می گیرد و

همه ی مناطق دنیا تحت نفوذش قرار می گیرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

الْقَائِمُ مَنَّا ... يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ الدِّينَ كُلَّهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛^۳

قائم علیه السلام از ما (خاندان پیامبر «صلی الله علیه و

آله و سلم») است... فرمانروایی او شرق و غرب (عالم) را

فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه

ادیان غلبه می دهد اگر چه مشرکان را خوش نیاید.

^۱ الزام الناصب، ص ۲۱۷؛ بشارة الاسلام، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

^۳ کمال الدین، ج ۱، ص ۶۰۳.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۲۷۵

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» نقل کرده است که فرمود:

زود است که خداوند سنت ذوالقرنین را در قائم علیه السلام از اولاد من جاری سازد و او را به شرق و غرب زمین برساند، تا اینکه نماند کوهی و دره ای و بیابانی که ذوالقرنین بر او قلم گذارده، مگر اینکه او هم بر آن قدم گذارد.^۱

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

قلمرو فرمانروایی ما از فرمانروایی سلیمان بن داوود و سلطنت ما از سلطنت او بزرگتر است.^۲

مدت حکومت جهانی

در مورد مدت حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام روایاتی وارد شده است که نمی توان به طور دقیق این مدت را تعیین نمود. البته در حکومت حضرت، طول روزها و در نتیجه ماهها و سالها افزایش می یابد که احتمال دارد اختلاف ظاهری روایات در مدت حکومت، بدین منظور باشد.

^۱ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۴؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۹۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۱.

^۲ عصر ظهور، ص ۲۵۲.

۲۷۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

ابوبصیر در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

هفت سال حکومت می‌کند که هر سالش معادل ۱۰ سال شمس است. سپس آنچه خدا بخواهد انجام می‌دهد.

ابوبصیر می‌گوید که از آن حضرت پرسیدم: سالها چگونه طولانی می‌شود؟ فرمود:

خداوند به فلک دستور می‌دهد که آرام تر بچرخد و بدین گونه روزها و سالها طولانی می‌شود.

عرض کردم: آنها - مخالفان - می‌گویند: اگر فلک تغییر کند از بین می‌رود. فرمود:

آن گفته‌ی ملحدان است و اما مسلمانان راهی برای این حرف ندارند؛ خداوند برای پیامبرش ماه را شکافت، و قبل از آن، برای یوشع بن نون خورشید را برگردانید، و از طولانی شدن روز قیامت نیز خبر داده و فرموده است: هر روز آن همانند هزار سال از سالهای شمس است.^۱

همچنین می‌فرماید:

و خداوند در زمان قائم علیه السلام امر می‌کند که دور فلک کند شود، به طوری که یک روز آن مساوی بارده

^۱ الارشاد، ص ۳۴۳؛ بشارة الاسلام، ص ۱۹۵ و ۲۳۵؛ الزام الناصب، ص ۲۲۳.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۲۷۷

روز و یک ماه یا ده ماه و یک سال یا ده سال از سالهای شما می شود.^۱

عبدالکریم الخثعمی گوید که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: قائم علیه السلام چند سال حکومت می کند؟ فرمود:

هفت سال، روزها و شبها طولانی می شود تا یک سال برابر ده سال شود و بنابراین سالهای حکومتش برابر هفتاد سال از سالهای شما می شود.^۲

در بعضی از روایات مدت ۱۹، ۲۰، ۴۰ و ۳۰۹ سال و نیز ذکر شده است و الله العالم.

محل سکونت مهدی (ع) و خانواده اش

بزرگترین روایات، مهدی موعود علیه السلام، مسجد سهله را به عنوان محل سکونت خویش و خانواده، انتخاب می کند.

صالح بن اسود گوید: در نزد امام صادق علیه السلام صحبتی از مسجد سهله به میان آمد، ایشان فرمود:

آگاه باش! مسجد سهله منزل صاحب ما است، زمانی که با اهلش آیند.^۳

^۱ الغیبه شیخ طوسی، ص ۴۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ نجم الثاقب، ج ۱، ص ۱۹۷.

^۲ الارشاد، ص ۳۸۶؛ نجم الثاقب، ج ۱، ص ۱۹۷.

^۳ الارشاد، ص ۳۴۲؛ الزام الناصب، ص ۱۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱.

۲۷۸ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

گویا می بینم نزول قائم علیه السلام را با اهل و عیال

خود در مسجد سهله.

ابوبصیر عرض کرد: فدای تو شوم! آیا منزل او در مسجد سهله

خواهد بود؟ فرمود:

بلی! منزل ادریس و ابراهیم خلیل علیهما السلام در آنجا

بوده و خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده، مگر اینکه در آن

نماز خوانده است، و آنجا مسکن خضر علیه السلام است،

اقامت کننده‌ی در آن مانند اقامت کننده در خیمه‌ی پیغمبر

«صلی الله علیه و آله و سلم» است و هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای

نیست، مگر اینکه قلب او به سوی آن میل کند، و هیچ روز

و شبی نیست، مگر اینکه ملائکه در آن مسجد وارد می‌شوند،

و عبادت خدا انجام می‌دهند.

ای ابا محمد! اگر من در قرب شما بودم، هیچ نماز نمی

خواندم، مگر در آنجا عرض کرد: فدای تو شوم! قائم علیه

السلام همواره در آنجا خواهد بود؟ فرمود: بلی...^۱

^۱ الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۰۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

بخش دوم: اقدامات حکومتی و برکات الهی

در حکومت حضرت، اقدامات و فعالیت‌های فراوانی انجام می‌شود و از آنجا که آن دوران، زمان تقوا پیشگی و ایمان ورزی است، خدای مهربان نیز نعمتها و برکات خود را پی در پی می‌فرستد.

ذکر همه ی اقدامات و بیان همه ی نعمتها و برکات الهی در آن دوران، نیاز به چندین مجلد کتاب دارد و البته کتابهای مفیدی در این زمینه منتشر شده است. ما در اینجا به طور مختصر، اشاره ای به اقدامات مهم و نعمتهای فراوان دوران ظهور مهدی موعود علیه السلام می‌کنیم.

۱. احیای دینداری

دین که مجموعه ای از اعتقادات و باورها و اعمال فردی و اجتماعی متناسب با آن باورهاست، راه و رسم درست زیستن را به انسانها یاد می‌دهد. دین راهنمای انسانها در تاریکیها و گمراهیهاست و پیشوایان دین تأکید زیادی بر دینداری نموده‌اند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الدِّينُ أَقْوَى عِمَادٍ؛^۱

دین، نیرومندترین تکیه گاه است.

امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین در سخنرانیهای خود این جمله را بسیار می فرمود:

ای مردم! دیندار باشید، دیندار! اگر گناه کنید و دیندار
باشید بهتر است از اینکه ثواب کنید و بی دین باشید؛ زیرا
گناه در آن آمرزیده می شود و ثواب و نیکی در بی دینی
پذیرفته نمی شود.^۲

دینداری قبل از ظهور

قبل از ظهور، دینداری گاهش و بی دینی گسترش می یابد. امام
صادق علیه السلام می فرماید:

به زودی دورانی فرا رسد که مردم خدا را شناسند و
معنای توحید را ندانند تا اینکه دجال خروج کند.^۳

رسول الله «صلى الله عليه و آله وسلم» فرمود:

وای بر عرب از شری که به آنان نزدیک شده است.

^۱ غرر الحکم، ج ۴۸۹، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۱۰، ح ۲۲۸۷.

^۲ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۱۰، ح ۲۲۸۸.

^۳ فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۴.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۲۸۱

فتنه‌هایی چون پاره‌های شب تاریک و ظلمانی، صبحگاهان
مرد مؤمن است و به هنگام غروب کافر، گروهی دین خود
را به بهای ناچیز و متاع اندک می‌فروشند، کسی که در آن
روز به دین خود چنگ زده و پایبند است، همانند کسی
است که گلوله‌ای از آتش را در دست گرفته یا بوته‌ای از
خار را در دست می‌فشرد.^۱

در این روایت به فروختن دین به ازای متاع ناچیز دنیا اشاره شده
است، در صورتی که بایستی مال و جان را داد تا دین انسان حفظ شود.
امام علی علیه السلام می‌فرماید:

دین خود را با دنیایت حفظ کن، تا هر دو را ببری و
دینت را به وسیله‌ی حفظ دنیایت قرار مده که هر دو را
می‌بازی.^۲

همچنین می‌فرماید:

مردم برای سود و آبادانی دنیای خود امری از امور دین
خود را فرو نگذارند مگر آنکه خداوند، کاری برای آنان
پیش می‌آورد که زیانش از سود آن بیشتر است.^۳

^۱ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۹۰.

^۲ غرر الحکم، ج ۱۵۸۶۱، منتخب میزان الحکمه، ص ۲۱۲، ح ۲۳۰۶.

^۳ غرر الحکم، ج ۱۰۸۳۱، منتخب میزان الحکمه، ص ۲۱۲، ح ۲۳۰۷.

نیز می فرماید:

چون بلایی فرا رسد، مالهای خود را سپر جانهایتان کنید
و چون حادثه‌ای پیش آید جانهایتان را فدای دینتان کنید و
بدانید که هلاک گشته کسی است که دینش هلاک شده باشد
و غارت شده کسی است که دینش به غارت رفته باشد.^۱

دعا برای استواری قلب بر دین

عبداللّه بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به زودی به شبهه‌ای گرفتار خواهید شد که ته نشانه‌ای
برای پیدا کردن راه خواهید دید و ته پیشوایی که هدایتتان
کند، از آن شبهه تنها آن کس رهایی یابد که دعای غریق
را بخواند. عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود:
می گویی:

یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی
دینک.^۲

دینداری بعد از ظهور

با ظهور و قیام قائم علیه السلام، روند گرایش به دین افزایش می‌یابد
و منحرفان از دین به شاهره دین بر می‌گردند.

^۱ کافی، ص ۲۱۶؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۲۱۰، ح ۲۲۹۲.

^۲ کمال الدین، ص ۳۵۲؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۲۱۲، ح ۲۳۰۸.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

... مردمان به عبادت، کارهای شرعی، دینداری و نماز

جماعت روی می آورند...^۱

رسول خدا (ص) به حضرت فاطمه (ع) فرمود:

خداوند از نسل این دو (حسن و حسین علیهما السلام)

شخصی را بر می انگیزد که دژهای گمراهی را می گشاید

و دلهای سیاه قفل خورده را تسخیر می نماید.^۲

۲. محو بدعت ها و احیای سنت ها

در آخر الزمان توسط بدعتگذاران، بدعتهای زیادی وارد دین می شود و چهره ی اصلی دین تغییر می یابد. به همین دلیل است که در روایات آمده که حضرت دین جدیدی را می آورد. امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

بدعت گذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب

او و پیامبرش مخالفت می ورزند و بر اساس رأی و

هواهای نفسانی خود عمل می کنند هر چند شمار آنها بسیار

باشد.^۳

^۱ عقد الدرر، ص ۲۱۱؛ منتخب الأثر، ص ۴۷۴.

^۲ عقد الدرر، ص ۱۵۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۱۶؛ اثبات الهداة، ص ۴۴۸، ۴۹۵.

^۳ میزان الحکمه، ج ۱۶۳۲.

همچنین فرمود:

هیچ چیزمانند بدعت‌ها دین را ویران و تباه نکرده است.^۱

حضرت مانند امامان دیگر، بدعت‌ها را از بین می‌برد و سنت‌ها را احیاء می‌نماید. البته این وظیفه مختص با امامان نیست، بلکه علماء که در دوران غیبت نایبان عامّ امام و حافظان دین هستند، نیز موظف به این کارند. پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله وسلم» فرمود:

هر گاه بدعت‌ها در میان امت آشکار شوند بر عالم است که علم و دانش خود را آشکار سازد. هر کس چنین نکند نفرین خدا بر او باد.^۲

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام، قرآن و سنت مظلوم واقع شدند و درخاشیه قرار گرفتند. امام صادق علیه السلام به برید فرمود:

ای برید! به خدا سوگند، هیچ حریمی برای خداوند نماند، مگر اینکه آن را در دیدند و هرگز به کتاب خدا و سنت پیامبرش در این جهان عمل نشد و از روزی که امیر مؤمنان رحلت کرد، هرگز حدّ خداوند در بین مردم جاری نگشت.^۳

در دوران آخر الزمان بر این مظلومیت افزوده شده است و نه تنها

^۱ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۹۱.

^۲ میزان الحکمه، ج ۱۶۴۹.

^۳ محمد باقر مجلسی، ملاذ الأخیار، ج ۶، ص ۲۵۸.

عملی به دستورات قرآن کمرنگ تر شده، بلکه مطابق ذوق و سلیقه‌ی افراد تفسیر گردیده است. (تفسیر به رأی) در مورد اهل بیت علیهم السلام نیز انواع توهین و افتراء ها علیه آنان صورت می گیرد و کمتر کسی پیدا می شود که از حق آنان دفاع کند.

با قیام قائم علیه السلام قرآن و سنت احیا گردیده و عمل به آنها در صدر دستورات قرار می گیرد. اهل بیت علیهم السلام نیز از مظلومیت بیرون می آیند و تا قیامت، حاکمان زمین می گردند. امام صادق علیه السلام ضمن حدیث طولانی فرمود:

بر شما (مسلمانان) است که تسلیم (امر ما) باشید و امور را به ما بازگردانید و به انتظار ما و شما باشید و منتظر فرج و گشایش ما و شما بمانید. هنگامی که قائم ما ظهور کند و سخنگوی ما به سخن آید و تعلیم قرآن و دستورات دین و احکام را از نو به شما بیاموزد، دانشمندان شما این رفتار حضرت را، انکار کرده، مورد اعتراض قرار می دهند و بر دین خدا و راه او استوار و پا بر جا نمی شوید، مگر در سایه‌ی شمشیر؛ شمشیری که بالای سر شما باشد.

خداوند، سنت امت‌های پیشین را بر این مردم قرار داده؛ ولی آنان سنت‌ها را تغییر داده، و دین را تحریف کردند. هیچ حکم رایجی در بین مردم نیست، مگر اینکه از شکل وحی شده اش تحریف گشته است. خدا تو را رحمت کند. با

هر چه فرا خوانده می شوی، بپذیر تا آن کس که دین را
تجدید می کند، فرا رسد.^۱

همچنین فرمود:

چون قائم علیه السلام قیام کند، مردم را از توبه اسلام
دعوت کند و آنان را به امری که متروک مانده و عموم
مردم از آن جدا شده و به گمراهی رفته اند رهنما شود. او
را مهدی نامیده اند؛ زیرا مردم را به سوی امری گم شده
هدایت کند و قائم نامیده اند، چرا که قیام به حق نماید.^۲

نیز فرمود:

خداوند بدعت‌ها را به وسیله‌ی او نابود و گمراهی‌ها را
به دست او محو و سنت‌ها را زنده خواهد ساخت.^۳

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

او (قائم علیه السلام) رأی و نظر را از قرآن گیرد، آنگاه
که دیگران قرآن را به رأی و اندیشه‌ی خود بازگردانند، به
آنان رفتار عادلانه حاکم را نشان دهد و بخش‌های متروک
کتاب و سنت را زنده کند.^۴

^۱ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۶.

^۲ الارشاد، ص ۳۶۴.

^۳ کافی، ج ۱، ص ۴۱۲.

^۴ عصر ظهور، ص ۴۸۳.

برگرداندن مساجد به حالت اصلی

حضرت با بدعت‌ها مبارزه می‌کند و آنها را از بین می‌برد. یکی از بدعت‌ها، ساخت مساجد به شیوه‌ای غیر از شیوه‌ی پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» می‌باشد. در این نوع مساجد توسط حضرت تغییراتی ایجاد می‌شود.

تخریب مناره‌ها و بلندی‌ها

ابی‌هاشم جعفری گوید: نزد امام حسن عسکری علیه السلام بودم که فرمود:

وقتی که قائم علیه السلام قیام کرد، دستور می‌دهد تمام مناره‌ها و جایگاه‌های مخصوص امام جماعت را در مساجد تخریب کنند.

گفتم: برای چه این کار را می‌کند؟

رو به من کرد و فرمود: معنایش این است که آنها تو ظهور و بدعت است، نه پیغمبری و نه حجّتی آنها را بنا کرد.^۱

ابوبصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

زمانی که قائم علیه السلام قیام نمود، به کوفه می‌رود. پس در آنجا چهار مسجد را تخریب کند و باقی نمی‌ماند.

^۱ بیان الائمه، ج ۳، ص ۲۰۲.

در روی زمین مسجدی که بلندی داشته باشد، مگر اینکه
(برای از بین بردن امتیازات طبقاتی) همه‌ی آنها را ویران
نماید و گشاده و باز قرار دهد.^۱

همچنین فرمود:

اول چیزی که قائم ابتدا کند، سقف‌های مساجد است. پس
آنها را می‌شکند و امر می‌کند سائبانی مانند سائبان موسی
علیه السلام ساخته شود.^۲

روش برخورد با مساجد سقف و نقش دار

حماد از حلبی روایت کرده است: از امام صادق علیه السلام سؤال
شد از مساجد های سقف دار که آیا نماز در آن مکروه است؟! فرمود:
بلی! ولیکن امروز برای شما ضرر ندارد و اگر روز عدل
باشد، خواهید دید که چه رفتاری خواهد داشت.^۳

عمر بن جمیع گوید: از امام باقر علیه السلام درباره‌ی نماز خواندن
در مسجدهایی که در آن نقاشی و تصویر شده است، سؤال کردم: فرمود:
من خوش ندارم ولیکن امروز برای شما ضرر ندارد و

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

^۲ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۲.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

اگر عدل قیام کند، خواهید دید چگونه رفتار خواهد کرد.^۱

تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن

اصبغ بن نباته می گوید: امیر المؤمنین علیه السلام هنگام ورود به مسجد کوفه - که در آن هنگام با خرف و گل پخته ساخته شده بود - فرمود:

وای بر کسی که تو را ویران کرد! وای بر کسی که
زمینه ویرانی تو را آسان کرد! وای بر آنکه تو را با گل و
خاک پخته بنا کرد و جهت قبله نوح علیه السلام را تغییر داد!
آنگاه ادامه داد:

خوشا به حال کسی که شاهد ویرانی تو در روزگار قائم
علیه السلام از اهل بیت می باشد! آنان نیکان امت هستند
که همراه نیکان عترت می باشند.^۲

همچنین آن حضرت می فرماید:

بی گمان هنگامی که قائم ما قیام کند، مسجد کوفه را
ویران کرده، قبله آن را تعدیل می کند.^۳

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

^۲ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۸۳، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

^۳ الغیبه نعمانی، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

بازسازی کعبه، مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)

امام صادق علیه السلام فرمود:

و کعبه را تخریب می کند و آن را بر اساس ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بنا می نماید و مسجد الحرام و مسجد رسول خدا را خراب می کند و آن دو را به صورتی که در زمان پیغمبر بود می سازد و مقام ابراهیم را از محل فعلی که عمر گذاشته به محل اولش برمی گرداند و بدعت‌ها را می نهد و سنت‌ها را اقامه می نماید.^۱

مفضل گفت: ای آقای من، با خانه (کعبه) چه می کند؟ فرمود:

خراب می کند و جز قواعد و پایه‌ها که خداوند فرموده «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا»^۲ چیزی باقی نمی‌گذارد، آن گونه که در عهد آدم بود و آنچه را که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بالا بردند، اما آنچه که بعد از آن دو بنا شده و پیغمبر یا وصی پیغمبری بنا نکرده است، آن را آنگونه که خدا خواسته بنا می‌نماید.^۳

^۱ بیان الاثمه، ج ۳، ص ۲۰۳.

^۲ آل عمران / ۹۶.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱؛ بشارة الاسلام، ص ۳۱۵.

ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

قائم علیه السلام مسجد الحرام را منهدم می کند و به
اساس اولیه اش بر می گرداند و مسجد رسول را به اساسش
بر می گرداند و کعبه را به محلّش بر می گرداند و بر اساس
نخستین آن بنا می نماید...^۱

از امام صادق علیه السلام درباره ی اضافات مسجد الحرام پرسیدند
که آیا جزء مسجد است یا نه؟ فرمود:

آری! آنان هنوز آن را به اندازه ی مسجدی که ابراهیم
و اسماعیل علیهما السلام ساخته بودند، نرسانده اند.^۲

تغییر مقام ابراهیم^۳

مقام ابراهیم سنگی است که حضرت ابراهیم زوی آن ایستاده
است^۴ و در زمان آن حضرت به بیت چسبیده بود که در زمان جاهلیت

^۱ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۸۲؛ الارشاد، ص ۳۴۳؛ یوم الخلاص، ص ۲۷۵؛ اعلام الوری، ص ۴۳۱.

^۲ کافی، ج ۴، ص ۵۲۶.

^۳ مقام ابراهیم، سنگی است مربع شکل با طول و عرض ۴۰ سانتی متر، و ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتی
متر که اثر دو پای حضرت ابراهیم علیه السلام در آن نمایان است. و در محفظه ای شیشه ای میان گنبدی
طلایی رنگ نگهداری می شود. روی آن نوشته شده است: «و لا یؤده حفظهما و هو العلی العزیز» (بقره
/ ۱۵۵؛ مصطفی آخوندی، عمره مفرده، ص ۹۴).

^۴ برخی می گویند: ابراهیم خلیل به هنگام بالا بودن دیوار کعبه، بر این سنگ ایستاده است و
برخی دیگر می گویند: حضرت ابراهیم علیه السلام به هنگام اعلان حج از طرف خداوند، بر روی این
سنگ ایستاده است. (عمره مفرده، ص ۹۴ به نقل از حج و عمره، محمدی ری شهری.)

مکان آنرا تغییر دادند. پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» پس از فتح مکه آنرا به جایگاه اصلیش بر گردانید. بعد از رحلت پیامبر، عمر دوباره مکان آنرا تغییر داد و هم اکنون در جایگاه اصلیش نیست. با ظهور و قیام مهدی موعود علیه السلام، توسط حضرت به جای اصلیش برگردانیده می‌شود. عبدالله بن میمون گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

مقام ابراهیم چسبیده به بیت بود که عمر آن را تغییر داد.^۱

همچنین فرمود:

آن حضرت (قائم علیه السلام)، مقام ابراهیم را از مکان

فعلی که پس از رحلت رسول خدا «ص» عمر آن را در

آنجا قرار داد، به محل اولش بر می گرداند.^۲

۳. گسترش فرهنگ اسلامی

از مهمترین اقدامات حضرت، گسترش و نشر فرهنگ اسلامی در سراسر جهان است. در آن دوران، معارف بلند قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام، همه جا را فرا خواهد گرفت و علم، ایمان و اخلاق به تکامل خواهد رسید.

در کوفه که مرکز حکومت است، مساجد زیادی ساخته می‌شود و

^۱ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۵۴.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵؛ شیخ مفید، أمالی، ص ۱۴۴، مجلس ۱۲، ج ۲.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۲۹۳

کربلا کانون فعالیت‌های اسلامی می‌گردد. ما به پاره‌ای از اقدامات حضرت، اشاره می‌کنیم.

تعلیم قرآن کریم به ترتیب نزول

امام باقر علیه السلام فرمود:

هر گاه قائم آل محمد قیام کند، برای کسانی که قرآن را به آن وجه که خداوند عزوجل نازل کرده است به مردم تعلیم می‌دهند، خیمه‌ها به پا می‌کنند. پس سخت و دشوارتر خواهد بود بر کسانی که امروز آنرا حفظ کرده باشند؛ زیرا تألیف آن قرآن، متفاوت با این قرآن است.^۱

اصبغ بن نباته می‌گوید: از (امام) علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

گویا عجم (نژاد غیر عرب) را می‌بینم که چادرهای شان در مسجد کوفه برافراشته شده است و به مردم قرآن می‌آموزند؛ به همان گونه که فرود آمده است.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

گویا می‌بینم که شیعیان علی علیه السلام قرآن‌ها را در دست دارند و مردم را آموزش می‌دهند.^۳

^۱ الارشاد، ۳۴۴؛ بشارة الاسلام، ص ۲۳۴، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

^۲ الارشاد، ص ۳۶۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۷.

^۳ الغیبه نعمانی، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

قرآنی که در زمان حضرت مهدی علیه السلام آموزش داده می‌شود، فقط از نظر ترتیب نزول با قرآن موجود فرق دارد و گرنه آیه هایش، همین آیه های موجود است. آن قرآن، قرآنی است که حضرت علی علیه السلام نوشته است. حمران گویند: امام باقر علیه السلام فرمود:

زمانی که قائم علیه السلام قیام نمود، کتاب خدای -

عزوجل - را آنگونه که شایسته است، قرائت می‌کند و

قرآنی را که علی علیه السلام نوشته است، بیرون می‌آورد.^۱

در آن دوران تا آنجا در زمینه ی قرآن و سنت پیامبر پیشرفت

حاصل می‌شود که زن در خانه اش بر اساس آنها، قضاوت می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

در روزگار حضرت مهدی علیه السلام به اندازه ای به

شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه اش،

بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر، قضاوت می‌کند.^۲

گسترش فرهنگ نماز و ساخت مساجد

نماز در فرهنگ اسلامی دارای اهمیت زیادی است و واجبی است

که هر شبانه روز تکرار می‌گردد. در اهمیت آن همین بس که در

روایات از آن به عنوان ستون دین و مرز ایمان و کفر، یاد شده است.

^۱ اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۳؛ یوم الخلاص، ص ۳۱۶.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۵۲.

امام یاقر علیه السلام می فرماید:

نماز ستون دین است، مثل آن مثل ستون خیمه است که
اگر ستون محکم باشد میخها و طنابها محکم می مانند و
اگر ستون کج شود و بشکند، نه میخی استوار می ماند و نه
طنابی.^۱

پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» می فرماید:

میان مسلمان و کافر فاصله ای جز این نیست که نماز
واجب را عملاً ترک کند یا از روی سبک شمردن آن را
نخواند.^۲

در آخر الزمان این واجب مهم به فراموشی سپرده می شود و
مساجد جز در زمانهایی خاص مانند ماه مبارک رمضان، غریب واقع
می شوند.

با قیام مهدی موعود علیه السلام و زنده شدن دوباره ی اسلام،
مساجد رونق خاصی پیدا می کنند و مملو از نمازگزاران خواهند شد.
مساجد زیادی نیز در سراسر جهان ساخته می شوند که بزرگترین آنها
در شهر کوفه که محل اجتماع مؤمنان است، بنا می گردد.

^۱ منتخب میزان الحکمه، ص ۲۲۴، ح ۳۵۹۶.

^۲ همان، ص ۲۲۸، ح ۳۶۴۷.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۲۹۷

می فرستد تا از پشت قبر حسین علیه السلام نهری کنده و به سوی غریبین می آورند تا به نجف برسد و در مسیر این نهر، پل‌ها و آسیاب‌ها می سازد، گویا می بینم پیرزنی ظرف پر از گندم را بر سر گرفته و به کربلا می رود و آرد می کند.^۱

مفضل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد قیام کند، در پشت کوفه مسجدی خواهد ساخت که هزار در خواهد داشت.^۲

مسجد پانصد در

حبه بی عربی می گوید: امیر المؤمنین علیه السلام به سوی سرزمین «حیره» رهسپار شد و فرمود:

... به طور حتم، در شهر حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد در داشته باشد و دوازده امام جماعت عادل در آن نماز جماعت برگزار کنند.

گفتم: ای امیر المؤمنین! اینگونه که توصیف می کنی، آیا مسجد کوفه گنجایش مردم را خواهد داشت. فرمود:

چهار مسجد در آنجا ساخته می شود که مسجد کوفه از همه آنها کوچکتر خواهد بود و این مسجد (حیره) که پانصد

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۳۰۰؛ بشارة الاسلام، ص ۲۰۷ - ۲۰۶؛ اعلام الوری، ص ۴۳۰.

^۲ الارشاد، ص ۳۶۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۳۰، ۴۳۷.

در دارد) و دو مسجد دیگر که در دو سوی شهر کوفه قرار می‌گیرند، احداث خواهد گشت.

آنگاه حضرت به سوی رودخانه بصریین و غربین اشاره کرد.^۱

مسجد دوازده هزار در

روایت شده است که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ» فرمود:

به خدا قسم! دنیا نمی‌گذرد، مگر اینکه رسول خدا و امیر المؤمنین بر می‌گردند و در نجف به همدیگر می‌رسند و در پشت کوفه مسجدی بنا کند که دوازده هزار در به آن می‌آویزد.^۲

رشد علم و ایمان

در دین اسلام علم دارای ارزش والایی است و سفارشهای زیادی نسبت به فراگیری علم و دانش شده است. در اهمیت آن همین بس که نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله وسلم» در مورد خواندن و نوشتن می‌باشد.

طبق فرمایش رسول گرامی اسلام، فراگیری علم و دانش محدود به

^۱ کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۲.

^۲ بیان الائمه، ج ۳، ص ۲۵۸.

مکان و زمان خاصی نیست و در دورترین مکانها^۱ و در هر زمانی^۲ باید آنرا فرا گرفت.

البته علم که یکی از ارکان انسانیت است، به تنهای کافی نیست. چه بسا علم در خدمت کسانی قرار گیرد که از آن در جهت اهداف غیر انسانی استفاده کنند. امروزه نمونه های فراوان سوء استفاده از این ابزار مهم انسانی را در ساخت بمبهای شیمیایی و اتمی مشاهده می کنیم و می بینیم که چگونه با این وسایل خطرناک، آسایش و امنیت را از جهانیان سلب کرده اند. علم باید در جهت پیشرفت مادی و معنوی بشریت قرار گیرد و بدین منظور در اسلام توصیه به کسب ایمان در کنار فراگیری علم شده است. ایمان از عوامل مهمی است که به علم جهت می دهد و آن را در مسیر اهداف مثبت قرار می دهد. این دو (علم و ایمان) به مانند دو بال برای پرواز انسان به سوی قله های ترقی و پیشرفت مادی و معنوی هستند، و هر کدام به تنهایی ناقصند.

شهید استاد مطهری (رحمة الله علیه) درباره ی لزوم همراهی علم و

ایمان می فرماید:

تاریخ گذشته و حال نشان داده که تفکیک علم و ایمان

از یکدیگر چه نتایجی به بار می آورد. آنجا که ایمان بوده

^۱ اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْلِ

^۲ اَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ

۳۰۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

و علم نموده است مساعی بشر دوستانه‌ی افراد صرف
اموری شده که نتیجه‌ی زیاد و احياناً نتیجه‌ی خوب به بار
نیاورده است و گاهی منشأ تعصیبا و جمودها و احياناً
کشمکشهای زیانبار شده است. تاریخ گذشته‌ی بشر پر
است از این گونه امور.

آنجا که علم بوده و جای ایمان خالی مانده است - مانند
برخی جوامع عصر حاضر - تمام قدرت علمی صرف خودخواهی‌ها
و خودپرستیها، افزون طلبی‌ها، برتری طلبی‌ها، استعمارها،
استعبادها، نیرنگها و نیرنگبازی‌ها شده است.^۱

در عصر آخر الزمان متأسفانه با وجود پیشرفت علم نه تنها بر ایمان
افزوده نشده است، بلکه شاهد گریز از ایمان و بی ایمانیها هستیم و
یکی از دلایل، آن است که بعضی چنین می پندارند با وجود علم نیازی
به ایمان نیست در صورتی که با پیشرفت علم بدون ایمان ورزی، بر
شدت اضطراب‌ها، تجمل پرستی‌ها، خودخواهی‌ها و... افزوده میگردد.
بنا قیام مهدی موعود علیه السلام، ایمان از دست رفته، بار دیگر به
دست می آید و عصر حکومت حضرت، عصر ایمان خواهد بود که
البته با تکامل ایمان، علم نیز ترقی خواهد یافت و نا دانسته‌های فراوان
امروز بشر، کشف خواهد گردید.

^۱ مرتضی مطهری، انسان و ایمان، ص ۳۰.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف [با حرف های دیگر] آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و گسترش می دهد. و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می سازد.^۱

همچنین به کمیل بن زیاد «رحمه الله علیه» فرمود:

ای کمیل! هیچ علمی نیست، مگر اینکه من آنرا می گشایم و هیچ چیزی نیست، مگر اینکه قائم علیه السلام آن را (از جهت کمال به پایان می رساند و) ختم می کند.^۲

نیز فرمود:

علم را در دل‌های مؤمنان می اندازد پس هیچ مؤمنی به برادر خود در هیچ علمی نیاز نخواهد داشت و در آن روز تاویل این آیه ظاهر می شود «يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ»^۳ خداوند هر کس را از وسعت (گشایش نعمت) خود بی نیاز

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

^۲ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۹؛ بیان الائمه، ج ۳، ص ۲۱۰.

^۳ نساء / ۱۳۰.

می سازد.^۱

زید زراد می گویند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: بیم آن داریم که از مؤمنان نباشیم. فرمود: چرا؟ عرض کردم: چون در میان خود، کسی را نمی یابیم که برادر دینی خود را بر درهم و دینارش برتری دهد و می بینیم که درهم و دینار در نزد ما برتری دارد بر برادر مؤمنی که میان ما و او را دوستی و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام پیوند زده است. فرمود:

خیر، شما مؤمن هستید؛ ولی ایمانتان کامل نمی گردد
مگر آنکه قائم ما ظهور کند. در آن هنگام خداوند در شما
بردباری و شکیبایی پدید می آورد و آنگاه مؤمن کامل
خواهید شد.^۲

گسترش اخلاق اسلامی

اخلاق یکی از برنامه های دین اسلام برای بهتر زیستن است. پیامبر گرامی اسلام، هدف از بعثت خویش را اكمال مكارم اخلاق می داند. خوش اخلاقی دارای اهمیت و تأثیر فراوانی در روابط خانوادگی و اجتماعی انسانهاست و در روایات از آن به بزرگی یاد شده است.

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۵، ص ۸۳.

^۲ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۵۰.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» می فرماید:

حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ^۱

همچنین می فرماید:

أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا^۲

ایمان آن مؤمن کاملتر است که اخلاقش نیکوتر باشد.

امام صادق علیه السلام حسن خلق را چنین بیان می فرماید:

حسن خلق این است که نرمخو و مهربان باشی، گفتارت

پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کنی.^۳

متأسفانه در آخرالزمان بر اثر عوامل مختلفی، بداخلاقیها زیاد می گردد

تا جایی که تندی و غضب، جایگزین نرمخویی می شود و کینه و

دشمنی، مهربانی را از یاد می برد و نگاه افراد به یکدیگر انتقام گونه

می گردد تا جایی که جواب سلام یکدیگر را نیز نمی دهند.

صله ارحام و خوشرفتاری و کمک به همسایگان و در یک کلام

عواطف نیز به سردی می گراید.

^۱ منتخب میزان الحکمه، ص ۱۸۲، ح ۱۹۳۳.

^۲ همان، ص ۱۸۴، ح ۱۹۴۱.

^۳ همان، ص ۱۸۴، ح ۱۹۴۴.

پیامبر اکرم می فرماید:

از نشانه های قیامت، بدرفتاری با همسایه و گسستن

پیوندهای خویشاوندی است.^۱

همچنین می فرماید:

در آن روزگار، بزرگتران به زبردستان و کوچکتران

رحم نمی کنند و قوی برضعیف ترحم نمی نماید. در آن هنگام،

خداوند به او (قائم علیه السلام) اذن قیام و ظهور می دهد.^۲

با قیام قائم علیه السلام انقلابی همه جانبه در سراسر جهان واقع

می شود و ارزشهای والای اخلاقی زنده می گردد. در آن روزگار باشکوه،

انسانها شاهد مهر ورزی و دوستی حقیقی بین یکدیگر خواهند بود تا

جایی که در صورت نیاز، شخص از جیب دوستش پول بر می دارد و

او ناراحت نمی شود. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

... در آن روزگار کینه ها و دشمنی ها از دلها زدوده

خواهد گشت.^۳

^۱ فردوس الأخیار، ج ۴، ص ۵؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

^۳ الفتن، ص ۱۶۲.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قائم ماقیام کند... اخلاقشان را کامل می کند.^۱

ریشه کنی فساد و گسترش پاکی

در آخر الزمان فساد که عامل برهم زنده‌ی تعادل اجتماعی است، رواج می یابد و مفسدان به فساد در زمین می پردازند.

اعمال منافی عفت، دروغ، غیبت، تهمت، دزدی، رشوه خواری، ربا و ... امنیت روانی را از انسانها سلب می کند و اعتماد عمومی کاهش می یابد. محمدبن مسلم می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ فرمود:

هنگامی که مردان خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند. آنگاه که مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به

زنان. (همجنس بازی)^۲

با ظهور و قیام مهدی موعود علیه السلام فساد ریشه کن می گردد و پاکی گسترش می یابد. مفسدان هم یا اصلاح می گردند و یا از بین می روند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

... و ینذهب الربا و الزنا و شرب الخمر و الربا^۳؛

^۱ کافی، ج ۱، ص ۲۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵.

^۲ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

^۳ عقد الدرر، ص ۲۱۱؛ منتخب الآثار، ص ۴۷۴.

۳۰۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

و رباخواری، زنا، نوشیدن شراب و ریاکاری از بین می‌رود.

رسول الله «صلى الله عليه و آله و سلم» می‌فرماید:

... خداوند به برکت مهدی علیه السلام دروغ را نابود

می‌کند و فشار زمان و گاز گیرندگی آن را محو می‌نماید

و به سبب او ذلت را از گردن های شما بر می‌دارد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

و يذهب الشر و يبقى الخير؛^۲

شر می‌رود و خیر می‌ماند.

رسول الله «صلى الله عليه و آله و سلم» فرمود:

و تهلك الأشرار و تبقى الأخيار؛^۳

(در آن زمان) اشرار به هلاکت می‌رسند و خوبان باقی می‌مانند.

همچنین فرمود:

و تعدم الفتن و الغارات و يكثر الخير و البركات؛^۴

و فتنه و غارتگری‌ها معدوم می‌شود و خیر و برکت‌ها

بیشتر می‌شود.

^۱ معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۵۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۵.

^۲ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۶۰؛ الزام الناصب، ص ۲۲۸؛ یوم الخلاص، ص ۳۳۲.

^۳ منتخب الأثر، ص ۴۷۴؛ الزام الناصب، ص ۲۲۸؛ یوم الخلاص، ص ۳۰۶.

^۴ الزام الناصب، ص ۲۲؛ تنایع المودة، ج ۳، ص ۷۸ و ۱۳۲.

امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

خداوند در آخر الزمان مردی را بر می انگیزد که کسی

از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر اینکه اصلاح می گردد.^۱

۴. شکوفایی اقتصادی همراه با عدالت اقتصادی

در آخر الزمان مردم از نظر اقتصادی با مشکلات فراوانی از قبیل کمبود ارزاق، گرانی، تورم، فقر، قحطی و ... روبرو می شوند و فقط عده‌ی محدودی در اثر بی عدالتی، سرمایه های هنگفتی را دارا هستند. از دیگر مشکلات اقتصادی کمبود بارندگی و خشکسالی در اثر افزایش گناهان و عدم پرداخت زکات است که تأثیرات فراوانی بر اقتصاد می گذارد.

یکی دیگر از گرفتاریهای اقتصادی بی عدالتیهای است که مردم را به دو قشر مرفه و فقیر تقسیم می کند. در اثر بی عدالتی، عده‌ای به نان شب نیازمندند در حالی که گروهی نمی دانند با سرمایه‌های هنگفت خود چه کار کنند.

در دوران حکومت مهدی موعود علیه السلام مشکلات اقتصادی مانند فقر و بی عدالتی از بین می رود و آسمان و زمین نیز برکات خود را آشکار می کنند و چیزی را دریغ نمی نمایند.

^۱ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۲۴؛ به نقل از: امیرالمؤمنین علیه السلام.

عدالت اقتصادی

اجرای عدالت یکی از دستورات الهی^۱ و شعار همه ی پیامبران، امامان، بزرگان دین و حاکمان عادل است. یکی از اهداف ارسال رسولان الهی، اجرای عدالت توسط مردم بوده است. مؤمنان نیز موظف به اجرای عدالت هستند. خدا در قرآن می فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ؛^۲

همانا پیامبرانمان را با دلایل آشکار فرستادیم و همراه
آنان کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش فرو فرستادیم تا مردم
به دادگری برخیزند.

همچنین می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا
يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ إِلَّا تَعَدَّلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛^۳

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا با تمام
وجود قیام کنید و با انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز

^۱ «إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده / ۸).

^۲ حدید / ۲۵.

^۳ مائده / ۸.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۳۰۹

دشمنی با قومی، شما را به بی عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

مشابه این آیه در سوره نساء چنین آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره بر پا دارنده‌ی عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد...

در این دو آیه به دو عامل اساسی که مانع اجرای عدالت هستند، اشاره شده است که مجریان عدالت نباید تحت تأثیر این عوامل قرار گیرند.

در روایات هم در مورد عدالت و اجرای آن تأکیدات زیادی شده است: امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

الْقَوْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قَوَامُ الْعَالَمِ؛^۲

عدالت، شالوده‌ای است که هستی بر آن استوار است.

^۱ نساء / ۱۳۵.

^۲ منتخب میزان الحکمه، ص ۳۵۸، ج ۴، ص ۴۰۰۸.

همچنین می فرماید:

خداوند سبحان، عدالت را قوام بخش (زندگی) مردم و
مایه‌ی دوری از حق کشیها و گناهان و وسیله‌ی آسانی و
گشایش برای اسلام قرار داده است.^۱

نیز می فرماید:

الْعَدْلُ جُنَّةُ الدُّوَلِ؛^۲

عدالت، سپر دولتهاست.

امام علی علیه السلام در پاسخ به این پرسش که: عدالت برتر است
یا بخشندگی؟ فرمود:

عدالت هر چیزی را در جای خودش می گذارد و بخشندگی
امور را از جهتشان خارج می سازد؛ عدالت سیاستی فراگیر
است اما بخشندگی عارضه‌ای خصوصی است (و شامل فرد
یا افرادی محدود می شود) پس، عدالت شریفترین و برترین
آنهاست.^۳

^۱ همان، ص ۴۵۹، ح ۴۰۰۹.

^۲ همان، ص ۴۶۰، ح ۴۰۱۱.

^۳ تهج البلاغه، حکمت، ۴۳۷.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۳۱۱

مهرور زنان جهان، حضرت فاطمه‌ی زهراء سلام الله علیها می‌فرماید:

فَرَضَ ... الْعَدْلَ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ؛^۱

خداوند عدالت را برای آرامش دلها واجب فرمود.

امام صادق علیه السلام در توصیف عدالت فرمود:

الْعَدْلُ أَهْلَى مِنَ الْمَاءِ يُصِيبُهُ الظَّمَانُ؛^۲

عدالت از آبی که شخص تشنه به آن می‌رسد شیرین‌تر

است.

همچنین فرمود:

الْعَدْلُ أَهْلَى مِنَ الشَّهْدِ، وَ الْيَنُّ مِنَ الزُّبْدِ، وَ أَطْيَبُ رِيحاً

مِنَ الْمَشْكِ؛^۳

عدالت از غسل شیرین‌تر، از کره نرم‌تر و از مشک

خوشبوتر است.

با اینکه عدالت از بهترین کارهاست؛ اما اجرای آن از سخت‌ترین

امور است که جز به دست افرادی مؤمن و با تقوا میسر نیست.

در آخر الزمان که هوای نفس بر عقلها حاکم می‌شود، عدالت در

گوشه قرار می‌گیرد و به جز عده‌ی بسیار محدودی از مؤمنان با تقوا

^۱ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۶۰، ج ۴۰۱۷.

^۲ کافی، ج ۲، ص ۱۴۶.

^۳ همان، ص ۱۴۷.

۳۱۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

کسی به آن عمل نمی کند و همین عده ی محدود نیز در اجرای آن با هزاران مشکل و مانع روبرو می شوند. با قیام قائم علیه السلام اجرای عدالت در صدر دستورات حضرت قرار می گیرد و جهانیان تشنه ی عدالت که از بی عدالیتها به ستوه آمده اند، شهد شیرین آن را خواهند چشید. امام صادق علیه السلام فرمود:

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ؛^۱

زمین را سراسر قسط و عدل پر می کند، همانگونه که سراسر پر از ستم و ظلم شده باشد.

همچنین فرمود:

آگاه باش، به خدا سوگند! به طور یقین عدالت او به

خانه هایشان داخل می شود، آنگونه که سرما و گرما داخل شود.^۲

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» می فرماید:

شما را به آمدن مهدی علیه السلام مژده می دهم ...

ساکنان آسمان و زمین از او راضی می شوند، او مال را به

طور صحاح تقسیم می کند.

مردی سؤال کرد: صحاح چیست؟

فرمود: تساوی بین مردم (یا مساوات مال را بین مردم

^۱ الغیبه شیخ طوسی، ص ۳۲.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

پخش می کند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجاً الى الزکات؛^۲

در تقسیم اموال، مساوات را رعایت می نماید به طوری

که نیازمندی نمی بینی که مستحق زکات باشد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

فیریکم کیف عدل السیره؛^۳

به شما نشان خواهد داد که سیرت عادلانه چگونه است.

ریشه کنی فقر و غنای همگانی

فقر جنبه ی مختلفی دارد و فقط به فقر مالی، فقر گفته نمی شود،

بلکه فقر شامل فقر دینی، مالی، اجتماعی و ... است. در روایات در

برخی موارد از فقر مذمت و در بعضی جاها ستایش شده است که نیاز

به بحث مفصل دارد. ما در اینجا به این موضوع اشاره ای می کنیم.

فقر مذموم

آن فقری که در اثر تنبلی و تعطیلی کار و تلاش، به وجود می آید،

^۱ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱؛ منتخب الأثر، ص ۱۴۷.

^۲ منتخب الأثر، ص ۱۵۷؛ ینایع الموده، ج ۳، ص ۷۸؛ روزگار زهائی، ج ۲، ص ۶۰۲.

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳۱۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

فقیری مذموم و ناپسند است و سرانجامی خطرناک دارد. پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود:

كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛^۱

تزدیک است که فقر، به کفر انجامد.

همچنین فرمود:

الْفَقْرُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ؛^۲

فقر بدتر و سخت تر از کشته شدن است.

امام علی علیه السلام به فرزندش (امام) حسن علیه السلام فرمود:

کسی را که در پی تحصیل خوراک روزانه خود است،

سرزنش مکن؛ زیرا کسی که قوت خود را نداشته باشد،

خطاهایش بسیار است. فرزندم! آدم فقیر، حقیر است.

سخنش خریدار ندارد و مقام و مرتبتش شناخته و دانسته

نمی شود. فقیر اگر راستگو باشد، او را دروغگو می نامند و

اگر زاهد و دنیا گریز باشد، نادانش می خوانند. فرزندم! هر

کس که به فقر گرفتار آید، به چهار خصلت مبتلا شود: به سستی

در یقین و کاستی در خود و شکنندگی در دین و کمی شرم

^۱ کافی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۴۸، ح ۵۰۴۳.

^۲ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۴۸، ح ۵۰۴۷.

و حیا در چهره . پس، پناه می بریم به خدا از فقر.^۱

یکی از عوامل ناامنی اجتماعی، فقر است. انسان فقیر برای سیر کردن شکم خود و عیالش، دست به کارهایی از قبیل دزدی، فحشا و ... می زند.

فقر پسندیده

فقر برای پیامبران، امامان و بزرگان دین، پسندیده است. یکی از دلایل آن همراهی با فقر است تا درد فقر و نداری آنان را رنج ندهد و از علت‌های دیگر آن زهدورزی و بی‌اعتنایی به دنیا است. آنها می‌توانند در اثر موقعیت ویژه‌ای که دارند از بزرگترین ثروتمندان زمان خود باشند، اما هرگز گرد ثروت نمی‌گردند.

پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود:

الْفَقْرُ فَخْرٌ وَ بِهِ افْتَخِرُ؛^۲

فقر افتخار من است و من به آن می‌بالم.

همچنین فرمود:

الْفُقَرَاءُ أَصْدِقَاءُ اللَّهِ؛^۳

فقرا، دوستان خدایند.

^۱ همان، ص ۴۴۸، ح ۵۰۵۰.

^۲ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۵؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۵۰، ح ۵۰۵۳.

^۳ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۵۰، ح ۵۰۵۴.

تیز فرمود:

اللَّهُمَّ أَحِينِي مَسْكِينًا، وَ تَوَقَّنِي مَسْكِينًا، وَ أَحْشُرْنِي فِي
زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ؛^۱

بار خدایا! مرا مستمند زنده بدار و مستمند بمیران و در

شمار مستمندان محشورم فرما.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

فقر برای مؤمن، از دنباله‌ی لگام بر گونه‌ی اسب، زینت

بخش‌تر است.^۲

نوعی دیگر از فقر پسندیده

امام صادق علیه السلام درباره‌ی سؤال از این سخن نقل شده از
ابوذر که «سه چیز است که مردم از آنها نفرت دارند و من دوستشان
دارم: من مرگ و فقر و بلا را دوست دارم.» فرمود:

این مطلب آن گونه که مردم (از سخن ابوذر) می فهمند،

نیست. بلکه مقصود او این است که مرگ در راه طاعت

خدا را خوشتر دارم، تا زندگی توأم با معصیت خدا و فقر در

طاعت خدا را دوست‌تر دارم، تا توانگری همراه با معصیت

خدا و بلا و بیماری در راه طاعت خدا را خوشتر دارم، از

^۱ همان، ج ۵، ص ۵۰۵.

^۲ کافی، ج ۲، ص ۲۶۵.

تندرستی همراه با معصیت خدا.^۱

همچنین فرمود:

فقیر بودن و با ما بودن بهتر است، از توانگر بودن و با
غیر ما بودن. و کشته شدن و با ما بودن بهتر است از زنده
بودن و با غیر ما بودن.^۲

جمع بین روایات

به نظر می‌رسد که فقر به طور عمومی مذموم باشد؛ اما در شرایطی
مانند امتحان الهی یا حفظ دین و همراهی با امام، پسندیده است. انسان
باید هم در حال غنا و توانگری و هم در حال فقر و تنگدستی مراقب
خود باشد تا از راه دین منحرف نگردد.

علّامه مجلسی «رضوان الله تعالی علیه»، می‌فرماید:

به نظر می‌رسد، مقتضای جمع و سازش میان اخباری
که در این زمینه داریم، این است که فقر و ثروت هر یک
به توبه‌ی خود نعمتی الهی است که خداوند با توجه به
مصلحت کامل افراد، به آنان یکی از این دو نعمت را
ارزانی می‌دارد. و بنده وظیفه دارد که در هنگام فقر و
تهدستی شکیبیا و بلکه سپاسگزار و شاکر باشد و اگر هم

^۱ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۵۰، ح ۵۰۷۳.

^۲ همان، ص ۴۵۲، ح ۵۰۷۴.

خداوند مال و ثروتی به او بخشید، سپاسگزار باشد و به مقتضای آن عمل کند. بنابراین، باید به مقتضای هر یک از فقر و توانگری عمل کرد. البته غالباً فقیر شکیب، ثوابش بیشتر از توانگر شاکر است. اما مراتب احوال هر یک کاملاً با هم متفاوتند و نمی‌توان درباره‌ی هر یک از دو طرف، حکم کلی صادر کرد. پیداست که بستنده کردن به مقدار کفاف سالمتر و کم‌خطرتر از ظرفین آن، یعنی فقر و توانگری است. به همین دلیل در بیشتر دعاها کفاف خواسته شده و پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» آن را از خداوند برای خاندان و عترتش مسألت کرده است.^۱

فقر و گرسنگی قبل از ظهور

امیرمؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود:

تجارت و معاملات زیاد می‌شود، ولی بهره‌ای اندک نصیب مردم می‌گردد و پس از آن قحطی شدیدی رخ می‌دهد.

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود:

پیش از ظهور قائم علیه السلام از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه‌هایی است. گفتم: خدا مرا فدای تو گرداند، آن نشانه‌ها کدام است؟ فرمود: آنها همان گفته خداوند

است که فرمود:

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ
وَالْأَنْفُسِ وَالْثَمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛^۱

و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و
جانی و کمبود محصولات، آزمایش می کنیم و صابران (در
این حوادث و بلاها را) بشارت بده.

آنگاه فرمود: خداوند مؤمنان را به سبب ترس از
پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومتش می آزماید و
مراد از گرسنگی، گرانی قیمت هاست و منظور از کمی
دارایی ها، کساد تجارت و کمبود درآمد است و مقصود از
نقصان جان ها، مرگ های فراوان و سریع و پی در پی است
و مراد از کمبود میوه ها، کمبود عایدات و محصولات
کشاورزی است. پس صابران را بشارت باد به تعجیل ظهور
قائم علیه السلام در آن هنگام.^۲

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... در آن هنگام که سفیاتی خروج می کند، مواد غذایی
کم شده، قحطی به مردم رو می آورد و باران کم می بارد.^۳

^۱ بقره / ۱۵۵.

^۲ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰؛ الغیبه نعمانی، ص ۲۵۰؛ الارشاد، ص ۳۶۱؛ اعلام الوری، ص ۴۵۶.

^۳ الملاحم و الفتن، ص ۱۳۳.

غنای بعد از ظهور

پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» می فرماید:

... و خداوند دل‌های امت محمد را از بی نیازی پر می کند
و عدالت مهدوی همه آنها را در بر می گیرد به گونه‌ای که
[حضرت مهدی علیه السلام] امر می کند تا ندا دهنده‌ای
اعلام کند:

چه کسی نیازمند مال است؟ پس کسی در میان مردم
بر نخیزد مگر یک نفر! پس امام [به او] می فرماید: نزد
خزانه دار برو و به او بگو: مهدی علیه السلام به تو فرمان
می دهد که به من مالی بدهی. پس خزانه دار به او می گوید:
جامه ات را بیاور، تا اینکه جامه اش را پر می کند و چون
آترا به دوش می کشد، پشیمان می شود و می گوید: چرا در
میان امت محمد من از همه حریص تر باشم ... پس مال را بر
می گرداند ولی از او قبول نمی شود و به او گفته می شود:
ما آنچه عطا کردیم باز پس نمی گیریم.^۱

امیر المؤمنین از قول پیغمبر فرمود:

مردی به نزد مهدی علیه السلام می آید و مال‌ها مانند
خرمن روی هم ریخته. پس می فرماید: ای مهدی به من بده!

^۱ منتخب الأثر، ص ۱۴۷؛ يوم الخلاص، ص ۳۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

می فرماید: هر چه می خواهی برگیز.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

زمانی که قائم علیه السلام ظهور کرد و داخل کوفه شد ... برای مردم دو بار (در سال) عطا می بخشید، و دوبار هم در هر ماه روزی می دهد و میان مردم مساوات برقرار می کند، به طوری که مستحق زکات نمی بینی و مؤدیان زکات با زکاتشان نزد شیعیان می روند و آنها هم قبول نمی کنند و به کیسه‌ای می ریزند و به در خانه های آنها دور می زنند، ولی هیچ کس از آنها نمی پذیرند و می گویند: ما نیازی به درهم های شما نداریم.^۲

پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود:

به همدیگر مساوات می کنند و تقسیم مساوی می نمایند، پس فقیر غنی می شود و بعضی بر بعضی دیگر برتری جویی نمی کنند.^۳

همچنین فرمود:

(حضرت مهدی علیه السلام می فرماید) بیایید به سوی مالی که به خاطر آن قطع رحم ها کردید و خون ها ریختید

^۱ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸؛ معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۲۲۷.

^۲ الزام الناصب، ص ۲۳۰؛ بشارة الاسلام، ص ۲۵۴.

^۳ سیمای جهان در عصر امام زمان، ج ۲، ص ۴۷۵.

۳۲۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

و محرّمات خدا را مرتکب شدید. پس چیزی (از مال) عطا می دهد که کسی پیش از او عطا نکرده است.^۱

نیز فرمود:

پس دزد می آید و می گوید: به خاطر این (مال) دست هایم بریده شد و قاتل می آید و می گوید: به خاطر این کشتم و قاطع رحم می آید و می گوید: به خاطر این رحمم را قطع نمودم، پس همه را تک تک صدا می زنند که آن مال را بگیرند. هیچ کس چیزی از آن نمی گیرد.^۲

امام حسین علیه السلام می فرماید:

احسان و انفاق کنید، سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید! روزی فرا می رسد که دیگر برای انفاق یک درهم و یا یک دینار (مستحق و) محلی پیدا نشود.^۳

نزول برکات آسمانی

در آخر الزمان و به خصوص در سه سال باقی مانده تا ظهور حضرت، مردم در اثر کمی نزولات آسمانی و در نتیجه کمبود آب و

^۱ منتخب الأثر، ص ۴۳۰.

^۲ بشارة الاسلام، ص ۷۱؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۸۶.

^۳ عقد الدرر، ص ۱۷۱.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۳۲۳

خشکسالی، با مشکلات فراوانی روبرو می شوند که البته کمی باران و یا قطع آن، اثر اعمال انسانهاست و گرنه خداوند مهربان هیچگاه نعمتها را از بندگانش دریغ نمی ورزد. خدا در قرآن می فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛^۱

و اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای) برکات آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم.

یکی از دلایل دریغ نعمت از طرف خدا، پیروی از هواهای نفسانی و انجام گناهان است. در مورد کمی و قطع نزولات آسمانی و زمینی، عدم پرداخت زکات تأثیر زیادی دارد. پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود:

هر گاه زکات پرداخت نشود، زمین برکات خود را از مردم باز می دارد.^۲

امام باقر علیه السلام می فرماید:

اگر زکات پرداخت نشود، برکت از کشاورزی و میوه‌ها

^۱ اغراف / ۹۶.

^۲ سید حسین بروجردی، جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۲.

۳۲۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

و معادن برداشته می شود.^۱

در حدیثی می خوانیم:

اگر توانگران زکات مال خود را نپردازند، خداوند باران

رحمت خود را از مردم باز می دارد.^۲

امام رضا علیه السلام فرمود:

هرگاه زکات پرداخت نشود، چهارپایان می میرند.^۳

بارش باران در غیر موسمش

پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله وسلم» می فرماید:

زمانی بر مردم فرا رسد که خداوند باران را در فصل و

موسمش حرام می گرداند و باران نازل نمی شود و آن را

در غیر موسمش فرو می فرستد.^۴

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

... باران در فصل گرما و تابستان می بارد.^۵

^۱ کافی، ج ۲، ص ۳۷۴.

^۲ جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۳.

^۳ همان، ص ۵۳.

^۴ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۵.

^۵ الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۱۵۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۱.

کمبود باران و خشکسالی

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

... باران ها کم می شود تا جایی که نه زمین بذری را
می رویاند و نه آسمان بارانی می بارد، در این هنگام مهدی
علیه السلام ظهور می کند.^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... زمانی که قائم علیه السلام و اصحابش قیام کنند،
آب بر روی زمین نایاب است و مؤمنان با ناله و زاری از
درگاه الهی، آب طلب می کنند تا آنکه خداوند بر آنان آب
نازل می کند و آنان می نوشند.^۲

خشک شدن دریاچه ها و رودها

پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» می فرماید:

شهرهای مصر بر اثر خشکی رود نیل، ویران می شوند.^۳

در بشارة الاسلام چنین آمده است:

... رودخانه ها خشک می شوند و گرانی و قحطی سه

^۱ الملاحم و الفتن، ص ۱۳۴.

^۲ دلائل الامامة، ص ۲۴۵.

^۳ بشارة الاسلام، ص ۲۸.

ساله به درازا می کشد.^۱

ترسالی وصف ناشدنی بعد از ظهور

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، آسمان نزولات خود را
پیاپی می فرستد و زمین نیز نباتات و گیاهان خود را می رویاند.
ابوسعید خدری گوید که رسول خدا «ص» فرمود:

امت من در زمان مهدی علیه السلام به نعمتی متنعم
گردند که هرگز (هیچ زمانی) آن گونه متنعم نگردیده اند،
آسمان بر آنها پی در پی می بارد و زمین چیزی از گیاهش
را فرو نگذارد، مگر اینکه بیرون آورد.^۲

همچنین فرمود:

در آخر الزمان مهدی علیه السلام خروج می نماید،
خداوند به وسیله ی باران او را سیراب می کند، زمین گیاه
و نبات خود را بیرون می سازد و مال را به طور فراوان
اعطا می نماید، چارپایان زیاد و (مقام) امت بزرگ می گردد.^۳

نیز فرمود:

در دولت او آب زیاد و رودها جاری خواهد شد و زمین

^۱ همان، ص ۹۸.

^۲ عقد الدرر، ص ۱۴۴، معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۲۲۷.

^۳ عقد الدرر، ص ۱۴۴.

خوراکیهای خود را افزون خواهد کرد.^۱

حاکم نیشابوری با سند خود از ابوسعید خدری نقل کرده است که رسول خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» فرمود:

پس خداوند از عثرت من مردی را بر می انگیزد ...
ساکنین آسمان و زمین از او راضی می شوند. زمین از
بذره‌هایش چیزی ذخیره نکند، مگر اینکه همه را بیرون می -
آورد و آسمان از قطراتش چیزی نگه نمی دارد، مگر اینکه
فراوان فرو می ریزد، در میان آنها هفت یا هشت یا نه سال
(از سالهای آن دوران) زندگی می کند. و (در آن روز) از
فراوانی و وسعت روزی که خداوند داده است، زنده‌ها
آرزوی (زنده شدن) مرده‌ها می کنند.^۲

چهار چشمه در مسجد کوفه

امام صادق علیه السلام فرمود: جدم امیر المؤمنین علیه السلام در
وصف مسجد کوفه می فرماید:

در وسط مسجد چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از شیر
و چشمه‌ای از آب برای نوشیدن مؤمنان و چشمه‌ای از

^۱ همان.

^۲ سیمای جهانی در عصر امام زمان، ج ۲، ص ۲۶۲.

آب برای شستشوی مؤمنان وجود دارد.^۱

امام حسین علیه السلام در حدیث طولانی به اصحابش فرمود:

سپس خداوند از مسجد کوفه چشمه ای از روغن و

چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر بیرون می آورد.^۲

افزایش محصولات کشاورزی و نباتات

در عصر حکومت حضرت، زمین نباتات خود را اعم از گیاهان و

درختان و ... می رویاند و حتی زمینهای بایر نیز سرسبز می شوند.

محصولات کشاورزی نیز افزایش می یابد و کشاورزان با فراوانی

محصولات روبرو می گردند. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

پس زمین خوشحالی خود را به سبب عدل ظاهر نماید و

آسمان باران خود را فرو فرستد و درخت میوه ای خود را

افزون دهد و زمین گیاه خود را رشد دهد و برای اهل زمین،

خود را می آرایند و زینت کنند.^۳

امام حسین علیه السلام فرمود:

و البتّه از آسمان به زمین برکت نازل می شود، حتی

شاخه های درخت از کثرت میوه می شکند و میوه های زمستان

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴؛ بیان الائمه، ج ۳، ص ۲۵۶.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱.

^۳ معجم احادیث امام مهدی، ج ۵، ص ۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۵.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۳۲۹

در تابستان و میوه های تابستان در زمستان خورده شود و این است گفته ی خداوند که:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۱

رسول خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» می فرماید:

خوشا به زندگی در آن دوران که مسیح علیه السلام دجال را می کشد؛ زیرا به آسمان اذن بارش و به زمین اجازه رویدن داده می شود. اگر دانه ای بر روی کوه صفا گذارده شود، حتماً خواهد روید^۲ ...

همچنین می فرماید:

زمین همانند نقره ای که پس از جوشش آرام می گیرد، آماده ی کشت می شود و گیاهانش را می رویاند؛ همچنان که در زمان حضرت آدم علیه السلام بود.^۳

نیز می فرماید:

... یک انار چندین نفر را سیر می کند و یک خوشه انگور را چندین نفر می خورند (و سیر می گردند).^۴

^۱ اعراف / ۹۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱.

^۲ شیرویه بن شهردار، فردوس الأخبار، ج ۳، ص ۲۴.

^۳ الملاحم و الفتن، ص ۱۵۲؛ الفتن، ص ۱۶۲.

^۴ الملاحم و الفتن، ص ۱۵۲.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

... کشاورز در آن عصر یک مُدّ کشت می کند و هفتصد
مُدّ محصول به دست می آورد، چنانکه خداوند تعالی فرمود
و هم چنان خداوند این مقدار را بیشتر می کند.^۱

همچنین فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، آسمان بارانش را فرو
می ریزد و زمین گیاهش را می رویاند؛ به گونه ای که یک
زَن از عراق پیاده به شام می رود و در سراسر راه جز بر
سبزی و بوته گام نمی گذارد.^۲

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «مدهامتان»^۳ می فرماید:
بین مکه و مدینه را درختهای خرما به هم متصل می کند.^۴

ظاهر شدن گنجها و معادن زمین

در دوران حکومت حضرت، زمین نیز گنجینه های نهفته خود را
آشکار می کند و آنها را در اختیار حضرت قرار می دهد.

^۱ عقد الدرر، ص ۱۵۹؛ الملاحم و الفتن، ص ۹۷.

^۲ تحف العقول، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ۳۴۵.

^۳ از شدت بر سبزی به سیاهی می ماند. (الرحمن / ۶۵).

^۴ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

و يظهر الله عزوجل له كنوز الأرض و معادنها؛^۱

و خدا عزوجل برای او گنجها و معادن زمین را ظاهر نماید.

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

زمین گنج های خود را ظاهر کند، چنانکه مردم گنج ها

(بدون زحمت استخراج) بر روی زمین ببینند^۲...

۵. برقراری امنیت فراگیر

یکی از نیازهای اساسی بشر، امنیت فراگیر و همه جانبه است. بدون امنیت حتی رفاه زندگی چندان مطلوب نیست. هنگامی زندگی زیباست که همه در کنار یکدیگر به طور مسالمت آمیز و برادر وار زندگی کنند.

نا امنی قبل از ظهور

در آخر الزمان و قبل از ظهور ناامنی، جنگ و کشتار به نهایت حد خود می رسد و بشریت آرزوی امنیت و پایان جنگها را خواهد کرد. پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله وسلم» می فرماید:

به زودی امت ها (پیروان دیگر آیین ها و مکاتب) بر

^۱ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

ضد شما وارد عمل خواهند شد، آن گونه که گرسنگان به ظروف غذا حمله ور می شوند. شخصی گفت: از آن جهت که در آن زمان در اقلیت به سر می بریم، این گونه مورد هجوم قرار خواهیم گرفت؟ پیامبر فرمود: تعداد شما در آن زمان بسیار خواهد بود، ولی چون خس و خاشاک روی سیل خواهید بود، خداوند، مهابت و عظمت شما را از دل دشمنانتان خارج ساخته، بر دلهایتان سستی خواهد افکند. کسی پرسید: ای رسول خدا! این وهن و سستی به علت چیست؟ فرمود: دنیا دوستی و ناخوش داشتن مرگ.^۱

بر اساس این روایت، زهد و رزق و عشق به شهادت دو عامل مهم شجاعت و پیروزی هر مسلمانی است و یاران امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» دارای این ویژگیها هستند و به همین دلیل از شجاعترین افراد زمان خود می باشند. رسول خدا فرمود:

ظهور مهدی علیه السلام هنگامی خواهد بود که دنیا آشفته و پر از هرج و مرج گردد و گروهی به گروه دیگر یورش برند.^۲

در فصل مربوط به سفیانی و شورشش، اقدامات جنگ طلبانه و جنایات هولناکش را بیان کردیم.

^۱ المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۰۱.

^۲ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۵؛ ج ۵۲، ص ۳۸۰.

نا امنی راهها

رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود:

سوگند به آن خدایی که مرا به حق برانگیخت. به راستی مهدی این امت از نسل حسنین علیهما السلام است. هنگامی که جهان را هرج و مرج و نابسامانی فرا گیرد و فتنه ها آشکار گردد، جاده ها و راهها ناامن شود و برخی بر عده ای هجوم برند؛ نه بزرگ بر کوچک ترحم کند و نه کوچک بر بزرگ احترام گذارد؛ در چنین هنگامه ای خداوند، شخصی از نسل این دو را بر می انگیزد تا دژهای گمراهی را فتح کند...

امنیت وصف ناشدنی بعد از ظهور

با قیام قائم علیه السلام و سر کوبی جنگ طلبان و عاملان نا امنی، امنیت کامل بر سراسر جهان حکمفرما می شود و همه انسانها با صلح و آرامش، در کنار هم گذران عمر می کنند. آن امنیت چنان امنیتی است که حتی جانداران و حیوانات وحشی نیز در کنار هم و بدون مزاحمت برای یکدیگر و همچنین برای انسانها، ادامه ی حیات می دهند.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

... تهلك الأشرار، و یبقى الأخیار، و لا یبقى من ینغض

^۱ عقد الدرر، ص ۱۵۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۱۱۶.

أهل البيت عليهم السلام؛

افراد شرور و پست نابود می شوند و افراد نیکوکار
باقی می مانند و از دشمنان اهل بیت عليهم السلام اثری
باقی نمی ماند.^۱

رسول الله «صلى الله عليه و آله وسلم» فرمود:

... زمین را از عدالت پر می کند تا جایی که مردم به
فطرت خویش بازگردند. نه خونی به ناحق ریخته می شود
و نه خوابیده ای را بیدار می کنند.^۲

حضرت علی علیه السلام فرمود:

... و جنگ ها نیز به پایان می رسد^۳

بنا پایان جنگها، بهای اسب و شمشیر نیز به شدت کاهش می یابد؛
چون اسب و شمشیر دو ابزار مهم در جنگها هستند.
رسول خدا «صلى الله عليه و آله و سلم» در خطبه ای درباره دجال
و کشتن شدنش فرمود:

پس از آن بهای یک اسب، چند درهم خواهد بود.^۴

^۱ عقد الدرر، ص ۲۱۱؛ منتخب الأثر، ص ۴۷۴.

^۲ عقد الدرر، ص ۱۵۶؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۷۴؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۱۴.

^۳ الفتن، ص ۱۶۲؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۰۴.

^۴ الملاحم و الفتن، ص ۱۵۲.

همچنین می فرماید:

... نرخ گاو بالا می رود و نرخ اسب ناچیز می شود.^۱

ابن مسعود می گویند:

از نشانه‌های قیامت این است که زن و اسب گران

می‌شود؛ سپس ارزان می‌گردد و تا روز قیامت نرخ آن

گران نمی‌شود.^۲

یکی از عوامل ناامنی، بغض و کینه‌ی انسانها نسبت به یکدیگر است که در اثر آن درگیری ایجاد می‌شود، در حکومت مهدی موعود علیه السلام کینه‌ها از دلها بیرون می‌رود و به جای آن دوستی می‌نشیند.

امنیت راهها

پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» می فرماید:

حکومت مهدی علیه السلام، به گونه‌ای است که دو

زن شبانه حرکت کرده، مسافرت می‌کنند و از بی عدالتی

و ستم هراسی ندارند.^۳

^۱ الفتن، ص ۱۵۹؛ الملاحم و الفتن، ص ۸۲.

^۲ گران بودن زن کنایه از بالا بودن مهریه، مخارج عروسی و زندگی است که متأسفانه امروزه

شاهدیم زندگی بشر به سوی تجملات بیشتر، پیش می‌رود.

گران بودن اسب هم کنایه از شدت جنگها است؛ زیرا در جنگها از اسب استفاده می‌گردد.

^۳ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۳۴۲.

^۴ المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۹.

۳۳۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

همچنین می فرماید:

به یقین خداوند، این امر (دین خود) را به پایان می رساند؛
به گونه ای که شخص سواره در شب از صنعا به حرموت
مسافرت می کند و جز خدا، از کسی ترس ندارد.^۱

امام باقر علیه السلام می فرماید:

به خدا سوگند یاران مهدی آن اندازه می جنگند تا خدا
به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نورزند و تا آنجا که
پیرزنی سالخورده و ناتوان از این سوی جهان به آن سوی
رهسپار شود و کسی متعرض او نشود.^۲

امنیت حیوانات

رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» می فرماید:

هنگامی که عیسی بن مریم از آسمان به زمین آید و
دجال را به قتل رساند... چوپان به گوسفندان خود می گوید:
برای چرا به فلان مکان بروید و در این ساعت بازگردید!
گله ی گوسفندی میان دو کشتزار می شوند؛ ولی هرگز به
خوشه ای از آن تعدی نمی کنند و شاخه ای از آن را با پای

^۱ المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۷۲.

^۲ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۲؛ الغیبه نعمانی، ص ۲۸۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۹؛ بحار الانوار،

ج ۵۲، ص ۳۴۵؛ تنبیح المودّه، ص ۴۲۳.

خود نمی شکنند.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

هرگاه قائم ما قیام کند، آسمان باران های خود را می بارد
و درندگان با چارپایان از در آشتی وارد می شوند و با
انسان ها کاری ندارند تا جایی که زنی از عراق به شام
می رود، بدون اینکه درنده ای او را نگران سازد و یا از
درنده ای بترسد.^۲

ابن عباس می گوید:

حتی در آن عصر، گرگ، گوسفند را نمی دزد و شیر،
گاو را از بین نمی برد و مار به انسان آسیبی نمی رساند و
موش، انبانی را نمی جود و به آن دستبرد نمی زند.^۳

ابو امامه باهلی می گوید: روزی پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله
وسلم» برای ما خطبه خواند و در پایان آن فرمود:

پیشوای مردم در آن روزگار مردی صالح است... در آن
عصر به گوسفند و گاو تعدی نمی شود و کینه ها از سینه ها
زدوده می گردد. افسار را از دهان حیوانات بر می دارند،
کودک دستش را در دهان درنده می گذارد، ولی حیوان

^۱ الملاحم و الفتن، ص ۹۷.

^۲ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۴۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

^۳ بحار الانوار، ج ۱، ص ۶۱؛ بیهقی، سنن، ج ۹، ص ۱۸۰.

آزاری به او نمی‌رساند. بچه حیوان در جلو شیردرنده انداخته می‌شود و به او آسیبی نمی‌رسد و شیر در میان گله شتر، همانند سگ گله و گرگ در میان گوسفندان، مانند سگ گله است.^۱

تیز آن حضرت می‌فرماید:

روزگاری که عیسی بن مریم به زمین فرود آید و دجال را به قتل رساند، مارها و عقرب‌ها آشکارند و به کسی آزاری نمی‌رسانند.^۲

۶. احیای سلامتی، افزایش توان بدنی و بالا رفتن طول عمر

سلامتی یکی از نعمتهای الهی است که تا از دست نرود قدر آن دانسته نمی‌شود. پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله وسلم» می‌فرماید:

نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ : الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ ؛^۳

دو نعمت است که نادیده گرفته می‌شوند: امنیت و

سلامت.

افزایش بیماریها و امراض قبل از ظهور

قبل از ظهور و قیام قائم علیه السلام در اثر عوامل گوناگونی،

^۱ الملاحم و الفتن، ص ۱۵۲.

^۲ همان، ص ۹۷.

^۳ منتخب میزان الحکمه، ص ۵۶۴، ج ۶۱۷۲.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۳۳۹

امراض گوناگونی شیوع می یابد. امروزه شاهدیم که بعضی امراض مانند ایندز به سرعت در حال گسترش است. در روایات از گسترش طاعون در نزدیکی ظهور خیر داده شده است.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

پیش از ظهور قائم علیه السلام دو نوع مرگ فراوان می گردد: مرگ سرخ (در اثر جنگ و درگیری) و مرگ سفید که مرگ سفید، همان گسترش طاعون است.^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:

از نشانه های قیامت و رستاخیز، گسترش بیماری فلج و مرگهای ناگهانی است.^۲

امام کاظم علیه السلام از قول پیامبر می فرماید:

پیدایش مرگ های ناگهانی، جذام و بواسیر، از نشانه های نزدیک شدن قیامت و رستاخیز است.^۳

نابودی امراض و گسترش سلامتی بعد از ظهور

با قیام مهدی موعود علیه السلام، انسانها معنای سلامتی را خواهند فهمید. در آن دوران، امراض از بین می روند و علاوه بر آن، قدرت

^۱ الارشاد، ص ۳۵۹؛ الغیبه نعمانی، ص ۲۷۷؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۲۶۷؛ اخلام الوردی، ص ۴۲۷.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۴۷.

^۳ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳.

^۴ همان، ص ۲۶۹؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳۴۰ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

بدنی مؤمنان افزایش می‌یابد و توان شنوایی، بینایی و گویایی بالا می‌رود.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، خداوند از تمامی

مؤمنان آفت و مرض را می‌برد و نیروی (از دست رفته) را

به او برمی‌گرداند.^۱

همچنین فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خدای عزوجل، بیماری و

بلا را از شیعیان ما دور می‌سازد و قلب‌های شان را همانند

آهن‌های محکم قرار می‌دهد و توان و نیروی هر یک از

آنان را برابر نیروی چهل مرد می‌گرداند و آنان، فرمانروایان

روی زمین و بزرگان آن می‌شوند.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود:

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر به بیماری

دچار باشد، شفا می‌یابد و چنانکه دچار ناتوانی باشد، توانا

و نیرومند می‌گردد.^۳

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

^۲ الغیبه نعمانی، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

^۳ الغیبه نعمانی، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۳۴۱

امام حسین علیه السلام در تشریح رجعت خود بعد از قائم علیه السلام، در شب عاشورا به اصحاب خود فرمود:

و در روی زمین نابینایی و زمین گیری و گرفتاری
باقی نمی ماند، مگر اینکه خداوند بلا را به خاطر ما اهل
بیت علیهم السلام از او بر می دارد^۱...

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

در حکومت مهدی علیه السلام... عمرها طولانی می شود.^۲

رسول خدا «صلی الله علیه و آله وسلم» فرمود:

هنگامی که عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمد و
دجال را کشت و شب، هنگامی که در صبح آن، خورشید از
مغرب طلوع کند تا چهل سال زندگی پربار و آسوده‌ای
خواهید داشت و در این مدت نه کسی می میرد و نه بیماری
می شود.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند قدرت شنوایی و
بینایی شیعیان ما را افزایش می دهد، به گونه ای که از

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱.

^۲ عقد الدرر، ص ۱۵۹.

^۳ الملاحم و الفتن، ص ۹۷.

۳۴۲ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

فاصله یک برید (چهار فرسخ) حضرت با شیعیانش سخن می‌گوید و آنان سخنش را می‌شنوند و حضرت را می‌بینند؛ در حالی که حضرت در جایگاه خودش مستقر است.^۱

^۱ کافی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶.

بخش سوم: تداوم حکومت اهل بیت علیهم السلام

همانطور که قبلاً بیان شد، حکومت مهدی علیه السلام سرآغاز حکومت اهل بیت علیهم السلام است و این حکومتها تا قیامت تداوم دارد. امام سجاد علیه السلام در تائویل آیه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ»^۱ فرمود:

پیامبر و امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام دوباره بر می گردند.^۲

در پایان حکومت مهدی، امام حسین به همراه یارانش بر می گردد و بر پیکر پاک فرزندش که به شهادت رسیده است، نماز می گذارد و او را به خاک می سپارد.

لازم به ذکر است که حضرت عیسی علیه السلام نیز پس از مسالیانی که در حکومت مهدی علیه السلام ایفای نقش می کند، رحلت می نماید.

^۱ قصص / ۸۶.

^۲ تفسیر برهان، ذیل آیه.

رحلت حضرت عیسی (ع)

حضرت عیسی علیه السلام، پس از نزول از آسمان به عنوان وزیر و معاون، به حضرت مهدی علیه السلام در اجرای برنامه های الهی و جهانیش کمک می کند و پس از مدتی رحلت می نماید. مهدی موعود به همراه مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارد. در روایات آمده است که امام، مراسم دفن و نماز را آشکارا و در حضور مردم انجام می دهد، تا درباره اش سخن ناروا نگویند، پیکر پاک آن حضرت در جوار مزار شریف مادرش صدیقه علیها السلام و بتاب روایتی، در جوار پیامبر خدا در مدینه به خاک سپرده می شود. از پیامبر اعظم روایت شده است که فرمود:

در زمان او تمام ملت ها (ادیان) می میرند مگر اسلام و
دجال را هلاک می کند، پس از او چهل سال در زمین می کند،
سپس وفات می کند و مسلمانان بر او نماز خوانند.^۱

شهادت حضرت مهدی (ع)

شهادت از والاترین نیکیها است و شهید دارای بالاترین مقامات
معتوی در نزد خداست.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴

پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» می فرماید:

فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ إِذَا قُتِلَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ^۱

بالا دست هر نیکوکاری، نیکوکار دیگری است تا آنگاه
که در راه خدا شهید شود؛ همینکه در راه خدا شهید
شد، دیگر بالا دست ندارد.

همچنین می فرماید:

هیچ کس نیست که پس از مرگ نزد خداوند از خیر
بهره مند باشد و در عین حال خوش داشته باشد که به دنیا
برگردد، گرچه همه ی دنیا به او داده شود، مگر شهید که
چون فضیلت شهادت را می داند، آرزو می کند برگردد تا
در دنیا کشته شود.^۲

از آنجا که امامان معصوم علیهم السلام، مرکز و اساس و اصل
نیکیها هستند،^۳ مرگشان نیز شهادت در راه خداست. رسول خدا «صلی
الله علیه و آله و سلم» فرمود:

امر خلافت را یازده امام از صلب علی و فاطمه علیهم
السلام مالک خواهند شد، هیچ یک از ما نیست، مگر اینکه

^۱ کافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

^۲ منتخب میزان الحکمه، ص ۳۰۶.

^۳ ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و مأواه. (زیارت جامعه کبیره).

مسموم یا مقتول گردد.^۱

امام مهدی نیز مانند دیگر امامان، با شهادت به سرای باقی می‌شتاید.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که کار به اتمام رسید، مرگ حجت خدا فرا
می‌رسد، پس زنی از بنی تمیم که به نام سعیده است و
مانند مردان ریش و سبیل دارد، سنگ بزرگی را هنگام
عبور امام از پشت به سوی آن حضرت پرتاب می‌کند.^۲

همچنین آمده است:

چون هفتاد سال گذشت، مرگ حجت فرا می‌رسد،
هنگام عبور آن حضرت از راهی، زنی از بنی تمیم که نامش
سعیده است و دارای ریشی مانند ریش مردان است، هاوئی
را از پشت بام بر آن حضرت پرتاب کرده و او را شهید
می‌کند.^۳

رجعت امام حسین (ع) و یارانش

حسین بن علی علیه السلام و یاران باوفایش در اواخر دوران
حکومت مهدی علیه السلام، رجعت می‌نمایند.

^۱ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

^۲ الزام الناصب، ص ۱۹۰؛ یوم الخلاص، ص ۳۴۴.

^۳ الزام الناصب، ص ۱۹۰.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۳۴۷

از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: آیا «رجعت» حق است؟
فرمود: بلی، پرسیده شد اولین کسی که رجعت می کند کیست؟
فرمود:

حسین علیه السلام پشت سر قائم خروج نماید.

گفتم: همه ی مردمان با او خواهند بود؟ فرمود:

نه، بلکه آن گونه که خدای تعالی در کتابش فرموده
است:

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا^۱ روزی که در صور

دمیده شود، گروه گروه می آید. یعنی گروهی بعد از گروهی^۲

رفاعه بن موسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اولین کسی که به دنیا بر می گردد حسین بن علی علیه

السلام و اصحابش و یزید بن معاویه و یارانش هستند؛ پس

آنها را مو به مو به قتل می رساند. سپس امام صادق علیه

السلام آیه ی «ثم رددنا لكم الكره...» را تلاوت کرد.^۳

مراسم تدفین امام مهدی (ع)

از آنجا که جز امام بر امام نماز نگذارد، حسین بن علی علیه السلام

^۱ نیا / ۱۸.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

^۳ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۶.

که رجعت نموده است، بر پیکر فرزندش نماز گزارده و پیکر پاکش را به خاک می سپارد. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ»^۱ فرمود:

مقصود زنده شدن دوباره ی حسین علیه السلام و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان است، در حالی که کلاه خودهای طلایی بر سر دارند، و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین علیه السلام را اطلاع می دهند، تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند. این در حالی است که حضرت حجت در میان مردم است. چون معرفت و ایمان به حضرتش در دلهای مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت می رسد، پس امام حسین علیه السلام متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد، و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده به خاکسپاری نمی کند.^۲

همچنین فرمود:

امام حسین علیه السلام با یارانش که با وی کشته شدند در حالی که هفتاد پیغمبری که با حضرت موسی بن عمران علیه السلام برانگیخته شدند، با اوست، بازگشت می کنند.

^۱ اسراء / ۶۷.

^۲ بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۳.

سیمایی از حکومت مهدی (ع) / ۳۴۹

قائم، انگشتر خود را به امام حسین می‌دهد و چون رحلت کند، امام حسین آن حضرت را غسل داده، کفن می‌کند و حنوط کرده، در قبر می‌گذارد.^۱

حکومت حسین بن علی (ع)

معلی بن خنیس و زید الشحام گویند: شنیدیم امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا نخستین کسی که در «رجعت» بر می‌گردد، حسین بن علی علیه السلام است و چهل سال در زمین می‌ماند تا ابروهایش به چشمانش بریزد.^۲

حکومت رسول خدا (ص) و امیر المؤمنین علی (ع)

در مورد رجعت رسول گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله وسلم» و امیر المؤمنین علیه السلام، روایاتی را آوردیم. در اینجا روایاتی را در مورد حکومت این بزرگواران بیان می‌کنیم: اسدبن اسماعیل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که سؤال کردند از روزی که خداوند در قرآن مقدار او را پنجاه هزار سال یاد کرده است،^۳ فرمود: آن

^۱ محمد باقر مجلسی، مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ص ۱۲۲۰.

^۲ بخار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

^۳ معارج / ۴.

برگشتن رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» است. پس مالکیت (حکومت) او در کربت (برگشت) پنجاه هزار سال خواهد بود و امیر المؤمنین علیه السلام نیز در کربت چهل و چهار هزار سال مالک می شود. (حکومت می کند).^۱

عبدالکریم بن عمرو الخثعمی می گوید که شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود:

و امیر المؤمنین، چهل و چهار هزار سال، مالکیت (حکومت) می کند، تا اینکه از پشت هر مرد از شیعه‌ی علی علیه السلام هزار پسر متولد می شود.^۲

الحمد لله رب العالمین

خدایا! ما را از یاران راستین مولایمان حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء قرار ده.

^۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴.

^۲ بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۴۳.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. تهج البلاغه
۳. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، اثبات الهداة، چاپخانه علمیه، قم.
۴. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن طالب، احتجاج، دار النعمان، نجف اشرف، ۱۳۸۶ ق .
۵. حسین مرعشی، قاضی نور الله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.
۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، دارالمعرفه، بیروت.
۷. شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بصیرتی، قم.
۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الحاوی للفتاوی، دار الکتب

العلميه، بيروت.

٩. يزدي حائري، شيخ علي، الزام الناصب في اثبات الحجة الغائب،

دار النعمان، نجف اشرف، ١٩٧١ م.

١٠. بيهقي، احمد بن الحسين، السنن الكبرى، دارالمعرفة، بيروت.

١١. طبسي، محمد رضا، الشيعة و الرجعة، چاپخانه الآداب، نجف

اشرف، ١٣٨٥ ق.

١٢. اندلسي، ابن عبدربه، العقد الفريد، دار الكتاب عربي، بيروت.

١٣. شيخ طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، الغيبة، نيتوي، تهران.

١٤. نعماني، محمد بن ابراهيم بن جعفر، الغيبة، مؤسسه اعلمي،

بيروت، ١٩٨٣ م.

١٥. مروزي، ابو عبدالله نعيم بن حماد، الفتن، كتابخانه المتحف،

انگلستان.

١٦. بحرائي، سيد هاشم، المحجة فيما نزل في الحجة، مؤسسة

النعمان، بيروت.

١٧. طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، وزارت اوقاف عراق.

١٨. سيد بن طاووس، علي بن موسى، الملاحم و الفتن في ظهور

الغائب المنتظر، مؤسسه الأعلمي، بيروت.

فهرست منابع / ۳۵۳

۱۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن محمد بن نعمان، امالی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین، قم.
۲۰. رضوی، رسول، امام مهدی، چاپ اول، مرکز مدیریت حوزه ی علمیه قم، ۱۳۸۴ ش.
۲۱. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، چاپ بیست و هفتم، صدرا، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، مطبوعاتی هدف، قم.
۲۳. مروجی طبسی، بامداد بشریت، چاپ اول، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. برهان، محمد حسین، برهان قاطع، نشر خرد، نیما، تهران.
۲۵. صادقی، محمد، یشارات عهدین، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. کاظمی، سید مصطفی، بشارة الاسلام فی ظهور صاحب الزمان، مطبعة حیدریه، نجف اشرف، ۱۹۷۶ م.
۲۷. مجلسی، سید محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه اهل البيت.
۲۸. نجفی، محمد مهدی، بیان الاثمه للوقائع الغربیه و الاسرار العجیبه، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۸ ق.

۳۵۴ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

۲۹. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، صدر، تهران.
۳۰. صدر، سید محمد صادق، تاریخ ما بعد الظهور، دار التعارف المطبوعات، بیروت.
۳۱. نجفی، سید شرف الدین علی حسینی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، مدرسه الامام المهدی، قم.
۳۲. حرّانی، ابو محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، مؤسسه الرساله، بیروت.
۳۳. بحرانی، سید هاشم، تفسیر برهان، چاپخانه علمیه، قم.
۳۴. بروجردی، سید ابراهیم، تفسیر جامع، صدر، تهران.
۳۵. سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
۳۶. کوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات، تفسیر فرات الکوفی، داوری، قم.
۳۷. قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، کتابفروشی الهدی، نجف اشرف.
۳۸. جرجانی، حسین بن حسن، تفسیر گازر.
۳۹. طبرسی، حسین بن علی، تفسیر مجمع البیان، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

فهرست منابع / ۳۵۵

۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ بیست و هفتم، دار
الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۴۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ دوازدهم، مرکز فرهنگی
درسهایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۴۲. حویزی، عبد علی بن جمعه عروسی، تفسیر نور الثقلین، چاپخانه
علمیه، قم.

۴۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام فی شرح
المقنعه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.

۴۴. بروجردی، سید حسین، جامع الأحادیث الشیعه، مدینه العلم، قم.

۴۵. مطهری، مرتضی، جهاد، چاپ سیزدهم، صدرا، تهران، ۱۳۸۲ ش.

۴۶. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی، چاپ پنجم،
مؤسسه بوستان، قم، ۱۳۸۵ ش.

۴۷. رحیمیان، محمد رضا، حضور در دولت کریمه، چاپ اول،
خادق، قم، ۱۳۸۳ ش.

۴۸. موسوی، سید محمد مهدی، خلاصه الأخبار، دانشور، تهران، ۱۳۷۵ ق.

۴۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامنة،
کتابفروشی رضی، قم.

۳۵۶ / انقلاب مهدی (عج) از آغاز تا پایان

۵۰. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی

حضرت مهدی، چاپ دوم، پرهیزکار، قم، ۱۳۸۲ش.

۵۱. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ترجمه کتاب یوم الخلاص،

مترجم، علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، ۱۳۷۶ش.

۵۲. گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام، چاپ سوم، دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰ش.

۵۳. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، چاپ دوم، دار الأسوه، تهران،

۱۴۱۶ق.

۵۴. مطهری، مرتضی، مسیری در سیره نبوی، چاپ بیست و پنجم،

صدرا، تهران، ۱۳۸۱ش.

۵۵. امینی گلستانی، محمد، سیمای جهان در عصر امام زمان، چاپ

اول، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۵ش.

۵۶. ساد، مجتبی، شش ماه پایانی، ترجمه ی کتاب الفجر المقدس و

ارهاصات الیوم الموعود، مترجم، محمود مطهری نیا، چاپ دوم،

موعود عصر، تهران، ۱۳۸۳ش.

۵۷. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، صحیح ترمذی، دار احیاء التراث

العربی، بیروت.

۵۸. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، چاپ سوم، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴ ش.

۵۹. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه ی کتاب عصر الظهور، مترجم، مهدی حقی، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۵ ش.

۶۰. مقدسی سلمی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المتظر، عالم الفکر، قاهره.

۶۱. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، علل الشرایع، کتابفروشی حیدریه، نجف اشرف.

۶۲. آخوندی، مصطفی، عمره مفرده، چاپ اول، یاقوت، قم، ۱۳۸۱ ش.

۶۳. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا، توس، قم.

۶۴. دیلمی، ابوشجاع، شیرویه بن شهر دار بن شیرویه، فردوس الأخبار، دار الکتب العلمیه، بیروت.

۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.

۶۶. اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمه فی معرفة الاثمه، دار الکتب الاسلامی، بیروت.

٦٧. شيخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه، كمال

الدين و تمام النعمه، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، قم.

٦٨. متقي هندی، علاء الدين علي، كنز العمال في ستن الاقوال و

الافعال، مؤسسه الرساله، بيروت.

٦٩. مسعودي، علي بن حسين، مروج الذهب، دار الاندلس، بيروت.

٧٠. نوري طبرسي، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت

لاحياء التراث، قم.

٧١. احمد بن حنبل، مسند احمد، دارالفكر، بيروت.

٧٢. طبسي، محمد جواد، جمعي از نويستندگان، معجم احاديث امام

مهدي، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم.

٧٣. خوئي، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات

الرواه، مدينه العلم، قم.

٧٤. اصفهاني، راغب، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقيق، سيد

غلامرضا خسروي حسيني، چاپ دوم، المكتبه المرتضويه لاحياء

الآثار الجعفرية، تهران، ١٣٨١ ش.

٧٥. موسوي، سيد محمد تقی، مكيال المكارم، مؤسسه امام مهدي، قم.

٧٦. مجلسي، محمد باقر، ملاذ الأخيار، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي.

۷۷. صافی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، مکتبه الصدر، قم، ۱۳۷۳ ش.

۷۸. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، تلخیص سید حمید حسینی، ترجمه حمید رضا شیخی، چاپ دوم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۸۴ ش.

۷۹. مجلسی، محمدباقر، مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، آخوندی، تهران، ۸۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۸۴ ش.

۸۱. ثوری طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، مسجد مقدس جمکران، قم.

۸۲. حسینی تفرشی، سید مصطفی، نقد الرجال، موسسه آل البيت، قم.

۸۳. شبلنجی، مؤمن بن حسن، نور الأبصار فی مناقب آل النبی المختار، دار الفکر، بیروت.

۸۴. حیر عاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۸۵. منقری، نصرین مزاحم، وقعه صفین، قم، بصیرتی.

۸۶. رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام

٣٦٠ / انقلاب مهدي (عج) از آغاز تا پايان

زمان، چاپ دوازدهم، نيوج، قم، ١٣٨٣ش .

٨٧. قندوزي حنفي، محمدبن سليمان، ينابيع الموده، اسوه، قم.

٨٨. سليمان، كامل، يوم الخلاص في ظل القائم المهدي، دار الكتاب

الليثاني، بيروت.